



کد محصول
ES1607



آخرین بروزرسانی
۱۹ آبان ۱۴۰۴

درسنامه استخدامی

آتش نشانی

- ✓ شامل مباحث مهم و پرکاربرد به زبان ساده و روان
- ✓ نسخه رایگان شامل ۱۶۸ صفحه (صفحات کمتر و بدون سوال)
- ✓ برای تهیه نسخه اصلی، حاوی ۵۲۲ صفحه به همراه سوالات خودآزمایی، به سایت ایران عرضه مراجعه نمایید.



لینک های مفید آزمون استخدامی آتش نشانی

خرید درسنامه آتش نشانی	سوالات رایگان آتش نشانی با پاسخنامه
خرید سوالات آتش نشانی	خرید درسنامه عمومی
خرید سوالات استخدامی ۱۰ سال اخیر	منابع آزمون
فایل اطلاعات آزمون	اخبار آزمون
شبکه های اجتماعی ایران عرضه (فایل های رایگان + تخفیفات هفتگی + اخبار)	

(برای مشاهده هر بخش روی آن بزنید )

آخرین بروزرسانی ها:

۱۴۰۴/۰۸/۱۹ تالیف مجدد محصول

فهرست مطالب

- ❖ فصل اول: هوش و استعداد (خلاصه) - صفحه ۴
- ❖ فصل دوم: اطلاعات عمومی (خلاصه) - صفحه ۱۵
- ❖ فصل سوم: زبان و ادبیات فارسی (خلاصه) - صفحه ۵۵
- ❖ فصل چهارم: معارف اسلامی (خلاصه) - صفحه ۷۳
- ❖ فصل پنجم: زبان انگلیسی (خلاصه) - صفحه ۱۴۱



❖ فصل اول: هوش و استعداد (خلاصه)

◀ هوش منطقی

درک مطلب

برای بخش درک مطلب، یک یا دو متن چند پاراگرافی به همراه چند سوال مرتبط با متن داده میشود. در اکثر آزمون ها، موضوع متن داده شده با توجه به سازمان استخدامی تعیین و تالیف میشود.

هدف از بخش درک مطلب در سوالات هوش، سنجش توانایی فرد در درک متون، قدرت تجزیه و تحلیل، یافتن اطلاعات خاص و به کار بردن اطلاعات میباشد. در توضیحی دیگر میتوان گفت که سوالات این بخش، توانایی های فرد را در موارد زیر ارزیابی میکنند:

+ تشخیص اطلاعات صریح + برداشت مفاهیم ضمنی + تحلیل ساختار متن

+ نتیجه گیری منطقی + درک هدف نویسنده

<> با توجه به موارد بالا، ماهیت و نوع سوالات در بخش درک مطلب به طور کلی به صورت زیر میباشد:

+ منظور اصلی نویسنده از متن چیست؟ + مناسب ترین عنوان برای متن داده شده کدام میباشد؟

+ جمله داده شده در کدام جایگاه میتواند قرار بگیرد؟ و ...

<> اصولی ترین راهکار برای پاسخ دهی به این دسته از سوالات، مطالعه اصولی و دقیق و تحلیلی متن است. این مطالعه را میتوان در سه گام انجام داد:

+ گام اول: خواندن صورت سوال ها + گام دوم: خواندن دقیق متن + گام سوم: پاسخ به سوالات

* مهمترین نکته در پاسخ دهی به سوالات درک مطلب این است که نتیجه گیری و پاسخ دهی باید بر اساس آنچه در متن داده شده است باشد، خواه این موارد صحیح باشند یا غلط، خواه مورد توافق باور های ذهنی ما باشند یا نه.

<> سوالات درک مطلب به طور کلی به دو دسته سوالات کلی متن و سوالات جزئی متن تقسیم میشوند، که این دسته ها به موارد زیر قابل تقسیم هستند

- سوالات کلی متن:

* یافتن ایده یا پیام اصلی متن * یافتن ساختار کلی متن

* یافتن هدف کلی نویسنده * یافتن موضوع قبل یا بعد از متن

- سوالات جزئی متن

* جزئیات اشاره شده در متن * جزئیات ضمنی در متن

استدلال منطقی:

هدف این دسته از سوالات، سنجش و ارزیابی توانایی فرد در درک و تشخیص ساختار استدلال درست و نادرست میباشد. سوالات استدلالی به دو دسته سوالات تحلیل متنی و سوالات گزاره های منطقی تقسیم بندی میشوند. در این دو دسته متن کوتاهی آورده میشود که برای پاسخ دهی به آنها باید با انواع استدلال آشنایی داشته باشید تا بتوانید از متن نتیجه گیری مطلوب را حاصل کنید.

انواع استدلال عبارتند از: استدلال قیاسی (استنتاجی) - استدلال استقرایی - استدلال تشبیهی

* سوالات منطقی در آزمون ها به حالت های زیر طراحی میشوند:

+ سوال در خصوص تضعیف استدلال + سوال در خصوص تقویت و تحکیم استدلال

+ سوال در خصوص فرضیه پردازی و نتیجه گیری + سوال در خصوص یافتن فرض پنهان

* سوالات تقویت و تضعیف برای هر نوع استدلالی مطرح میشوند اما سوالات نتیجه گیری و یافتن فرض پنهان، اکثراً مبتنی بر استدلال قیاسی بوده و از سایر استدلال ها کمتر استفاده میشود.

- تضعیف استدلال

در این سوالات، پس از ارائه یک متن کوتاه، خواسته میشود تا گزینه ای را که بیش از همه استدلال موجود در متن را تضعیف می کند انتخاب شود. بسته به نوع استدلال، روش های مختلفی برای تضعیف آن وجود دارد، لذا ابتدا باید نوع استدلال موجود را تشخیص داد.

- تقویت استدلال

مشابه تضعیف استدلال، در تقویت استدلال، پس از یک متن کوتاه، خواسته میشود تا گزینه ای را که بیش از همه، استدلال موجود در متن را تقویت میکند، انتخاب شود. روش های مختلفی برای تقویت یک استدلال وجود دارد که از جمله آنها میتوان به آشکار کردن فرض پنهان نویسنده و یا ذکر مثال هایی درباره نتیجه استدلال اشاره کرد.

- نتیجه گیری از استدلال

نتیجه گیری از استدلال فقط باید بر اساس مطالب مطرح شده در متن صورت گیرد و معمولاً نتیجه گیری، بر اساس جملات اول و آخر متن میباشد، لذا باید دقت بیشتری را خرج این جملات کرد.

- یافتن فرض پنهان

فرض پنهان، مقدمه ای است که عملاً در استدلال وجود دارد ولی در متن بدان اشاره ای نشده است. فرض پنهان حلقه واسط بین مقدمات و نتیجه گیری متن میباشد؛ که به توانایی پاسخ دهنده در یافتن آن بستگی دارد. فرض پنهان در واقع جزئی از استدلال متن است و در چارچوب آن قرار دارد و نباید فضای خارج از متن یا باورهای شخصی را در آن دخالت داد.

<< در دسته بندی سوالات استدلال منطقی میتوان به موارد زیر اشاره کرد که هر کدام یک مهارت خاص را در فرد میسنجد:

+ سوال استنتاجی + سوال قیاسی + سوال فرضیه پردازی، نتیجه گیری + سوال روابط علت و معلولی

<< تکنیک های حل مسئله

- تحلیل گام به گام
- رسم نمودار یا جدول
- شناسایی کلمات کلیدی
- آزمایش گزینه ها
- تمرکز بر منطق، نه اطلاعات بیرونی

<< اشتباهات رایج:

- نادیده گرفتن تمام شرایط مسئله: برخی شرایط ممکن است پیچیده یا پنهان باشد. هر شرط نیاز به بررسی دقیق دارد.
- اتکا به حدس: در این دسته از سوالات، هیچگاه نباید بر اساس حدس و گمان اقدام به پاسخ دهی شود.
- اشتباه در تفسیر کلمات کلیدی: نادیده گرفتن اهمیت کلمات کلیدی میتواند فرد را به سمت پاسخ نادرست گمراه کند.
- مدیریت ضعیف زمان: اکثر سوالات میتوانند زمان بر باشند، لذا مدیریت زمان از اهمیت خاصی برخوردار است.

تحلیل منطقی:

تحلیل منطقی بخشی از آزمون هوش و استعداد است که مهارت های استدلالی، تحلیلی و نتیجه گیری فرد را مورد ارزیابی قرار میدهد. این بخش با تمرکز بر فهم روابط پیچیده، شناسایی الگوها و تحلیل شرایط مختلف، توانایی فرد در برخورد با مسائل غیرمعمول را محک میزند.

<< هدف طراحی این دسته از سوالات ارزیابی و بررسی توانایی های فرد در زمینه های زیر میباشد:

- + درک روابط پیچیده + تفکر نظام مند + استنتاج و تعمیم + حل مسائل چندبخشی
- سوالات این بخش مسائلی هستند که نیاز به پیش فرض ذهنی ندارند و برای پاسخ دهی باید سه گام اصلی طی شود:
- + مدل سازی مسئله تعریف شده بر اساس قواعد موجود
- + خلاصه کردن قواعد بر اساس مدل بدست آمده
- + پاسخ به سوالات براساس مدل و قواعد مسئله
- سوالات تحلیل منطقی را میتوان در یک تقسیم بندی کلی به دسته های زیر تقسیم کرد:

- سوالات تحلیلی یا جدول بندی
- سوالات الگویابی و شناسایی توالی
- سوالات شرایط و محدودیت ها
- سوالات ترتیبی
- سوالات ترکیبی

<< تکنیک های حل مسئله

برای حل سوالات تحلیل منطقی، در زیر به معرفی تکنیک های لازم و مناسب میپردازیم که برای بررسی و حل سوالات این بخش، میتوانید از آنها استفاده نمایید:

- خواندن دقیق سوال
- تحلیل گام به گام
- رسم نمودار یا جدول
- شناسایی کلمات کلیدی
- کنترل گزینه ها
- تمرکز بر منطق، نه اطلاعات بیرونی

! توجه: استدلال منطقی روی روابط کلی و ساده تر تمرکز دارد و به استنتاج از اصول عمومی میپردازد و تحلیل منطقی شامل مسائل چندلایه و پیچیده تر است که نیازمند تحلیل دقیق شرایط و داده ها است.

مسائل جدول بندی و ترکیبی

از مهمترین بخش های سوالات تحلیل منطقی، سوالات جدول بندی و مسائل ترکیبی هست. برای حل این نوع مسائل نیازی به هیچ نوع پیش فرضی ذهنی نیست. حل این مسائل را میتوان در طی سه گام انجام داد که این گام ها عبارتند از:

+ مدل سازی مسئله تعریف شده بر اساس قواعد موجود

+ خلاصه کردن قواعد بر اساس مدل به دست آمده

+ پاسخ به سوالات بر اساس مدل و قواعد مسئله

بهترین روش برای مدل سازی مسائل، استفاده از جدول ها و یا شکل ها میباشد. در مسائل، برخی از اطلاعات داده شده ثابت هستند و میتوان با رسم جدول و شکل، آنها را مشخص کرد تا برای پاسخ به هر سوال نیازی به بررسی مجدد کل مسئله برای یافتن آنها نباشد. این اطلاعات ثابت، کلید حل مسائل خواهند بود.

الگویابی منطقی

الگویابی در سوالات هوش مسئله ای مهم است که در انواع مختلفی مشاهده میشود و از انواع آن میتوان به الگو های عددی، الگو های تصویری، الگو های کلامی و ترکیب این سه مورد اشاره کرد.

- الگوی ترکیبی عدد و شکل: این دسته از الگو ها، الگو هایی هستند که اعداد موجود در آنها را نمیتوان دنباله ای از اعداد در نظر گرفت. در این حالت مجموعه ای از اعداد در شکل ها و دسته های مختلف داده میشود که در میان آنها رابطه ای برقرار است و این رابطه در سایر شکل ها و دسته ها نیز صدق میکند.

- الگوی ترکیبی عدد و حرف: در این دسته هر چند نامشخص و مخفی ولی رابطه ای از اعداد نیز در سوالات وجود دارد. در این دسته از سوالات موارد مختلفی همانند تعداد حروف و یا حتی تعداد نقاط باید مورد توجه واقع شود زیرا که هیچ مانعی برای طراح برای استفاده از آنها وجود ندارد.

◀ هوش کلامی

سوالات بخش هوش کلامی در آزمون ها، از قسمت های مختلفی تشکیل شده اند. فارغ از تفاوت های ظاهری که در میان سوالات این دسته وجود دارد، در همه سوالات مفهوم مورد نظر در قالب کلمات و عبارات ذکر گردیده است که از این نظر همگی مشابه هم هستند. سوالات هوش کلامی به طور عمده شامل حالت های زیر میباشد:

+ طبقه بندی کلمات + نسبت کلامی (استدلال کلامی) + طبقه کلمات

+ کلمات متضاد و مترادف + معنی لغات

سوالات این بخش شباهت کمتری به سوالات هوش دارند و بعضی از سوالات مانند معانی لغات یا کلمات متضاد و مترادف و چیزهایی از این نوع، شباهت های زیادی به سوالات ادبیات فارسی آزمون ها دارند.

طبقه بندی کلمات

بخش طبقه بندی کلمات خود به دو دسته تقسیم میشود.

+ یک موضوع بین تمامی گزینه ها به غیر از یک گزینه مشترک است و هدف یافتن گزینه غیرمشترکه
+ کلمه یا عبارت داده شده با گزینه ها ارتباط نزدیکی دارد، اما از نظر منطقی با یکی از گزینه ها، ارتباط بیشتر و نزدیک تری
از نظر طبقه ای یا معنایی دارد.

تناسب لغوی

در این نوع از سوالات رابطه بین کلمات مورد نظر است. معمولاً در متن سوال نوعی رابطه یا نسبت بین دو کلمه مشخص شده و از فرد خواسته میشود که چنین رابطه ای را بین دو کلمه دیگر برقرار کند.

< سوالات این دسته در قالب های متفاوتی طراحی میشوند در زیر به بررسی برخی از آنها میپردازیم:

- در متن سوال سه کلمه یا سه عبارت داده میشود که بین دوتای آنها، یک نوع رابطه وجود دارد که فرد باید ابتدا این رابطه را کشف کند، سپس از میان گزینه ها کلمه ای را انتخاب کند که رابطه مورد نظر را بهتر و بیشتر با کلمه سوم برقرار میکند.
- ارتباط میان دو کلمه یا عبارت در متن سوال داده میشود و در هر گزینه دو کلمه یا عبارت داده میشود که فرد باید ارتباط بین آنها را با ارتباط به دست آمده در صورت سوال مقایسه کند و گزینه ای را که ارتباط مشابهی دارد را انتخاب کند.

از انواع رابطه هایی که میتوان میان واژه ها عبارت ها در این دسته از سوالات دید، میتوان موارد زیر را نام برد:

+ رابطه هدف	+ رابطه علت و معلولی	+ رابطه جزء و کل
+ رابطه جزء و جزء	+ رابطه فعل و مفعول	+ رابطه مترادف و متضاد
+ رابطه مکانی	+ رابطه کار و کارگر	+ رابطه محصول و ماده اولیه
+ رابطه ابزار و اندازه	+ رابطه ابزار و کاربر	+ رابطه ابزار و کاربرد
+ رابطه کمیت و واحد	+ رابطه مترادف یا متضاد	+ رابطه بزرگ و کوچک (والد و اولاد)

هوش ریاضی

هدف بخش هوش ریاضی (کمیتی)، سنجش میزان تسلط داوطلبان بر مفاهیم ریاضی و هوش عددی میباشد. در این بخش سطح سوالات طراحی شده متفاوت است. بخش کمیتی سوالات هوش در مجموع شامل سوالات حل مسئله، سوالات قیاس کمی، کار با داده های آماری و هوش عددی میشود.

نسبت و تناسب

- نسبت: رابطه میان دو کمیت همجنس از نظر اندازه، که مشخص میکند یک کمیت چند برابر دیگری است را نسبت میگویند.
- تناسب: هر گاه دو نسبت باهم برابر باشند، تشکیل یک تناسب میدهند. (برقراری تساوی بین دو نسبت را تناسب میگویند)
از تناسب $\frac{a}{b} = \frac{c}{d}$ میتوان روابط زیر را به دست آورد که کاربرد های فراوانی در ریاضیات دارند:

$\frac{a}{c} = \frac{b}{d}$	$\frac{b}{a} = \frac{d}{c}$	$\frac{d}{b} = \frac{c}{a}$	$\frac{a}{b} = \frac{a \pm c}{b \pm d}$	$\frac{a \pm b}{b} = \frac{c \pm d}{d}$	$\frac{a}{b \pm a} = \frac{c}{d \pm c}$
-----------------------------	-----------------------------	-----------------------------	---	---	---

از انواع تناسب میتوان به مواردی همچون تناسب مستقیم، تناسب معکوس و تناسب مرکب اشاره کرد:

+ تناسب مستقیم: افزایش یا کاهش یکی از نسبت ها باعث افزایش یا کاهش دیگری به همان نسبت میشود.

+ تناسب معکوس: رابطه میان دو نسبت به صورت افزایش/کاهش یا کاهش/افزایش میباشد.

+ تناسب معکوس شکسته: این نوع از تناسب در مسائلی به کار میرود که در آنها یکی از کمیت ها پس از طی دوره ای تغییر میکند.

+ تناسب مرکب: این دسته از تناسب، ترکیبی از دو حالت قبلی میباشد.

میانگین توافقی یا همساز:

میانگین توافقی اعداد مثبتی همچون $x_1, x_2, \dots, x_n$ به صورت زیر تعریف میشود:

$$\frac{1}{\frac{1}{x_1} + \frac{1}{x_2} + \dots + \frac{1}{x_n}}$$

میانگین توافقی در سوالاتی همانند چند شیر و یک حوض، چند نفر و نقاشی اتاق و ... به کار میرود.

درصد (خرید و فروش - سود و زیان - رشد و زوال)

نسبتی که در آن مخرج برابر ۱۰۰ باشد، درصد نامیده میشود. در صورتی که در نسبت دو عدد، مخرج کسر برابر با ۱۰۰ نباشد،

برای بیان آن به صورت درصدی، کافی است که عدد را در ۱۰۰ ضرب کنیم و آن را به صورت درصدی بیان کنیم:

در صورتی که بخواهیم میزان تغییرات یک متغیر را به درصد بیان کنیم، باید که مقدار تغییرات میان دو حالت اولیه و ثانویه

را بر مقدار اولیه تقسیم کنیم و در نهایت آن را در ۱۰۰ ضرب کنیم: $\Delta x = \frac{x_2 - x_1}{x_1} * 100$

یکی از انواع سوالات درصد، بدین گونه میباشد که قیمت اولیه کالایی داده شده و درصد رشد برای آن تعیین میشود و از فرد

قیمت نهایی کالا خواسته میشود. (در این رابطه + نشان دهنده افزایش و - نشان دهنده کاهش میباشد): $a' = (1 \pm t)a$

چنانچه چندین درصد رشد مختلف برای کالایی بیان شود، خواهیم داشت: $(a' = a(1 \pm t)(1 \pm s)(1 \pm r) \times \dots)$

* مسائل درصدی که با حالت هایی مشابه سه حالت نهایی در بالا طراحی میشوند، تحت عنوان مسائل خرید و فروش یا سود

و زیان نیز بیان میشوند.

الگو ها و روابط عددی

در این بخش از سوالات هوش، دسته ای از اعداد داده میشود که در میان اعداد رابطه و الگوی خاصی وجود دارد:

- دنباله هایی که از یک دنباله حسابی یا هندسی پیروی میکنند.

- دنباله هایی که مشابه دسته اول هستند با این تفاوت که خود قدر نسبت، از یک الگوی خاص پیروی میکند.

- دنباله هایی که دو قدر نسبت دارند. به عنوان مثال جمله های فرد و جمله های زوج دارای قدر نسبت های متفاوت هستند.

- دنباله هایی که اکثرا به صورت جمع دو عدد قبلی یا نسبت دو عدد قبلی به دست می آیند (دنباله فیبوناچی).

در سوالات این بخش، داده های کمی یک تحقیق در قالب یک جدول یا نمودار و یا ترکیبی از آنها به عنوان صورت مسئله آورده میشود و از داوطلبان خواسته میشود تا با انجام تحلیل بر روی داده ها، به اطلاعات دقیق تری دست یافته و به سوالات پاسخ دهند

<< در این دسته از سوالات، اطلاعاتی در قالب جدول یا نمودار آماری داده میشود و فرد باید درصد یا مقداری که در پرسش ها خواسته شده را محاسبه نماید. سوالات این بخش را به طور کلی میتوان در سه دسته زیر تقسیم بندی کرد:

+ سوالات مبتنی بر جداول اطلاعاتی + سوالات مبتنی بر نمودار های آماری

+ سوالات مبتنی بر ترکیب جدول و نمودار

* به شاخص های میانگین و میانه و مد، شاخص های مرکزی گفته میشود.

- میانگین: برای به دست آوردن میانگین چندین داده عددی، ابتدا مجموع آنها را به دست میاوریم و سپس مقدار به دست آمده را بر تعداد آنها تقسیم میکنیم.

+ چنانچه عددی همچون a را به داده ها اضافه کنیم میانگین جدید برابر خواهد بود با: $\bar{x} = \frac{x+a}{n+1}$

+ میانگین همواره عددی است بین کوچکترین و بزرگترین داده.

میانه: داده ای که نصف داده ها از آن بزرگتر و نصف دیگر از آن کوچکتر هستند. ابتدا داده ها را صعودی مرتب میکنیم سپس اگر تعداد فرد باشد، داده ای که در وسط قرار میگیرد، و اگر تعداد زوج باشد، میانگین دو داده وسطی برابر مد میباشد. مد: کافی است تعداد داده ها را بشماریم سپس داده ای که بیشترین تعداد را داشته باشد، مد مجموعه خواهد بود.

* میانه و مد نیز در مواجهه با جمع یا ضرب داده ها با عدد ثابت، همانند میانگین رفتار میکند.

آنالیز ترکیبی - اصل جمع: کار به دو روش که روش اول به n طریق و روش دوم به m طریق قابل انجام است صوت میگیرد، اگر دو روش مستقل باشند، برای انجام کار مورد نظر، $m + n$ روش وجود دارد.

- اصل ضرب: کار در دو مرحله که مرحله اول به n روش و مرحله دوم به m روش قابل انجام است صورت میگیرد که این دو مرحله همزمان هستند، آنگاه کار را میتوان به $m \times n$ روش انجام داد.

- جایگشت: تعداد حالت های قرار گرفتن n شی در کنار هم. در حالتی که ترتیب قرارگیری مهم است، تعداد حالت های ممکن برای جایگشت n شی متمایز برابر $n!$ میباشد.

ترتیب (تشکیل صف)		ترکیب (تشکیل گروه)		n تعداد همه اشیا
عدم تکرار	وجود تکرار	عدم تکرار	وجود تکرار	k تعداد انتخاب ها
$P(n, k) = \frac{n!}{(n-k)!}$	n^k	$C(n, k) = \frac{n!}{k!(n-k)!}$	$\frac{(n+k-1)!}{k!(n-k)!}$	نحوه محاسبه

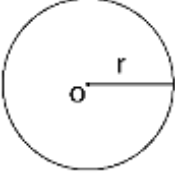
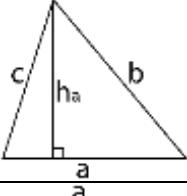
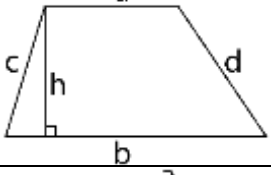
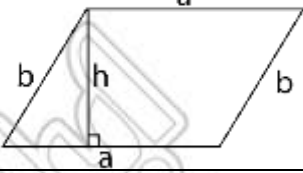
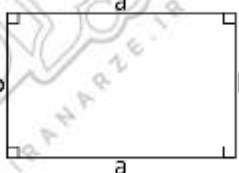
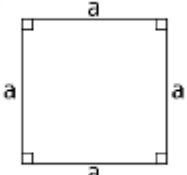
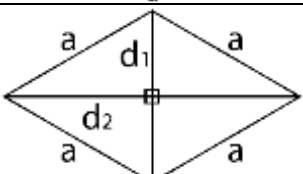
- توان: تعداد دفعات ضرب عدد در خودش. (b را توان nام a گویند و داریم: $b = a^n$).
- ریشه: عکس توان که نامش ریشه بوده و به صورت $b = \sqrt[n]{a}$ نمایش داده میشود. در این حالت a ریشه nام عدد b میباشد.
- ب.م.م: عددی همچون a را ب.م.م یا بزرگترین مقسوم علیه مشترک دو عدد میگوییم هرگاه که دو شرط زیر را داشته باشد:
 - + عدد a مقسوم علیه مشترکی برای دو عدد داده شده باشد. (هر دو عدد بر a بخش پذیر باشند)
 - + عدد a در میان مجموعه مقسوم علیه های مشترک، بزرگترین باشد
- ک.م.م: عددی همچون b را ک.م.م یا کوچکترین مضرب مشترک دو عدد گوئیم هرگاه که دو شرط زیر برای آن برقرار باشد:
 - + عدد a مضرب مشترکی از هر دو عدد داده شده باشد. (عدد a بر هر دو عدد بخش پذیر باشد)
 - + عدد a در میان مجموعه مضرب های مشترک هر دو، کوچکترین عدد باشد
- بخش پذیری: اگر a و b دو عدد صحیح باشند، میگوییم a بر b بخش پذیر (قابل قسمت) است، به شرطی که عددی صحیح مانند c وجود داشته باشد که $a = bc$.
- اتحاد های جبری: تساوی هایی که یک یا چند متغیر دارند و به ازای همه مقادیر متغیرها صدق میکند و برقرار است.

هوش بصری (هندسی)

بخش بصری سوالات هوش آزمون های استخدامی، نسبت به سایر بخش های این سوالات، از اعتبار، فراوانی و سختی نسبتاً بالایی برخوردار هستند. تنوع طراحی در این دسته از سوالات نیز بالا میباشد و دست طراح برای بازی با ذهن داوطلب باز تر از سایر قسمت ها است.

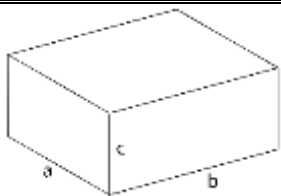
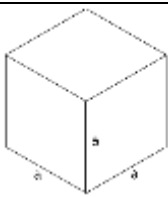
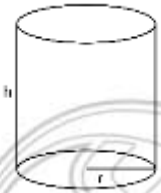
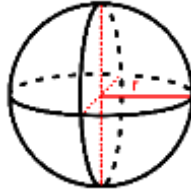
مروری بر اشکال دو بعدی و سه بعدی

- دایره: یک منحنی بسته که شامل نقاطی است که فاصله آنها از یک نقطه معین و ثابت، مقداری ثابت میباشد.
 - مثلث: یک سه ضلعی مسطح بسته که تمامی اضلاع آن خط راست میباشد. مجموع زوایای داخلی تمامی مثلث ها همواره برابر ۱۸۰ درجه میباشد.
 - دوزنقه: چهارضلعی که فقط دو ضلع آن موازی باشد، دوزنقه نامیده میشود.
 - متوازی الاضلاع: چهارضلعی که در آن، اضلاع روبرو موازی و برابر همدیگر باشند. در این چهارضلعی زاویه های مقابل به هم برابر هم بوده و زاویه های مجاور، مکمل یکدیگر میشوند.
 - مستطیل: نوع خاصی از متوازی الاضلاع که در آن تمامی زوایا برابر ۹۰ درجه میباشد.
 - مربع: نوعی دیگر از انواع متوازی الاضلاع که در آن هم تمامی زاویه ها برابر ۹۰ درجه هستند، هم اندازه تمامی اضلاع یکسان میباشد.
 - لوزی: نوعی متوازی الاضلاع که در آن اندازه تمامی اضلاع یکسان میباشد اما زوایای آن حتماً یکسان نیستند.
- << مساحت و محیط اشکال یادآوری شده در جدول زیر مشخص است:

نام	شکل	مساحت	محیط
دایره		$S = \pi r^2$	$P = 2\pi r$
مثلث		$S = \frac{1}{2} \times a \times h_a$	$P = a + b + c$
دوزنقه		$S = \frac{1}{2} \times h \times (a + b)$	$P = a + b + c + d$
متوازی الاضلاع		$S = a \times h$	$P = 2(a + b)$
مستطیل		$S = a \times b$	$P = 2(a + b)$
مربع		$S = a^2$	$P = 4a$
لوزی		$S = \frac{1}{2} d_1 \times d_2$	$P = 4a$

- چند ضلعی منتظم: چند ضلعی است که تمام ضلع های آن باهم و تمام زاویه های آن با یکدیگر هم اندازه هستند. از شناخته شده ترین چندضلعی های منتظم میتوان به مثلث متساوی الاضلاع و مربع اشاره کرد.
- چنانچه یک چندضلعی با n ضلع داشته باشیم، در ارتباط با آن میتوان به موارد زیر اشاره کرد:
 - + تعداد قطر ها برابر $d = \frac{n(n-3)}{2}$ میباشد.
 - + تعداد شعاع و ارتفاع برابر با n میباشد.
- کره: مجموعه نقاطی از فضا گفته میشود که از یک نقطه ثابت در فضا فاصله یکسانی دارند. به نقطه ثابت مرکز کره و فاصله هر نقطه روی سطح کره از مرکز را شعاع کره میگویند.
- مکعب مربع: حجم هندسی محبوس بین ۶ وجه مربعی شکل و یکسان. به هر یک از ضلع های وجه ها، یال و به مکان تماس سه وجه، راس گفته میشود.

- مکعب مستطیل: مکعب مستطیل نیز همانند مکعب مربع میباشد با این تفاوت که وجه های آن مستطیل شکل میباشند.
- استوانه: از دوران یک مربع یا مستطیل به دور یکی از اضلاع آن به دست می آید. دارای دو قاعده یکسان به صورت دایره میباشد.
- مخروط: از دوران یک مثلث قائم الزاویه به دور یکی از اضلاع قائم آن به دست می آید. این حجم فضایی دارای یک قاعده دایره ای شکل میباشد که در مقابل آن یک راس وجود دارد.

فرمول ها	شکل	ویژگی ها	حجم
مساحت کل: $S = 2(ab + bc + ac)$ مساحت جانبی: $S_s = 2(ac + bc)$ حجم: $V = a \times b \times c$		* دارای ۶ وجه مستطیل شکل * دارای ۸ راس و ۱۲ یال	مکعب مستطیل
مساحت کل: $S = 6a^2$ مساحت جانبی: $S_s = 4a^2$ حجم: $V = a^3$		* دارای ۶ وجه مربعی * دارای ۸ راس و ۱۲ یال	مکعب مربع
مساحت کل: $S = 2\pi r^2 + 2\pi rh$ مساحت جانبی: $S_s = 2\pi rh$ حجم: $V = h\pi r^2$		* دارای دو قاعده دایره شکل به قطر r * بدون یال و راس * دارای وجه جانبی یکپارچه مستطیلی	استوانه
مساحت کل: مساحت قاعده + مساحت جانبی حجم: $V = \frac{1}{3}Ah$		* با قاعده n ضلعی منتظم * دارای وجه ها جانبی مثلثی شکل * دارای n+1 راس و 2n یال	هرم
مساحت کل: $S = \pi r(r + \sqrt{r^2 + h^2})$ حجم: $V = \frac{1}{3}\pi r^2 h$		* دارای قاعده دایره شکل * دارای یک راس و یک یال (محل اتصال قاعده به سطح جانبی)	مخروط
مساحت کل: $S = 4\pi r^2$ حجم: $V = \frac{4}{3}\pi r^3$		* دارای قاعده نبوده و محصور بین چند وجه نمیشد	کره

روابط میان شکل ها (نسبت بین شکل ها - ترکیب شکل ها - شباهت شکل ها - الگو های تصویری)

ماهیت، ساختار و نوع کلی سوالات در بخش روابط تصویری را میتوان در حالت های زیر مشاهده کرد:

+ با توجه به تصاویر داده شده، کدام یک میتواند تصویر بعدی باشد؟

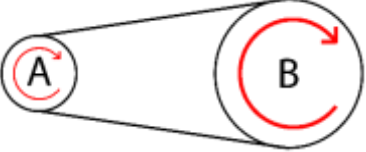
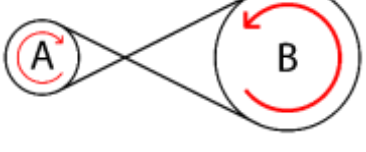
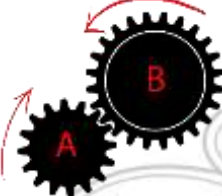
+ در جدول زیر جای خالی را با کدام شکل میتوان تکمیل کرد؟

+ با توجه به ارتباط بین دو شکل اول، کدام گزینه میتواند به جای علامت سوال باشد؟ ...

<< برای پیدا کردن الگویی که میان شکل ها نهفته است باید دید که میان هر تصویر با تصویر بعدی خود چه تفاوت هایی وجود دارد. تفاوت ها میتوانند شامل مواردی همچون اندازه شکل ها (حتی کوچکترین موارد همچون خطوط ساده)، دوران و چرخش شکل ها، قرینه شدن شکل ها، تعداد شکل ها و ... باشند.

چرخش چرخ دنده ها

در برخی مسائل با چرخش چرخ دنده ها و یا تسمه ها مواجه هستیم. برای حل این دسته از مسائل از دوران و قواعد فیزیکی آنها کمک میگیریم. دو چرخ دنده یا دو دیسک که با تسمه به هم وصل شده اند بر روی هم دو نوع تاثیر میگذارند:

		چرخش چرخ یا دیسک در یک جهت منجر به چرخش دیسک یا چرخ دیگر در همان جهت میشود. این حالت هنگامی رخ میدهد که چرخ دنده ها در داخل همدیگر باشند یا اینکه تسمه اتصال دیسک ها خود را قطع نکند	تاثیر مستقیم
		چرخش چرخ یا دیسک در یک جهت منجر به چرخش دیسک یا چرخ دیگر در خلاف جهت دیسک اولیه میشود. این حالت هنگامی رخ میدهد که چرخ دنده ها بیرون هم باشند و یا اینکه تسمه اتصال دیسک ها خود را قطع کند	تاثیر معکوس

حجم های گسترده فضایی

در اینگونه سوالات، گسترده ایی از یک حجم سه بعدی داده میشود فرد باید یکی از شکل های سه بعدی داده شده به عنوان گزینه را مربوط به شکل گسترده میباشد انتخاب کند.

در برخی موارد ممکن است شکل سه بعدی به عنوان سوال و چهار گسترده آن به عنوان پاسخ داده شوند.

شمارش حجم های فضایی

حجمی متشکل از چند مکعب داده میشود و از فرد خواسته میشود که تعداد مکعب های تشکیل دهنده شکل را مشخص کند. شکل های داده شده به دو دسته تقسیم میشوند:

+ دسته اول اشکالی هستند که میتوان با شمارش ابعاد شکل اصلی و کم کردن یا اضافه کردن چند مکعب به آن، پاسخ صحیح را مشخص نمود

+ دسته دوم اشکالی هستند که ابعاد شکل اصلی در آنها مشخص نیست. برای شمارش مکعب های اینگونه شکل ها ابتدا آن را طبقه بندی کرده و سپس مکعب های هر طبقه را جداگانه شمارش میکنیم که مجموع آنها، همان تعداد مکعب های تشکیل دهنده شکل اصلی خواهد بود

❖ فصل دوم: اطلاعات عمومی (خلاصه)

◀ تاریخ ایران باستان

ایران سرزمینی باستانی در غرب آسیاست که از شرق با شبه قاره هند، آسیای مرکزی و چین؛ از غرب با بین النهرین و دنیای مدیترانه؛ از شمال با روسیه و از جنوب با خلیج فارس و شبه جزیره عربستان همسایه است. ایران برای قرن های متمادی بر سر راه دو مسیر اصلی تجارت فراقاره جاده ابریشم در شمال و مرکز ایران و راه ادویه از جنوب آسیا و از طریق خلیج فارس قرار داشت. این موقعیت، ایران را که قرن ها امپراتوری منطقه ای بود، به بستری برای تبادلات فرهنگی و تجاری با همسایگانش تبدیل کرده بود. ایران باستان تمدنی دیرپاست که حداقل به هزاره های سوم و دوم قبل از میلاد میرسد. در ایران باستان امپراتوری ها و پادشاهی های پهناور و قدرتمند ظهور کردند و مزدیسنا (مزدپرستی) رایج بود. دوره امپراتوری های باستان با فتح ایران توسط مسلمانان در قرن هفتم میلادی به پایان رسید. ایران باستان رقبای بزرگی چون یونانی ها، رومی ها و بیزانسی ها داشت. از زمان حمله اعراب مسلمان به ایران تا ظهور صفویان، ایران حکومت سراسری ملی نداشت اما به لحاظ فرهنگی به حیات خود ادامه داد و توانست فرهنگ متمایز خود را حفظ کند. این کشور در قرن ۱۳ میلادی توسط مغول ها فتح شد. از ابتدای قرن ۱۶ که دولت صفوی روی کار آمد، ایران هویت سیاسی مستمری را حفظ کرده است.

- سلسله های پادشاهی ایران باستان: حکومت در ایران باستان توسط دودمان های مختلفی صورت گرفت اما تنها به برخی از آنها عنوان پادشاهی ایران داده شده و علت آن متمرکز نبودن حکومت برخی از این دودمان ها میباشد. در ادامه به بررسی مهمترین دودمان ها، سلسله ها و پادشاهی های حاکم بر ایران میپردازیم:

سلسله	مدت	از ... تا ...	بنیانگذار	پایتخت	حاکمان بزرگ
ایلامی	۲۶۶۱ سال	۳۲۰۰ - ۵۳۹ پ.م	هومبابا	آوان - شوش انشان	---
پادشاهی ماد	۱۵۰ سال	۷۲۸ - ۵۵۰ پ.م	دیاکو	هگمتانه	هووخستره
هخامنشیان	۲۲۰ سال	۵۵۰ - ۳۳۰ پ.م	کوروش کبیر	پاسارگاد - پارسه - شوش - هگمتانه - بابل	کوروش بزرگ - داریوش بزرگ - خشایارشا
اشکانیان	۴۷۱ سال	۲۴۷ پ.م - ۲۲۴ م	ارشک دوم	تیسفون - قوچان - نسا و ...	مهرداد دوم
ساسانیان	۴۲۷ سال	۲۲۴ - ۶۵۱ م	اردشیر بابکان	اصطخر - تیسفون	خسرو انوشیروان - خسرو پرویز - شاپور دوم
غزنویان	۲۱۵ سال	۹۶۳ - ۱۱۷۸ م	سبکتگین	غزنین - لاهور	سلطان محمود خزنوی
سلجوقیان	۱۵۷ سال	۱۰۳۷ - ۱۱۹۴ م	طغرل بیگ	نیشابور - مرو - اصفهان - ری - همدان	ملکشاه اول
خوارزمشاهیان	۱۲۱ سال	۱۰۹۸ - ۱۲۱۹ م	اتسز	گرگانج - سمرقند - غزنین - تبریز	محمد خوارزمشاه
ایلخانان	۱۰۳ سال	۱۲۵۶ - ۱۳۵۳ م	هولاکو خان	مراغه - سلطانیه - تبریز	هلاکو خان

◀ تاریخ جهان باستان

تاریخ باستان یا دوران باستان دوره تاریخی است که از اختراع خط میخی سومری تا فروپاشی امپراتوری روم ادامه دارد و از سال ۳۰۰۰ پیش از میلاد تا سال ۵۰۰ میلادی را در بر میگیرد.

- مهمترین و باستانی ترین کشور ها / تمدن ها که در تاریخ باستان میتوان به آنها اشاره کرد، در ادامه بررسی شده اند:
- بین النهرین (عراق امروزی): تمدنی که آغاز آن به ۴۰۰۰ یا ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد برمیگردد. از تمدن های اولیه حاکم بر این منطقه میتوان به سومر، اکد، بابل و آشور اشاره کرد
 - ایران: کشوری که تمدن آن به ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد میرسد. از ویژگی های این تمدن میتوان به تداوم فرهنگی، زبانی و سیاسی اشاره کرد، این کشور یکی از معدود کشورهایی که نام و هویت تاریخی اش حفظ شده.
 - مصر: تمدن و پادشاهی که قدمت آن حدوداً به ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد میرسد. از ویژگی های این تمدن میتوان به پیوستگی سیاسی طولانی مدت و اتحاد شدید دین و حکومت اشاره کرد.
 - چین: تمدنی که آغاز آن را به ۲۱۰۰ سال قبل از میلاد نسبت میدهند و همانند کشور ایران از ویژگی تداوم زبانی و فرهنگی بسیار قوی برخوردار است. این کشور به صورت پادشاهی های پراکنده اداره میشد.
 - هند (تمدن سند): تمدنی که قدمت آن به حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد میرسد و یکی از سه تمدن آسیایی است که تا به امروز ادامه داشته است.
 - یونان (میسنی و کلاسیک): که قدمت آن را به سال ۱۶۰۰ قبل از میلاد نسبت میدهند. از ویژگی های بارز این تمدن میتوان به فلسفه، دموکراسی و ... اشاره کرد. این دوره با توجه به هنر و ادبیات و خدایان خود دارای آثار مهمی میباشد.
 - روم: دارای سه دوره تاریخی پادشاهی (۷ پادشاه افسانه از رومولوس تا تارکوئینیوس)، جمهوری (سنای روم و کنسول ها) و امپراتوری (امپراتوری مطلق با قدرت نظامی بالا و سرزمین گسترده). وسعت و نفوذ آن در اوج خود از بریتانیا تا بین النهرین و از آلمان امروزی تا صحرای آفریقا بود.

◀ تاریخ معاصر ایران (از صفویه تا به امروز)

از ابتدای قرن شانزدهم که دولت صفوی روی کار آمد، ایران هویت سیاسی مستمری را حفظ کرد. دودمان پهلوی آخرین سلسله پادشاهی ایرانی است که به دست شیعیان ایران و با تشکیل حکومت جمهوری اسلامی با پایان خود مواجه شد. سلسله های پادشاهی در این دوره عبارتند از:

صفویان: حکومت صفویه در سال ۱۵۰۱ میلادی توسط شاه اسماعیل یکم و بر مبنای بینش و ایدئولوژی خاندان صفویان در تبریز بنیان گذاشته شد. اقدام مهم وی رسمی کردن دین شیعه در ایران بود. جنگ چالدران که در آن لشکر صفویه از لشکر عثمانی شکست خورد و تبریز را از دست داد، از جنگهای به نام شاه اسماعیل صفوی بود.

افشاریان: سلسله افشاریان به دست نادرشاه و در مشهد تاسیس شد و حکومت افشاریه نیز بعد از برکناری تهماسب دوم توسط نادرشاه افشار به دلیل بی کفایتی وی صورت گرفت. از مهمترین اتفاقات دوران حکومت نادرشاه افشار، نبرد های وی با هندوستان و تصرفاتی بود که وی در هند داشت.

زندیان: محمدکریم خان، رهبر ایل زند، حاکم اصلی جنوب ایران شد و توانست با شکست دادن محمدحسن خان قاجار تقریباً بر تمام ایران به استثنای خراسان چیره شود، او پادشاهی ظاهری را به شاه اسماعیل سوم صفوی سپرد و برای خود عنوان وکیل الرعایا را برگزید.

قاجاریان: قاجارها از قبایل قزلباش حامی شاه اسماعیل صفوی و ساکن مازندران بودند. بعد از سقوط صفویان قدرت بیشتری گرفتند و سرانجام با نابودی زندیان و افشاریان تحت رهبری آقامحمد خان تمام ایران را یکپارچه کردند. آقامحمد خان پایتخت ایران را از اصفهان به تهران منتقل کرد.

پهلوی: رضاخان از فرماندهان قوای قزاق بود که با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ به قدرت رسید. وی در میان سال های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴، نخست به عنوان وزیر جنگ و سپس نخست وزیر در دوران احمدشاه، ارتشی را ساخت که به ایران وفادار بود. در نهایت در سال ۱۳۰۴ توسط مجلس مؤسسان شاه کشور ایران اعلام شد.

جمهوری اسلامی ایران: جمهوری اسلامی ایران، در پی انقلاب ۱۳۵۷، طی همه پرسی نظام جمهوری اسلامی در روزهای ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ با پرسش «جمهوری اسلامی، آری یا نه؟» با رأی ۹۸/۲ درصدی آری، رسمیت پیدا کرد. نظام جمهوری اسلامی ایران نام حکومت کنونی ایران است که بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر پایه جمهوریت و اسلام گرایی بنا نهاده شده است.

در ادامه به برخی از مشهورترین و مهمترین عهدنامه ها و قراردادهای بین المللی میان ایران و جهانیان اشاره میکنیم. البته در برخی، ایران جزو طرفین قرارداد نبود ولی همچنان تاثیر بالایی بر ایران میگذاشتند.

۱- عهدنامه گلستان (۱۸۱۳)

طرفین	ایران (قاجار) و روسیه تزاری
سلسله	قاجار
موضوع	پایان جنگ اول ایران و روسیه و تعیین مرزهای شمالی
آنچه ایران از دست داد	مناطق بزرگی در قفقاز، شامل گرجستان و بخش هایی از آذربایجان و داغستان
آنچه به دست آورد	هیچ امتیاز مهمی؛ نقطه آغاز از دست دادن مناطق شمالی ایران.

۲- عهدنامه ترکمانچای (۱۸۲۸)

طرفین	ایران (دولت قاجار - فتحعلی شاه) و روسیه تزاری
سلسله	قاجار
موضوع	پایان جنگ دوم ایران و روسیه و تعیین مرزها
آنچه ایران از دست داد	بخش های وسیعی از قفقاز شمالی شامل ارمنستان، آذربایجان و نخجوان؛ حق گمرکات و امتیازات ویژه به روسیه.
آنچه به دست آورد	هیچ دستاورد قابل توجهی نداشت؛ یک قرارداد تحقیرآمیز و ننگین.

۳- کنفرانس تهران (۱۹۴۳)

طرفین	بریتانیا، اتحاد شوروی، ایالات متحده
سلسله	پهلوی

موضوع	بریتانیا، اتحاد شوروی، ایالات متحده
آنچه ایران از دست داد	کنترل سیاسی؛ تصمیم گیری در مورد اشغال، خط آهن سراسری، و لجستیک نیروهای متفقین
آنچه به دست آورد	قول ضمنی برای استقلال و عدم تجزیه (در حد حرف)

◀ تاریخ معاصر جهان

تاریخ معاصر جهان نیز خالی از اتفاقات مهم و پیچیده و تاثیر گذار بر زندگی افراد نیست.

- انقلاب ها: انقلاب به طور کلی به معنی متحول شدن و زیر و رو شدن است. حال چه این تحول در حکومت یک کشور رخ دهد، یا در فرهنگ و یا در اقتصاد و صنعت و در ادامه به برخی از مهمترین انقلاب های جهان معاصر میپردازیم

+ انقلاب فرانسه (۱۷۸۹): نخستین انقلابی که تاریخ معاصر را متحول کرد، انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ بود.

ساختار پیش از انقلاب	سلطنت مطلقه بورژن ها به رهبری لویی شانزدهم
علت ها	بحران اقتصادی، مالیات های سنگین، فقر گسترده، تبعیض طبقاتی، افکار روشنگری
رویدادها	تشکیل مجلس ملی - حمله به زندان باستیل - تصویب اعلامیه حقوق بشر و شهروند - اعدام شاه و ملکه
ساختار بعد از انقلاب	جمهوری (با فراز و نشیب، سپس دیکتاتوری ناپلئون)
پیامدها	پایان نظام اشرافی، گسترش دموکراسی و سکولاریسم در اروپا

+ انقلاب صنعتی (اواخر قرن ۱۸ تا ۱۹):

ساختار پیش از انقلاب	جوامع کشاورزی و فئودالی
علت ها	اختراعات فنی (ماشین بخار، ریسندگی)، رشد سرمایه داری، نیاز به تولید انبوه
رویدادها	تأسیس کارخانه ها - مهاجرت روستاییان به شهرها - ظهور طبقه کارگر صنعتی
ساختار بعد از انقلاب	اقتصاد صنعتی، رشد شهرنشینی، قدرت گیری سرمایه داران
پیامدها	افزایش تولید، استعمار جدید، آغاز نابرابری اقتصادی مدرن

+ انقلاب روسیه (۱۹۱۷):

ساختار پیش از انقلاب	سلطنت مطلقه تزار نیکلای دوم
علت ها	شکست در جنگ جهانی اول، فقر، سرکوب، نارضایتی کارگران و دهقانان
رویدادها	انقلاب فوریه (سقوط تزار، تشکیل دولت موقت)، انقلاب اکتبر (قدرت گیری بلشویک ها به رهبری لنین)
ساختار بعد از انقلاب	جمهوری سوسیالیستی شوروی (اتحاد جماهیر شوروی)
پیامدها	نخستین حکومت کمونیستی جهان، آغاز جنگ داخلی روسیه

+ انقلاب چین (۱۹۴۹):

ساختار پیش از انقلاب	جمهوری ملی گرا به رهبری چیانگ کای شک (کومینتانگ)
علت ها	فساد دولت، فقر، حمایت روستاییان از کمونیست ها، شکست در جنگ با ژاپن
رویدادها	جنگ داخلی میان کمونیست ها و ملی گرایان، فرار کومینتانگ به تایوان
ساختار بعد از انقلاب	تأسیس جمهوری خلق چین به رهبری مائو تسه تونگ
پیامدها	اصلاحات ارضی، انقلاب فرهنگی، قدرت گیری چین در بلوک شرق

- جنگ های معاصر: مهمترین جنگ های معاصر که بر تمام دنیا اثر گذاشت و کمتر کشوری از گزند آن ها در امان ماند، جنگ های جهانی اول و دوم بودند. جنگ مهم دیگری که بعد از این دو و بین دو ابر قدرت صورت گرفت نیز در اینجا مطرح و بررسی خواهد شد

+ جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ - ۱۹۱۸):

علت ها	ملی گرایی، رقابت های استعماری، تشکیل اتحادهای نظامی، ترور ولیعهد اتریش در سارایوو
شروع جنگ	حمله اتریش-مجارستان به صربستان در پی برآورده نشدن درخواست های آن در ضرب العجل تعیین شده
طرفین	متفقین (فرانسه، بریتانیا، روسیه (بعداً آمریکا، ایتالیا و ژاپن))، متحدین (آلمان، اتریش-مجارستان، عثمانی، بلغارستان)
رویدادهای مهم	نبرد وردن، جنگ سنگرها، انقلاب روسیه
نتیجه	شکست متحدین، معاهده ورسای، تجزیه عثمانی و اتریش-مجارستان
پیامدها	زایش کمونیسم، زمینه سازی برای جنگ جهانی دوم

+ جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹ - ۱۹۴۵):

علت ها	ظهور فاشیسم و نازیسم، ضعف جامعه ملل، معاهده ورسای، توسعه طلبی آلمان
شروع جنگ	حمله آلمان به لهستان (سپتامبر ۱۹۳۹)
طرفین	متفقین (آمریکا، بریتانیا، شوروی، فرانسه (آزاد)، چین)، محور (آلمان نازی، ایتالیا فاشیست، ژاپن)
رویدادهای مهم	نبرد استالینگراد، پرل هاربر، حمله نورماندی، بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی
نتیجه	شکست نیروهای محور، تسلیم بی قید و شرط آلمان و ژاپن
پیامدها	تأسیس سازمان ملل، آغاز جنگ سرد، اشغال آلمان، تقسیم دنیا به دو بلوک

+ جنگ سرد (۱۹۴۵-۱۹۹۱):

علت ها	رقابت ایدئولوژیک آمریکا (لیبرال-سرمایه داری) و شوروی (کمونیستی)
ویژگی ها	عدم درگیری مستقیم - جنگ های نیابتی (کره، ویتنام، افغانستان) - رقابت فضایی و تسلیحاتی
رویدادهای مهم	بحران موشکی کوبا - ساخت و سقوط دیوار برلین - مسابقه تسلیحات هسته ای
نتیجه	فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱
پیامدها	سلطه جهانی آمریکا، کاهش نفوذ کمونیسم

- رهبران و چهره های مشهور قرن بیستم: در ادامه لیستی از رهبران و چهره های مشهور دوره معاصر جهان به همراه فعالیت های آنان ایجاد شده است:

- + ناپلئون بناپارت (فرانسه): نابغه نظامی و رهبر سیاسی که پس از انقلاب فرانسه قدرت را در دست گرفت.
- + آدولف هیتلر (آلمان نازی): رهبر حزب نازی که در دهه ۱۹۳۰ به قدرت رسید و جنگ جهانی دوم را آغاز کرد.
- + ژوزف استالین (شوروی): رهبر اتحاد جماهیر شوروی از ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۳. او کشور را به قدرتی نظامی و صنعتی تبدیل کرد.
- + وینستون چرچیل (بریتانیا): نخست وزیر بریتانیا در دوران جنگ جهانی دوم که به عنوان نماد مقاومت در برابر آلمان نازی شناخته میشود.

- + فرانکلین روزولت (آمریکا): رئیس جمهور آمریکا طی بحران اقتصادی بزرگ و جنگ جهانی دوم.
- + مائو تسه تونگ (چین): رهبر انقلاب کمونیستی چین و بنیان گذار جمهوری خلق چین در ۱۹۴۹ بود.
- + ملکه الیزابت دوم (بریتانیا): ملکه بریتانیا با طولانی ترین دوره سلطنت در تاریخ بریتانیا (۱۹۵۲ تا ۲۰۲۲).

◀ اطلاعات عمومی سیاسی

◀ ساختار سیاسی و سیاست های ایران (از دیرباز تا ابتدای پهلوی)

ساختار سیاسی ایران از آغاز تمدن های باستانی تا پایان دوره قاجار، دستخوش تحولات بزرگی بوده اما چند عنصر تقریباً ثابت در آن دیده میشود: تمرکز قدرت در نهاد سلطنت، نقش تعیین کننده دین در مشروعیت حاکمیت و اهمیت دستگاه اداری، دیوان سالاری، در بقای حکومت ها.

- در دوره ایلامی ها و مادها، ساختار قدرت ترکیبی از قدرت قبیله ای و شاه محور بود. پادشاهان نقش مذهبی هم داشتند.
- با تأسیس شاهنشاهی هخامنشی توسط کوروش بزرگ، ایران برای نخستین بار صاحب یک امپراتوری فراسرزمینی و متمرکز شد. هخامنشیان ساختاری سیاسی ایجاد کردند که بر پایه شاهنشاه، ساتراپ ها (استانداران) و دستگاه دیوانی منظم اداره میشد.

- با سقوط هخامنشیان، مقدونیان و سلوکیان که اولین سلسله های غیر ایرانی حاکم بر ایران بودند، ساختار سیاسی یونانی-هلنیستی را وارد ایران کردند، اما نتوانستند به طور کامل نظم اداری بومی ایران را جایگزین کنند.
- دولت اشکانی (پارت ها) یکی از متفاوت ترین ساختارهای سیاسی را در ایران ارائه داد. این ساختار بیشتر ملوک الطوایفی و فئودالی بود.

- با ظهور ساسانیان، بازگشت به الگوی حکومت متمرکز هخامنشیان اتفاق افتاد. ساسانیان، دولت بسیار منظم با دیوان سالاری پیچیده، نظام طبقاتی سفت و سخت و اتحاد تنگاتنگ با دین زرتشتی ایجاد کردند.
- با ورود اسلام و خلافت های اموی و عباسی، ایران از نظر سیاسی به بخشی از امپراتوری اسلامی تبدیل شد. حکومت مرکزی در مدینه، دمشق و بغداد مستقر بود و ایران بیشتر تابع سیاست های خلیفه بود.
- در دوره سلجوقیان، ساختار سیاسی به نوعی بین «سلطان» (قدرت اجرایی) و «خلیفه» (قدرت معنوی و مشروعیت بخش) تقسیم شد.

- حمله مغول در قرن ۱۳ میلادی، تمام ساختارهای قبلی را در هم ریخت. در دوره ایلخانان، اگرچه مغول ها در ابتدا بیرون از ساختار سیاسی بومی بودند، اما به مرور جذب نظام دیوانی ایران شدند و اسلام آوردند.

- در قرن ۱۶، با روی کار آمدن صفویان، ساختار سیاسی دوباره متمرکز شد. شاه اسماعیل اول با اعلام تشیع اثناعشری به عنوان مذهب رسمی، نوعی اتحاد ایدئولوژیک بین حاکمیت و مذهب ایجاد کرد.

- پس از صفویان، دوره های کوتاه مدت و اغلب نظامی (افشاریان، زندیه) رقم خورد.

- در قرن ۱۹، با ظهور قاجاریان، ایران وارد دوره ای از سلطنت مطلقه ضعیف، نفوذ خارجی و دیوان سالاری نیمه فاسد شد.

- در پایان دوران قاجار، با وقوع انقلاب مشروطه، برای نخستین بار ایران صاحب قانون اساسی، مجلس و نهادهای مدرن حکمرانی شد، اما به دلیل مقاومت درباریان و دخالت خارجی ها، این ساختارها هرگز کامل نهادینه نشدند.

◀ ساختار سیاسی و سیاست های کشور های جهان

- در طول تاریخ، تمدن های جهان ساختارهای سیاسی گوناگونی را تجربه کرده اند؛ از حکومت های الهی و پادشاهی مطلق گرفته تا نظام های جمهوری، دموکراسی های مدرن و دیکتاتوری های قرن بیستم. سیر تحولات سیاسی جهان نشان میدهد که با گذر زمان، نقش مردم در قدرت، شکل حکومت ها، و ابزارهای مشروعیت، همواره در حال تغییر بوده اند.
- در دنیای باستان، بسیاری از حکومت ها بر پایه اقتدار دینی و سلطنت موروثی بنا شده بودند. در مصر باستان، فرعون نه تنها رهبر سیاسی، بلکه خدای زنده محسوب میشد.
 - در بین النهرین، علی الخصوص در بابل و آشور، ساختار قدرت سلطنتی همراه با نهادهای دیوانی و مذهبی شکل گرفت.
 - در تمدن چین، از دودمان شیا و ژو تا هان و تانگ، مفهوم "فرمان آسمانی" مبنای مشروعیت امپراتور بود. ساختار سیاسی همواره سلسله مراتبی و متمرکز، با دستگاه بوروکراسی دقیق و کارآمد بود.
 - تمدن یونان باستان اما نقطه عطفی در تاریخ سیاسی جهان به شمار میرود. برای نخستین بار، مفهوم دموکراسی مستقیم در شهر آتن پدید آمد، جایی که شهروندان آزاد (مردان آتنی) در اداره امور کشور نقش مستقیم ایفا میکردند.
 - در امپراتوری روم، ابتدا یک جمهوری با مجلس سنا، مجامع مردمی و کنسول ها شکل گرفت، اما در نهایت، با قدرت گیری ژولیوس سزار و پس از او آگوستوس، روم به امپراتوری متمرکز تبدیل شد.
 - پس از سقوط روم غربی و آغاز قرون وسطی، اروپا وارد مرحله ای از نظام فئودالی شد. در این دوره، قدرت میان پادشاهان، اشراف، کلیسا و نظامیان تقسیم شد.
 - در قرون وسطی، کلیسا یکی از اصلی ترین منابع مشروعیت سیاسی بود. تاج گذاری پادشاهان توسط پاپ انجام میشد و قانون کلیسایی (Canon Law) بر زندگی مردم سلطه داشت.
 - در قرن ۱۵ و ۱۶، با ظهور دولت های ملی در اروپا (مثل فرانسه، اسپانیا، انگلستان)، تمرکز قدرت دوباره به پادشاهان بازگشت. دوره پادشاهی مطلقه آغاز شد که در آن شاه یا ملکه دارای قدرت کامل بود و نهادهای مشورتی مثل مجلس، نقش بسیار کم رنگی داشتند.
 - نقطه عطف بزرگ بعدی، انقلاب فرانسه در ۱۷۸۹ بود. این انقلاب ساختار سلطنت مطلقه را سرنگون کرد، جمهوری را بنیان گذاشت و مفاهیمی مثل حاکمیت مردم، حقوق بشر، برابری در برابر قانون و قانون اساسی را وارد سیاست جهان کرد.
 - در قرن ۱۹، به ویژه با انقلاب صنعتی، ساختار سیاسی در بسیاری کشورها پیچیده تر شد. طبقه متوسط و کارگران شهری به بازیگران جدید سیاسی تبدیل شدند.
 - در ابتدای قرن بیستم، دو انقلاب مهم ساختار سیاسی دو کشور بزرگ را متحول کرد: انقلاب روسیه (۱۹۱۷) با سقوط تزار و ایجاد نخستین حکومت کمونیستی جهان به رهبری بلشویک ها و انقلاب چین (۱۹۴۹) با پیروزی حزب کمونیست بر ملی گرایان و تشکیل جمهوری خلق چین.
 - در فاصله دو جنگ جهانی و پس از آن، جهان با ظهور دیکتاتوری های فاشیستی در آلمان، ایتالیا و اسپانیا روبه رو شد.

- پس از جنگ جهانی دوم، با تشکیل سازمان ملل، گسترش دموکراسی، و فروپاشی استعمار، ساختار سیاسی در بسیاری از کشورهای آسیایی و آفریقایی نیز تغییر کرد. جنبش های استقلال طلب، دیکتاتوری های استعماری را کنار زدند، اما بسیاری از این کشورها وارد دوران دیکتاتوری های داخلی شدند (مانند عراق، لیبی، مصر).

- از دهه ۱۹۹۰ به بعد، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، موج جدیدی از گذار به دموکراسی و بازار آزاد در کشورهای اروپای شرقی و آسیای مرکزی آغاز شد.

- در قرن بیست و یکم، کشورهای غربی بیشتر بر الگوی دموکراسی لیبرال (انتخابات آزاد، مطبوعات مستقل، تفکیک قوا) استوار هستند، در حالی که کشورهای شرق آسیا مثل چین، روسیه و برخی کشورهای خاورمیانه الگوی اقتدارگرایی پایدار را پیش گرفته اند.

◀ واژه نامه مفهومی اصطلاحات سیاسی پرکاربرد در ایران و جهان

در ادامه این فصل به بررسی برخی از مهمترین و پرکاربردترین واژه ها در جهان سیاست میپردازیم.

- اصطلاحات عمومی سیاسی:

- + حاکمیت (Sovereignty): مفهوم حاکمیت به بالاترین و نهایی ترین قدرت تصمیم گیری درون یک کشور اشاره دارد.
- + نظام سیاسی: نظام سیاسی به شکل کلی و ساختار کلی اداره یک کشور گفته میشود، مانند جمهوری، سلطنتی، دیکتاتوری.
- + دولت: دولت نهادی اجرایی است که وظیفه مدیریت کشور را در سطح اجرایی و اداری بر عهده دارد.
- + حکومت: مجموعه ای از نهادها و ساختارهای حاکم بر یک کشور.
- + دموکراسی: حکومتی که بر پایه رأی مردم اداره میشود.

- اصطلاحات مرتبط با ساختار قدرت

- + قانون اساسی: مهم ترین سند حقوقی یک کشور است که ساختار قدرت، حقوق و آزادی های شهروندان، و وظایف نهادهای حکومتی را مشخص میکند. قانون اساسی مبنای مشروعیت نظام است.

+ پارلمان / مجلس: نهاد قانون گذاری کشور که نمایندگان آن معمولاً از طریق رأی مردم انتخاب میشوند.

+ شورای نگهبان (در ایران): نهادی متشکل از فقها و حقوقدانان که وظیفه تطبیق قوانین با شرع و قانون اساسی و تأیید صلاحیت نامزدهای انتخابات را دارد.

+ رهبری (در ایران): بالاترین مقام نظام جمهوری اسلامی که مسئولیت تعیین سیاست های کلان، فرماندهی نیروهای مسلح، و نظارت بر سایر قوا را دارد.

+ وزارتخانه: بخش های تخصصی دولت که هرکدام در یک حوزه مانند بهداشت، آموزش، نفت یا دفاع فعالیت میکنند.

+ نخست وزیر / رئیس جمهور: در نظام های پارلمانی، نخست وزیر مقام اجرایی اصلی است و توسط مجلس انتخاب میشود.

- اصطلاحات سیاسی بین المللی

+ دیپلماسی: مجموعه فعالیت ها و فنون سیاسی برای مدیریت روابط میان کشورها، از طریق مذاکره و توافق ها.

- + تحریم: مجازات اقتصادی یا سیاسی علیه یک کشور برای وادار کردن آن به تغییر رفتار.
- + قطعنامه: بیانیه رسمی نهادهایی مانند سازمان ملل که میتواند الزام آور (در شورای امنیت) یا غیرالزام آور (در مجمع عمومی) باشد.
- + استعمار: فرایند سلطه سیاسی، اقتصادی یا نظامی یک کشور بر کشور یا سرزمینی دیگر، اغلب در قرون ۱۸ و ۱۹.
- گرایش های سیاسی و ایدئولوژی ها
- + چپ گرا: طرفدار عدالت اقتصادی، مالیات بر ثروتمندان، دولت رفاه و حمایت از اقشار ضعیف.
- + راست گرا: معتقد به بازار آزاد، مالکیت خصوصی، نقش محدود دولت، حفظ سنت ها و نهاد خانواده.
- + لیبرالیسم: تفکر سیاسی که آزادی فردی، حقوق بشر، آزادی مطبوعات و اقتصاد آزاد را پایه توسعه میداند.
- + سوسیالیسم: تفکری که خواهان عدالت اجتماعی و اقتصادی، دخالت دولت در توزیع ثروت.
- + کمونیسم: نظامی که خواهان حذف مالکیت خصوصی، طبقات اجتماعی و استقرار جامعه ای بی طبقه است.
- + فاشیسم: ایده ای تمامیت خواه، ملی گرای افراطی، ضددموکراتیک و نظامی محور.
- + پوپولیسم: سیاستی که ادعای نمایندگی مستقیم مردم را دارد و اغلب از احساسات، دشمن سازی بهره میبرد.
- + اصلاح طلبی: گرایشی که خواهان بهبود و تغییر ساختارهای سیاسی در چارچوب قانون موجود است.
- + انقلاب گرایی: دیدگاهی که تغییر بنیادین نظام سیاسی را تنها از مسیر انقلاب و براندازی امکان پذیر میداند.
- اصطلاحات رایج در سیاست داخلی ایران
- + جمهوری اسلامی: ساختار سیاسی ایران از ۱۳۵۸ تاکنون است. ترکیبی از جمهوریت (رأی مردم) و اسلامیت (ولایت فقیه).
- + ولایت فقیه: اصل حاکمیت فقیه عادل و آگاه بر جامعه در زمان غیبت امام معصوم.
- + شورای نگهبان: ۶ فقیه و ۶ حقوقدان که وظیفه تطبیق قوانین با شرع و قانون اساسی و تأیید نامزد انتخابات را دارند.
- + مجلس خبرگان رهبری: نهادی متشکل از علمای منتخب مردم که وظیفه انتخاب و نظارت بر رهبر را دارد.
- انواع حکومت ها (از منظر ساختار قدرت و نقش مردم): به طور کلی، حکومت ها به چند نوع اصلی تقسیم میشوند
- + سلطنت (پادشاهی): در این نوع حکومت، قدرت سیاسی در دست یک شخص به عنوان پادشاه یا ملکه قرار دارد که معمولاً این جایگاه به صورت موروثی منتقل میشود.
- + جمهوری: جمهوری نوعی حکومت است که در آن رأس قدرت از طریق رأی مردم تعیین میشود و معمولاً زمان و شرایط فعالیت حاکمان محدود است.
- + دیکتاتوری (اقتدارگرایی): در دیکتاتوری ها، قدرت در دست یک فرد یا گروه محدود است که به مردم پاسخ گو نیستند.
- + تئوکراسی (حکومت دینی): در تئوکراسی، قدرت سیاسی، مشروعیت خود را از دین میگیرد.
- ساختار مشارکت مردمی در حکومت ها: شکل های اصلی مشارکت عبارت اند از:
- + انتخابات: رایج ترین شکل مشارکت. مردم با رأی خود در تعیین مسئولان، قانون گذاران و ... شرکت میکنند.

- + احزاب سیاسی: احزاب وسیله ای برای سازمان دهی افکار عمومی و رقابت در قدرت اند.
- + نهادهای مدنی و صنفی: سازمان های غیردولتی، اتحادیه ها، انجمن های صنفی و فرهنگی به مردم امکان میدهند بدون حضور در ساختار رسمی قدرت، بر سیاست ها تأثیر بگذارند.
- + اعتراضات و تجمعات: حق تجمع و اعتراض صلح آمیز، ابزار فشار سیاسی مستقیم مردم بر ساختار قدرت است.
- انواع مجالس و پارلمان ها: در اغلب کشورها، قانون گذاری توسط نهادهایی به نام مجلس یا پارلمان انجام میشود. ساختار این نهادها بسته به نوع حکومت و درجه تمرکز قدرت متفاوت است.
- + مجلس تک مجلسی (Unicameral): تنها یک مجلس قانون گذار دارد که تمام وظایف قانون گذاری را انجام میدهد.
- + مجلس دو مجلسی (Bicameral): این نوع از حکومت ها دارای دو مجلس میباشند:
- # مجلس اول (پایین دستی): نماینده مستقیم مردم که با رأی گیری عمومی انتخاب میشوند.
- # مجلس دوم (بالادستی): نماینده نخبگان، ایالات یا طبقات خاص؛ ممکن است انتصابی یا انتخابی باشد.
- این مدل با هدف کنترل و بررسی دقیق تر قوانین ایجاد شده. از کشور هایی که از این سیستم استفاده میکنند میتوان به موارد زیر اشاره کرد:
- # آمریکا: سنا (ایالتی، ۲ نفر از هر ایالت)، مجلس نمایندگان (بر اساس جمعیت ایالت ها)
- # بریتانیا: مجلس عوام (منتخب مردم)، مجلس لرد ها (غیرمنتخب و مشورتی)
- # فرانسه: مجلس ملی و مجلس سنا
- + پارلمان های نمایشی: در دیکتاتوری ها و رژیم های اقتدارگرا، گاهی مجلس وجود دارد اما نقش آن صرفاً تزئینی و تشریفاتی است. اعضا از قبل تعیین شده اند یا انتخابات غیررقابتی برگزار میشود.

◀ اطلاعات عمومی ایران

◀ حکومت قاجاریه و وقایع سیاسی داخلی و خارجی

- دوره قاجاریه (۱۱۷۴-۱۳۰۴ شمسی) یکی از مهم ترین و پرچالش ترین دوره های تاریخ سیاسی ایران به شمار میرود. در این دوران، ایران از یک دولت پادشاهی مطلق سنتی، وارد مرحله ای از تحولات نوین سیاسی، قانونی و اجتماعی شد که زمینه ساز فروپاشی سلطنت قاجار و شکل گیری نظام جدید شد. دوره قاجار، همچنین با نفوذ فزاینده قدرت های خارجی، امتیازدهی و تجزیه سرزمینی همراه بود.
- انقلاب مشروطه (۱۲۸۵): در واکنش به بی عدالتی، استبداد، فساد و امتیازدهی، مردم ایران با ائتلاف روحانیون، بازرگانان، روشنفکران و طبقه متوسط شهری، جنبش مشروطه را آغاز کردند. مهمترین خواسته آنها تاسیس «عدالت خانه» (دادگستری) و سپس محدود کردن قدرت شاه از طریق قانون و مجلس بود.

اما مشروطه با مقاومت شدید محمدعلی شاه قاجار و حمایت روسیه، وارد مرحله سرکوب و جنگ داخلی شد. مجلس به توپ بسته شد (۱۲۸۷)، فعالان مشروطه تبعید یا اعدام شدند. اما نیروهای مشروطه خواه در تبریز به رهبری ستارخان (سالار ملی و کدخدای محله امیرخیز) و باقرخان (سالار ملی و کدخدای محله خیابان)، در گیلان به رهبری بی‌پیرم خان و در اصفهان به رهبری ضرغام السلطنه دست به مقاومت زدند و نهایتاً در سال ۱۲۸۸ تهران را فتح کردند و محمدعلی شاه را از سلطنت خلع کردند.

◀ انقلاب اسلامی و رژیم شاهنشاهی پهلوی

با پایان سلطنت قاجار در سال ۱۳۰۴، ایران وارد دوره ای تازه از تمرکز قدرت، مدرنیزاسیون از بالا و اقتدار دولتی شد. سلسله پهلوی به رهبری رضاشاه و پس از او محمدرضاشاه، نقش مهمی در تحول ساختار اداری، اقتصادی و بین المللی ایران ایفا کرد. اما در کنار آن، سرکوب سیاسی، وابستگی خارجی، فساد گسترده و بی توجهی به خواسته های مردم و نخبگان، زمینه ساز شکل گیری انقلابی فراگیر شد که در نهایت سلطنت را سرنگون کرد.

- تأسیس حکومت پهلوی (۱۳۰۴): در پی کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ به رهبری رضاخان و سیدضیاء، عملاً سلطنت قاجار تضعیف شد. با نفوذ ارتش و حمایت انگلیس، در سال ۱۳۰۴، مجلس مؤسسان احمدشاه را از سلطنت خلع کرد و رضاخان پهلوی به عنوان شاه جدید معرفی شد. این رخداد در حقیقت اولین انتقال سلطنت با توجیه قانونی اما تحت فشار نظامی بود.

- سرکوب سیاسی و نظامی: از نیمه دوم دهه ۴۰ و به ویژه در دهه ۵۰، رژیم پهلوی با افزایش مخالفت ها مواجه شد. ساواک به عنوان بازوی امنیتی حکومت جلسات مذهبی، فرهنگی، و سیاسی را کنترل میکرد، مخالفان را شکنجه و حذف میکرد و نفوذ گسترده ای در دانشگاه ها، مطبوعات و احزاب داشت. در مقابل، گروه های مسلح چپ گرا و اسلام گرا نیز وارد فاز مبارزه مسلحانه شدند؛ از جمله مجاهدین خلق، فداییان خلق و گروه های مارکسیستی دیگر.

- انقلاب اسلامی و سقوط سلطنت: با تشدید نارضایتی عمومی، گسترش فعالیت های روحانیت و گروه های سیاسی و افزایش فشار اقتصادی، جنبش مردمی علیه رژیم پهلوی از سال ۱۳۵۶ آغاز و در سال ۱۳۵۷ به اوج رسید. از عوامل اصلی این انقلاب میتوان به فساد شدید اقتصادی دربار، نابرابری اجتماعی، سرکوب شدید سیاسی، وابستگی به آمریکا، بی اعتنائی به خواست های دینی و ملی اشاره کرد. در نهایت، در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، سلطنت پهلوی سقوط کرد و جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی تأسیس شد.

در زیر سیر وقایع تاریخی که منجر به انقلاب ۱۳۵۷ و سرنگونی رژیم شاهنشاهی پهلوی شد ذکر شده اند:

۱. اشغال ایران در جنگ جهانی دوم (۱۳۲۰)

۲. ملی شدن صنعت نفت (۱۳۲۹) و کودتای ۲۸ مرداد (۱۳۳۲)

۳. تبعید آیت الله خمینی و واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

۴. تشدید سانسور و سرکوب سیاسی (دهه ۴۰ و ۵۰)

۵. ایجاد حزب رستاخیز (۱۳۵۳)

۶. رشد نابرابری اقتصادی با وجود درآمد نفتی (دهه ۵۰)

۷. تأثیر افکار انقلابی و مذهبی

۸. مقاله توهین آمیز علیه امام خمینی (۱۹ دی ۱۳۵۶)

۹. اعتصابات سراسری و فلج شدن حکومت (تابستان و پاییز ۱۳۵۷)

۱۰. فرار شاه (۲۶ دی ۱۳۵۷) و سقوط رژیم (۲۲ بهمن ۱۳۵۷)

◀ وقایع ایران در حکومت جمهوری اسلامی

پس از تاسیس نظام جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸، کشور وارد مرحله ای کاملاً نو از حیات سیاسی شد؛ مرحله ای که با نظامی نوظهور، ایدئولوژی دینی، ساختارهای تازه تأسیس و چالش های سیاسی-امنیتی-اقتصادی داخلی و بین المللی همراه بود. در این بخش مهمترین وقایع جمهوری اسلامی از آغاز تا امروز بررسی میشود.

- محورهای اساسی وقایع جمهوری اسلامی به صورت زیر میباشند:

- + تثبیت قدرت ولایت فقیه و ساختارهای نهادینه
- + تنش مستمر با آمریکا و اسرائیل
- + چالش مشروعیت مردمی و کاهش مشارکت سیاسی
- + تحریم اقتصادی و آثار اجتماعی-معیشتی
- + شکل گیری دوره ای اعتراضات و جنبش های مدنی
- + نوسان بین سیاست خارجی تهاجمی و تعامل محور
- دوره بندی وقایع جمهوری اسلامی از آغاز آن به تاریخ ۱۳۵۷ تا به امروز در زیر به صورت لیست وار ارائه شده است:
- ۱۳۵۸: رفراندوم جمهوری اسلامی در فروردین ماه، تصویب قانون اساسی
- ۱۳۵۸: تسخیر سفارت آمریکا و آغاز دشمنی واشنگتن و تهران
- ۱۳۵۹: اجرای عملیات پنجه عقاب در صحرای طبس توسط آمریکا برای آزادسازی گروگان های تسخیر سفارت
- ۱۳۵۹: آغاز جنگ ایران و عراق به مدت ۸ سال (هشت سال دفاع مقدس)
- ۱۳۶۰: انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی، ترور محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر (رئیس جمهور و نخست وزیر)

دهه ۶۰: پاکسازی های سیاسی، محاکمه گروه های مخالف، تثبیت ساختارهای انقلابی

۱۳۶۷: پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ هشت سال دفاع مقدس

۱۳۶۸: رحلت امام خمینی و آغاز رهبری آیت الله خامنه ای

دهه ۱۳۷۰: سازندگی و بازسازی پس از جنگ، فعالیت دولت هاشمی رفسنجانی با شعار سازندگی، رشد زیرساخت ها،

آزادسازی اقتصادی، حذف گروه های چپ اسلامی و تمرکز بر نظم و امنیت

+ دهه ۱۳۸۰: اصلاحات سیاسی و جنبش دانشجویی، فعالیت دولت خاتمی با شعار جامعه مدنی و گفت و گوی تمدن ها،

افزایش مطبوعات آزاد، گشایش سیاسی، اصلاحات حقوقی

۱۳۷۸: اعتراضات گسترده دانشجویان در کوی دانشگاه تهران

دهه ۹۰-۱۳۸۰: بازگشت اقتدارگرایی و بحران های هسته ای، ورود پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل، تحریم های فلج کننده علیه ایران و تورم و رکود اقتصادی

+ دهه ۱۳۹۰: مذاکرات هسته ای، فعالیت دولت روحانی و دستیابی به توافقات برجام در ۲۰۱۵، لغو موقت تحریم ها
۲۰۱۸: خروج آمریکا از توافق برجام و بازگشت تحریم های اعمال شده توسط غرب

◀ هشت سال دفاع مقدس

در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) با تهاجم رژیم بعثی عراق به ریاست جمهوری صدام حسین به خاک ایران، جنگ مان ایران و عراق به طور رسمی آغاز گردید. این جنگ به بهانه مردود دانستن توافق الجزایر و تصور رژیم بعث از ضعف دولت ایران در شرایط ابتدای انقلاب اسلامی روی داد و تجزیه و اشغال ایران به ویژه خوزستان و مقابله با انقلاب اسلامی از اهداف اصلی رژیم حاکم عراقی در تهاجم به ایران بود. این جنگ به طور رسمی در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ با برقراری آتش بس به اتمام رسید. سازمان ملل در حدود یک سال بعد و به تاریخ ۱۸ آذر ۱۳۷۰ (۹ دسامبر ۱۹۹۱)، رسماً عراق را به عنوان متجاوز جنگ معرفی کرد.

رژیم عراق در ۳۱ شهریور از زمین و هوا و دریا به ایران حمله کرد. در حملات هوایی عراق ۱۹۲ فروند هواپیمای جنگنده به مراکز نظامی و فرودگاه های چندین شهر از جمله پالایشگاه و فرودگاه مهرآباد تهران حمله کردند. سیدعلی خامنه ای که نماینده امام خمینی در شورای عالی دفاع و نیز امام جمعه تهران بود، با خواندن اطلاعیه ای در تلویزیون مردم را در جریان تجاوز عراق قرار داد. تهاجم نیروی زمینی عراق به ایران در سه محور شمالی، میانی و جنوبی صورت گرفت. سپاه یکم عراق از محور کردستان و آذربایجان غربی حمله کرد و ارتفاعات مشرف بر شهرهای مریوان، بانه، پیرانشهر، سردشت و پاره را به اشغال خود درآورد. سپاه دوم عراق از سمت کرمانشاه و ایلام وارد ایران شد و در نهایت سپاه سوم که نیمی از ارتش عراق را تشکیل میداد از خوزستان وارد کشور گردید که در نتیجه آن، در همان روزهای نخست، بخش هایی از پنج استان مرزی کشور (خوزستان، ایلام، کرمانشاه، آذربایجان غربی و کردستان) و ده تا پانزده هزار کیلومتر مربع از سرزمین ایران به اشغال عراق درآمد.

از جمله عملیات های نیروهای مدافع ایرانی میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

نام عملیات	رمز عملیات	تاریخ	نیروهای درگیر	محل عملیات	نتیجه عملیات
کمان ۹۹	-	۱۳۵۹/۷/۱	نیروی هوایی ارتش	پایگاه های هوایی و تاسیسات و زیرساخت های مختلف عراق	پیروزی ایران و دستیابی به برتری هوایی کامل در سال های آغازین جنگ
مرورید	-	۱۳۵۹/۹/۷	نیروی دریایی ارتش	بخش هایی از خلیج فارس و عراق	انهدام سکوها البکر و الامیه و حدود ۸۰ درصد نیروی دریایی عراق، تخریب و مسدود شدن بندر فاو و تخریب پدافند عراق

انهدام بیش از ۴۸ فروند هواپیما و بالگرد و زمین گیر کردن ۲۰ فروند دیگر و تخریب ۳ آشپانه بزرگ و ۲ سامانه راداری و ...	پایگاه های سه گانه اچ-۳	نیروی هوایی ارتش	۱۳۶۰/۱/۱۵	-	اچ-۳ (H-3)
آزادسازی خرمشهر، منطقه هویزه، پادگان حمید و همچنین آزادسازی ۵۰۳۸ کیلومترمربع از مناطق اشغال شده. عقب نشینی گسترده نیروهای عراق از استان خوزستان	خرمشهر - هویزه	ارتش + سپاه	۱۳۶۱/۲/۱۰	یا علی ابن ابی طالب	بیت المقدس
تصرف شهر فاو، راس البیشه، جاده فاو تا بصره و قطع دسترسی عراق به خلیج فارس، گسترده ترین استفاده از سلاح های شیمیایی در طول جنگ از جانب ارتش عراق، تصویب قطعنامه ۵۸۲ شورای امنیت	شبه جزیره فاو	سپاه	۱۳۶۴/۱۱/۲۰	یا فاطمه الزهرا	والفجر ۸
تصویب قطعنامه ۵۹۸، پیشروی ۱۲ کیلومتری به سمت بصره و تصرف ۱۱ قرارگاه ارتش عراق، آزادسازی ۱۵۰ کیلومتر از مساحت ایران، آزادسازی ۴ پاسگاه مرزی ایران و تصرف دریاچه بوبیان، انهدام ۸۱ تیپ و گردان مستقل ارتش عراق	شرق بصره	ارتش + سپاه	۱۳۶۵/۱۰/۱۹	یا زهرا	کربلای ۵
آخرین عملیات نظامی ایران بود که از جانب فرماندهان به عنوان آخرین ضربه به ارتش عراق در جهت پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ شناخته میشود.	حلبچه، سلیمانیه	سپاه	۱۳۶۶/۱۲/۲۴	یا رسول الله	والفجر ۱۰
شکست کامل عملیات فروغ جاویدان و عقب راندن نیروهای مهاجم به پشت مرزهای بین المللی، کشتن ۲۰۰۰ تن و دستگیری ۲۵۰ تن از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران،	استان کرمانشاه	ارتش + سپاه	۱۳۶۷/۵/۴	یا صاحب الزمان	مرصاد

- قطعنامه ۵۹۸: پس از چندین قطعنامه ای که توسط شورای امنیت بین الملل صادر شده بود و بنابر دلایلی همچون عدم رسمیت شناختن مرزها و شناخته نشدن عراق به عنوان مهاجم، اکثرا از طرف ایران رد میشدند. در قطعنامه ۵۹۸، برای اولین بار به جای واژه «وضعیت»، از واژه «منازعه» استفاده شد. در این قطعنامه که دیگر حالت توصیه و ارشاد قطعنامه های سابق را نداشت و بیشتر به حالت دستوری و قاطعانه بود، وحدت نظر میان هر ۵ عضو شورای امنیت صورت گرفته بود. در پی این قطعنامه و پس از ۱۱ سال از آغاز حمله عراق به ایران، عراق به عنوان متجاوز شناخته شد.

حضرت امام خمینی (ره) قطعنامه ۵۹۸ را بنابر دلایل زیر به مصلحت ایران تشخیص داده و پذیرفتند:

- + شرایط نامساعد بین المللی (عراق با پذیرش قطعنامه های پیشین، خود را کشوری صلح طلب و ایران را کشوری آتش افروز نشان میداد)
- + فضای جدید و پیچیده در منطقه با حضور بی سابقه نیروهای آمریکایی و متحدینش در خلیج فارس (سقوط هواپیمای مسافربری در پی شلیک موشک از ناو آمریکایی)

+ استفاده وسیع از سلاح های شیمیایی توسط عراق هم در جبهه های جنگ و هم در مناطق غیرنظامی

+ شرایط نامساعد اقتصادی ایران در پی فرسایشی شدن جنگ

- نتایج جنگ برای ایران:

+ ۲۲۵,۵۷۰ کشته (شامل ۹۰ مسیحی ۱۱ یهودی و ۳۲ زرتشتی)

+ ۵۷۴,۱۰۱ معلول جنگی شامل حدود ۶۷ هزار مجروح شیمیایی

+ ۶۲۷ میلیارد دلار هزینه جنگ و ۶۴۴ میلیارد دلار خسارت وارده.

+ بمب های عمل نکرده در تالاب های هورالعظیم، هورالهویزه و دریاچه زریوار مریوان

+ از بین رفتن ۷۳۵ تانک ۳۹۷ هواپیمای جنگنده و ۳۵۴ هلیکوپتر

◀ ساختار سیاسی و تقسیمات کشوری ایران

ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران، بر پایه قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸ و اصلاح شده در سال ۱۳۶۸، ترکیبی از مفهوم اسلامی ولایت فقیه و مردم سالاری انتخاباتی است. این ساختار هم نهادهای دینی-نظارتی دارد، هم نهادهای انتخابی-اجرایی.

- ارکان اصلی حکومت جمهوری اسلامی: حکومت جمهوری اسلامی از چهار رکن تشکیل میشود. رکن اصلی آن رهبری و با تکیه بر اصل ولایت فقیه میباشد. سه رکن حکومتی دیگر عبارتند از قوه مقننه (قانونگذاران)، قوه مجریه (اجرا کنندگان) و قوه قضائیه (قضات کنندگان). قوه مقننه در حکومت ایران از دو رکن مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تشکیل شده و قوه مجریه در جمهوری اسلامی، معادل با دولت منتخب جمهوری اسلامی میباشد.

+ رهبری: بالاترین مقام کشور میباشد که توسط مجلسی با عنوان مجلس خبرگان رهبری انتخاب میشود. از اختیارات و وظایف رهبری میتوان به تعیین سیاست های کلی، فرماندهی کل قوا، عزل و نصب رؤسای قوا، تعیین رئیس قوه قضاییه، فقهای شورای نگهبان و ... اشاره کرد.

+ مجلس شورای اسلامی: یکی از دو رکن قوه مقننه میباشد، برای اولین بار در سال ۱۳۵۹ و با تعداد ۳۲۷ نفر کار خود را آغاز کرد. آخرین دوره مجلس شورای اسلامی تا به سال ۱۴۰۴ معادل با دوازدهمین دوره میباشد.

+ قوه مجریه (دولت): قوه مجریه جمهوری اسلامی ایران بخشی از ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران است که بدنه اصلی اجرایی حکومت به حساب می آید. رئیس جمهور هر ۴ سال یک بار با رای مستقیم مردم انتخاب میشود.

+ قوه قضائیه: قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران، قوه ای مستقل است که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت در ایران است. رئیس قوه قضائیه توسط رهبر جمهوری اسلامی ایران به مدت ۵ سال به این سمت منصوب میشود

+ شورای نگهبان: شورای نگهبان یک شورای انتصابی و دومین رکن از قوه مقننه جمهوری اسلامی میباشد که مطابق با قانون اساسی، دارای ۱۲ عضو است.

براساس آخرین وضع تقسیمات کشوری در پایان سال ۱۴۰۱، کشور ایران از ۳۱ استان، ۴۷۶ شهرستان، ۱۱۷۰ بخش، ۱۴۳۱ شهر، ۲۷۳۶ دهستان و ۴۱ فرمانداری ویژه تشکیل یافته است که در لیست به معرفی آنها میپردازیم:

◀ ساختار نظامی ایران از دیرباز تا امروز

نیروی نظامی ایران در طول تاریخ، نه تنها عامل دفاعی در برابر دشمنان خارجی بوده، بلکه در بسیاری از دوره ها، به عنوان ابزاری برای تثبیت قدرت داخلی و مهار یا سرکوب نیروهای مخالف عمل کرده است. از ارتش شاهنشاهی هخامنشی تا ارتش پهلوی و از آن جا تا شکل گیری سپاه مقدس پاسداران انقلاب اسلامی، ساختار نظامی کشور همواره بازتابی از نظام سیاسی حاکم و ابزار اجرای اراده حاکمیت بوده است.

- ساختار نظامی جمهوری اسلامی ایران: پس از انقلاب اسلامی، ارتش شاهنشاهی در ابتدا با خطر انحلال مواجه شد، اما رهبر انقلاب، امام خمینی، حفظ آن را لازم دانست. در عین حال، نظام جدید به دلیل بی اعتمادی به بدنه ارتش، اقدام به تأسیس یک نیروی موازی کرد. این نیروی موازی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نام گرفت. از این رو میتوان گفت که ایران دارای دو نیروی نظامی اصلی و رسمی است: ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. ساختار نهایی نیروهای نظامی در ایران بدین صورت میباشد

+ فرمانده کل قوا: فرمانده کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران که به اختصار فرمانده کل قوا نامیده میشود.
+ ستاد کل نیروهای مسلح: ستاد کل نیروهای مسلح، بالاترین مرجع نظامی در مجموعه نیروهای مسلح ایران محسوب میشود. این ستاد وظیفه سیاست گذاری، نظارت و کنترل کلیه نیروهای مسلح ایران را برعهده دارد.

+ ارتش جمهوری اسلامی ایران: ارتش جمهوری اسلامی ایران، ارتشی از نوع منظم محسوب میشود که پیکره اصلی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را تشکیل میدهد.

+ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شاخه ای از نیروهای مسلح ایران است که پس از انقلاب ۱۳۵۷ به دستور سید روح الله خمینی، رهبر جمهوری اسلامی، در ۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ تأسیس شد. در حالی که ارتش ایران از مرزهای ایران دفاع و نظم داخلی را حفظ میکند، بنابر قانون اساسی ایران، سپاه پاسداران برای پاسداری از نظام سیاسی جمهوری اسلامی کشور در نظر گرفته شده است.

+ وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران: وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران یکی از وزارت خانه های دولت ایران است که مسئولیت برنامه ریزی، هماهنگی، پشتیبانی و گسترش توان دفاعی نیروهای مسلح ایران را برعهده دارد.

+ فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران: فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (اختصاری فراجا) شاخه ای از نیروهای مسلح ایران است که وظایف پلیس و مرزبانی را در کشور برعهده دارد.

◀ شهدای نامدار ایران (قبل از انقلاب، انقلاب، دفاع مقدس، هسته ای)

ایران سرزمین مردان و زنانی است که برای اعتقاد، وطن، عدالت و آزادی جان خود را فدا کرده اند. شهدای ایران در مقاطع مختلف تاریخ، از دوران حکومت های استبدادی تا جنگ تحمیلی و مبارزه با تروریسم، نماد ایثار و مقاومت بوده اند. در ادامه، برخی از برجسته ترین شهدای ایران را در ادوار مختلف بررسی میکنیم.

- شهدای مبارزه با استبداد پهلوی:

شهدای ۱۷ شهریور (۱۳۵۷): کشتار مردم تهران در میدان ژاله (شهدا) توسط ارتش شاهنشاهی. نقطه عطفی در مسیر پیروزی انقلاب اسلامی.
شهید سید مصطفی خمینی (۱۳۰۹ - ۱۳۵۶): فرزند امام خمینی، فقیه و مبارز انقلابی. مرگ مشکوک در نجف، گفته میشود توسط ساواک انجام شد.
- شهدای دفاع مقدس (جنگ تحمیلی ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷): جنگ ایران و عراق طولانی ترین جنگ قرن بیستم بود که بیش از ۲۰۰ هزار شهید برجای گذاشت. بسیاری از آن ها فرماندهان و رزمندگان بزرگی بودند که با ایثارگری، ایران را از اشغال نجات دادند.

+ فرماندهان شهید جنگ تحمیلی:

شهید علی صیاد شیرازی (۱۳۲۳ - ۱۳۷۸): سومین فرمانده نیروی زمینی ارتش و از فرماندهان جنگ ایران و عراق بود.
شهید حسن آبهناسان (۱۳۱۵ - ۱۳۶۴): سرهنگ تکاور ارتش ایران که در خلال جنگ ایران و عراق، در مهر ۱۳۶۴ و در جریان عملیات قادر شهید شد.
شهید جواد فکوری (۱۳۱۷ - ۱۳۶۰): سرهنگ خلبان اف-۴ فانتوم ۲ در نیروی هوایی ایران و همچنین فرمانده نیروی هوایی و وزیر دفاع در کابینه محمدعلی رجایی بود.

- شهدای ترور و مدافعان امنیت ملی:

+ شهدای ترور (منافقین و دشمنان ایران)

شهید آیت الله سید محمد بهشتی (۱۳۰۷ - ۱۳۶۰): رئیس دیوان عالی کشور که در انفجار حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.
شهید محمدعلی رجایی (۱۳۱۲ - ۱۳۶۰): دومین رئیس جمهور ایران که در دفتر نخست وزیری و توسط گروهک منافقین ترور شدند.
شهید محمدجواد باهنر (۱۳۱۲ - ۱۳۶۰): دومین نخست وزیر ایران که همراه شهید رجایی در دفتر نخست وزیری ترور شدند.
شهید محسن فخری زاده (۱۳۴۰ - ۱۳۹۹): دانشمند هسته ای و از محققان برجسته برنامه های علمی و دفاعی ایران. توسط موساد در تهران ترور شد.
- شهدای حادثه سقوط بالگرد رئیس جمهور ایران (۱۴۰۳): در ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳، بالگرد حامل آیت الله سید ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور ایران، در مسیر بازگشت از سفر رسمی به جمهوری آذربایجان، در منطقه ورزقان استان آذربایجان شرقی سقوط کرد. این حادثه تلخ منجر به شهادت رئیس جمهور و همراهان وی از جمله امام جمعه تبریز شد. افرادی که در این سانحه به مقام شهادت نائل شدند عبارتند از:

+ آیت الله سید ابراهیم رئیسی (رئیس جمهور ایران): متولد ۱۳۳۹ در شهر مشهد که هشتمین رئیس جمهور ایران (۱۴۰۰-۱۴۰۳) و پیش از آن رئیس قوه قضائیه کشور بودند

+ حجت الاسلام والمسلمین سید محمدعلی آل هاشم (نماینده ولی فقیه در آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز): متولد ۱۳۴۱ در شهر تبریز؛ ایشان در مقام امام جمعه تبریز و نماینده ولی فقیه در استان آذربایجان شرقی بودند.

+ دکتر حسین امیرعبداللهیان (وزیر امور خارجه ایران): متولد ۱۳۴۳ در شهر دامغان که عهده دار وزارت امور خارجه از سال ۱۴۰۰ بودند و معاونت وزیر خارجه در دوران علی اکبر صالحی، دستیاری ویژه رئیس مجلس در امور بین الملل را نیز در کارنامه سوابق خود دارند.

+ مهندس مالک رحمتی (استاندار آذربایجان شرقی): متولد ۱۳۵۲ در شهر مراغه از استان آذربایجان غربی بودند و سمت استانداری آذربایجان شرقی را از سال ۱۴۰۲ بر عهده داشتند. از سوابق ایشان میتوان به معاونت بنیاد مستضعفان و مدیرکل اقتصادی آستان قدس رضوی اشاره کرد.

+ سرتیپ دوم پاسدار سید مهدی موسوی که فرمانده یگان حفاظت از رئیس جمهور (سرتیم حفاظت رئیس جمهور) بودند و مسئولیت حفاظت از مقامات عالی رتبه کشوری را برعهده داشتند. از سوابق ایشان نیز میتوان سمت محافظ فرمانده کل سپاه را ذکر کرد.

+ سرهنگ سیدطاهر مصطفوی (خلبان بالگرد) و سرهنگ محسن دریانوش (کمک خلبان) و سرگرد بهروز قدیمی (تکنسین پرواز)

اطلاعات عمومی جغرافیایی

جغرافیای ایران

جمهوری اسلامی ایران کشوری است در جنوب غربی آسیا، در منطقه راهبردی و استراتژیک خاورمیانه که با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی و طبیعی که دارد، نقش مهمی را در معادلات منطقه ای و جهانی دارد. به صورت دقیقتر و با علم جغرافیایی میتوان گفت که ایران تقریباً بین ۲۵ تا ۴۰ درجه عرض شمالی و ۴۴ تا ۶۳ درجه طول شرقی واقع شده است.

ایران از شمال به دریای خزر، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و ارمنستان، از شرق به پاکستان و افغانستان، از جنوب به خلیج فارس و دریای مکران (دریای عمان) و از غرب به ترکیه و عراق بسته است. ایران جزایری در خلیج فارس را نیز در اختیار دارد. کل گستره ایران به اندازه ۱,۶۴۸,۱۹۵ کیلومتر مربع میباشد که ۱۱۶,۶۰۰ کیلومتر مربع آن را آبهای این کشور تشکیل میدهند.

- مرز های ایران: مرز های مهمترین عامل تشخیص و جدایی هر کشور از کشور همسایه میباشد و نشان میدهد که سرزمین یک کشور تا به کجا امتداد دارد. ایران در حدود ۸۷۵۵ کیلومتر مرز مشترک سیاسی با همسایگانش دارد. حدود ۴۷/۳ درصد مرز های ایران را مرز های خاکی، ۳۰/۸ درصد آن را مرز های رودخانه ای و ۲۱/۹ درصد باقیمانده را مرز های آبی (دریایی) تشکیل میدهد.

ایران بیش از ۶,۰۰۰ کیلومتر با کشورهای ترکیه، جمهوری آذربایجان، ترکمنستان، پاکستان، عراق، افغانستان و ارمنستان مرز زمینی دارد؛ همچنین دارای ۲,۷۰۰ کیلومتر مرز آبی در دریای خزر، خلیج فارس و دریای عمان است. طولانی ترین مرز ایران با کشور عراق و به طول ۱,۴۵۸ کیلومتر میباشد و کوتاهترین مرز خاکی با ارمنستان و به طول ۳۵ کیلومتر میباشد.

- ناهمواری های ایران: ناهمواری های ایران را میتوان به دو دسته کلی زیر تقسیم بندی کرد:

* سرزمین های کوهستانی که اغلب بیش از ۱۰۰۰ متر از سطح دریای آزاد ارتفاع دارند.

* سرزمین های پست و هموار که شامل دشت ها در نواحی داخلی و جلگه های کم ارتفاع در سواحل دریاها میشوند.

- آب و هوای ایران: آب و هوای ایران نیز همانند طبیعت آن متنوع است که این تنوع به عواملی زیر بستگی دارد:

+ موقعیت جغرافیای کشور + میزان ارتفاع و جهت گیری کوهستان ها

+ توده های هوایی:

توده	توضیحات
سردوخشک سبیری	در دوره سرد وارد ایران شده و باعث سردی و خشکی هوا در ماه های سرد و موجب بارش در سواحل خزر میشود
مرطوب موسمی	در برخی سالها و در دوره گرم از اقیانوس هند به ایران نفوذ میکند و موجب باران های سیلابی در جنوب شرق ایران میشود

مرطوب غربی	رطوبت دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس را در دوره سرما به داخل ایران منتقل کرده و عامل بارش برف و باران میشود
سودانی	گاهی در دوره سرد سال رطوبت دریای سرخ را به کشور آورده و باعث بارندگی در غرب کشور میشود
گرم و خشک	در تابستان هوای گرم را از عربستان به ایران وارد میکند و باعث افزایش شدید دما میشود

با توجه به این موارد میتوان گفت که آب و هوای ایران نیز در مناطق مختلف، یکسان نمیباشد:

- + آب و هوای گرم و خشک + آبی و هوای کوهستانی + آب و هوای معتدل خزری + آب و هوای گرم و شرجی
- دریاهای ایران: ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی خود، از شمال و جنوب به دو حوزه مهم آبی دسترسی دارد؛ دریای خزر (شمال) و خلیج فارس و دریای عمان (جنوب). این دریاها نقش حیاتی در اقتصاد، امنیت و محیط زیست کشور دارند
- دریاچه های ایران: ایران بخشی از سرزمین های نیمه خشک و خشک آسیا با بارش سالانه به نسبت کم است. از همین رو، آب های داخلی (دریاچه ها) آن کم و اغلب در فروافتادگی های زمین ساختی جوان قرار دارند.
- جزایر ایرانی: ایران به ویژه در خلیج فارس دارای جزایر متعددی است که از نظر امنیتی، اقتصادی، ژئوپلیتیکی و تاریخی دارای اهمیت ویژه اند.

❖ **خواندنی:** جزایر ایرانی از اهمیت استراتژیکی بالایی برخوردارند که از جمله آنها میتوان به امنیت تنگه هرمز، حضور نظامی، منابع نفت و گاز، صنعت گردشگری و تجارت آزاد اشاره کرد.

- رودهای ایران: ایران کشور کم آبی است و اکثر رودخانه های آن نسبت به کشورهای پرآب، کوچک، فصلی و با دبی متغیر هستند. با این حال، برخی از این رودها نقشی کلیدی در تاریخ، اقتصاد، کشاورزی و جغرافیای طبیعی کشور دارند.
- منابع طبیعی ایران: ایران یکی از کشور های غنی از نظر منابع طبیعی است، به ویژه در حوزه های انرژی، معادن فلزی و غیرفلزی، منابع زیستی و موقعیت زمین شناسی.

+ ایران دومین دارنده ذخایر گاز طبیعی و چهارمین دارنده نفت خام در جهان میباشد.

+ ایران منابع طبیعی بسیاری دارد که با تاسیس های معدن های متعدد نسبت به برداشت و استفاده از آن منابع معدنی اقدام شده است.

- + منابع آبی ایران هر چند که ایران در منطقه خشک و گرم قرار دارد اما منابع آبی متنوعی در این کشور وجود دارد که از جمله آنها میتوان به آب های سطحی، زیرزمینی، دریاچه ها و دریاها اشاره کرد.
- + منابع زیستی ایران: منابع زیستی ایران به دسته های مختلفی از جمله پوشش های گیاهی و جنگلی، منابع جانوری و منابع آبی و دریایی تقسیم بندی میشوند. همچنین در ایران تنوع بالایی در گونه های گیاهی و جانوری وجود دارد، به عنوان مثال ۲۳۰۰ گونه گیاه دارویی-صنعتی در ایران میتوان یافت.

◀ جغرافیای جهان

- ساختار کلی جغرافیای زمین: کره زمین از ۷ قاره، ۵ اقیانوس، و ۱۹۵ کشور مستقل تشکیل شده. هر قاره ویژگی های طبیعی، اقلیمی، جمعیتی و سیاسی خاص خود را دارد. قاره ها که خشکی های کره زمین را تشکیل میدهند، حدود ۲۱ درصد از سطح زمین را تشکیل میدهند. در مقابل اقیانوس ها که پهنه های وسیع آبی هستند، حدود ۷۱٪ سطح کره زمین را پوشانده

اند. مرزهای طبیعی، پستی و بلندی ها، جریان های آب و باد و الگوهای اقلیمی، همگی متأثر از جایگاه جغرافیایی قاره ها و اقیانوس ها هستند.

قاره	مساحت (km ²)	درصد از تمام خشکی ها	جمعیت کل تا ۲۰۲۰	درصد از کل جمعیت	تراکم نفر بر km ²	پرجمعیت ترین شهر
آسیا	۴۴,۵۸۰,۰۰۰	۲۹/۵۴	۴,۶۴۱,۰۵۴,۷۷۵	۵۹/۵۴	۱۰۴/۱	توکیو، ژاپن
آفریقا	۳۰,۳۷۰,۰۰۰	۲۰/۱۲	۱,۳۴۰,۵۹۸,۱۴۷	۱۷/۲	۴۴/۱	لاگوس، نیجریه
آمریکای شمالی	۲۴,۷۱۰,۰۰۰	۱۶/۳۷	۵۹۲,۰۷۲,۲۱۲	۷/۶	۲۳/۹۶	مکزیکوسیتی، مکزیک
آمریکای جنوبی	۱۷,۸۴۰,۰۰۰	۱۱/۸۲	۴۳۰,۷۵۹,۷۶۶	۵/۵۳	۲۴/۱۴	سائوپائولو، برزیل
جنوبگان	۱۴,۲۰۰,۰۰۰	۹/۴۱	۵,۱۰۰	۰/۰۰۰۰۰۶۵	۰	ویلایلاس، مدی شیلی
اروپا	۱۰,۱۸۰,۰۰۰	۶/۷۴	۷۴۷,۶۳۶,۰۲۶	۹/۵۹	۷۳/۴۴	مسکو، روسیه
اقیانوسیه	۹,۰۰۸,۵۰۰	۵/۹۷	۴۲,۶۷۷,۸۱۳	۰/۵۵	۴/۷۳	سیدنی، استرالیا

- کشور های جهان: در حال حاضر ۱۹۵ کشور در جهان وجود دارد. این تعداد شامل ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل و ۲ کشور

ناظر غیرعضو به نام های واتیکان و فلسطین است. تعداد کشور ها به تفکیک قاره ها عبارت اند از:

- + قاره آفریقا شامل ۵۴ کشور
- + قاره آسیا شامل ۴۸ کشور (با در نظر گرفتن تایوان ۴۹)
- + قاره اروپا شامل ۴۴ کشور
- + قاره آمریکای جنوبی شامل ۲۳ کشور
- + قاره آمریکای شمالی شامل ۱۲ کشور
- + قاره اقیانوسیه شامل ۱۴ کشور

بزرگترین کشور با بیش از ۱۷ میلیون کیلومتر مربع، روسیه میباشد. پرجمعیت ترین کشور با حدود بیش از ۱/۴ میلیارد نفر، کشور چین است. کوچکترین و کم جمعیت ترین کشور جهان با مساحتی حدود ۰/۴۴ کیلومتر مربع و جمعیتی کمتر از ۱ هزار نفر، کشور واتیکان میباشد. قدیمی ترین کشوری که دارای دولت مرکزی میباشد کشور ایران بوده و جدیدترین کشور سودان میباشد که در سال ۲۰۱۱ استقلال خود را اعلام کرد.

◀ اطلاعات عمومی توریستی

◀ توریسم در ایران

کشور ایران با پیشینه تمدنی چند هزار ساله، تنوع اقلیمی و فرهنگی، از غنی ترین مقاصد گردشگری در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام به شمار میرود. جاذبه های گردشگری در ایران را میتوان در چهار دسته تاریخی، فرهنگی، طبیعی و مذهبی تقسیم بندی کرد. در ادامه به بررسی بعضی جاذبه های گردشگری در برخی از استانها میپردازیم.

- استان آذربایجان شرقی

+ جاذبه های تاریخی:

مسجد کبود تبریز: مشهور به فیروزه اسلام، از شاهکارهای معماری دوره آق قویونلو با تزیینات کاشی کاری منحصر به فرد.
روستای تاریخی کندوان: روستای صخره ای زنده؛ خانه هایی که در دل کوه تراشیده شده اند.

+ جاذبه های طبیعی:

جنگل های ارسباران: یکی از ذخیره گاه های زیست کره جهان؛ دارای تنوع جانوری و گیاهی.
کوه های آلاداغ: کوه های رنگی اطراف تبریز، منحصر به فرد از نظر زمین شناسی و چشم انداز.

- استان آذربایجان غربی

+ جاذبه های تاریخی:

کلیسای زور زور: کلیسای سنگی کوچک بر فراز کوه، جابجاشده در اثر احداث سد، ثبت جهانی.
تخت سلیمان (تکاب): مجموعه تاریخی- مذهبی دوره ساسانی و ایلخانی؛ ثبت جهانی یونسکو؛ شامل آتشکده، دریاچه، و آثار کاخ و معبد.

+ جاذبه های طبیعی:

آبشار شلماش (سردشت): سه طبقه پیاپی در دل جنگل؛ یکی از زیباترین آبشارهای غرب ایران
غار سهولان (مهاباد): غار آبی با قایق سواری در تالاب های زیرزمینی

- استان اردبیل

+ جاذبه های تاریخی:

بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی: مجموعه ای ارزشمند با معماری صفوی، ثبت جهانی یونسکو؛ شامل چینی خانه، حرم، مسجد، جنت سرا.
بازار سرپوشیده اردبیل: بازار تاریخی با ساختار طاقی، راسته های سنتی و معماری قاجاری.

+ جاذبه های طبیعی:

قله سبلان: قله مقدس و آتشفشانی با دریاچه دهانه ای، مقصد کوهنوردی و زیارت.
آب گرم های سرعین: مجموعه چشمه های درمانی گوگردی؛ قطب آب درمانی ایران.

- استان اصفهان

+ جاذبه های تاریخی:

میدان نقش جهان: قلب تاریخی اصفهان؛ محصور در شاهکارهای صفوی؛ ثبت جهانی یونسکو.
مسجد شیخ لطف الله: مسجدی ظریف و کوچک با معماری بی نظیر و کاشی کاری هنرمندانه.

+ جاذبه های طبیعی:

رود زاینده رود: گذرگاه حیات شهری؛ همراه با پل ها و فضای سبز اطراف.
کوه صفه: کوه شهری با تله کابین، غار، رستوران و مسیر کوهنوردی.

- استان تهران

+ جاذبه های تاریخی:

کاخ گلستان: مجموعه ای باشکوه از دوره قاجار؛ ثبت جهانی یونسکو.
عمارت شمس العماره: بلندترین بنای تهران قدیم؛ با معماری اروپایی-ایرانی.

+ جاذبه های موزه ای و فرهنگی:

برج آزادی: بنای نمادین تهران پیش از انقلاب؛ با معماری مدرن ایرانی و فضای زیرزمینی فرهنگی.
برج میلاد: بلندترین برج ایران در غرب تهران؛ با سکوی دید، رستوران گردان و فضای گردشگری شهری.

- استان خراسان رضوی

+ جاذبه های مذهبی:

حرم امام رضا (ع): بزرگ ترین مجموعه زیارتی شیعه در ایران، شامل صحن ها، ایوان ها، موزه ها و مسجد گوهرشاد.
مسجد گوهرشاد: شاهکار معماری تیموری با گنبد فیروزه ای و محراب های تاریخی.

+ جاذبه های تاریخی:

آرامگاه فردوسی (توس): بنای باشکوه الهام گرفته از معماری هخامنشی؛ آرامگاه حماسه سرای بزرگ ایران.
آرامگاه نادرشاه (مشهد): محل دفن بنیان گذار سلسله افشاریه؛ همراه با موزه جنگ.

- استان خوزستان

+ جاذبه های تاریخی:

شهر تاریخی شوش: از کهن ترین شهرهای جهان با لایه های تمدنی مختلف.
زیگورات چغازنبیل (شوش): معبد ایلامی با قدمت بیش از ۳۰۰۰ سال؛ ثبت جهانی یونسکو.

+ جاذبه های طبیعی:

رود کارون: طولانی ترین و پرآب ترین رودخانه ایران؛ با نقش حیاتی در اقتصاد و شهرسازی.
رودخانه دز، کرخه: دو رود مهم دیگر استان، مناسب طبیعت گردی و کشاورزی.

➤ توریسم در جهان

توریسم جهانی، دریچه ای به فرهنگ ها، تاریخ ها و طبیعت های گوناگون جهان است. از قلعه های قرون وسطایی تا معابد باستانی و برجسته ها، از جنگل های استوایی در آفریقا تا سواحل مرجانی اقیانوسیه، جهان پر از مقصد هایی است که بازدید از آنها نه تنها تفریح بلکه تجربه ای آموزشی، فرهنگی و گاه عرفانی محسوب میشود. در این فصل، برخی از مهمترین جاذبه های گردشگری بین المللی را که شامل آثار تاریخی، مناظر طبیعی، اماکن فرهنگی و مذهبی است، بررسی میکنیم.

- جاذبه های تاریخی در جهان: در زیر معروفترین جاذبه های تاریخی و باستانی جهان به همراه مکان و توضیحات آمده است:

ردیف	جاذبه گردشگری	توضیحات
۱	اهرام ثلاثه جیزه (جیزه، مصر)	بزرگ ترین و ماندگارترین سازه های سنگی در طول تاریخ بشر، متعلق به دوران پادشاهی کهن مصر (حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد). این مجموعه شامل سه هرم بزرگ است: هرم خوفو (بزرگ ترین)، خفرع و منکورع، که به عنوان آرامگاه های سلطنتی ساخته شدند. در کنار آن ها، مجسمه عظیم ابوالهول قرار دارد که چهره انسان و بدن شیر دارد. اهرام جیزه تنها بازمانده ی عجایب هفت گانه جهان باستان هستند و تا امروز الهام بخش معماری، مهندسی و افسانه پردازی اند.
۲	ماچو پیچو (کوه های آند، پرو)	شهر گمشده اینکاها در ارتفاعات سرسبز آند، در قرن ۱۵ میلادی ساخته شد و تا قرن ها از دید جهانیان پنهان مانده بود. این مجموعه با سنگ چینی حیرت انگیز، سیستم های آبیاری و معماری هماهنگ با طبیعت، به عنوان یک مرکز مذهبی، نجومی یا پناهگاه سلطنتی شناخته می شود. ماچو پیچو اکنون از برجسته ترین جاذبه های گردشگری آمریکای جنوبی است و در لیست عجایب هفت گانه جدید جهان نیز جای دارد.

۳	کولوسئوم (رم، ایتالیا)	بزرگ ترین آمفی تئاتر سنگی ساخته شده در جهان، در قرن اول میلادی به دستور امپراتور وسپاسیان آغاز شد. این سازه بیضی شکل، با گنجایش بیش از ۵۰ هزار نفر، محل برگزاری نبرد گلادیاتورها، شکار حیوانات وحشی، نمایش های دریایی و مراسم عمومی بود. کولوسئوم نمادی از قدرت و سرگرمی در امپراتوری روم است و امروزه به عنوان یک نماد ملی ایتالیا و میراث جهانی شناخته می شود.
۴	دیوار بزرگ چین (شمال چین، چین)	سازه ای عظیم به طول بیش از ۲۱ هزار کیلومتر که در طی قرن ها برای دفاع در برابر حملات اقوام شمالی ساخته شد. ساخت اصلی آن در دوران دودمان های چین (به ویژه سلسله مینگ) انجام شد. دیوار از قلعه ها، برج های دیده بانی و مسیرهای کوهستانی عبور می کند و شاهکار مهندسی دفاعی بشر به شمار می رود. این دیوار نه فقط نماد پایداری فرهنگی چین است، بلکه یکی از پر بازدیدترین مقاصد توریستی جهان نیز هست.
۵	تاج محل (آگرا، هند)	بنای آرامگاهی که توسط شاه جهان، امپراتور گورکانی، برای همسر محبوبش ممتاز محل ساخته شد. این بنای مرمرین سفید در قرن ۱۷ میلادی ساخته شده و ترکیبی از هنر معماری اسلامی، ایرانی و مغولی است. با گنبدی باشکوه، حیاط های متقارن، حوض های انعکاس و باغ های چهارباغ، تاج محل نه فقط یک آرامگاه بلکه بیانی عاشقانه از عشق جاودانه است. یکی از شناخته شده ترین بناهای جهان و جزو عجایب هفت گانه جدید است.
۶	پارتنون (آتن، یونان)	معبد باشکوهی که به افتخار آتنا، الهه دانایی و نگهبان شهر آتن، در قرن پنجم پیش از میلاد ساخته شد. این سازه کلاسیک که در دل مجموعه آکروپولیس واقع شده، نمایانگر اوج هنر معماری دوریک یونانی است. با مجسمه های فراوان، تزیینات پیچیده و تناسبات بی نظیر، پارتنون نه فقط جایگاه دینی که نمادی از غرور و هویت یونان باستان است.
۷	استون هنج (ویلتنشایر، بریتانیا)	دوره ای سنگی از دایره های عظیم سنگی با قدمتی بیش از ۴۵۰۰ سال، که هنوز رمز و راز کاربرد آن کاملاً روشن نیست. برخی معتقدند کاربردی آیینی، تقویمی یا نجومی داشته است. محل قرارگیری دقیق سنگ ها نسبت به موقعیت خورشید در انقلاب های تابستانی و زمستانی، نشانه ای از پیشرفت علمی جوامع نوسنگی است. استون هنج در میانه دشتی باز، جاذبه ای رازآلود و الهام بخش گردشگران و پژوهشگران است.
۸	شهر باستانی پترا (معان، اردن)	پایتخت باستانی نبطیان که در دل کوهستان سنگی سرخ تراشیده شده است. با عبور از دره باریک «سیق» به نمای معروف «الخنه» می رسید که همچون قصری در دل سنگ پدیدار شده. شهر پترا با سیستم آبرسانی پیچیده، تئاتر، معابد و آرامگاه ها نمونه ای شگرف از مهندسی و هنر در دل بیابان است. از مهم ترین آثار جهانی ثبت شده در یونسکو و یکی از عجایب هفت گانه جدید جهان.
۹	آکروپولیس آتن (آتن، یونان)	تپه ای تاریخی که در قلب شهر آتن قرار گرفته و نماد فرهنگ، سیاست و مذهب یونان باستان است. معابد مختلفی چون پارتنون، ارخثئون و معبد آتنا نایک در آن قرار دارند. آکروپولیس با ستون های مرمرین، چشم انداز شهر و اهمیت فلسفی، هنری و دینی خود، سمبل تمدن کلاسیک غرب و میراثی بی نظیر برای بشر است.
۱۰	انگکور وات (سیم ریپ، کامبوج)	بزرگ ترین مجموعه معابد مذهبی جهان، متعلق به دوران امپراتوری خمر در قرن دوازدهم میلادی. در ابتدا به آیین هندو و خدای ویشنو اختصاص داشت و بعدتر به مرکز آیین بودا تبدیل شد. ساخت آن از نظر معماری، مهندسی، تقارن و تزیینات سنگی خیره کننده است. این مجموعه نه تنها یک مکان عبادی بلکه نماد ملی کشور کامبوج و تصویر روی پرچم آن است.

- جاذبه های فرهنگی و مذهبی در جهان: در زیر معروفترین جاذبه های فرهنگی و مذهبی که با ادیان، آیین ها، فرهنگ ها و اماکن مقدس قوم ها و کشور های جهان مرتبط هستند، به همراه مکان و توضیحات آمده اند:

ردیف	جاذبه مذهبی	توضیحات
۱	مسجدالحرام و کعبه (مکه، عربستان سعودی)	مقدس ترین مکان در دین اسلام و قبله تمام مسلمانان جهان. کعبه در مرکز مسجدالحرام واقع شده و هر سال میلیون ها مسلمان برای انجام فریضه حج و عمره به این مکان سفر می کنند. بنای کعبه دارای ساختاری ساده ولی با عظمت است که پیشینه آن به حضرت ابراهیم نسبت داده می شود. مسجدالحرام بزرگ ترین مسجد دنیاست و در اطراف آن ساختمان هایی عظیم برای زائران احداث شده است.

۲	مسجدالنبی (مدینه، عربستان سعودی)	دومین مکان مقدس اسلام که به دست پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص)، بنا نهاده شد و آرامگاه ایشان نیز در آن قرار دارد. دارای گنبد سبز معروف، مناره های مرتفع و فضایی بسیار معنوی برای مسلمانان. این مسجد، نقطه تمرکز تاریخی اسلام و جایگاه روایات دینی متعددی است.
۳	معبد گولدن تمپل (آمریتسار، هند)	مقدس ترین مکان آیین سیک. معبدی طلایی در وسط استخری از آب زلال به نام «آمریت سار» که نماد خلوص و برابری است. روزانه هزاران نفر از همه ادیان برای عبادت و خوردن غذای رایگان به آنجا می آیند. گولدن تمپل، نماد معنویت، پذیرش و همزیستی است.
۴	معبد لاما (پکن، چین)	معبد بودایی متعلق به آیین تبتی که در زمان سلسله چینگ ساخته شده و امروزه از بزرگ ترین و زنده ترین معابد بودایی در چین است. شامل مجسمه عظیم بودای آینده (میتریا) از چوب صندل و بناهای رنگارنگی با بوی عود و فضای عرفانی.
۵	معبد وات آرون (بانکوک، تایلند)	معروف به «معبد سپیده دم»، در ساحل رود چائو فرایا قرار دارد. برج اصلی (پرنگ) آن با کاشی های چینی و شیشه های رنگی تزئین شده است. یکی از زیباترین معابد تایلند که هنگام طلوع آفتاب منظره ای فوق العاده دارد و از نمادهای فرهنگی بانکوک محسوب می شود.
۶	معبد شینتو ایسه (ایسه، ژاپن)	مقدس ترین معبد آیین شینتو در ژاپن که به الهه خورشید، آما تراسو، تقدیم شده است. این معبد هر ۲۰ سال یک بار به صورت سنتی بازسازی می شود تا مفهوم «نوسازی جاودانه» را به نمایش بگذارد. محل حضور امپراتور و مراسم مذهبی ملی ژاپن.
۷	معابد کنفوسیوسی چین (شاندونگ و شهرهای مختلف، چین)	مجموعه ای از معابد و مدارس که به فیلسوف بزرگ چینی، کنفوسیوس، اختصاص دارند. بزرگ ترین آن در شهر «چوفو» واقع است. این مکان ها نه تنها عبادتگاه، بلکه مرکز تعلیم فلسفه اخلاقی، اجتماعی و حکمرانی بوده اند و تا امروز نیز مورد احترام فرهنگی چینی ها هستند.
۸	معبد دندان بودا (کندی، سریلانکا)	مکانی مقدس برای بوداییان که اعتقاد دارند یکی از دندان های بودا در آن نگهداری می شود. این معبد در شهر تاریخی کندی واقع شده و مراسم روزانه و سالانه ی باشکوهی برای بزرگداشت آن برگزار می شود. معبد، ترکیبی از تقدس آیینی، معماری سنتی سریلانکایی و آرامش معنوی است.
۹	معبد بعل (پالمیرا، سوریه)	یکی از مهم ترین معابد باستانی تمدن سامی که به خدای بعل (خدای آسمان و باران) اختصاص داشت. ترکیبی از معماری یونانی، رومی و شرقی را در خود دارد. بخشی از میراث جهانی یونسکو بود تا اینکه در جریان جنگ داخلی سوریه به شدت آسیب دید و بخش هایی از آن تخریب شد.

◀ میراث جهانی ایران

میراث جهانی نام پیمان نامه ای بین المللی است که در تاریخ ۱۶ نوامبر سال ۱۹۷۲ به تصویب کنفرانس عمومی یونسکو رسید. موضوع آن، حفظ آثار تاریخی، طبیعی و فرهنگی بشر است که اهمیت جهانی دارند و متعلق به تمام انسان های زمین، فارغ از نژاد، مذهب و ملیت خاص میباشند. بر پایه این کنوانسیون کشورهای عضو یونسکو، میتوانند آثار تاریخی، طبیعی و فرهنگی کشور خود را نامزد ثبت به عنوان میراث جهانی کنند. حفاظت از این آثار پس از ثبت در عین باقی ماندن در حیطه حاکمیت کشور مربوط، به عهده تمام کشورهای عضو خواهد بود.

میراث جهانی در ایران تا ابتدای سال ۲۰۲۵ شامل ۲۸ اثر در کشور ایران است. ایران سه سال پس از تصویب کنفرانس عمومی یونسکو در تاریخ چهارشنبه، ۲۶ فوریه سال ۱۹۷۵ به این پیمان نامه پیوست. افزون بر ۲۸ اثر ثبت شده، ایران دارای ۶۰ اثر در فهرست پیشنهادی جهت ثبت است.

سه اثر چغازنبیل، تخت جمشید و میدان نقش جهان نخستین مکان هایی بودند که در ایران به فهرست میراث جهانی افزوده شدند. از آن سال به بعد در حدود ۲۴ سال هیچ پرونده ای برای ثبت جهانی تشکیل نشد و پس از بیش از دو دهه، تخت سلیمان و مجموعه ارگ بم و مجموعه پاسارگاد در یونسکو به ثبت جهانی رسید. روند ثبت آثار مهم ایران در سال های بعد ادامه پیدا کرد و گنبد سلطانی و بیستون به عنوان هفتمین و هشتمین اثر از ایران در یونسکو ثبت جهانی شدند.

◀ اطلاعات عمومی دینی

◀ تاریخ اسلام

- آشنایی با اسلام: اسلام دین یکتاپرستی و یکی از دین های ابراهیمی جهان است. پیروان این دین، مسلمان نامیده میشوند و بر این باورند که خدا بر بسیاری از پیامبران خود، مستقیماً وحی فرستاده و محمد آخرین پیامبری است که توسط خداوند فرستاده شده است. اسلام از نظر شمار رسمی پیروان دینی، پس از دین مسیحیت در رتبه دوم جای دارد. کتاب دینی مسلمانان، قرآن میباشد که پیامبر اسلام آن را به وسیله وحی الهی دریافت نموده و به مسلمانان ابلاغ کرده است. دین اسلام مذاهب و فرقه های بسیاری دارد؛ اما عمدتاً به دو مذهب سنی و شیعه تقسیم میشود که هر یک از آن ها نیز زیر شاخه های متعددی دارند. نکته لازم به ذکر این است که تقریباً ۹۰ درصد جمعیت مسلمانان جهان را سنی ها تشکیل میدهند.

+ شیعه: شیعه یا تَشِیْع، یکی از مذاهب اسلامی است. شیعه، صورت مختصر «شیعه علی» یعنی پیرو علی بن ابی طالب است. شیعیان در حدود ۱۰ تا ۱۳ درصد از جمعیت مسلمانان جهان و ۳۸ درصد از جمعیت مسلمانان خاورمیانه را تشکیل میدهند.

+ سنی: سُنّی، اَهْلِ سُنّت یا تَسَنُن، بزرگ ترین مذهب دین اسلام است که در حدود ۸۷ تا ۹۰ درصد مسلمانان جهان پیرو آن هستند. واژه اهل سنت در نام این فرقه، اشاره به شیوه زندگی حضرت محمد دارد که آن را سنت پیامبر مینامند.

- آغاز اسلام: حضرت محمد بنیان گذار و پیامبر دین اسلام و آخرین و بزرگ ترین پیامبر در سلسله پیامبران میباشد. مسلمانان حضرت محمد را تحویل دهنده کتاب آسمانی قرآن و بازگرداننده آیین اصلی و تحریف نشده یکتاپرستی (یا همان دین آدم، ابراهیم، موسی، نوح، عیسی و سایر پیامبران پذیرفته شده در اسلام) میدانند. وی برای مسلمانان و پیروان برخی مذاهب دیگر، مأمور تعلیم فرمان های الهی محسوب میشود. به عقیده مسلمانان و به تصریح قرآن، حضرت محمد قبل از دریافت وحی یا بعثت همچون پدرانش به دین حنیف که آن را آیین ابراهیم و بر مبنای یکتاپرستی میدانند، بوده است.

- اسلام بعد از پیامبر: پس از وفات پیامبر اسلام (ص) در سال ۱۱ هجری، جامعه اسلامی با مسئله جانشینی او مواجه شد. گروهی در سقیفه بنی ساعده گرد آمدند و نخستین خلیفه را انتخاب کردند. به این دوره که چهار خلیفه نخستین بر سر کار بودند، دوره خلافت راشدین گفته میشود. این خلفا به ترتیب خلافت عبارتند از:

+ ابوبکر صدیق (۱۱-۱۳ هجری)

+ عمر بن خطاب (۱۳-۲۳ هجری)

+ عثمان بن عفان (۲۳-۳۵ هجری)

+ علی بن ابی طالب (۳۵-۴۰ هجری)

- دوازده امام شیعه: امامان از نسل حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه میباشند و همگی در گفتار، کردار و دانش، معصوم و الهام گرفته از وحی دانسته میشوند. امامت موضوعی است که در بسیاری از احادیث پیامبر و حتی آیات قرآن نیز مطرح شده.

◀ پیامبران الهی

پیامبران الهی از جمله ستون های اصلی اعتقادات دینی ادیان الهی از جمله اسلام میباشند. قرآن کریم از بیش از ۲۵ پیامبر نام برده است و در تاریخ اسلام و به ویژه در قرآن، به تعداد بیشتری از پیامبران اشاره شده است. در برخی روایات تعداد کلی پیامبران به بیش از ۱۲۴,۰۰۰ نفر ذکر شده است. هدف اصلی بعثت همه پیامبران، هدایت انسان به سوی توحید، عدالت و اخلاق بوده است. برخی از این پیامبران کتاب آسمانی و معجزات ویژه ای داشتند و برخی دیگر برای تداوم و تحکیم آموزه های پیامبر های پیشین آمده اند. در ادامه ابتدا به توضیح پیامبران اولوالعزم و برخی از ویژگی های آن ها میپردازیم.

- پیامبران اولوالعزم: پیامبران اولوالعزم پنج تن از پیامبران الهی هستند که دارای شریعت مستقل، کتاب آسمانی و مأموریت جهانی بوده اند. اسامی این پنج تن و ویژگی های آنان به طور مشخص در قرآن آمده است:

+ حضرت نوح (ع) + حضرت ابراهیم (ع) + حضرت موسی (ع) + حضرت عیسی (ع) + حضرت محمد (ص)

◀ آشنایی با ادیان و مذاهب جهان

- ادیان بزرگ و زنده جهان:

+ اسلام: دینی توحیدی و یکتاپرست که توسط پیامبر مسلمانان یعنی حضرت محمد (ص) به مردم جهان ابلاغ شده است.

+ مسیحیت: این دین یک دین یکتاپرستی است که بر محور زندگی و تعالیم عیسی مسیح، پیامبر مسیحیان، متمرکز است.

+ یهودیت: دین یهودیت قدیمیترین دین ابراهیمی میباشد. حضرت موسی اولین پیامبری بود که قوم بنی اسرائیل را به این دین الهی هدایت کرد.

+ زرتشتی گری: این دین یکتاپرستی که دین ایران باستان نیز بود، با نام های مزدیسنا یا مزدآپرستی نیز شناخته میشود.

+ بودیسم: دین بودیسم بر پایه فلسفه ای مبتنی بر آموزه های گوتاما بودا که در حدود ۵۶۶ تا ۴۸۶ (پیش از میلاد) میزیسته، بنیان گذاری شده.

+ هندوئیسم: هندوئیسم (دین برهمنی) که با نام سانتانا به معنای آیین جاودانه در میان هندوها معروف است، یکی از دین های هندی میباشد که با بیش از چهار هزار سال قدمت، قدیمی ترین دین جهان محسوب میشود.

مفاهیم و اصطلاحات پایه دینی

شناخت مفاهیم پایه و اصطلاحات دینی، نقش مهمی در درک متون دینی، مفاهیم فرهنگی و مبانی اعتقادی دارد. بسیاری از این مفاهیم، مشترک میان ادیان یا کلیدی در آموزه های اسلامی هستند.

- مفاهیم اعتقادی:

+ توحید: توحید در دین اسلام یعنی باور به یگانگی خداوند در ذات، صفات و افعال که پایه اصلی تمامی ادیان ابراهیمی میباشد.

+ نبوت: اصل نبوت یعنی باور به فرستادگان الهی که برای هدایت بشر از سوی خداوند مبعوث میشوند.

+ معاد: معاد یعنی باور به بازگشت انسان پس از مرگ، حسابرسی اعمال، و ورود به بهشت یا دوزخ.

- مفاهیم غیبی:

+ فرشتگان، فرشتگان مقرب، لوح محفوظ، عرش، برزخ، قیامت

مکان های مقدس و مذهبی معروف جهان

مکان های مذهبی همواره در تاریخ بشر، نه تنها کانون عبادت و نیایش، بلکه نماد هویت فرهنگی، سیاسی و حتی تمدنی ملت ها بوده اند. این اماکن در سراسر جهان مورد احترام ادیان گوناگون اند و برخی نقش محوری در تاریخ و میراث معنوی بشر دارند. در ادامه با مهمترین اماکن مذهبی جهان، چه در اسلام و تشیع و چه در دیگر ادیان ابراهیمی و آسیایی آشنا میشویم.

- مکان های مذهبی در اسلام:

+ کعبه (مکه - عربستان) + مسجدالنبی (مدینه) + مسجدالاقصی (قدس - فلسطین)

- اماکن مقدس شیعیان:

+ حرم امیرالمؤمنین (نجف - عراق) + حرم امام حسین (کربلا - عراق) + حرم امامان عسکریین (سامرا - عراق)

+ حرم امام رضا (مشهد - ایران) + حرم حضرت معصومه (قم - ایران)

- مکان های مذهبی در مسیحیت:

+ کلیسای واتیکان (واتیکان) + بیت لحم (فلسطین) + کلیسای مقبره مقدس (اورشلیم)

اطلاعات عمومی مشاهیر

مشاهیر ایران باستان و معاصر

- مشاهیر دوره باستان: مشاهیر ایران باستان، چهره هایی اند که از اعماق اسطوره ها تا دوران تاریخی پیش از اسلام و قرون آغازین اسلامی در توسعه تمدن ایرانی نقش داشتند.

نام	دوره	نقش	توضیحات
کوروش کبیر	قرن ۶ ق.م	بنیان گذار امپراتوری هخامنشی	کوروش دوم، ملقب به کوروش بزرگ، نخستین پادشاه هخامنشی و پایه گذار یکی از بزرگ ترین امپراتوری های تاریخ جهان بود. او با فتح بابل، اکد، لیدی و بخش هایی از آسیای صغیر، دولتی چندقومیتی بر پایه احترام به فرهنگ ها و ادیان بنیان نهاد. منشور کوروش، به عنوان اولین بیانیه حقوق بشر شناخته می شود. کوروش نه تنها یک فاتح، بلکه رهبری محبوب، قانون گرا و انسان دوست بود که نزد یونانیان و یهودیان نیز جایگاه بسیار محترمی داشت.
داریوش بزرگ	قرن ۶ ق.م	شاه هخامنشی، سازمان دهنده دولت	داریوش یکم، از بزرگ ترین شاهان هخامنشی، پس از کوروش و کمبوجیه، امپراتوری را تثبیت و گسترش داد. او نظام ایالات (ساتراپی ها)، راه شاهی، نظام مالیاتی، سیستم پستی و سکه زنی را سازمان دهی کرد. کتیبه های بیستون و تخت جمشید بازتابی از قدرت و نظم اوست. داریوش همچنین پروژه های بزرگی چون کانال سوئز باستانی را کلید زد. او نه تنها سیاستمدار و جنگاور، بلکه مهندس دولت سازی در ایران باستان بود.
آرتاخه	قرن ۶ ق.م	مقام درباری هخامنشی	آرتاخه یکی از مقامات عالی رتبه دربار داریوش بزرگ بود که در کتیبه های دوران هخامنشی از او به عنوان مهندس یا مدیر ساخت و ساز یاد شده است. او مسئول اجرای طرح های عظیم عمرانی در مصر و بین النهرین بوده است و گاه از او به عنوان طراح یا ناظر ساخت کانال های باستانی و بناهای حکومتی یاد می شود. آرتاخه نمونه ای از طبقه تحصیل کرده، فنی و اداری در ساختار دولت هخامنشی بود.
آریوبرزن	قرن ۴ ق.م	سردار مقاومت در برابر اسکندر	آریوبرزن، از سرداران هخامنشی و فرمانده سپاه پاسداری از راه های غربی ایران، در نبرد معروف دروازه پارس (منطقه ای بین کهگیلویه و بختیاری و فارس) در برابر ارتش اسکندر مقدونی جانانه مقاومت کرد. او با نیروهای اندک، مانع ورود اسکندر به قلب امپراتوری شد و پس از محاصره، همراه یارانش کشته شد. آریوبرزن نماد مقاومت ملی، شجاعت و فداکاری در تاریخ ایران است.
سورنا	قرن ۱ ق.م	سردار اشکانی، فاتح کراسوس	سورنا، سردار برجسته پارتی، فرمانده ارتش اشکانی در نبرد حران (کراسوس) علیه روم بود. او با استراتژی هوشمندانه و بهره گیری از تیراندازان سوار، سپاه کراسوس را به کلی شکست داد و خود کراسوس را نیز کشت. این پیروزی، امپراتوری روم را در شرق متوقف کرد و شکوه نظامی اشکانیان را به رخ کشید. سورنا یکی از قهرمانان نظامی بزرگ تاریخ ایران و نماد تاکتیک های جنگی درخشان در برابر غرب بود.
مانی	قرن ۳ م	پیام آور، بنیان گذار آیین مانوی	مانی، در زمان ساسانیان، آیینی نو بنیاد نهاد که تلفیقی از باورهای زرتشتی، مسیحی، بودایی و گنوسی بود. او خود را پیام آور نور می خواند و کتاب هایی به خط خودش نوشت. آیین مانوی مبتنی بر دوگانه انگاری نور و ظلمت بود و تأکید زیادی بر تزکیه نفس، پرهیز از شر و پاکی داشت. آثار هنری مانوی شامل نگاره های رنگی، خط زیبای سطرنگار و نگارگری مشهور است. مانی به دست بهرام یکم کشته شد اما آیینش تا چین و اروپا گسترش یافت.

- مشاهیر دوره معاصر: مشاهیر ایران معاصر، از عصر صفویه تا امروز، نقش مهمی در تحولات سیاسی، علمی، ادبی، هنری و اجتماعی کشور داشته اند. این چهره ها، از شخصیت های سیاسی و مبارزان راه آزادی تا دانشمندان، هنرمندان، ورزشکاران و ادیبان، هر یک سهمی در پیشرفت و فرهنگ سازی ایران ایفا کرده اند. در ادامه، برخی از این مشاهیر و مفاخر ایران با جایگاه تاریخی و تأثیرشان در ایران معاصر، به صورت کامل و دقیق معرفی میشوند.

نام	تاریخ (ه.ش)	نقش	توضیحات
ستارخان	(۱۲۴۵ - ۱۲۸۹)	رهبر مشروطه خواهان تبریز	ستارخان، ملقب به سردار ملی، از پیشگامان مبارزه برای مشروطه در ایران بود. در دوره استبداد صغیر، با هدایت مردم تبریز، در برابر نیروهای دولتی و استبداد محمدعلی شاه ایستاد. رشادت ها و استقامت او در دفاع از تبریز، الهام بخش جنبش های آزادی خواهانه شد. او پس از فتح تهران، مورد بی مهری قرار گرفت و زخمی شد و درگذشت. ستارخان نماد مقاومت مردمی در برابر استبداد و سلطه خارجی است.
آیت الله کاشانی	(۱۲۶۱ - ۱۳۴۰)	روحانی، رهبر سیاسی	آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی از روحانیون اثرگذار در جریان ملی شدن صنعت نفت بود. او ابتدا علیه نفوذ انگلیس در عراق قیام کرد و پس از بازگشت به ایران، با محمد مصدق همکاری کرد و از نهضت ملی سازی نفت حمایت نمود. هرچند بعدها با مصدق اختلاف پیدا کرد، اما نقش او در بسیج مردم و مقابله با استعمار انکارناپذیر است. کاشانی از رهبران مبارزه با استبداد رضاشاهی نیز بود.
محمد مصدق	(۱۲۶۱ - ۱۳۴۵)	سیاستمدار، نخست وزیر	محمد مصدق، حقوقدان و نخست وزیر محبوب دوران پهلوی، رهبری نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران را به دست گرفت. او با تلاش های بی وقفه، قراردادهای استعماری نفت را لغو کرد و شرکت نفت انگلیس را به چالش کشید. سیاست های او مبتنی بر حاکمیت قانون، ملی گرایی و مبارزه با نفوذ بیگانگان بود. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با حمایت انگلیس و آمریکا، دولت او را سرنگون کرد. مصدق سال های پایانی عمرش را در حصر گذراند و به نماد مبارزه با استعمار و حاکمیت ملی تبدیل شد.
شهید مطهری	(۱۲۹۸ - ۱۳۵۸)	متفکر، استاد فلسفه اسلامی	استاد مطهری از اندیشمندان و روحانیون برجسته معاصر بود که در تدوین ایدئولوژی اسلامی انقلاب نقش مهمی داشت. آثار او در فلسفه اسلامی، اخلاق، جامعه شناسی و تفسیر قرآن، نسل جوان و انقلابی را تغذیه فکری کرد. سخنرانی های او در حسینیه ارشاد و کتاب هایش همچون «عدل الهی»، «خدمات متقابل اسلام و ایران» و «آشنایی با علوم اسلامی»، وی را به یکی از ارکان فکری انقلاب بدل کرد. او توسط گروه فرقان ترور شد.

➤ مشاهیر اسلام

مشاهیر اسلام، بزرگان و شخصیت هایی هستند که از آغاز بعثت پیامبر اسلام (ص) تاکنون، در تحکیم بنیان های اعتقادی، فرهنگی، علمی و اجتماعی دنیای اسلام نقشی ماندگار ایفا کرده اند. این چهره ها، شامل رهبران دینی، خلفا، فقیهان، محدثان، عرفا، متفکران و فرماندهان نظامی اند که هر یک به سهم خود، در تاریخ اسلام اثرگذار بوده اند. در این بخش، به معرفی این مشاهیر به صورت دقیق و کامل پرداخته می شود.

نام	دوره	نقش	توضیحات
چهره های مذهبی			
بلال حبشی (رض)	(قرن ۱ ه.ق)	از نخستین گرویدگان به اسلام و نخستین مؤذن	بلال، غلامی حبشی بود که پس از ایمان به پیامبر (ص)، از شکنجه مشرکان در امان ماند، اما با استقامت و ایمانش به اسلام، آزاد شد. او به عنوان نخستین مؤذن پیامبر (ص)، با صدای رسای خود، اذان را در گوش تاریخ ثبت کرد. اذان او، صدای ماندگار ایمان در تاریخ اسلام است. بلال نماد برابری، شجاعت و ایمان است و جایگاهی ویژه در دل مسلمانان دارد.

سلمان، ایرانی تبار و جستجوگری حق طلب بود که در جستجوی حقیقت به مدینه رسید و به اسلام گروید. او از مشاوران برجسته پیامبر (ص) بود و در جنگ خندق، با پیشنهاد حفر خندق، نقش مهمی ایفا کرد. دانش، ایمان، و زهد سلمان، او را به چهره ای محبوب و الگویی در تاریخ اسلام بدل کرده است. او در دیانت، تقوا و علم سرآمد بود و اولین والی مدائن شد. سلمان به عنوان الگویی از حق جویی و دانش در میان مسلمانان معروف است.	از صحابه بزرگ پیامبر (ص)	(۶۰ قبل از هجرت - ۳۲ ه.ق)	سلمان فارسی (رض)
دانشمندان و فلاسفه			
جابر بن حیان، از پیشگامان علم شیمی در جهان اسلام است. او آثار متعددی در کیمیا، داروسازی و شیمی نوشت و نظریه های مهمی درباره اسیدها، مواد معدنی و ترکیبات شیمیایی ارائه کرد. جابر را پدر علم شیمی می دانند و آثارش، پایه گذار پیشرفت شیمی در تمدن اسلامی و بعدها در اروپا شد.	شیمیدان	(۱۰۱ - ۱۹۸ ه.ق)	جابر بن حیان

◀ مشاهیر جهان

مشاهیر جهان، شامل شخصیت هایی هستند که در عرصه های مختلف علمی، فلسفی، هنری، سیاسی و ورزشی، تأثیری ماندگار بر تاریخ بشر گذاشته اند. این افراد، با اندیشه ها، اختراعات، مبارزات و دستاوردهای خود، مرزهای دانش، فرهنگ و تمدن را گسترش دادند. در این بخش، مهم ترین چهره های جهانی، با توضیحاتی جامع و به صورت دقیق معرفی میشوند.

نام	دوره (میلادی)	توضیحات
دانشمندان و متفکران		
ارشمیدس	(حدود ۲۸۷ - ۲۱۲ ق.م)	ارشمیدس، دانشمند و ریاضیدان یونانی، از بزرگ ترین نابغه های باستان بود که در زمینه های ریاضی، فیزیک و مهندسی آثار ماندگاری خلق کرد. او قانون ارشمیدس (اصل شناوری) را کشف کرد و در محاسبات هندسی و حجم اجسام نقش مهمی داشت. او همچنین ماشین های جنگی و ابزارآلات فنی گوناگونی ساخت. نبوغ او در استفاده از اصول مکانیک و اهرم ها، اساس مهندسی مدرن را شکل داد.
نیکولاس کوپرنیک	(۱۴۷۳ - ۱۵۴۳)	کوپرنیک، ستاره شناس لهستانی، با ارائه نظریه خورشیدمرکزی، انقلاب بزرگی در علم نجوم ایجاد کرد. او نخستین کسی بود که به طور علمی و مستند اعلام کرد خورشید مرکز منظومه شمسی است و زمین و سیارات به دور آن می گردند. این نظریه، آغازگر عصر جدیدی در علم و زمینه ساز انقلاب علمی شد.
گالیلئو گالیله	(۱۵۶۴ - ۱۶۴۲)	گالیله، فیزیکدان و منجم ایتالیایی، با اختراعات و کشفیاتش، به عنوان پدر علم مدرن شناخته می شود. او تلسکوپ را تکمیل کرد و توانست قمرهای مشتری و مراحل زهره را مشاهده کند. او با اثبات حرکت زمین و حمایت از نظریه کوپرنیک، با مخالفت کلیسا روبه رو شد. او قوانین حرکت و سقوط اجسام را کشف کرد و پایه های مکانیک مدرن را بنا نهاد.

◀ اطلاعات عمومی حقوقی

◀ قانون اساسی جمهوری اسلامی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان میثاق ملی و بالاترین مرجع قانونی کشور، چارچوب کلی نظام جمهوری اسلامی، اصول حاکمیت و حقوق اساسی ملت را تبیین میکند. آشنایی با این قانون، مبنای فهم درست از جایگاه و کارکرد نهادهای مختلف و حقوق شهروندان در ایران است.

- قانون اساسی: قانون اساسی، بالاترین و مهمترین سند حقوقی هر کشور است که چارچوب کلی نظام حکومتی، حقوق و آزادی های ملت و اصول اساسی اداره کشور را تعیین میکند. این قانون به مثابه یک قرارداد اجتماعی میان حاکمیت و مردم، مبنای مشروعیت دولت و نهادهای آن را مشخص میسازد و معیار سنجش قوانین عادی و سایر مقررات محسوب میشود.

به عبارتی، قانون اساسی قانون تعیین کننده نظام حاکم است، قانونی که مشخص می کند قدرت در کجا متمرکز است، روابط این قدرت حاکم با آزادی ها و حقوق افراد ملت چگونه است و این قوای حاکمه اعم از قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه چه اقتدارات و مسئولیت هایی در برابر ملت دارند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ و به دنبال همه پرسی سراسری، تدوین و تصویب شد و از آن زمان به عنوان میثاق ملی، پایه گذار نظم سیاسی و حقوقی کشور گردیده. - ساختار قانون اساسی ایران: نسخه نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ۱۴ فصل تدوین شده است که این فصل ها عبارتند از:

- + فصل اول: اصول کلی
- + فصل دوم: زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور
- + فصل سوم: حقوق ملت
- + فصل چهارم: اقتصاد و امور مالی
- + فصل پنجم: حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن
- + فصل ششم: شوراها
- + فصل هفتم: قوه مجریه
- + فصل هشتم: رهبر یا شورای رهبری
- + فصل نهم: قوه قضائیه
- + فصل دهم: قوه قضائیه
- + فصل یازدهم: شورای عالی امنیت ملی
- + فصل دوازدهم: صدا و سیما
- + فصل چهاردهم: بازنگری در قانون اساسی
- ارکان نظام سیاسی ایران: با توجه به قانون اساسی ایران، ارکان سیاسی نظام آن را میتوان به صورت زیر ساختار بندی کرد:
 - + حاکمیت ملی: این رکن در سه فصل سوم، چهارم و پنجم از قانون اساسی تعیین شده است.
 - + رهبر: محتوای فصل هشتم از قانون اساسی در ارتباط با رهبر کشور جمهوری اسلامی ایران میباشد.
 - + قوای سه گانه: حکومت ایران بر مبنای سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه استوار است
 - + شوراها: بر پایه اصل هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شوراها از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشورند.
- نهاد ناظر بر اجرای قانون اساسی: برای اطمینان از اجرای صحیح اصول و مفاد قانون اساسی، در نظام جمهوری اسلامی ایران نهادی به عنوان ناظر و تفسیرکننده قانون اساسی تعیین شده است. «شورای نگهبان» براساس اصول ۹۱ تا ۹۹ قانون اساسی، وظیفه نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی (از حیث انطباق با قانون اساسی و شرع) را بر عهده دارد.
- ویژگی مهم قانون اساسی: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای چندین ویژگی مهم است که آن را از بسیاری از قانون های اساسی دیگر متمایز می سازد:

+ اسلامی بودن + مردم سالاری دینی + انعطاف پذیری + جامعیت

- متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای ۱۷۷ اصل، تقسیم شده به ۱۴ فصل میباشد. برای مطالعه آخرین و به روز ترین نسخه این قانون میتوانید به سایت رسمی سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران (به آدرس qavanin.ir) مراجعه کنید. اما در ادامه به برخی از مهمترین اصل های قانون اساسی اشاره میکنیم:
 اصل اول: حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالی قدر تقلید حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، در همه پرسی

دهم و یازدهم فروردین ماه یک هزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی الاول سالی که هزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.

❧ اصل دوم: جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱- خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او؛

۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛

۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا؛

۴- عدل خدا در خلقت و تشریع؛

۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام؛

۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا، که از راه:

الف- اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین؛

ب- استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها؛

ج- نفی هرگونه ستمگری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و

اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین میکند.

❧ حقوق مدنی پایه

حقوق مدنی، شاخه ای از علم حقوق است که روابط خصوصی میان اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) را تنظیم میکند. این بخش از حقوق، به موضوعاتی مانند شخصیت حقوقی، مالکیت، قراردادها، تعهدات، مسئولیت مدنی و خانواده میپردازد و در عمل، نقش مهمی در نظم اجتماعی و حمایت از حقوق افراد ایفا میکند. آشنایی با اصول و مفاهیم پایه حقوق مدنی، به هر شهروندی کمک میکند تا در روابط اجتماعی، اقتصادی و فردی خود آگاه تر و مسئولانه تر رفتار کند.

- موضوعات کلیدی در حقوق مدنی پایه:

+ شخصیت حقوقی و اهلیت + مالکیت و حقوق عینی نسبت به مالکیت + قراردادها و الزامات
+ مسئولیت مدنی + ... و ...

❧ مفاهیم حقوق بین الملل عمومی

حقوق بین الملل عمومی شاخه ای از علم حقوق است که قواعد و اصول حاکم بر روابط میان دولت ها، سازمان های بین المللی و سایر بازیگران مهم در عرصه ی بین الملل را سامان میبخشد. این رشته حقوقی، مجموعه ای از مقررات را ارائه میکند که رفتار کشورها را در سطح جهانی تنظیم کرده و با هدف تضمین صلح، امنیت، عدالت و همکاری میان کشورها طراحی شده است. آشنایی با مفاهیم پایه حقوق بین الملل عمومی، به شهروندان کمک میکند تا درک بهتری از تعاملات و مسئولیت های متقابل کشورها در عرصه بین المللی پیدا کنند و تصویری کلی از ساختار نظام بین الملل به دست آورند.

◀ واژگان و اصطلاحات پرکاربرد حقوقی

درک دقیق مفاهیم حقوقی یکی از پایه های اساسی آشنایی با مباحث حقوقی و درک بهتر قوانین است. در این بخش، مجموعه ای از مهم ترین اصطلاحات حقوقی مرتبط با فصل هشتم (اطلاعات عمومی حقوقی) گردآوری شده است تا دانشجویان و علاقه مندان بتوانند با مرور کوتاه و مفید، معنای هر اصطلاح را بشناسند و درک روشن تری از محتوای درس پیدا کنند. این واژه نامه، به عنوان یک مرجع سریع و کاربردی، یادگیری و استفاده ی عملی از مطالب جزوه را برای مخاطبان تسهیل میکند.

واژه	تعریف
حقوق عمومی	شاخه ای از علم حقوق است که روابط دولت با مردم و همچنین روابط درون حکومتی را با هدف حفظ منافع عمومی، نظم اجتماعی و عدالت تنظیم میکند.
حقوق خصوصی	شاخه ای از حقوق است که روابط حقوقی بین اشخاص حقیقی و حقوقی را بر اساس برابری و حمایت از منافع خصوصی تنظیم میکند.
حقوق اساسی	بخشی از حقوق عمومی است که به اصول کلی، ساختار حکومت، وظایف و اختیارات نهادها و حقوق و آزادی های مردم میپردازد.
حقوق بشر	مجموعه ای از حقوق و آزادی های بنیادین است که هر انسان به دلیل انسان بودن از آن برخوردار است و باید توسط حکومت ها محترم شمرده شود.
حقوق مدنی	شاخه ای از حقوق خصوصی است که روابط حقوقی میان افراد را در موضوعاتی چون مالکیت، قراردادهای، مسئولیت مدنی و خانواده تنظیم میکند.

◀ اطلاعات عمومی روزمره

◀ معلومات عمومی

معلومات عمومی به آن دسته از دانستنی هایی گفته میشود که هر فرد در زندگی روزمره، گفتگوهای اجتماعی و حتی در آزمون های عمومی به آن ها نیاز دارد.

<< **اطلاعات ورزشی:** اطلاعات ورزشی یکی از جذاب ترین بخش های معلومات عمومی است؛ زیرا هم جنبه ی سرگرمی دارد و هم نشان دهنده افتخارآفرینی های ملی در میادین بین المللی.

- تیم ملی فوتبال ایران: تیم ملی ایران با لقب یوزهای ایرانی شناخته میشود. نخستین بازی رسمی تیم ملی در تاریخ ۳ شهریور ۱۳۲۰، در کابل و برابر افغانستان انجام شد. نخستین ورزشگاه خانگی تیم ملی ایران ورزشگاه امجدیه بود که پس از ساخت استادیوم آزادی، این ورزشگاه به عنوان ورزشگاه خانگی تیم ملی معین شد. برترین گلزنان تیم ملی ایران به ترتیب عبارتند از علی دایی (۱۰۸ گل ملی)، سردار آزمون (۵۷ گل ملی) و مهدی طارمی (۵۴ گل ملی) میباشند.

- تیم ملی والیبال ایران: تیم ملی والیبال مردان ایران، به نمایندگی از ایران به میدان میرود و زیر نظر فدراسیون والیبال ایران فعالیت میکند. تیم ملی والیبال ایران نیز یکی از افتخار آفرین ترین تیم های ملی در بازی های بین المللی برای ایران میباشد.

قهرمانی جام ملت های آسیا، سه طلای بازی های آسیایی، چهارمی لیگ جهانی و یک ششمی در قهرمانی جهان، از دستاوردهای آن هستند.

- ایران در المپیک: از نخستین حضور رسمی ایران در المپیک در بازی های المپیک تابستانی ۱۹۴۸ تا بازی های المپیک تابستانی ۲۰۲۴، ورزشکاران ایرانی موفق شدند تا در مجموع ۸۸ مدال برای کشورمان تصاحب کنند. ۲۷ مدال طلا، ۲۹ مدال نقره و ۳۲ مدال برنز حاصل تلاش ۷۰ ورزشکار ایرانی در ۱۹ دوره از بازی های تابستانی المپیک میباشد که در ادامه به بررسی برخی از مهمترین آنها خواهیم پرداخت. نخستین حضور یک ایرانی در بازی های المپیک مربوط به دومین المپیک در پاریس میباشد که از آن روز تا به امروز، کشور ایران مجموعاً ۱۹ بار در المپیک شرکت کرده است.

* لیست ورزشکاران مدال آور در آخرین المپیک برگزار شده به تاریخ ۲۰۲۴ در پاریس در جدول زیر آمده است:

طلا	نقره	برنز
محمد هادی ساروی (کشتی فرنگی) سعید اسماعیلی (کشتی فرنگی) آرین سلیمی (تکواندو)	ناهید کیانی (تکواندو) مهران برخوردار (تکواندو) علیرضا مهمدی (کشتی فرنگی) حسن یزدانی (کشتی آزاد) امیرحسین زارع (کشتی آزاد) رحمان عموzاد (کشتی آزاد)	امین میرزازاده (کشتی فرنگی) امیرعلی آذریپرا (کشتی آزاد) مبینا نعمت زاده (تکواندو)

<< **اطلاعات عمومی روز:** در دنیای امروز، آشنایی با تازه ترین اخبار و رویدادهای عمومی، یکی از نیازهای اساسی هر فرد محسوب میشود. این بخش با ارائه اطلاعاتی در حوزه های گوناگون علمی، ورزشی، اقتصادی و اجتماعی، شما را در جریان جذاب ترین و مفیدترین دانستنی های عمومی روز قرار میدهد.

- رویداد های مهم تقویم شمسی:

+ فروردین ماه:

۱ فروردین: عید نوروز

۲ فروردین: عید نوروز، آغاز عملیات فتح المبین (۱۳۶۱)، تهاجم رژیم ستم شاهی به مدرسه فیضیه قم (۱۳۴۲)

۳ فروردین: عید نوروز، روز جهانی هواشناسی

۴ فروردین: عید نوروز

۸ فروردین: روز جهانی تئاتر

...

+ اردیبهشت ماه:

۱ اردیبهشت: روز بزرگداشت سعدی

۲ اردیبهشت: روز زمین پاک، تاسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۵۸)، سال روز انقلاب فرهنگی (۱۳۵۹)

۳ اردیبهشت: روز بزرگداشت شیخ بهایی، روز ملی کارآفرینی

۵ اردیبهشت: شکست حمله نظامی آمریکا به ایران در طبس (۱۳۵۹)

۹ اردیبهشت: روز شوراها، روز جهانی روانشناس و مشاور ...

+ و ...

- رویداد های مهم تقویم قمری:

۱ محرم: آغاز سال هجری قمری ۹ محرم: تاسوعای حسینی ۱۰ محرم: عاشورای حسینی ۱۱ محرم: روز تجلیل از اسرا و مفقودان ۱۲ محرم: شهادت امام زین العابدین (ع) (۹۵ ه.ق) ۱۸ محرم: تغییر قبله مسلمین از بیت المقدس به مکه معظمه (۲ ه.ق) ۲۵ محرم: شهادت امام زین العابدین (ع) (۹۵ ه.ق)	ماه محرم
۷ صفر: ولادت امام موسی کاظم (ع) ۲۰ صفر: اربعین حسینی ۲۸ صفر: رحلت پیامبر اسلام (ص) (۱۱ ه.ق) - شهادت امام حسن مجتبی (ع) (۵۰ ه.ق) ۳۰ صفر: شهادت امام رضا (ع) (۲۰۳ ه.ق)	ماه صفر
...	...

- سازه های معروف جهان: در زیر برخی از سازه های معروف و مهم جهان را بررسی میکنیم

- + برج خلیفه در امارات متحده عربی با ۱۶۳ طبقه و ۸۲۸ متر ارتفاع، به عنوان بلندترین برج و سازه جهان شناخته میشود
- + برج کج پیزا در شهر پیزای ایتالیا قرار دارد که ساخت آن در سال ۱۱۷۳ آغاز شد. ۲۰۷ ستون که در اطراف هشت طبقه آن قرار گرفته اندو میتوان با استفاده از پلکان مارپیچ ۲۹۷ پله ای از آن بالا رفت.
- + برج میلاد با ارتفاع ۴۳۵ متر ارتفاع، در رده ششم از دسته برج های مخابراتی و رده بیست و پنجم از دسته سازه های مستقل جهان قرار دارد.
- + سد سه دره (Three Gorges Dam) که بر روی رود یانگ تسه در چین ساخته شده است بزرگترین سد ساخته شده بر روی یک رودخانه میباشد. نیروگاه برق آبی ساخته شده در این سد، بزرگ ترین نیروگاه جهان، در بین همه انواع نیروگاه ها است و دارای ظرفیت تولید ۲۲۵۰۰ مگاوات میباشد که تقریبا معادل دو برابر انرژی برقایی کل ایران است.
- + دیوار بزرگ چین طولانی ترین و بزرگ ترین سازه مهندسی در جهان است. این دیوار در نقشه جغرافیایی چین ۲۱,۱۹۶ کیلومتر طول دارد. این دیوار در دوره های امپراتوری مختلفی ساخته شده و در برخی موارد دیوار های از پیش ساخته شده توسط امپراتوری جدید به هم پیوسته اند.
- + کلیسای لاساگرادا فامیلیا در بارسلون اسپانیا قرار دارد و ساخت آن در سال ۱۸۸۲ آغاز شده بود اما به دلیل جنگ داخلی در اسپانیا ادامه آن با مشکلاتی روبرو شد. ساختمان این کلیسا قرار است تا سال ۲۰۲۶ تکمیل شود.
- + مسجد ایاصوفیه در ترکیه که ابتدا یک کلیسای ارتدوکس یونانی بود، بعد از فتح توسط امپراتوری عثمانی به یک مسجد تبدیل شد. این مسجد امروزه به عنوان یک موزه مورد استفاده قرار میگیرد اما بحث هایی برای بازگرداندن کاربری آن به مسجد وجود دارد.
- + شهر ممنوعه مجموعه ای از ۹۸۰ ساختمان است که در مساحتی به مقدار ۷۲ هکتار در پکن چین ساخته شده است. از این کاخ، بین سال های ۱۴۲۰ تا ۱۹۱۲ میلادی به عنوان کاخ امپراتوری چین استفاده میشد. امروزه این کاخ موزه به عنوان یک میراث جهانی و همچنین بزرگ ترین مجموعه از سازه های چوبی باستانی در جهان شناخته میشود.
- + مسجد سلطان احمد، یکی از زیباترین شاهکارهای معماری اسلامی است که به علت وجود کاشی های آبی رنگ در طراحی داخلی آن، به «مسجد آبی» نیز شهرت دارد. این مسجد در استانبول واقع شده و همچنان به کارکرد مذهبی و آیینی خود ادامه میدهد. مسجد دارای ۵ گنبد اصلی، ۶ مناره و ۸ گنبد کوچک تر است.
- + موزه لوور پاریس بزرگ ترین موزه هنر جهان و یک بنای تاریخی ارزشمند است. این موزه در قلب شهر و سمت راست رودخانه سن واقع شده است و به عنوان پربازدیدترین موزه جهان، سالانه ۱۰/۲ میلیون بازدیدکننده را به خود جذب میکند. این موزه از سال ۱۷۹۳ افتتاح شده و در دوره های مختلف گسترش یافته است.

- عجایب هفتگانه: برخی از سازه ها به قدری مهم، شگفت انگیز، با ارزش و عظیم در نظر گرفته میشوند که به آنها لقب عجایب جهان داده میشود. عجایب هفت گانه به هفت اثر برتر معماری و مجسمه سازی دوران باستان گفته میشود. این هفت اثر ظاهراً نخستین بار توسط یک فنیقیایی یونانی الاصل در دومین سده پیش از میلاد در یک کتاب ثبت شده است:

عجایب	سال ساخت	سازنده	تاریخ ویرانی	علت ویرانی	موقعیت کنونی
هرم بزرگ جیزه	۲۵۸۴ - ۲۵۶۱ ق.م	مصر باستان	ویرا نشده	-----	مجموعه اهرام جیزه، مصر
باغ های معلق بابل	حدود ۶۰۰ ق.م	بابلی ها یا آشوریان	بعد از اولین قرن قبل از میلاد مسیح	نامشخص	نینوا، عراق
معبد آرتیمیس	۵۵۰ ق.م	لیدی، یونان باستان	۳۵۶ ق.م ۲۶۲ میلادی	آتش سوزی به دست هرستراتوس غارت به وسیله گوت ها	استان ازمیر، ترکیه
تندیس زئوس در المپیا	۴۳۵ ق.م	یونان باستان	قرن ۵ و ۶ میلادی	آتش	المپیا، یونان
آرامگاه هالیکارناسوس	۳۵۱ ق.م	کاریایی ها، هخامنشیان، یونان باستان	۱۴۹۴ میلادی	سیلاب	بودروم، ترکیه
غول رودس	۲۹۲ - ۲۸۰ ق.م	یونان باستان	۲۲۶ ق.م	زمین لرزه	رودس، یونان
فانوس اسکندریه	۲۸۰ ق.م	امپراتوری بطلمیوسی، یونان باستان	۱۳۰۳ و ۱۴۸۰ میلادی	زمین لرزه	اسکندریه، مصر

- طبیعت جهان: تا به اینجا مواردی بررسی شدند که دست ساز بشر محسوب میشدند. در ادامه به بررسی مواردی میپردازیم که در طبیعت وجود دارند و انسان در آنها دخالتی نداشته است. این موارد شامل جنگل ها، آبشار ها، دشت و صحرا و ... میشوند.

+ جنگل آمازون در آمریکای جنوبی و در قسمت هایی از برزیل، پرو، کلمبیا و دیگر دولت های آمریکای جنوبی قرار دارد. این جنگل بزرگترین جنگل بارانی جهان بوده و تنوع زیستی فراوان دارد. با توجه به میزان تولید اکسیژن در این جنگل، از آن به عنوان ریه های زمین یاد میشود.

+ جنگل های ماداگاسکار در جزیره ماداگاسکار واقع در اقیانوس هند قرار دارند. جنگل های ماداگاسکار با حیات وحش منحصر به فرد خود از جمله لمور ها و شامپانزه ها، جزیره را به یک پناهگاه زیست بومی تبدیل کرده اند.

+ سالار د اویونی (Salar de Uyuni) بزرگ ترین نمک زار جهان در جنوب غربی بولیوی میباشد که مساحتی حدود ۱۰,۵۸۲ کیلومترمربع دارد. این دشت نمکی وسیع در ارتفاعات کوه های آندز (Andes) واقع شده و به دلیل پوشش ضخیم نمک، سطح آن مانند آینه ای بزرگ عمل می کند، به ویژه در فصل بارندگی، زمانی که لایه نازکی از آب روی نمک ها را می پوشاند. سالار د اویونی یکی از غنی ترین منابع لیتیوم جهان نیز است.

+ صاحارا (Sahara) بزرگترین صحرای داغ جهان است که بیشتر مناطق شمال آفریقا را شامل میشود و تقریباً به بزرگی ایالات متحده آمریکا وسعت دارد. بیشتر مساحت کویر از فلات های سخت و صخره ای و مقدار کمی ماسه تشکیل شده است. در صاحارا به طور متوسط سالانه کمتر از ۸ سانتی متر باران میبارد.

+ آبشار آنجل (Angel Falls)، با ارتفاع کلی ۹۷۹ متر، از جمله ۸۰۷ متر سقوط آزاد، بلندترین آبشار جهان محسوب می شود. این آبشار از یکی از بزرگ ترین کوه های تخت در پارک ملی کانایما (Canaima) واقع در جنوب ونزوئلا سرازیر می شود. این آبشار در میان مردم محلی پمون (Pemon) به عنوان «کوه شیطان» شناخته شده است.

+ سد بزرگ مرجانی (Great Barrier Reef)، متشکل از حدود ۳۰۰۰ جزیره مرجانی، با طولی بیش از ۲۶۰۰ کیلومتر، بزرگ ترین سازه ای است که توسط موجودات زنده در جهان ساخته شده و حتی از فضا قابل مشاهده است. این اکوسیستم زیبا و حساس، که در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده است، زیستگاه گونه های متنوعی از جمله لاک پشت های دریایی سبز و نهنگ ها می باشد.

+ دروازه جهنم (Darvaza Gas Crater) در ترکمنستان یکی از عجیب ترین و ترسناک ترین مکان های جهان است. این دهانه که به دلیل فروپاشی یک میدان گازی زیرزمینی به وجود آمده است، بیش از ۵۰ سال است که به طور مداوم در حال سوختن است. شعله های آتشین این دهانه که شب ها به خوبی قابل مشاهده هستند، منظره ای مهیب و فرازمینی ایجاد کرده اند.

◀ آشنایی با سازمان های داخلی و بین المللی (سازمان ملل، یونسکو، WHO و ...)

<< سازمان ها و نهاد های داخلی ایران: ساختار اداری جمهوری اسلامی ایران متشکل از نهادها و سازمان های متعددی است که هر یک مسئولیت ها و وظایف خاصی را در حوزه های مختلف حکمرانی، نظارت، خدمات عمومی، فرهنگی، اقتصادی، قضایی و امنیتی بر عهده دارند.

۱. کمیته امداد امام خمینی (ره) (اسفند ۱۳۵۷)

نوع سازمان: حمایتی - انقلابی

مأموریت: کمیته امداد نهادی عمومی، غیردولتی و تحت نظارت مستقیم مقام معظم رهبری است که مأموریت آن ارائه حمایت های مالی، معیشتی، فرهنگی و توانمندسازی به اقشار محروم، نیازمند و بی سرپرست جامعه میباشد. وظایف اصلی: پرداخت مستمری به خانواده های بی سرپرست، کمک به درمان، تحصیل و ازدواج نیازمندان، ارائه تسهیلات خودکفایی و اشتغال زایی، اجرای طرح های اکرام ایثار و محسنین نکته قابل توجه: رئیس کمیته امداد امام خمینی با حکم رهبر جمهوری اسلامی ایران منصوب میشود.

۲. سازمان تبلیغات اسلامی (۱۳۶۰)

نوع سازمان: فرهنگی - دینی

وابستگی: زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی و در چارچوب سیاست های کلی نظام مأموریت: ترویج فرهنگ اسلامی، مقابله با تهاجم فرهنگی، پشتیبانی از فعالیت های تبلیغی و سامان دهی امور مبلغین، هیئات مذهبی و مؤسسات فرهنگی مردمی. وظایف اصلی: هدایت و پشتیبانی از هیئات مذهبی و مداحان، برنامه ریزی برای مناسبت های دینی و ایام مذهبی، مدیریت سازمان دارالقرآن الکریم، مقابله با جریان های انحرافی دینی در کشور

نکته: ریاست سازمان تبلیغات اسلامی با پیشنهاد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و تأیید رهبری تعیین میشود.

۳. دادگاه ویژه روحانیت (۱۳۶۱)

نوع نهاد: قضایی - اختصاصی

وابستگی: تحت نظر مستقیم مقام معظم رهبری

مأموریت: رسیدگی به جرائم روحانیون و تخلفات انتظامی، اخلاقی و عقیدتی آنان، در چارچوبی متفاوت از دادگاه های عمومی کشور. ویژگی ها: ساختار مستقل از قوه قضائیه، قضات آن عمدتاً از بین روحانیون انتخاب میشوند، آرای آن قطعی و قابل اجراست (غالباً بدون تجدیدنظر)

<< سازمان های منطقه ای و بین المللی: در دنیای کنونی، تعاملات میان کشورها بیش از هر زمان دیگری به نهادهای فراملی وابسته است. سازمان های منطقه ای و بین المللی به عنوان بازیگران مهم در عرصه سیاست، اقتصاد، فرهنگ، امنیت و

توسعه جهانی، نقش محوری در مدیریت روابط میان کشورها و حل چالش های مشترک ایفا میکنند. این نهادها با اهدافی نظیر ارتقاء همکاری های اقتصادی، حفظ صلح و امنیت، توسعه پایدار، مدیریت بحران های زیست محیطی و دفاع از حقوق بشر به وجود آمده اند و هر یک در حوزه تخصصی خود دارای ساختار، اعضا، مقررات و کارکردهای مشخصی هستند.

- سازمان های منطقه ای:

۱- سازمان همکاری های اقتصادی (ECO) - ۱۹۸۵: ارتقای همکاری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان کشورهای عضو به ویژه در آسیای مرکزی و خاورمیانه. مقر: تهران، ایران

۲- سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) - ۱۹۶۹: تقویت همبستگی اسلامی، دفاع از حقوق مسلمانان و توسعه همکاری میان کشورهای اسلامی. مقر: جده، عربستان سعودی

۳- گروه D-8 (هشت کشور در حال توسعه) - ۱۹۹۷: افزایش توان اقتصادی کشورهای در حال توسعه اسلامی در زمینه های تجاری، مالی، صنعتی و علمی. مقر: استانبول، ترکیه

۴- اتحادیه عرب - ۱۹۴۵: تحکیم روابط میان کشورهای عربی و هماهنگی فعالیت های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی. مقر: قاهره، مصر

۵- شورای همکاری خلیج فارس (GCC) - ۱۹۸۱: توسعه همکاری سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی میان شش کشور عربی حوزه خلیج فارس. مقر: ریاض، عربستان سعودی

- سازمان های بین المللی:

۱- سازمان ملل متحد (UN) - ۱۹۴۵: بزرگ ترین نهاد بین المللی تأسیس شده پس از جنگ جهانی دوم برای حفظ صلح و امنیت جهانی، توسعه روابط دوستانه بین ملت ها، همکاری در حل مشکلات بین المللی و ترویج حقوق بشر.

مقر: نیویورک، آمریکا

۲- مجمع عمومی سازمان ملل متحد - ۱۹۴۵: یکی از شش نهاد اصلی سازمان ملل؛ مکانی برای گفت وگو و تصمیم گیری در مسائل مهم جهانی با حضور همه اعضای سازمان ملل. هر کشور دارای یک رأی است.

مقر: نیویورک، آمریکا

۳- شورای امنیت سازمان ملل متحد - ۱۹۴۵: مرجع اصلی تصمیم گیری درباره مسائل صلح و امنیت جهانی. دارای ۱۵ عضو، از جمله ۵ عضو دائم (آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، بریتانیا) با حق وتو.

مقر: نیویورک، آمریکا

۴- یونسکو (UNESCO) - ۱۹۴۵: سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد. هدف آن ارتقای صلح از طریق همکاری های بین المللی در حوزه های آموزش، علم، فرهنگ و حفاظت از میراث فرهنگی جهان است.

مقر: پاریس، فرانسه

۵- یونیسف (UNICEF) - ۱۹۴۶: صندوق کودکان سازمان ملل متحد. مسئول حمایت از حقوق کودکان، کمک های انسانی، آموزش، بهداشت و کاهش فقر در میان کودکان و زنان.

مقر: نیویورک، آمریکا

۶- سازمان بهداشت جهانی (WHO) - ۱۹۴۸: مرجع سلامت جهانی؛ وظیفه نظارت، هماهنگی و مقابله با بحران های بهداشتی، تدوین دستورالعمل های بهداشتی و ارتقای سلامت عمومی جهانی را دارد.

مقر: ژنو، سوئیس

۷- سازمان بین المللی کار (ILO) - ۱۹۱۹: ارتقای عدالت اجتماعی از طریق تنظیم استانداردهای بین المللی کار، حمایت از حقوق کارگران و بهبود شرایط کاری در سطح جهانی.

مقر: ژنو، سوئیس

۸- سازمان تجارت جهانی (WTO) - ۱۹۹۵: نهاد ناظر بر تجارت جهانی که با تنظیم قواعد تجارت آزاد و حل اختلافات تجاری، به تسهیل بازرگانی بین کشورها کمک می کند.

مقر: ژنو، سوئیس

۹- سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO) - ۱۹۴۵: تلاش برای نابودی گرسنگی در جهان، ارتقای امنیت غذایی، حمایت از کشاورزی پایدار و توسعه روستایی.

مقر: رم، ایتالیا



❖ فصل سوم: زبان و ادبیات فارسی (جزوه آموزشی + سوالات خودآزمایی)

تعریف ادبیات

ادبیات به مجموعه ای از آثار نوشتاری و گفتاری اطلاق می شود که ابزاری برای بیان احساسات، آرمان ها و مشکلات انسان ها می پردازد.

◀ قرابت معنایی

قرابت معنایی به معنای نزدیکی یا هم مفهوم بودن دو بیت یا دو متن است. یعنی پیام یا مفهومی که منتقل می شود، در هر دو بیت مشابه است.

مثال

آتش عشق

در این ترکیب، «آتش» به عنوان یک نماد برای شدت احساسات عاشقانه و شور و حرارت قلبی عمل می کند. این نوع قرابت معنایی در حالی که «آتش» معمولاً به معنای سوختن و نابودی است، در کنار «عشق» معنای متفاوتی از شور و جوش احساسات پیدا می کند.

شباهت معنایی

شباهت معنایی به معنای مشابهت سطحی یا ظاهری میان دو یا چند واژه یا عبارت است که ممکن است از نظر معنی نزدیک به هم باشند، اما این نزدیکی یا مشابهت معمولاً در سطح اولیه یا ظاهری است و نه از عمق مفهومی. در شباهت معنایی، ارتباطات واژگان اغلب در سطح عمومی تر و ساده تری از اشکال زبانی قرار دارند.

مثال

شادی و سرو

این دو واژه به طور ظاهری شباهت معنایی دارند چون هر دو به احساسات مثبت اشاره دارند، اما در واقع در شعر می توانند در زمینه های مختلفی با معانی متفاوت ظاهر شوند. برای مثال، شادی ممکن است در برابر غم و سرور ممکن است در موقعیت های اجتماعی و فردی متفاوت از هم استفاده شوند.

▪ مهم ترین دسته بندی های ادبیات فارسی شامل:

۱- بر اساس نوع نگارش (نثر و نظم)

۲- بر اساس محتوا و موضوع (ادبیات عرفانی، حماسی، تعلیمی، غنایی، اجتماعی و...)

۳- بر اساس دوره تاریخی (باستان، کلاسیک، مشروطه، معاصر)

۴- بر اساس سبک ادبی (خراسانی، عراقی، هندی، بازگشت ادبی، سبک نو)

نظم (شعر)

هر نوع شعر یا متنی که به صورت موزون و مقفی باشد، نظم نامیده می شود.

نثر (متن غیر موزون)

نثر به هر نوع متن غیرموزون و غیرمقفی گفته می شود.

انواع نثر فارسی

۱- **نثر مرسل یا ساده:** نثری است آزاد و خالی از قید سجع هستند. سیاستنامه

۲- **نثر مسجع:** به نثری اطلاق می شود که در آن جملات دارای آهنگ و هماهنگی صوتی هستند و گاهی از قافیه نیز بهره می گیرند. مناجات نامه

که خود نثر مسجع به انواع مختلفی تقسیم می شود.

۳- **نثر مصنوع یا متکلف:** این سبک آمیزه ای از دو سبک مرسل و مسجع مس باشد. مقامات حمیدی

۴- **نثر علمی و فلسفی:** نثر علمی و فلسفی شاخه ای از نثر فارسی است که برای بیان مفاهیم علمی، فلسفی، پزشکی، ریاضی، نجوم، کلام و حکمت نظری به کار می رود. قانون - ابن سینا

۵- **نثر داستانی و روایی:** نثر داستانی و نثر روایی دو گونه از نثر فارسی هستند که به بازگویی ماجراها و روایت های واقعی یا خیالی می پردازند. هزار و یک شب

قالب های شعری

در ادبیات فارسی، **قالب های شعری** به اشکال مشخصی از چینش بیت ها و قافیه ها گفته می شود که هر کدام ویژگی های خاص خود را دارند. مانند:

الف) غزل:

که تا ۱۵ بیت دارد و گاهی بیشتر، از نظر قافیه مصرع اول و تمام مصرع های زوج هم قافیه است.

نمونه غزل:

دل از خاک رهش برداشتم، جان یافت راهی که تا افلاک عشق او، رهیدم از تباهی
نشان دوست جُستم در سکوتِ شامِ هستی دمی در خویش بنگر، راز او دارد گواهی (غزل عارفانه)

ب) مثنوی:

این قالب شعری دارای وزن معمولاً واحد و هماهنگ است

نمونه مثنوی:

بشنو این نی چون شکایت می کند از جدایی ها حکایت می کند
چو کودک لب از شیر مادر بشست ز گهواره بیرون شد و پای سست

پ) قصیده:

مانند غزل، فقط مصرع اول و همه ی مصرع های زوج هم قافیه اند.

ج) رباعی:

رباعی یکی از قالب های کوتاه و پرمحتوای شعر فارسی است که اغلب مفاهیم فلسفی، عرفانی یا عاشقانه را بیان می کند.

چهار مصرع دارد. **موضوع آن** حکمت، فلسفه، عشق، معروفترین شاعر رباعی سرا خیام است.

د) دو بیتی:

دو بیتی همانند رباعی چهار مصرع دارد اما تفاوت هایی در وزن و کاربرد آن با رباعی وجود دارد. **موضوع آن** احساسی، عاشقانه است معروف ترین دو بیتی سرا باباطاهر عریان و فایز دشتستانی میتوان نام برد.

ز) قطعه:

قطعه شعری است حداقل دو بیت و معمولاً طولانی نیست فقط مصرع های زوج هم قافیه اند.

دستور زبان

دستور زبان به مجموعه ای از قواعد و قوانین زبانی گفته می شود که نحوه ترکیب و چیدمان کلمات را در جملات مشخص

می کند.

• جمله**۱- انواع جمله**

- **جمله اسمیه:** در این جملات، فاعل و خبر معمولاً وجود دارند، و جمله بدون نیاز به فعل ساخته می شود.

مثال: خورشید روشن است. در این جمله، «خورشید» فاعل است و «روشن» خبر است.

- **جمله فعلیه:** در این جملات، فعل به عنوان جزء اصلی جمله عمل را نشان می دهد.

مثال: من کتاب می خوانم. در هر دو نوع جمله، ممکن است اجزای اضافی مانند مفعول به، قید، یا متمم ها وجود داشته

باشند.

- **جمله ساده:** جمله ای که دارای یک فعل باشد. مثل حسن از مدرسه برگشته است.

- **جمله مرکب:** جمله ای است که در آن بیش از یک فعل به کار رفته باشد. مثل درسهایت را بخوان تا در امتحان موفق شوی

- **جمله خبری:** جمله ای که درباره یک واقعیت، رویداد یا اطلاعاتی خبر می دهد. مثل هوا گرم است

- **جملات پرسشی:** جملاتی که برای پرسیدن اطلاعات یا درخواست چیزی به کار می روند. مثل آیا هوا گرم است

- **جمله فعلی:** جمله ای که در آن فعل وجود دارد فعل به عنوان هسته جمله که بیان کننده یک عمل، حالت یا رویداد است.

مثل باران می بارد.

- **جمله اسمی:** جملات اسمی (که به آن ها جملات بدون فعل نیز گفته می شود) جملاتی هستند که در آن ها هیچ فعل

مستقیمی به کار نرفته است. مثل توقف ممنوع

- جمله معلوم: فاعل مشخص و ذکر شده است. مثل علی کتاب را خواند.

- جمله مجهول: فاعل مشخص نیست یا ذکر نشده است. مثل کتاب خوانده شد.

• انواع اسم

- اسم ساده: اسم هایی که تنها از یک کلمه یا واژه تشکیل می شوند و قابل تجزیه به اجزای کوچکتر نیستند. مثل دریا

- اسم مشتق: اسمی که از ترکیب یک ریشه و یک پسوند ساخته می شوند. مثل زیبایی

- اسم مرکب: اسم هایی که از ترکیب دو یا چند کلمه ساخته می شوند و هر کدام دارای معنای مستقلی است. مثل سفیدرود

- اسم معرفه: به اسم هایی گفته می شود که یک مورد مشخص را نشان میدهد. مثل این کتاب

- اسم نکره: به اسم هایی گفته می شود که به چیز نامشخصی اشاره دارد. مثل کتابی

• انواع فعل

- فعل ساده و مرکب: فعل ساده یک کلمه دارد مثل رفتن. و فعل مرکب از ترکیب چند کلمه تشکیل می شود مثل مشغول خواندن بودن.

- فعل لازم و متعدی: فعل هایی که به تنهایی معنا دارند و نیازی به مفعول ندارند مثل خوابید. و فعل های متعدی نیاز به مفعول دارند مثل من کتاب را میبینم.

- فعل ناقص (ربطی): این فعل ها در کنار اسم یا صفت می آیند و ویژگی یا حالت چیزی را بیان می کنند، مثل او دانش آموز است.

- فعل ماضی: به افعالی اطلاق می شود که نشان دهنده عملی هستند که در گذشته انجام شده است و خود انواعی دارد. مثل رفتم - می رفتم و...

• انواع صفت

- صفت بیانی: صفتی است که همراه اسم و اغلب پس از آن می آید. مثل کتاب مفید را بخوان

- صفت اشاره ای: صفتی است که در اصل، هر گاه با یکی از کلمات «این» و «آن» که گاهی هم به صورت «همین» و «همان» به کار می رود. مثل هلیا این گل را از مغازه خریده است.

- صفت مبهم: صفتی است که همراه اسم می آید. مثل مریم فلان فیلم را دوست دارد.

• انواع ضمیر

- ضمیر شخصی: ضمیرهایی هستند که برای هر یک از اشخاص (اول شخص، دوم شخص و سوم شخص، (مفرد یا جمع) ساخت جداگانه دارند.

- ضمیر اشاره ای: این ضمیرها برای اشاره به اشخاص، اشیاء یا مفاهیم استفاده می شوند مثل این

- ضمیر مشترک: ضمیری است که برای همه ساخت های شش گانه یکسان بکار می رود. مثل خویش و خویشتن

- ضمیر پرسشی: این ضمیر ها در جملات سوالی استفاده می شوند. مثل چه کسی

- ضمیر مبهم: واژه هایی هستند که بر کس یا چیز یا مقدار مبهمی دلالت می کنند. مثل همه آمدند

• انواع قید

- قید زمان: امروز

- قید مکان: اینجا

- قید پرسش: آیا

◀ آرایه های ادبی

آرایه های لفظی: آرایه های لفظی آن هایی هستند که بر موسیقی و آوای متن اثر می گذارند.

• انواع آرایه های لفظی

- جناس: دو یا چند کلمه که از نظر شکل ظاهری و تلفظ کاملاً یا تقریباً یکسان هستند، اما از جهت معنی باهم فرق دارند.

- سجع: آوردن کلمات هم وزن و هم قافیه در پایان جمله ها نثر است. سجع در نثر مانند قافیه در شعر است.

- واج آرایی: تکرار یک واج (صامت یا مصوت) در کلمات به بیت یا عبارت است.

آرایه های معنوی: آرایه های معنوی به زیبایی معنای جمله کمک می کنند.

• انواع آرایه های معنوی

- تشبیه: آن است که کسی یا چیزی را از نظر داشتن صفت یا صفاتی به کس یا چیز دیگر مانند کنیم.

ارکان تشبیه عبارت است از: ۱- مشبه: (اسمی که تشبیه شده است) ۲- مشبه به (اسمی که مشبه به آن تشبیه شده است)

۳- وجه شبه (ویژگی مشترک مشبه و مشبه به) ۴- ادات تشبیه (کلمه ای که رابطه تشبیه را برقرار میکند)

- مجاز: به کار بردن لفظی در معنای غیر حقیقی آن را مجاز گویند.

- استعاره: تشبیهی است که تنها یک رکن تشبیه (مشبه یا مشبه به) آن آمده است.

- ایهام: به کار بردن لفظی است در دو معنای دور و نزدیک که خواننده نخست به معنای نزدیک توجه می کند.

- تضمین: تضمین یکی از آرایه های معنوی در ادبیات فارسی است که در آن، شاعر یا نویسنده بیت، مصراع، یا عبارتی از

شاعر یا نویسنده دیگر را بی هیچ تغییری در اثر خود می آورد.

• آرایه های بلاغی

- کژتابی: به وضعیتی گفته می شود که در آن یک عبارت یا جمله بیش از یک معنی یا تفسیر ممکن داشته باشد

- مبالغه: یا اغراق یکی از آرایه هایی است که در آن برای تأکید بر یک ویژگی، صفت یا حالت، آن را به طور غیر معمول و

افراطی بیان می کنند.

- پارادوکس: به وضعیتی گفته می شود که در آن دو یا چند ایده یا جمله به ظاهر متناقض یا مخالف هم وجود دارند.

تاریخ ادبیات فارسی یکی از غنی ترین و تأثیرگذارترین شاخه های ادبی جهان است که طی قرون متمادی تحولات گسترده ای را پشت سر گذاشته است. این تاریخ از دوران باستانی تا ادبیات معاصر را در بر می گیرد و شامل شعر، نثر، ادبیات عرفانی، داستانی و فلسفی است. در این کتاب، به بررسی روند تکامل ادبیات فارسی در دوره های مختلف پرداخته خواهد شد.

قرن چهارم و پنجم:

رودکی: یکی از بزرگ ترین شاعران و پایه گذاران شعر فارسی در دوران آغازین سلطنت سامانیان در قرن چهارم هجری بود وی بنام پدر «شعر فارسی» شناخته می شود. رودکی در سبک های مختلف شعر، از جمله قصیده، غزل، مثنوی و قطعه، مهارت خاصی داشت و توانست دنیای شعر فارسی را به شیوه ای خاص رنگ آمیز کند. او در اشعار خود، از یک زبان ساده و روان بهره می برد و در کنار درون مایه های اخلاقی و دینی، شعرش از شگفتی های ادبی، توصیف های زیبا از طبیعت و معانی استعاری برخوردار بود. همین ویژگی ها باعث شد که رودکی به عنوان پیشوای شعر فارسی به شمار رود. رودکی به ویژه در قصیده سرایی تبحر داشت و بسیاری از قصایدش در مدح شاهان و بزرگان زمان خود، به ویژه در دربار امیران سامانی سروده شده است.

فردوسی: حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی، شاعر بزرگ ایرانی و خالق شاهکار بی نظیر شاهنامه، یکی از مهم ترین و تأثیر گذارترین شخصیت های تاریخ ادبیات فارسی است. مجموعه ای حماسی است که تاریخ اسطوره ای و واقعی ایران را از آغاز تا پایان دوره ی ساسانیان به طور مفصل روایت می کند. این اثر که شامل حدود ۶۰ هزار بیت است، یکی از مهم ترین آثار ادبی در تاریخ ایران و جهان به شمار می رود و به عنوان گنجینه ای از افسانه ها، اسطوره ها، حکمت ها و تاریخ باستانی ایران شناخته می شود. در کنار شاهنامه، فردوسی آثاری دیگر نیز به یادگار گذاشته است، اما هیچ کدام به اندازه ی شاهنامه شهرت نیافته اند. از جمله این آثار می توان به «دیوان اشعار» و «قصیده ها» اشاره کرد.

عنصری: عنصری بلخی، شاعر بزرگ دربار غزنوی و یکی از درخشان ترین چهره های شعر فارسی در قرن پنجم هجری، از مهم ترین قصیده سرایان سبک خراسانی به شمار می آید. مهم ترین ویژگی شعر عنصری، مهارت او در قصیده سرایی است. قصاید او سرشار از آرایه های ادبی، تشبیهات زیبا، مبالغه های هنری و ترکیب های بدیع است که شکوه و عظمت سبک خراسانی را به نمایش می گذارد. او در مدح سلطان محمود و سایر بزرگان دربار، چیره دستی خاصی داشت و توانست با تسلط بر فنون شعری، قصایدی فاخر و پرمحتوا خلق کند. در اشعار او، علاوه بر مدح، توصیف طبیعت، بزمیات و حکمت نیز دیده می شود، اما بیشترین تمرکز او بر ستایش شاهان و امیران است.

دیوان عنصری شامل مجموعه ای از قصاید، غزلیات و قطعات است، اما متأسفانه بسیاری از اشعار او از بین رفته و تنها بخش هایی از آن باقی مانده است. بااین حال، همین مقدار از آثارش نیز نشان دهنده ی تسلط بی چون و چرای او بر هنر شاعری است.

خواجه نظام الملک طوسی: خواجه نظام الملک طوسی (۴۰۸-۴۸۵ هجری قمری) یکی از برجسته ترین وزیران تاریخ ایران در دوران سلجوقیان و از مهم ترین شخصیت های فرهنگی و سیاسی قرن پنجم هجری بود. مهم ترین اثر به جا مانده از خواجه نظام الملک، کتاب «سیاست نامه» یا «سیرالملوک» است که یکی از ارزشمندترین متون نثر فارسی در حوزه ی سیاست، مدیریت و کشورداری محسوب می شود.

خیام نیشابوری: عمر خیام نیشابوری، شاعر، ریاضی دان، ستاره شناس و فیلسوف برجسته ایرانی قرن پنجم و ششم هجری (۴۲۷-۵۱۰ ه.ش)، یکی از چهره های مهم در تاریخ ادبیات و علم ایران محسوب می شود. او بیش از هر چیز به واسطه رباعیاتش در جهان شناخته شده است، اما تأثیر او تنها به حوزه شعر محدود نمی شود، بلکه در ریاضیات، نجوم و فلسفه نیز آثار ماندگاری از خود بر جای گذاشته است.

دیدگاه های فلسفی خیام نیز در رباعیات او منعکس شده است. او نگاهی شکاکانه و نقادانه به باورهای عمومی و سرنوشت انسان دارد. گرچه برخی او را فردی کافر یا بدبین دانسته اند، اما بسیاری از پژوهشگران معتقدند که نگاه او بیش از آنکه پوچ گرایانه باشد، نوعی واقع گرایی تلخ در برابر ناپایداری جهان و بی اعتباری زندگی است.

رباعیات خیام در جهان شهرت بسیاری یافته اند، به ویژه پس از ترجمه آنها توسط ادوارد فیتزجرالد در قرن نوزدهم، که باعث شد نام او در ادبیات غرب نیز درخشش ویژه ای پیدا کند. سبک شعر خیام ساده، بی پیرایه و سرشار از معناست، و به همین دلیل مورد توجه نسل های مختلف قرار گرفته است.

در مجموع، خیام نیشابوری چهره ای کم نظیر در تاریخ ادبیات و علوم ایران است که آثار و اندیشه های او همچنان در جهان امروز زنده و الهام بخش باقی مانده اند.

اثر او در ریاضی «جبر و مقابل» نام دارد و رساله ای به زبان فارسی بنام «نوروزنامه» منسوب به اوست.

بابا طاهر عریان همدانی: بابا طاهر همدانی یکی از شاعران بزرگ و عارفان برجسته ی ایران در قرن پنجم هجری است نقش مهمی در شکل گیری و گسترش دوبیتی های عامیانه و عارفانه ی فارسی داشته است.

نام "بابا" که در ابتدای نام او آمده است، نشان دهنده ی جایگاه والای او در میان صوفیان و مشایخ عرفان است. مضمون های اشعار بابا طاهر به طور عمده شامل عشق عرفانی، طبیعت گرایی، درد و رنج انسانی و حکمت و اندرز است. باباطاهر را می توان از تأثیرگذارترین شاعران در رواج دوبیتی سرایی در ادبیات فارسی دانست.

قرن ششم:

نظامی گنجوی: نظامی گنجوی یکی از بزرگ ترین و مشهورترین شاعران و حکیمان ایرانی در قرن ششم هجری است که آثارش نه تنها در ادبیات فارسی بلکه در ادبیات جهان تاثیرگذار بوده است. نظامی در شعر خود نه تنها به داستان سرایی پرداخته، بلکه در آثارش مفاهیم عمیق انسانی، فلسفی و اجتماعی را نیز مطرح کرده است. مهم ترین اثر او که نقطه عطفی در تاریخ ادبیات فارسی به شمار می آید، مجموعه پنج گانه "خمس گنج" یا "پنج گنج" است که شامل پنج داستان عاشقانه و اخلاقی است.

عطار نیشاپوری: عطار نیشاپوری یکی از بزرگترین شاعران و عارفان قرن ششم هجری است که تأثیر عمیقی بر ادبیات فارسی و عرفان اسلامی گذاشته است. مهم ترین آثار او که در تاریخ ادبیات فارسی جایگاه ویژه ای دارند، عبارتند از "منطق الطیر"، "مصیبت نامه"، "الهی نامه"، "تذکره الاولیاء" و "دیوان اشعار". اثر "منطق الطیر" شاید شناخته شده ترین و برجسته ترین اثر عطار می باشد.

خاقانی شروانی: خاقانی شروانی یکی از برجسته ترین شاعران قرن ششم هجری است که در تاریخ ادبیات فارسی به عنوان یکی از نوابغ شعر فارسی شناخته می شود. مهم ترین ویژگی شعر خاقانی، توانایی فوق العاده اش در استفاده از معانی و مضامین پیچیده، استفاده از تشبیهات و استعاره های زیبا، و تسلط بر زبان شعر فارسی بود. اشعار او غالباً با مضامین انسانی، فلسفی، عرفانی و دینی آمیخته اند.

قرن هفتم

مولوی یا مولانا: مولوی، یا همان جلال الدین محمد بلخی، یکی از بزرگترین شاعران، عارفان و متفکران تاریخ ادبیات فارسی و اسلام است که آثارش همچنان در سراسر جهان شناخته شده و مورد توجه قرار دارد مولانا در ابتدا تحصیلات خود را در زمینه های فقه، حدیث، کلام و فلسفه پی گرفت و در دربار قونیه به تدریس مشغول شد. اما نقطه عطف زندگی او، ملاقات با شمس تبریزی، عارف بزرگ، بود که به طور عمیقی تأثیر شگرفی بر او گذاشت. این ملاقات باعث تحول روحی مولانا شد و او وارد مسیر سلوک عرفانی و عشق الهی گردید مولانا بزرگترین اثر خود را در قالب مجموعه ای از اشعار عرفانی و فلسفی به نام "مثنوی معنوی" آفرید. وی خود از طریق آثاری چون "دیوان شمس" که مجموعه ای از غزلیات و اشعار عرفانی است، به بیان مفاهیم عشق الهی، معرفت و حقیقت پرداخت.

شمس تبریزی: شمس تبریزی یکی از بزرگترین عارفان و شخصیت های برجسته تاریخ عرفان اسلامی است که تأثیرات عمیقی بر مولانا جلال الدین بلخی و در نتیجه بر تاریخ ادبیات و عرفان فارسی گذاشت. نقطه عطف زندگی شمس تبریزی، دیدار او با مولانا جلال الدین بلخی بود. این ملاقات در قونیه در حدود سال ۱۲۴۴ میلادی (۶۴۰ هجری قمری) رخ داد و تأثیرات عمیقی بر هر دو شخصیت گذاشت. شمس تبریزی نه تنها در زندگی مولانا، بلکه در تاریخ عرفان اسلامی و ادبیات فارسی نیز تأثیرات گسترده ای داشت.

سعدی شیرازی: سعدی شیرازی یکی از بزرگ ترین شاعران و نویسندگان تاریخ ادبیات فارسی است که آثارش به عنوان گنجینه ای از حکمت و اخلاق در جهان شناخته می شود. سعدی پس از بازگشت به شیراز، به تدریس و نوشتن پرداخت و در نهایت آثار برجسته ای چون "گلستان" و "بوستان" را خلق کرد که هر دو از بزرگ ترین آثار ادب فارسی به شمار می روند. "بوستان" که یک اثر نثر و شعر به هم پیوسته است، شامل مجموعه ای از حکایات اخلاقی، اجتماعی و فلسفی است که در آن سعدی آموزه هایی درباره فضیلت ها، حقیقت، عدل و انصاف، و تربیت انسان ارائه می دهد. "گلستان" نیز که به زبان نثر نوشته شده، شامل داستان های کوتاه و حکایت هایی است که در آنها اخلاق، سیاست، عشق، و تربیت فردی و اجتماعی

بررسی می شود. این دو اثر به دلیل بیان ساده و در عین حال عمیق مفاهیم انسانی و اخلاقی، به سرعت در میان مردم مورد توجه قرار گرفتند و تا به امروز همچنان خوانده می شوند.

دو اثر مهم و شناخته شده سعدی عبارتند از:

- ۱- **بوستان**: این اثر یک مجموعه شعر نثر و شعر است که در آن به مسائلی چون اخلاق، حکمت، عدالت، و دیانت پرداخته می شود. در "بوستان" سعدی از قالب شعر مثنوی استفاده کرده و در آن داستان های اخلاقی و حکمت آمیز آورده است.
- ۲- **گلستان**: این اثر به نثر نوشته شده و مجموعه ای از حکایات اخلاقی و اجتماعی است. سعدی در "گلستان" به مسائل انسانی، روابط اجتماعی، و اخلاقیات پرداخته و در قالب داستان ها و حکایات کوتاه، نکات حکمی و زندگی ساز را به خواننده منتقل کرده است.

قرن هشتم

خواجوی کرمانی: خواجوی کرمانی یکی از بزرگ ترین شاعران قرن هفتم هجری است که در شعر فارسی به عنوان یکی از برجسته ترین نمایندگان شعر غنایی و عرفانی شناخته می شود. خواجوی کرمانی در شعر خود به موضوعات مختلفی از جمله عشق الهی، عرفان، اخلاق، و زیبایی های طبیعی پرداخته است. او از نظر سبک شعری، به ویژه در غزل هایش، تحت تأثیر شعر کلاسیک فارسی و شاعران بزرگ پیش از خود مانند حافظ، سعدی، و مولانا قرار داشت، مهم ترین اثر خواجوی کرمانی، "دیوان خواجو" است که شامل مجموعه ای از غزل ها، قصاید، و قطعات است. غزل های خواجو به دلیل شیرینی و قدرت بیانی که دارند، در ادبیات فارسی شناخته شده اند. در این غزل ها، او از تصاویر طبیعی، عاشقانه، و عرفانی بهره می برد و توانسته است فضایی خاص از احساسات و معانی را به تصویر بکشد. علاوه بر این، خواجوی کرمانی در اشعار خود به شدت به موضوعات اخلاقی توجه کرده و از عشق به عنوان راهی برای رسیدن به کمال معنوی و اخلاقی یاد کرده است.

خواجه شمس الدین محمد حافظ: خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی، که به حافظ معروف است، یکی از بزرگ ترین شاعران فارسی زبان و یکی از برجسته ترین چهره های ادبیات ایران و جهان اسلام است. یکی از ویژگی های بارز شعر حافظ، تأکید بر مفهوم عشق است. عشق در شعر حافظ نه تنها به عنوان یک احساس انسانی، بلکه به عنوان یک وسیله برای رسیدن به حقیقت و کمال انسانی مطرح می شود. حافظ عشق زمینی و الهی را در اشعار خود با یکدیگر در می آمیزد و به طور خاص در غزلیات خود، به زیبایی و عمق این دو جنبه از عشق پرداخته است. عشق به معشوقی که هم می تواند انسانی باشد و هم یک تمثیل از عشق به خداوند، در اشعار حافظ به صورت های مختلفی بازتاب پیدا می کند. مجموعه آثار حافظ بیشتر در قالب غزل است که این غزل ها به ویژه در دیوان او گردآوری شده اند. دیوان حافظ یکی از مهم ترین آثار ادبیات فارسی به شمار می آید.

عبید زاکانی: عبید زاکانی، یکی از بزرگ ترین شاعران و نویسندگان طنز پرداز قرن هشتم هجری است که آثارش در تاریخ ادبیات فارسی به ویژه در زمینه طنز و نقد اجتماعی جایگاهی ویژه دارد. او در اشعار و نوشته های خود با زبانی طنزآلود و کنایه آمیز، به نقد دیانت های ظاهری، فساد اجتماعی، بی عدالتی های حکام، و ناهنجاری های اخلاقی مردم زمانه خود

پرداخت. آثار عبید زاکانی به گونه ای طراحی شده اند که علاوه بر تأثیر گذاری هنری، حاوی پیام های اجتماعی و اخلاقی نیز هستند. او در بسیاری از اشعار و نثر هایش، از زبان ساده، صریح و گاه تند برای بیان واقعیت های تلخ جامعه استفاده می کند و از این طریق، نقدهای خود را به شیوه ای هنری و در عین حال مؤثر به مخاطب منتقل می کند. یکی از مهم ترین آثار عبید زاکانی، "مجلس پنج گانه" است که در آن با استفاده از طنز و کنایه های هوشمندانه، مسائل اجتماعی و سیاسی زمان خود را به نقد می کشد.

قرن نهم

عبد الرحمن جامی: عبدالرحمن جامی، یکی از بزرگ ترین شاعران و عارفان قرن نهم هجری، در سال ۸۱۴ هجری قمری در هرات به دنیا آمد. او در خانواده ای علمی و مذهبی پرورش یافت و تحصیلات ابتدایی خود را در علوم دینی و ادبیات فارسی آغاز کرد. جامی از همان دوران جوانی به شعر و ادب علاقه مند شد و در محافل علمی و ادبی هرات که در آن دوران یکی از مهم ترین مراکز فرهنگی و علمی جهان اسلام بود، فعالیت های ادبی خود را آغاز کرد. وی به ویژه در حوزه شعر و عرفان اسلامی شهرت فراوانی دارد و از بزرگ ترین شعرای دوره تیموریان به شمار می آید.

از مهم ترین آثار جامی می توان به "هفت اورنگ" اشاره کرد که مجموعه ای از هفت کتاب است و شامل *سبحه الاحوال*، *لیلی و مجنون*، *یوسف و زلیخا*، *بسط الحقائق* و دیگر آثار بزرگ او می شود. در این آثار، جامی از داستان های عاشقانه معروف مانند داستان های *لیلی و مجنون* و *یوسف و زلیخا* بهره گرفته و این داستان ها را با نگاه عرفانی خود باز آفرینی کرده است. از دیگر آثار مهم جامی می توان به *سحر نامه* و *دفتر سوم* اشاره کرد که به ویژه در زمینه های عرفانی و اخلاقی اهمیت زیادی دارند.

جامی در کنار شاعری، به عنوان یک عارف بزرگ نیز شناخته می شد و از دیدگاه های عرفانی خود در بسیاری از آثارش سخن گفته است. او در آثارش به ویژه در *نفحات الانس* که به شرح احوال عارفان و بزرگان دینی پرداخته است، به موضوعات عرفانی و روحانی پرداخته و در آن از شخصیت های بزرگی چون مولانا جلال الدین رومی، شمس تبریزی و دیگر عارفان بزرگ سخن گفته است. همچنین جامی در آثارش بر اهمیت اخلاق و تهذیب نفس تأکید زیادی داشته و در بسیاری از اشعار و نثر هایش به اصول انسانی و معنوی پرداخته است.

قرن دهم

شیخ بهایی: شیخ بهایی، یکی از برجسته ترین شخصیت های علمی، فلسفی، دینی و ادبی قرن دهم هجری است که در سال ۹۴۳ هجری قمری (۱۵۳۶ میلادی) در بهای، شهری در جنوب ایران به دنیا آمد. گذاشته است. یکی از مهم ترین دستاوردهای شیخ بهایی، تأسیس مدارس علمی در اصفهان و دیگر شهرهای ایران است که به گسترش علوم اسلامی و فلسفی کمک زیادی کرد. او همچنین در ساخت بسیاری از بناهای مذهبی و علمی در اصفهان از جمله مساجد و مدارس نقش مهمی ایفا کرد و در توسعه معماری اسلامی ایران در دوران صفویه تأثیرگذار بود. شیخ بهایی از نظر فقهی نیز تأثیر زیادی داشت و بسیاری از آثار فقهی او هنوز مورد توجه فقها و علما قرار دارد. او در مسائل مختلف فقهی به ویژه در زمینه

های حکومتی و اجتماعی نظرات جالب توجهی داشت. علاوه بر این، شیخ بهایی در زمینه های مختلفی همچون تفسیر قرآن، کلام، و اخلاق اسلامی نیز آثار ارزشمندی از خود برجای گذاشت.

از مهم ترین آثار علمی شیخ بهایی می توان به *الحقائق الوردیه* (در علم کلام) و *الکفایه* (در فقه) اشاره کرد که در آن ها به تفسیر مسائل علمی و دینی پرداخته است. در زمینه ادبیات، آثار او در قالب شعر و نثر هنوز مورد مطالعه و بررسی قرار دارند و او به عنوان یک شاعر و نویسنده بزرگ در تاریخ ادب فارسی شناخته می شود.

کمال الدین وحشی بافقی: کمال الدین وحشی بافقی یکی از بزرگ ترین شاعران و ادیبان قرن دهم هجری است که در حدود سال ۹۴۲ هجری قمری در شهر بافق (در استان یزد) به دنیا آمد. او از جمله شعرای برجسته دوران صفویه بود که توانست در زمینه شعر غنایی، عرفانی و اجتماعی آثار ماندگاری خلق کند.

وحشی بافقی در آثار خود به موضوعات مختلفی پرداخته است که مهم ترین آن ها عشق و عرفان بوده اند. او در بسیاری از اشعار خود، به ویژه در غزل ها، از تمایزات عاشقانه و مفاهیم عرفانی استفاده کرده و عشق زمینی را به عنوان تجلی عشق الهی و راهی برای رسیدن به حقیقت می دانست. یکی از ویژگی های برجسته شعر وحشی، زبان ساده و زیبا و بیان احساسات عمیق انسانی است که باعث شد آثار او بسیار مورد توجه قرار گیرد. از مهم ترین آثار وحشی بافقی می توان به *دیوان وحشی* اشاره کرد که شامل غزل ها، قصیده ها و اشعار دیگر او است. در این دیوان، وحشی بافقی علاوه بر پردازش موضوعات عاشقانه و عرفانی، به مسائل اخلاقی و اجتماعی نیز پرداخته است. این دیوان به عنوان یکی از بهترین نمونه های شعر غنایی فارسی در دوره صفویه شناخته می شود و تأثیر زیادی بر شاعران بعد از خود گذاشت.

قرن یازدهم

صائب تبریزی: صائب تبریزی یکی از بزرگترین شاعران و غزل سرايان قرن یازدهم هجری قمری است که در سال ۱۵۸۰ میلادی (۹۸۰ هجری قمری) در تبریز به دنیا آمد. او در دوران زندگی خود به یکی از برجسته ترین شاعران دوران صفویه تبدیل شد و به خصوص در زمینه غزل سربازی شهرت زیادی پیدا کرد. نام اصلی او "محمود بن عبدالله" بود، اما به دلیل شهرتش در شعر، به "صائب تبریزی" معروف شد. او بیشتر به خاطر غزل هایش شناخته می شود که در آن ها به مسائل عاشقانه، عرفانی، اجتماعی و فلسفی پرداخته است. یکی از ویژگی های برجسته شعر صائب، زبان بسیار ظریف و بیان عمیق احساسات انسانی است که در قالب تصاویری تازه و نو، معانی پیچیده و عمیق را به مخاطب منتقل می کند. یکی از ویژگی های مهم دیگر شعر صائب، تأثیرپذیری او از شعرای بزرگ پیشین همچون حافظ و سعدی و همچنین شاعران معاصر خود است. با این حال، او توانست سبک خاص خود را در شعر ایجاد کند و از طریق بهره گیری از زبان های مختلف، از جمله ترکی و فارسی، به غنای ادبیات فارسی افزود.

محتشم کاشانی: محتشم کاشانی، با نام کامل کمال الدین علی محتشم کاشانی، یکی از برجسته ترین شاعران قرن یازدهم هجری قمری و از نامدارترین شاعران دوره ی صفویه است. وی در سال ۹۰۵ هجری قمری در شهر کاشان متولد شد و در سال ۹۹۶ هجری قمری درگذشت. محتشم به ویژه به دلیل سرودن مرثیه های مذهبی و اشعار عاشورایی مشهور است و

یکی از نخستین شاعران ایرانی بود که ادبیات مرثیه سرایی را به اوج رساند. ترکیب بند معروف او در سوگ واقعه ی کربلا، یکی از جاودانه ترین و پرخواننده ترین اشعار عاشورایی در تاریخ ادبیات فارسی محسوب می شود.

شعر محتشم کاشانی در قالب های قصیده، غزل، ترکیب بند و مثنوی سروده شده است، اما بیشترین شهرت او به ترکیب بند مرثیه ای اش درباره ی واقعه ی عاشورا باز می گردد که با بیت معروف "باز این چه شورش است که در خلق عالم است" آغاز می شود. این شعر به یکی از مهم ترین و ماندگارترین اشعار مذهبی در تاریخ ادبیات فارسی تبدیل شده و هر ساله در مراسم سوگواری امام حسین (ع) خوانده می شود.

قرن دوازدهم

لطفعلی بیک آذربیکدلی: لطفعلی بیک آذر بیگدلی یکی از برجسته ترین شاعران، تذکره نویسان و ادیبان قرن دوازدهم هجری در دوران زندیه است. وی در سال ۱۱۲۳ هجری قمری در شیراز متولد شد و در سال ۱۱۹۵ هجری قمری درگذشت. لطفعلی بیک آذر بیشتر به دلیل تألیف کتاب "آتشکده" که یکی از معتبرترین تذکره های شاعران فارسی زبان است، شهرت دارد. او از شاعران و نویسندگانی بود که علاوه بر سرودن شعر، در زمینه ی گردآوری و نگارش تاریخ ادبیات نیز فعالیت داشت و با تألیف "آتشکده"، اطلاعات ارزشمندی از شاعران دوره های مختلف ایران را ثبت کرد.

مهم ترین اثر او، "آتشکده"، یکی از جامع ترین و مهم ترین تذکره های شعری فارسی زبان است که اطلاعات مفیدی درباره ی شاعران ایران، هند و آسیای مرکزی در آن گردآوری شده است. این کتاب شامل زندگی نامه و نمونه هایی از اشعار بیش از ۸۰۰ شاعر است که از دوره ی سامانیان تا زمان او را در بر می گیرد. در این تذکره، او به بررسی زندگی شاعران، سبک های شعری آن ها، و ویژگی های ادبی هر دوره پرداخته است. سبک نگارش لطفعلی بیک در این کتاب بسیار جذاب، شیوا و همراه با طنز و نقدهای ادبی است که آن را از دیگر تذکره ها متمایز می کند.

قرن سیزدهم

فروغی بسطامی: محمد فروغی بسطامی، یکی از شاعران برجسته ی قرن سیزدهم هجری است که در دوره ی قاجاریه می زیست. وی در سال ۱۲۱۳ هجری قمری در بسطام متولد شد و در سال ۱۲۷۴ هجری قمری درگذشت. فروغی یکی از شاعران نامدار سبک بازگشت ادبی بود که به احیای شیوه های سنتی شعر فارسی، به ویژه سبک عراقی و خراسانی پرداخت. فروغی بسطامی از همان جوانی استعداد بالایی در شعر و ادبیات نشان داد. او در انواع قالب های شعری، از جمله غزل، قصیده، مثنوی و رباعی طبع آزمایی کرد، اما بیشترین شهرت خود را به دلیل سرودن غزل هایی با سبک حافظانه به دست آورد. وی در غزل هایش به شدت از حافظ تأثیر گرفته بود و بسیاری او را از مقلدان موفق حافظ می دانند. اشعار فروغی دارای لطافت، معنای عمیق و مضامین عرفانی و عاشقانه است که یادآور سبک عراقی است.

میرزا حبیب قآنی: میرزا حبیب قآنی شیرازی، یکی از نامدارترین شاعران و نویسندگان قرن سیزدهم هجری قمری است که در دوره ی قاجاریه می زیست. قآنی به عنوان یکی از مهم ترین قصیده سرایان دوره ی بازگشت ادبی شناخته می شود و از جمله شاعرانی است که در احیای سبک خراسانی و عراقی نقش بسزایی داشت. او در شعر فارسی، به ویژه در حوزه ی

مدح، وصف طبیعت، پند و اندرز و مضامین حکمی، مهارت چشمگیری داشت و توانست زبان و سبک شاعران کلاسیکی همچون انوری، خاقانی و فرخی سیستانی را در روزگار خود زنده کند. میرزا حبیب قآنی، با قصاید فاخر، نثر مسجع و دانش وسیع خود، یکی از تأثیرگذارترین شاعران قرن سیزدهم هجری است که با مهارت و نوآوری هایش، ادبیات فارسی را در دوران قاجار به اوج رساند و نامش در تاریخ ادبیات جاودانه شد.

شاعر معروف دوره ی قاجار که در قصیده از عنصری و منوچهری پیروی کرده است. آثار او، دیوان اشعار و کتاب «پیشان» به تقلید از گلستان سعدی است.

معاصر

نیما یوشیج: علی اسفندیاری که با نام نیما یوشیج شناخته می شود، بنیان گذار شعر نو فارسی و از تأثیرگذارترین شاعران معاصر ایران است. مهم ترین نقطه ی تحول در زندگی نیما، انتشار "افسانه" در سال ۱۳۰۱ بود. این اثر که به عنوان مانیفست شعر نو شناخته می شود، نخستین تلاش جدی نیما برای ایجاد تغییر در قالب، زبان و محتوای شعر فارسی بود. در "افسانه"، او از قافیه های سنتی فاصله گرفت، وزن را انعطاف پذیر کرد و زبانی محاوره ای و تازه را در شعر به کار برد. هرچند که این نوآوری در ابتدا با مخالفت شدید شاعران سنت گرا روبه رو شد، اما به مرور زمان، شعر نو جایگاه خود را پیدا کرد و بسیاری از شاعران جوان از شیوه ی نیما پیروی کردند.

سبک نیما، که بعدها به نام "شعر نیمایی" مشهور شد، چند ویژگی بارز داشت:

۱. آزاد کردن شعر از قافیه و وزن ثابت: او قافیه را به صورت انعطاف پذیر و متغیر به کار برد و از وزن عروضی سنتی به سوی وزنی متناسب با محتوای شعر حرکت کرد.

۲. به کارگیری زبان ساده و محاوره ای: نیما برخلاف شاعران کلاسیک، از زبان رسمی و ادبی فاصله گرفت و به زبان مردم نزدیک شد.

۳. توجه به واقعیت های اجتماعی و سیاسی: شعر نیما از حالت تغزلی محض خارج شد و به مسائل اجتماعی، سیاسی و انسانی توجه ویژه ای داشت.

۴. استفاده از تصویر سازی های مدرن و عمیق: او در شعرهایش از تصاویر زنده و ملموسی بهره می برد که برگرفته از تجربه های زیسته ی خودش بود.

از مهم ترین آثار نیما می توان به "ققنوس"، "افسانه"، "مانلی"، "ناقوس"، "شهر شب و شهر صبح"، "مرغ آمین" و "چشمه و سنگ" اشاره کرد. شعر "ققنوس" یکی از شاهکارهای اوست که بیانگر نگاه عمیقش به مفهوم رنج، مرگ و تولد دوباره است.

پروین اعتصامی: رخننده اعتصامی، مشهور به پروین اعتصامی، یکی از بزرگ ترین شاعران زن ایران در دوره ی معاصر است که در ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ هجری شمسی (۱۹۰۷ میلادی) در تبریز متولد شد. او تحصیلات خود را در مدرسه ی آمریکایی دختران تهران به پایان رساند و در همان دوران زبان انگلیسی را آموخت. دیوان پروین اعتصامی که شامل قصاید، قطعات و مناظرات شعری اوست، در سال ۱۳۱۴ شمسی منتشر شد و مورد استقبال گسترده ای قرار گرفت.

دهخدا: علی اکبر دهخدا یکی از بزرگ ترین نویسندگان، ادیبان، لغت شناسان، سیاست مداران و روزنامه نگاران ایران در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری شمسی بود که تأثیر شگرفی بر فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی گذاشت. مهم ترین نقش دهخدا در عرصه ی ادبیات و سیاست، فعالیت او در روزنامه ی "صور اسرافیل" بود که در دوران مشروطه منتشر می شد. وی در این روزنامه با نام مستعار "دخو"، مقالات انتقادی و طنز های سیاسی می نوشت. این مقالات که به سبک "چرند و پرند" منتشر می شدند، به سرعت در میان مردم محبوب شدند و نقشی کلیدی در آگاهی بخشی به جامعه و حمایت از مشروطه داشتند. زبان او در این نوشته ها، طنزآمیز، ساده و عامیانه، اما پرمغز و نیشدار بود و همین سبک، سبک جدیدی در نثر فارسی ایجاد کرد که بعدها در میان نویسندگان طنزپرداز ایرانی بسیار تأثیرگذار شد.

بزرگ ترین و ماندگارترین اثر او، "لغت نامه ی دهخدا" است که حاصل بیش از ۴۰ سال تحقیق و تلاش شبانه روزی او محسوب می شود.

جلال آل احمد: جلال آل احمد، یکی از برجسته ترین نویسندگان، مترجمان، روشنفکران و منتقدان اجتماعی ایران در قرن چهاردهم هجری شمسی است که تأثیر عمیقی بر ادبیات معاصر فارسی گذاشت. آل احمد علاوه بر رمان و داستان نویسی، در زمینه ی مقاله نویسی، سفرنامه نویسی و ترجمه نیز آثار ارزشمندی از خود به جا گذاشته است. وی همسر سیمین دانشور، نخستین نویسنده ی زن حرفه ای ایران، بود و این زوج، نقش مهمی در تحول ادبیات معاصر ایران ایفا کردند. آثار وی: مدیر مدرسه - زن زیادی - نفرین زمین - سرگذشت کندوها -

مهدی اخوان ثالث: مهدی اخوان ثالث، با تخلص "م. امید"، یکی از برجسته ترین شاعران معاصر ایران و از تأثیرگذارترین چهره های شعر نیمایی در قرن چهاردهم هجری شمسی است.

اخوان ثالث را می توان یکی از مهم ترین شاعران "شعر اجتماعی" ایران دانست. او در شعرهایش به مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران توجه ویژه ای داشت و با زبانی پرقدرت و آهنگین، به نقد استبداد، ظلم و شرایط نامساعد جامعه می پرداخت. فضای شعر او اغلب غمگین، حماسی و تلخ است و سرشار از نمادها و استعاره هایی که بیانگر ناامیدی، سرخوردگی و انتظار برای آزادی هستند.

یکی از معروف ترین اشعار او، "زمستان" است که به عنوان یکی از شاخص ترین شعرهای اجتماعی معاصر شناخته می شود. در این شعر، "زمستان" نمادی از سرما، خفقان و فضای بسته ی سیاسی و اجتماعی ایران است.

سهراب سپهری: سهراب سپهری یکی از برجسته ترین شاعران و نقاشان معاصر ایران و از پیشگامان شعر نو فارسی است که با رویکردی عمیق به طبیعت، عرفان و فلسفه ی شرق، توانست سبکی خاص و منحصر به فرد در شعر فارسی خلق کند. یکی از مهم ترین ویژگی های شعر سهراب، زبان ساده، تصویرسازی های لطیف و ریتم آرام و موسیقایی آن است. او از پیچیدگی های زبانی و بازی های لفظی پرهیز می کرد و تلاش داشت با کمترین واژگان، بیشترین مفهوم را منتقل کند. او همواره در جستجوی معنایی فراتر از کلمات بود و این سادگی و شفافیت، یکی از دلایل محبوبیت اشعار او در میان مخاطبان مختلف است. نخستین آثار او، مانند "مرگ رنگ" و "زندگی خواب ها"، تحت تأثیر شاعران مدرن غرب و شعر نیمایی بودند،

سید محمد حسین شهریار: مشهور به شهریار، یکی از بزرگ ترین شاعران معاصر ایران است که در ۲۱ شهریور ۱۲۸۵ شمسی در تبریز متولد شد و در ۲۷ شهریور ۱۳۶۷ شمسی در تهران درگذشت. اما مهم ترین اثر شهریار، "حیدربابایه سلام" است که به زبان ترکی آذربایجانی سروده شده و از شاهکارهای ادبیات ترکی ایران به شمار می رود.

قیصر امین پور: قیصر امین پور یکی از تأثیرگذارترین شاعران معاصر ایران در قرن چهاردهم هجری شمسی بود. سبک شعری امین پور، ترکیبی از بیان ساده، مضامین عمیق، موسیقی دلنشین و تصویر سازی های بدیع بود. او در طول زندگی خود، چندین مجموعه شعر منتشر کرد که برخی از آن ها به عنوان آثار شاخص ادبیات معاصر شناخته می شوند. شعرهای او اغلب در قالب غزل، شعر نو، چهارپاره و نیمایی سروده شده اند و هرکدام، تصویری از نگاه شاعر به زندگی، عشق، اجتماع، جنگ، صلح و امید را نشان می دهند.

سبک های شعر فارسی

۱- **سبک خراسانی:** سبک خراسانی را سبک ترکمنسانی هم می گویند که از اوایل قرن چهارم تا اواسط قرن ششم ادامه داشت، در واقع این سبک طنز و شیوه شاعران خراسان بوده است.

۲- **سبک عراقی:** این سبک در حوزه ی عراق عجم، از قرن ششم تا قرن نهم هجری رواج و ادامه داشت.

۳- **سبک هندی:** این سبک از قرن نهم هجری به بعد به علت استقبال دربار ادب پرور هند از شاعران پارسی گوی و همچنین به علت عدم توجه پادشاهان صفوی به اشعار متداول مدحی، گروهی از گویندگان به هندوستان رفتند و در آنجا به کار شعر و شاعری پرداختند. برخی از ادبا این سبک را «سبک اصفهانی» نیز نامیده اند.

لغات و ترکیبات

بخشی از کشتی که در معرض باد قرار می گیرد	بادبان
محل اقامت شاهان و بزرگان	بارگاه
کابوس	بختک
آشوب، فتنه	بلوا
سرانگشت	بنان
گل خوشبو؛ نماد فروتنی	بنفشه
جانوران چهارپا	بهایم
غرور و تکبر	تفرعن
آشکار شدن، نمایان شدن	تجلی
دلیری و شجاعت	جلادت
نشستن بر تخت سلطنت	جلوس
لباس درویشان؛ نماد زهد و پارسایی	خرقه
غمگین، افسرده	دژم
نام شمشیر حضرت علی (ع)	ذوالفقار
ایوان، سایبان	رواق
زخمی	زخمیم
شجاعت، دلیری	زهره
جادوگر بنی اسرائیل؛ نماد حيله گری	سامری
آسمان	سپهر
صفات نیکو	سجایا
ابر	سحاب

معنی کنایه ای	کنایه
به اوج سختی و ناامیدی رسیدن	آب از سر گذشتن
ناامید کردن کسی	آب پاکی روی دست کسی ریختن
حیله گر بودن	آب زیر کاه بودن
ایجاد فتنه و آشوب	آتش به پا کردن
عصبانی شدن	از کوره در رفتن
تظاهر به ناراحتی و گریه	اشک تمساح ریختن
عزادار شدن یا ابراز اندوه شدید	خاک بر سر کردن
غمگین و ناراحت شدن	دل خون شدن
قطع امید کردن	دندان طمع کشیدن
حسرت یا عشق شدید داشتن	آتش در دل داشتن
نادیده گرفتن	چشم پوشیدن
اعتراف کردن	به زبان آوردن
فداکاری کردن	به پای کسی سوختن
التماس کردن	دست به دامن شدن
از نقطه ضعف کسی آگاه شدن	رگ خواب کسی را پیدا کردن
سکوت کردن	لب دوختن
بی فکر و سبک سر بودن	سر به هوا بودن
باعث قطع رزق و روزی کسی شدن	نان کسی را بریدن
تنبیه و مجازات کردن	چوب در آستین کردن
مانع حرف زدن کسی شدن	دهان کسی را بستن
تعرض یا دخالت کردن	دست درازی کردن
سکوت کردن	لب دوختن

آیین نگارش و مکاتبات اداری

آیین نگارش مجموعه ای از اصول و قواعدی است که به ما کمک می کند متون را به صورت صحیح، روشن و قابل فهم بنویسیم.

اصول کلی آیین نگارش

- ۱- ساده نویسی: یکی از مهم ترین اصول در نگارش این است که جملات به زبان ساده و روان بیان شوند. استفاده از جملات پیچیده یا کلمات دشوار می تواند باعث ابهام شود.
- ۲- رعایت ترتیب منطقی در نگارش: جملات باید به گونه ای کنار هم قرار گیرند که خواننده بتواند به راحتی ارتباط میان آن ها را درک کند. ترتیب زمانی یا علت و معلولی باید به درستی رعایت شود.
- ۳- استفاده از علائم نگارشی: علائم نگارشی مانند ویرگول، نقطه، علامت سوال و علامت تعجب به خوانایی متن کمک کرده و از ابهام جلوگیری می کنند و نقش مهمی در خوانایی و وضوح متن دارند.
- ۴- رعایت نکات دستوری: توجه به قواعد صرف و نحو، زمان فعل ها، تطابق نهاد و گزاره و انتخاب صحیح کلمات از اصول پایه ای آیین نگارش است.

۵- دقت در معنا: کلمات باید با دقت انتخاب شوند تا معنای موردنظر نویسنده به درستی منتقل شود. استفاده از مترادف های نادرست یا کلمات نامناسب باعث ابهام معنایی می شود.

نقش علائم نگارشی در نگارش صحیح

۱- نقطه (.)

در پایان جملات خبری و انشایی در کیف من کتاب، دفتر و مداد وجود دارد.

۲- دو نقطه (:)

قبل از نقل قول به کار می رود. مثال: علی گفت: «این همه راه دور و دراز و این همه بی مهربی؟»

قلاب ([)]

دستور های اجرایی در نمایش نامه ها مثال: [حسین با قیافه جدی]: آیا اکنون حاضری به ای سفر بیایی؟

اشتباهات رایج نگارشی:

- اشتباه در استفاده از نشانه های نگارشی: نشانه های نگارشی مانند نقطه، ویرگول، دونقطه، نقطه ویرگول و علامت سوال، نقش بسیار مهمی در وضوح و خوانایی متن دارند. نادیده گرفتن آن ها باعث ابهام و سخت خوانی می شود.
- استفاده نادرست از افعال: در نامه های اداری باید از افعال رسمی و محترمانه استفاده کرد و از جملات محاوره ای و عامیانه پرهیز نمود. و همچنین زمان افعال نادرست باعث ابهام و ناهماهنگی در متن می شود.
- استفاده از جملات بیش از حد بلند و پیچیده: جملات طولانی باعث ابهام و خستگی خواننده می شوند. هر جمله نباید بیش از ۲۰ کلمه باشد. جملات ساده و مستقیم تأثیر بیشتری دارند.

ساختار و انواع متون در نگارش

■ نامه نگاری و انواع آن

نامه نگاری یکی از مهم ترین مهارت های نگارشی است که در ارتباطات رسمی و غیررسمی کاربرد دارد.

■ گزارش نویسی

به ارائه ی منطقی حقایق و اطلاعات، گزارش گفته می شود در آن اطلاعاتی را در اختیار مدیران قرار می دهند که آن ها بتوانند اقدامات لازم را عملیاتی و بهترین تصمیمات را اتخاذ کنند. به عبارت دیگر، گزارش، ارائه ی منظم حقایق اثبات شده درباره ی موضوع یا رویدادی ویژه است و خلاصه ی یافته ها و پیشنهادهای مربوط به مشکل یا موضوع خاصی را مطرح می کند. و در حالت کلی گزارش به معنای شرح و تفسیر قضیه، یا شرح و تفصیل خبر یا کاری که انجام یافته است.

■ مقاله نویسی

مقاله نوشته ای است که پیرامون یک موضوع مشخص، مستند، علمی یا تحلیلی تنظیم شده و هدف آن ارائه اطلاعات، تحلیل، استدلال یا نتیجه گیری درباره یک مسئله است.

در آیین نگارش، مقاله نویسی به عنوان مهارتی برای تولید متون علمی و تحلیلی آموزش داده می شود و رعایت اصول نگارشی، سبک مناسب و انسجام از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

▪ داستان نویسی

به مفهوم جدید اروپایی آن شامل دو نوع داستان کوتاه و بلند (رمان) است و مهم ترین مصداق نثر نویسی در دوران جدید است. داستان کوتاه با (فارسی شکر است) به قلم جمال زاده رایج شد و بعد ها کسانی چون صادق هدایت، بزرگ علوی و صادق چوبک ... آن را به کمال رساندند



❖ فصل چهارم: معارف اسلامی (خلاصه)

مقدمه

۱- عصر مدرن، با تمام ظواهر رنگارنگ و فریبنده خود انسان دیندار را به چالش می خواند و بسیاری از آنان که به سحر مظاهر مادی مدنیت نوین گشته اند، دیانت را جریانی رو به افول می دانند و مشتاقانه درانتظار رویت غروب خورشید دین نشسته اند در نظر اینان دین پدیده‌ای است مربوط به فرهنگ و تاریخ گذشته بشرکه همچون خط میخی یا کیهان شناسی بطلمیوسی تاریخ مصرف آن سرآمده است. در این پندار دین نقش مهم و بی بدیلی در حیات انسان معاصر ندارد و امروزه دیگر دین ورزی کاری خرافی و نابخردانه است. از این منظر دین پژوهی می باید به حوزه پژوهش های روانشناختی جامعه شناختی، تاریخی و مانند آن محدود گردد. در این پژوهش ها پژوهشگر به دین از موضع یک ناظر خارجی نظر می کند.

بدون آنکه دغدغه کاوش در حقانیت دعاوی دینی را داشته یا در پی شناسایی آموزه های دینی و بهره مندی از آن باشد.

۲- انسان متجدد هر چند به زبان قال خویش نیازمندی به دین را انکار کند، اما زبان حال او حکایتی دیگر دارد انسان متجدد به رغم پیشرفت های محیرالعقول خود در زمینه علوم و فناوری با بحران های سترگی رو به روست که یا هویتی کاملاً جدید و بی سابقه دارند و یا در مقایسه با نمونه های مشابه در تاریخ گذشته، حیاتی مهیب تر و خطرناک تر یافته اند.

۳- پاره ای از مهم ترین عوامل بروز بحران های معاصر، که سبب چرخشی کلی در نگرش انسان معاصر به خود جهان

پیرامون خویش شده اند، عبارتند از:

۱- **عقل گرایی:** عقل گرایی (Rationalism) در شکل نوین خود در اروپای قرن هفدهم و با تاملات رنه دکارت آغاز شد. ایماوئل کانت به نقادی عقل نظری پرداخت و بدین نتیجه رسید که عقل نظری از اثبات وجود خداوند ناتوان است وی سپس کوشید بنیان های معرفتی اعتقاد به وجود خدا را برپایه اخلاق و عقل عملی استوار سازد. وی همچنین مدعی بود که واقعیت تجربی (یا شی فی نفسه) هیچ گاه آن چنان که هست شناخته نمی شود. بلکه ما همواره اشیا را در قالب مفاهیم و مقولات ذهنی خود ادراک می کنیم.

۲- **تجربه گرایی:** جریان فکری دیگری که پس از رنسانس در جهان غرب به موازات عقل گرایی نضج گرفت و سرانجام از رقیب خود (یعنی عقل گرایی) پیش افتاد تجربه گرایی (Empiricism) بود. جریان تجربه گرایی نوین با تاکیدات بدیع فرانسویس بیکن بر لزوم به کارگیری استقرا به جای استدلال قیاسی آغاز شد و سپس صورت های نوین آن در فلسفه جان لاک جرج برکلی و دیوید هیوم عرضه گردید. پوزیتیویسم نمود دیگری از تجربه گرایی افراطی در قرن بیستم است.

تجربه گرایی افراطی تجربه حسی را یگانه راه اصیل کسب معرفت و حواس ظاهری را مبدا تمام دانش بشری قلمداد می کند. تجربه گرایان عموماً در پذیرش آموزه های ماورای طبیعی ادیان با مشکل مواجه اند زیرا در نظر آنان صحت این آموزه ها از طریق تجربه حسی قابل بررسی نیست. پوزیتیویست های منطقی می پنداشتند که گزاره معنادار گزاره های است که به طریق تجربی تحقیق پذیر باشد. بر پایه این معیار؛ گزاره های دینی اساساً

گزاره هایی فاقد معنای معرفت بخش اند و از این رو، دیگرحتی مجالی برای بررسی درستی یا نادرستی آنها باقی نمی ماند.

۳- علم باوری: علم مداری، که می توان آن را فرزند خلف تطبیق تفکر تجربه گرایانه در حوزه دانش های تجربی دانست، به معنای اعتقاد به این مطلب است که علم تجربی یگانه راهنمای قابل اعتماد بشر به سوی حقیقت می باشد.

۴- انسان محوری (اومانیسم): در اندیشه سنتی هر چند آدمی در جهان منزلت والایی دارد، آفریده و دست پرورده خداوند است و از این رو مکلف به انجام تکالیف الهی است. اما برپایه اومانیسم، انسان، محور و اساس همه واقعیت ها و ارزش هاست و همه چیز حتی خدا و دین نیز باید در ارتباط با او توجیه و تفسیر شوند.

۵- بحران معرفتی: انسان متجدد به لحاظ معرفتی در موقعیتی قرار دارد که می توان آن را تحیر معرفتی نوین نامید. ریشه های اولیه این سرگشتگی در عصر جدید به تأملات کانت در محدودیت های شناخت بشری باز می گردد. فلسفه و معرفت شناسی کانت به بروز شکاف عمیق و دهشت زایی میان عالم واقع و عالم شناخت و آگاهی انسان انجامید.

۶- بحران های اخلاقی: نسبی گرایی، سودگرایی و لذت گرایی اخلاقی، سهم وافر در توسعه ناهنجاریهای اخلاقی و تربیتی داشته اند. دیدگاههای انسان محور (اومانیستی) و فردگرایانه جماعتی فضای اندیشه اخلاقی را آلوده کرده است.

۷- بحران های روانی: اضطراب ها و افسردگی یکی از معضلات لاینحل جوامع صنعتی توسعه یافته شده است. انسان متجدد به شدت از احساس پوچی و بی هویتی رنج می برد. به رغم آنکه در سایه رشد صنعت ارتباطات، برقراری رابطه میان آحاد انسانی بسیار سهل شده است گروهی از مردم خود را در این دنیا کاملاً تنها و غریب می یابند.

۸- فناوری (تکنولوژی): فناوری نوین، فرهنگ و اخلاق ویژه خود را بر جوامع پیشرفته تحمیل می کند. آزادی بی حد و حصر در بهره برداری از ماشین، روحیه قناعت ورزی و پرهیز از اسراف را خشکانده و آتش هوس خداوندگاری طبیعت را در دل انسان متجدد شعله ور ساخته و بذر پندار استغنا را که از مهیب ترین آفات اخلاقی است در ذهن او کاشته است. در دهه های اخیر فناوری نوین خاستگاه بحران هایی اساسی، نظیر بحران انرژی و بحران محیط زیست بوده است.

۴- خصیصه عمومی عقل گرایی در عصر تجدد آن است که عقل جزئی و استدلال گر را اساسی ترین ابزار شناخت می داند و برپایه برخی روایت های افراطی آن عقل قادر است همه امور شناختنی را درک کند. و آنچه قابل درک عقلی نباشد قابل شناختن نیست.

۵- رهیافت عقل گرایانه به دین ، بدانجا انجامید که الهیات مبتنی بر متون مقدس اعتبار خود را از دست داد و رقیب به ظاهر بی دلیل آن یعنی الهیات عقلانی تقویت شد.

۶- دو جریان عقل گرایی و تجربه گرایی در یک مطلب هم داستان اند و آن این که هرگونه شناخت فراعقلی و فرا حسی را به دیده تردید می نگرند و ارزش و اعتباری برای معارف وحیانی و شناخت های شهودی انسان در نظر نمی گیرند.

۷- انسان متجدد در مقایسه با انسان سنتی، داناتر (به معنی دارنده اطلاعات بیش تر) و قدرت مندتر (به معنای توانایی بر بهره گیری بی حد و حصر از طبیعت و ماشین) شده است اما این حقیقت لزوماً به معنای انسان تر شدن او نیست.

۸- انسان متجدد پس از مواجهه با بن بست های ظاهراً گذرناپذیر معرفتی در حوزه فلسفه و متافیزیک برای مدتی آرامش و سکون را در علوم تجربی بازجست. تحول شتاب آلود در حوزه علوم و جایگزینی سریع نظریه های رقیب به جای یکدیگر و ژرفکاوای های برخی فیلسوفان علم در باب ماهیت تئوری های علمی و نقش عوامل ذهنی و روانی دانشمندان در شکل گیری نظریه ها نشان داد که علم تجربی آن آرامگاهی نیست که ذهن جستجوگر انسان معاصر در طلب آن بود. انسان معاصر اعتماد خود را به دانش تجربی که در طول چند سده گذشته و در پی گسترش علم مداری جایگزین اعتماد به دین و متون مقدس کرده بود، به سرعت از دست می دهد.

۹- انحطاط اخلاقی در عصر جدید نه تنها به تضییع استعدادهای معنوی انسان متجدد انجامیده بلکه زیست اجتماعی او رانیز تا حد زیادی مختل ساخته است.

۱۰- عدم شیوع ناهنجاریهای روانی میان انسان هایی که در دامن طبیعت و در ساختارهای اجتماعی نسبتاً ساده زندگی می کنند حاکی از آن است که پیشرفت فناوری و پیچیدگی ها و معضلات اجتماعی ناشی از آن به پیدایش و گسترش بحران های روانی در جوامع پیشرفته صنعتی کمک کرده است.

۱۱- براساس آموزه های دینی راه های شناخت و معرفت اندوزی بشر به حس و تجربه محدود نمی شود بلکه وحی و عقل نیز منابع مکمل شناخت انسانی اند که با اتکا بر آن ها آدمی می تواند به مجموعه ای کامل تر و منسجم تر از حقایق، معرفت پیدا کند.

۱۲- مشاهدات قلبی و تجربیات شهودی (غیرحسی) حقایق متعالی که در اشکال گوناگون و در پی ارتباط عمیق انسانی با معنویت دینی حاصل می شود، مبانی شهودی و ایمانی استواری برای باورهای او فراهم میآورد و او را از ورطه شکاکیت مطلق و سرگشتگی معرفتی رها میکند.

۱۳- انسانی که خود را در معرض هدایت دینی قرار می دهد، هیچگاه احساس سرگشتگی و تحیر مطلق نمی کند حیرت دینی با ایمان و یقین سازگار است برخلاف تحیر معرفتی نوین که نافی هرگونه یقین و اطمینانی است.

۱۴- دین همواره پشتوانه محکمی برای اخلاق بوده است. پیوند دین و اخلاق چندان عمیق است که گروهی اساساً دین را همان اخلاق می دانند. بنیان اخلاق دینی را نه در قراردادهای اجتماعی و نه در سودگروی یا لذت گرایی می توان بازجست. دین با

ترسیم درست رابطه انسان با آفریدگار و با کمال و سعادت حقیقی خویش، شالوده ای متعالی برای بایدها و نبایدهای اخلاقی پی می ریزد.

۱۵- علم مطلق خداوند و نظارت مداوم و خلل ناپذیر او بر ساحت اندیشه و کردار آدمی، قوی ترین و پایدارترین ضمانت اجرایی را برای قوانین اخلاقی چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی فراهم می آورد.

۱۶- در دیدگاه تجددگرا انسان موجودی است که هم چون سایر حیوانات از دل طبیعت برخاسته و بر اثر تحولات زیست شناختی به مرحله کنونی رسیده است و تنها غایت متصور برای او پیشرفت در طریق مادیت و تسلط بیشتر بر جهان طبیعت است. اما در نگرش دینی، انسان مخلوق برگزیده و ویژه خداوند با ظرفیتی غیرمتناهی است و هدف نهایی آفرینش او پیشرفت در طریق معنویت و تقرب به درگاه احدیت است. برپایه این نگرش انسان قادر است دشوارترین ناملایمات زندگی را تحمل کند. چرا که آنها را مقدمه ای برای نزدیک شدن به غایت وجودی خویش می بیند.

۱۷- انسانی که به غایت والای وجود خویش ایمان دارد هیچگاه احساس پوچی و بی هدفی نمیکند. شخصی که به وجود خداوند متعال توکل می کند هرگز دچار یاس و ناامیدی نمیشود و کسی که قلب و دل خویش را با یاد محبوب آرامش می بخشد، کمتر دچار اضطراب و فشار روانی می گردد. رابطه عاشقانه انسان با خدا هرگز مجالی برای احساس تنهایی و غربت باقی نمیگذارد.

۱۸- بحران فناوری نه از ذات بلکه از لجام گسیختگی آن سرچشمه می گیرد آنچه آفت زاست، ساختن هر چیز ممکن و بهره وری به هر طریق ممکن بدون وجود حد و مرز است. دین با نشان دادن جایگاه واقعی انسان در طبیعت و نقاط قوت و ضعف او و حقوق و تکالیف او، قیود و محدودیت های بهره گیری از ماشین را تعیین می کند.

۱۹- در متون دینی سخن از «مسخر بودن جهان برای انسان» به میان آمده که ابداً به معنای مطلق العنان بودن انسان نیست بلکه مقید به قیود و شرایطی است که در تعالیم دینی مطرح شده است.

۲۰- اعتقاد به یک مبدا متعالی و پرستش او از کهن ترین مظاهر حیات انسانی است. نقوش مکشوف در غارهای باستانی و مجسمه ها و زینت آلات گوناگونی که در کاوش طبقات زیرزمین و اعماق غارها بدست آمده است همگی از نوعی اعتقادات دینی حکایت می کنند. همچنین بقایای اجساد مردگان و نحوه قرارگرفتن آنان در گور، وجود مجسمه های حیوانات، سلاح ها و اشیای قیمتی در کنار اجساد، گواه نوعی اعتقاد انسان های نخستین به جهان پس از مرگ است. آدمی فطرتاً خداجو و خداشناس است یعنی هم نوعی گرایش فطری به سوی پرستش خداوند خویش دارد و هم واجد گونه ای شناخت فطری از او است.

۲۱- دعوت پیامبران الهی به پرستش خداوند یکتای متعالی، بوده است و آدمیان به نسبت مقدار تاثیرپذیری از این دعوت در میان دو مرز توحید و شرک در نوسان بوده اند.

۲۲- از آن جا که شرک و بت پرستی برخلاف باورهای ناب توحیدی دارای مظاهر و آثار مادی متنوعی در حیات انسان است، طبیعی است که کاوش های تاریخی بیشتر بر آثار و نشانه های چنین اعتقاداتی دست یابند و کمتر بتوانند پیشینه باورهای

توحیدی را در تاریخ بشر نشان دهند. ولی این واقعیت نباید به معنای کمرنگ بودن و در حاشیه قرار داشتن توحید قلمداد شود.

۲۳- شناخت انسان از پروردگار خویش در انگیزه ها و اهداف، آمال و آرزوها، اندیشه و گفتار و اعمال و رفتار او موثر می افتد و سمت و سوی خاصی به حیات او می بخشد و هویت ویژه ای برای او به ارمغان می آورد. بنابراین گام نهادن در طریق خداشناسی صرفاً کوششی علمی برای پاسخگویی به چند پرسش ذهن جستجوگر نیست بلکه حرکتی برای گزینش شیوه ای خاص از حیات است.

۲۴- خداباوری از اصول حیات دینی است و گزینش آگاهانه بهترین شیوه حیات بدون شناخت صحیح حیات دینی امکان ندارد.

۲۵- شناسایی مبدأ هستی و پروردگار جهان همواره یکی از دغدغه های اصلی انسان اندیشهگر بوده است.

۲۶- دو مرحله اساسی در حوزه شناخت خدا عبارتند از: ۱) شناخت موجودیت خداوند (خدایابی) ۲) شناخت اوصاف و افعال الهی و رابطه خداوند با انسان و جهان (خداشناسی). در مرحله نخست آدمی در می یابد که «خدا هست». این دریافت انسان را از صف ملحدان و شکاکان جدا می کند و او را به جرگه متألهان و خداباوران وارد می سازد. مرحله دوم با اوصاف و ویژگی های خداوند آشنا می شود و چگونگی رابطه او را با دیگر موجودات هستی شناسایی می کند. این مرحله راهی بس طولانی و بسا بی پایان است که هر یک از خداشناسان تنها پاره ای از آن را پیموده اند.

۲۷- عمده ترین راه های خدایابی عبارتند از: راه دل - راه تجربه - راه عقل.

۲۸- گاه آدمی با بازگشت به درون خویش بی نیاز از هرگونه استدلال عقلی یا مشاهده تجربی خدای خویش را می یابد. نقطه آغازین این راه خدایابی فطری است که از آن به راه فطرت نیز یاد می شود مراحل پیشرفته این طریق به گروه خاصی از اهل دل و عارفان روشن ضمیر اختصاص دارد.

۲۹- شعر «میان عاشق و معشوق هیچ حایل نیست * تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز» اشاره به راه دل در خدایابی دارند.

۳۰- امیرمومنان در پاسخ به شخصی که پرسیده بود: ای امیرمومنان آیا پروردگارت را دیده ای؟ فرمود: آیا چیزی را که نمی بینم بپرستم؟ شخص پرسید: چگونه او را می بینی؟ امام پاسخ داد: چشم ها او را به آشکار نبینند اما قلب ها او را با حقیقت ایمان دریابند. (اشاره به خدایابی از راه دل دارد).

۳۱- راه دل کامل ترین راه خدایابی است.

۳۲- قرآن کریم در آیه ای از سوره روم واژه «فطرت» را به کار برده و دین را امری فطری معرفی کرده است. محققان اسلامی در کاربرد واژه فطرت از این آیه قرآنی الهام گرفته اند. «روی خود را متوجه آئین خالص پروردگار کن این فطرتی است که خداوند انسانها را بر آن آفریده. دگرگونی در آفرینش خدا نیست. این است دین و آئین محکم و استوار ولی اکثر مردم نمیدانند.» آیه بیانگر این حقیقت است که دین امری فطری است. این آیه صریحاً از خدایابی فطری سخن نمی گوید.

۳۳- از دیگر آیاتی که می توان در تایید خدایابی فطری به آن استشهاد کرد آیه میثاق « به خاطر بیاور زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت و آنها را گواه بر خویشتن ساخت (و فرمود:) آیا من پروردگار شما نیستم؟! گفتند آری، گواهی میدهم (چرا چنین کرد؟) برای اینکه در روز رستاخیز نگوئید ما از این غافل بودیم.» است. آنچه به اجمال از آیه میثاق به دست می آید این است که خداوند در یک مرحله از آفرینش همه انسان هایی را که از آغاز تا قیامت بر عرصه خاک پای می نهند حاضر و آنان را بر خویشتن خود گواه ساخته و از ایشان بر پروردگاری خویش اقرار گرفته است. هدف از این اقرار خواهی آن بوده که کافران و مشرکان در رستاخیز بی خبری و ناآگاهی خود را بهانه نکنند.

۳۴- قرآن کریم در آیاتی این واقعیت را گوشزد می کند که فطرت خداشنای آدمی، گاه دچار ایستایی و رکود می گردد و تنها در مواقع بحرانی بیدار می گردد. «فَإِذَا رَكَبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ : هنگامی که سوار بر کشتی شوند خدا را با اخلاص میخوانند اما هنگامی که خدا آنها را به خشکی رسانید و نجات داد باز مشرک میشوند!»

۳۵- امام محمد باقر(ع) در تفسیر آیه ۳۰ از سوره روم فرمودند: خداوند انسان ها را بر معرفت خویش سرشته است. ۳۶- گاه آدمی با مشاهده دقیق و اندیشه ورزی در اوصاف و روابط پدیده های تجربی به وجود خداوند و اوصاف او مانند علم، حکمت و قدرت، رهنمون می گردد. این راه، از آن جا که بر مشاهده جهان طبیعت و مطالعه تجربی پدیده های طبیعی استوار است راه تجربه نامیده میشود.

۳۷- نظم و انتظام جاری در اشیای طبیعی، استدلالی را بر وجود خداوند سامان داده اند که به دلیل یا برهان نظم موسوم است. می توان برهان نظم را نمونه روشنی از آنچه که آن را راه تجربی خداشناسی نامیدیم، دانست.

۳۸- شناخت خداوند از رهگذر نشانه های تکوینی او در جهان خلقت گاه به « شناخت آیه ای و آفاقی » نامیده می شود. ۳۹- گروهی از آیات آدمی را به اندیشه ورزی در آیات تکوینی خداوند دعوت می کند و انتظام موجود در هستی و در وجود آدمی را دلیل و راهنمایی می داند که اهل خرد و اندیشه را به سوی مبدا متعالی جهان راهبری می نماید. گروه پرشماری از آیات قرآنی نیز بر روی پدیده های خاصی انگشت گذارده و آن را به عنوان آیه و نشانه ای بر وجود خدا و علم و قدرت الهی معرفی کرده است.

۴۰- در راه عقلی خدایابی، هستی خداوند به مدد مقدمات، اصول و روش های کاملاً عقلی ثابت می شود.

۴۱- ویژگی های راه عقل:

۱- بسیاری از استدلال ها و تبیین های عقلی خدایابی به دلیل پیوند با مباحث پیچیده و عمیق فلسفی برای کسانی که دستی در بحث های فلسفی ندارند چندان مفید نیست.

۲- یکی از امتیازات راه عقلی آن است که می توان در مصاف علمی با شبهات ملحدان از آن سود جست و در مقام احتجاج و مناظره ضعف و سستی دلایل منکران را آشکار ساخت.

۳- راه عقلی خدایابی می تواند در تقویت ایمان دینی موثر باشد.

۴۲- یکی از متقن ترین ادله عقلی اثبات هستی خدا، برهان معروف وجوب و امکان است.

۴۳- هر شیء موجودی که نسبت آن با وجود (هستی داشتن و موجود بودن) در نظر گرفته شود از دو حال خارج نیست.

۱- آن شیء به گونه ای است که موجود بودن برای آن ضروری است به نحوی که جدا شدن آن از وجود (و موجود نبودن آن) قابل تصور نیست. ۲- موجود بودن آن شیء ضرورتی ندارد و می توان تصور کرد که رابطه آن با وجود گسسته شود و معدوم گردد به موجود اول واجب الوجود و به دومی ممکن الوجود گفته می شود. موجود ممکن موجودی است که وجودش وابسته به موجود دیگر (یعنی علت) است ولی وجود واجب الوجود، وجودی غیروابسته است.

۴۴- در نظر متکلمان و فیلسوفان واجب الوجود همان خداوند است و سایر موجودات همگی ممکن الوجودند براین اساس اثبات واجب الوجود همان اثبات وجود خداوند است.

۴۵- یکی از مبانی برهانی وجوب و امکان اصل علیت است. مفاد اصل علیت آن است که «هر موجود ممکنی نیازمند علت است.»

۴۶- از دیگر پایه های برهان وجوب و امکان اصل امتناع تسلسل است تسلسل به معنای پی در پی و به دنبال یکدیگر بودن است اما در فلسفه به معنای خاص تری به کار می رود. مقصود از تسلسل در بحث حاضر آن است که سلسله ای از علت ها و معلول ها داشته باشیم که تا بینهایت پیش رود و هیچ گاه به یک علت نخستین ختم نشود. براساس اصل امتناع تسلسل وجود چنین سلسله نامتناهی محال است.

۴۷- مقصود از «دور» آن است که شیء با یک یا چند واسطه علت خودش باشد. صورت نخست، یعنی آنکه شیء با یک واسطه علت خود باشد، «دور صریح» و صورت دوم یعنی آنکه با چند واسطه علت خودش باشد «دور مضمّر» نامیده می شود. محال بودن دور در هر دو شکل آن امری مسلم و روشن است.

۴۸- توضیح برهان وجوب و امکان: تردیدی نیست که در جهان هستی، فی الجمله موجودی هست که می توانیم از آن سخن بگوییم یا درباره آن بیاندیشیم. این موجود یا واجب الوجود است یا ممکن الوجود (و فرض سومی در کار نیست). به دیگر سخن، موجود مفروض یا در وجود خویش مستقل است و به موجود دیگری وابسته نیست (واجب الوجود) یا در وجودش به موجود دیگری وابسته است (ممکن الوجود). اگر فرض اول واقعیت داشته باشد وجود واجب الوجود ثابت می شود و همان گونه که اشاره کردیم واجب الوجود همان خداوند است. اما اگر فرض دوم درست و موجود مفروض ما ممکن الوجود باشد، آن گاه بنابر اصل علیت نیازمند علت خواهد بود و وجود آن حاکی از وجود علتش است حال اگر علت مزبور خود ممکن الوجود و معلول علت دیگری باشد و این سلسله تا بی نهایت ادامه یابد. لازم می آید که تسلسل رخ دهد در حالی که گفتیم تسلسل (در سلسله علل) محال است. احتمال دیگر آن است که موجود ممکن الوجود مفروض بی واسطه یا با واسطه معلول علتی باشد که خود معلول آن موجود ممکن است این احتمال نیز باطل است، زیرا مستلزم دور است و همان گونه که اشاره شد، وقوع دور نیز، همانند تسلسل، عقلاً ممتنع است. بدین ترتیب تنها احتمال معقول باقیمانده آن است که موجود ممکن مورد بحث ما بی واسطه یا با واسطه معلول علتی باشد که آن علت معلول شیء دیگری نیست.

معلول غیرنبودن علت مزبور بدین معناست که در وجود خود مستقل و بی نیاز از غیر است و چنین موجودی، واجب الوجود خواهد بود. بنابراین بار دیگر وجود واجب الوجود ثابت می شود.

۴۹- برهان وجوب و امکان با تقریر فلسفی آن در قرآن کریم مطرح نشده است. درعوض پارهای آیات قرآنی به گونه ای از وابستگی و نیازمندی موجودات به خداوند سخن گفته اند. برای نمونه، درسوره فاطر آمده است: «ای مردم شما به خدا نیازمندید و خدا است که بینیز ستوده است.». در پاره ای آیات نیز بر معلول و مخلوق بودن موجودات، از جمله انسان تاکید گردیده و بر وجود خداوند استدلال شده است.

۵۰- قرآن کریم در مقام احتجاج با کافران می گوید: «آیا از هیچ خلق شده اند؟ یا آنکه خودشان آفریدگار خود هستند؟». استدلال نتیجه گرفته شده از این آیه:

شکی نیست که هر انسانی مخلوق و حادث است، بدین معنا که زمانی وجود نداشته و سپس موجود شده است. حال با چند احتمال روبرو هستیم:

(۱) انسان ها بدون علت موجود شده باشند.

(۲) انسان ها خود آفریدگار و خالق خود باشند.

این دو احتمال در پیشگاه عقل سلیم به وضوح باطل است و با اندک تاملی نامعقول بودن آن روشن می شود بنابراین تنها احتمال معقول آن است که آنان آفریده موجودی متعالی و برتر از خود باشند که همان خداوند است.

۵۱- عمده ترین طریق شناخت خداوند آشنایی با اوصاف و افعال او است و هر اندازه این آشنایی عمیق تر و جامع تر باشد، خداشناسی کامل تری به بار می آورد.

۵۲- تلاش انسان خداپاور برای تصحیح و تکمیل مستمر خداشناسی خود، صرفاً کوششی برای دستیابی به منظومه معرفتی متقن و سزاوار نیست، بلکه آثار عملی محسوس و گاه سرنوشت سازی در حیات است.

۵۳- شناخت ذات الهی برای هیچ موجود دیگری از جمله انسان ممکن نیست. یک دلیل کوتاه و روشن این مدعا این است که ذات خداوند نامحدود و غیرمتناهی است و دیگر موجودات همگی محدود و متناهی اند و ناگفته پیداست که موجود محدود را راهی به سوی شناخت ذات نامحدود نیست.

۵۴- در حدیثی از امیرمومنان (ع) آمده است: «آفریدگان خداوند بر ذات او احاطه علمی نمی یابند.»

۵۵- شناخت ناپذیری ذات الهی هرگز به معنای آن نیست که آدمی از هر گونه معرفتی نسبت به خدای خویش محروم باشد؛ بلکه گونه دیگری از خداشناسی در دسترس آدمیان قرار دارد که از رهگذر شناخت اوصاف و افعال الهی فراهم می آید. قرآن کریم در آیات فراوانی به بیان اوصاف خداوند پرداخته است.

۵۶- راههای شناخت اوصاف و افعال الهی عبارتند از: عقل - فطرت - مطالعه جهان طبیعت - کشف و شهود باطنی - رجوع به قرآن و حدیث.

۵۷- آدمی به مدد روشنگری های خرد خویش، در مرحله نخست به نحو اجمالی در می یابد که خداوند جامع همه اوصاف کمالی است. در مرحله دوم، عقل با ژرف نگری در پاره ای از اوصاف خداوند که در ضمن ادله اثبات وجود او آشکار می شود به شناخت تفصیلی دیگر اوصاف الهی و ویژگی ها و احکام هر یک دست می یابد. برای مثال در استدلال عقلی خویش بر وجود خدا هستی او را به عنوان واجب الوجود ثابت می کنیم و سپس با تأمل در وصف وجوب وجود در می یابیم که وجود خدا مرکب نیست. زیرا هر شی مرکبی به اجزای خود نیازمند است و نیازمندی به غیر با وجوب وجود سازگار نیست بدین ترتیب عقل صفت بساطت (عدم ترکیب) را برای خداوند ثابت می کند.

۵۸- فطرت راهی است که با گذر زمان از آن می توان به شناخت پاره ای اوصاف الهی مانند یگانگی دست یافت .

۵۹- دقت در انتظام عمومی عالم و غایت مندی پدیده های طبیعی ما را به صفت علم و حکمت الهی رهنمون می شود.

۶۰- عقل و وحی در این نکته هم داستان اند که خداوند دارای همه اوصاف کمالی است.

۶۱- دیدگاه های موجود در مورد اوصاف مشترک بین خدا و آفریدگانش:

دیدگاه اول: گروهی بر این باورند اساساً آدمی راهی به سوی درک معانی صفات الهی ندارد. در نظر اینان تنها کار ممکن آن است که اجمالاً به ثبوت صفات مذکور در قرآن و روایات برای خداوند اعتراف کنیم و به آن ایمان آوریم. در حالی که از حقیقت معانی این صفات آگاهی نداریم مهمترین دلیل این گروه آن است که ما آدمیان مفاهیم صفاتی هم چون علم قدرت و اراده را از احوال درونی خود با ویژگی های موجودات پیرامون خود انتزاع می کنیم. ولی انتساب این مفاهیم به خداوند روا نیست. چاره ای جز آن نداریم که در باب معانی اوصاف الهی سکوت کرده به تصدیق اجمالی اوصافی که در قرآن و روایات مطرح شده است، بسنده کنیم.

دیدگاه دوم: این گروه معتقدند که تفاوت جدی میان معانی اوصاف الهی و اوصاف آفریدگان در میان نیست. دیدگاه سوم: نظریه سوم با فضای کلی قرآن و روایات سازگاری بیش تری دارد. در این دیدگاه، معانی اوصاف الهی با معانی اوصاف موجودات دیگر تفاوت دارد، اما این مطلب به معنای فهم ناپذیری اوصاف خداوند نیست.

۶۲- نمونه ای مختصر از تحلیلی با دیدگاه سوم، بدین شرح است: در آغاز لازم است در معنای اوصاف کمالی آنگاه که آن هارا درباره خود یا موجودات پیرامون خود به کار می بریم تأمل کرده و تمام قیودی را که سبب محدودیت آن ها می شودشناسایی کنیم. در مرحله بعد، می باید آن قیدها را از معانی اوصاف جدا سازیم پس از طی این مراحل به معنایی خواهیم رسید که زیبنده ذات الهی است؛ زیرا از یک سو از نوعی کمال وجودی حکایت دارد و از سوی دیگر از هر گونه شائبه نقصان و کاستی پیراسته است.

۶۳- ما از طریق دریافت های درونی خود و تأمل در اشیای پیرامون خویش به مفهومی از علم راه می یابیم که آن را آگاهی یا مانند آن می خوانیم اما این آگاهی در حصار حدود و قیود متعددی گرفتار است: از یک سو حادث است؛ زیرا قبلاً وجود نداشته و سپس به وجود آمده است. از سوی دیگر در معرض زوال و نابودی است. افزون بر این برای تحصیل لااقل بخشی از آن به ابزار و آلات نیاز داریم و نیز احتمال خطا در آن وجود دارد. واقعیت قیود یاد شده به گونه ای است که سبب نوعی

محدودیت و نقصان در علم و آگاهی ما می گردد. بنابراین وقتی درصدد به کاربردن صفت علم برای خداوندیم، می باید با حفظ گوهر معنایی آن را از قیود پیش گفته بپیراییم. بدین ترتیب به معنایی از علم خواهیم رسید که ازلی، ابدی، بی نیاز از ابزار و خطا ناپذیر است. چنین معنایی از یک سو صفت علم الهی را فهم پذیر می سازد و از سوی دیگر با تقدس و تعالی خداوند سازگار است.

۶۴- روش تنزیهی قرآن که هم با فهم ناپذیری اوصاف الهی و هم با تشبیه او به آفریدگانش مخالفت می ورزد، در پاره ای روایات مورد تصریح قرار گرفته است. برای نمونه، در حدیثی از امام علی (علیه السلام) می خوانیم که فرمود: خرد را برچگونگی اوصاف خود آگاه نساخته، (اما) آنها را از مقدار لازم معرفت خویش محجوب نکرده است.

۶۵- صفت توحید : اسلام آیین توحید و یکتاپرستی است. شالوده نظام اخلاقی اسلام بر اصل توحید استوار است و بسیاری از احکام و آداب دینی، از روح توحیدی اسلام سرچشمه می گیرد. آموزه توحیدی اختصاصی به آیین اسلام ندارد بلکه همه پیامبران الهی مردم را به سوی یکتاپرستی فرا می خوانده و همه ادیان الهی ادیان توحیدی بوده اند. شعار توحید با تعبیر گوناگونی هم چون لا اله الا الله، لا اله الا هو و لا اله الا انا، ده ها بار در قرآن تکرار شده است.

۶۶- توحید به دو شاخه اصلی نظری و عملی تقسیم می شود. توحید نظری اعتقاد قطعی به یکتایی خداوند در ذات، صفات و افعال است. توحید عملی آن است که انسان باورهای توحیدی خویش را در صحنه عمل حاکمیت بخشد و به گونه ای رفتار کند که مقتضای اندیشه توحیدی او است.

۶۷- صفت علم الهی : در بینش اسلامی خدا به همه امور عالم و از هر چیزی آگاه است. علم الهی، علمی است مطلق، نامحدود، ازلی و ابدی که به هیچ گونه ابزار و مقدمه و واسطه ای نیاز ندارد؛ خطاناپذیر است و مستلزم تاثیرپذیری ذات الهی از غیرخود نیست. آنچه در علم الهی بیش از همه اهمیت دارد، مساله گستردگی بی منتهای دانایی خداوند است.

۶۸- علم خداوند نامحدود و بی پایان است؛ یعنی خداوند در ازل از همه اموری که در آینده و تا ابد واقع می شود آگاه است.

۶۹- قرآن کریم اتصاف خداوند را به وصف دانایی و آگاهی، بی نیاز از اقامه برهان و دلیل میدانند. با این حال در پاره ای آیات، تعبیری به کار رفته است که می توند الهام بخش نوعی استدلال بر دانایی خداوند باشد: «أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ آیا کسی که آفریده است نمی داند؟ با این که او خود باریک بین آگاه است.» این آیه، در قالب استفهام انکاری از مخاطبان خود می پرسد آیا امکان دارد خداوندی که آفریننده است، عالم نباشد؛ حال آنکه آفریدن نیازمند آگاهی از احوال و خصوصیات آفریده است؟

۷۰- قرآن کریم در کنار توصیف خداوند به علم و آگاهی بر نامحدود بودن دانش او تاکید میورزد.

۷۱- ایمان به دانش بی کران خداوند و آگاهی او بر همه امور، تاثیر عمیقی در تقویت روحیه توکل آدمی می گذارد و او را برای راز و نیاز خالصانه بر می انگیزد همچنین اعتقاد به این اصل که خدا از همه اعمال آشکار و نهان انسان و حتی انگیزهها و نیات او آگاهی دارد در پرهیز آدمی از گناهان موثر است.

۷۲- صفت قدرت الهی: مقصود از موجود قادر موجودی است که اگر بخواهد، فعلی را انجام می دهد و اگر بخواهد، آن را ترک می کند. بنابراین مقصود از قدرت الهی آن است که اگر اراده او به انجام فعلی تعلق پذیرد، آن را انجام می دهد و اگر ترک فعلی را اراده کند، آن را ترک می کند.

۷۳- انجام یا ترک فعل از سوی آفریدگان معمولاً تابعی از انگیزش های بیرونی است. اما این معنا درباره خدا صادق نیست؛ زیرا مستلزم آن است که ذات الهی از دیگر اشیاء تأثیر پذیرد و در مقابل غیر خود منفعل شود؛ حال آنکه این امور با وجوب وجود و غنای مطلق او ناسازگار است.

۷۴- عموم دانشمندان مسلمان بر این باورند که قدرت الهی نیز، مانند سایر اوصاف کمالی او نامتناهی و بی کران است و هیچ محدودیتی در آن راه ندارد.

۷۵- معمای قدرت مطلق در قالب های گوناگونی طرح شده است. مثلاً گفته می شود: آیا خدا قادر است سنگی بیافریند که خود نتواند آن را حرکت دهد؟ یا آنکه پرسیده می شود آیا خدا توانایی دارد موجودی خلق کند که بر نابود کردن آن توانا نباشد؟ با تأمل در چنین پرسش هایی روشن می شود که - برحسب ظاهر - پاسخ مثبت و منفی به آن هر دو به انکار مطلق بودن خداوند می انجامد.

۷۶- امور محال یا ممتنع از یک جهت، به سه دسته تقسیم می شوند:

(الف) محال ذاتی: امری است که فی حدّ نفسه و در ذات خویش محال و ناشدنی است؛ بدون آنکه پای امر دیگری در میان باشد. اجتماع نقیضین از روشن ترین مصادیق محال ذاتی است.

(ب) محال وقوعی: امری است که فی حدّ نفسه و با لحاظ ذات خود، ممتنع نیست، اما وقوع آن مستلزم تحقق محال ذاتی است. محال ذاتی و محال وقوعی را محال عقلی نیز مینامند.

(ج) محال عادی: امری است که وقوع آن تنها با نظر به قوانین شناخته شده ی طبیعت ناممکن می نماید، اما تحقق آن نه ذاتاً ممتنع است و نه مستلزم محال ذاتی است.

۷۷- با توجه به انواع محالات، گفته می شود که قدرت خداوند به محالات ذاتی و وقوعی تعلق نمی پذیرد، در حالی که تمام اموری که در ضمن معمای قدرت مطلق از توانایی خداوند بر ایجاد آنها سوال می شود، از جمله محلات وقوعی اند.

۷۸- آفریدگار بر تمام شئون آفریده مسلط است و به تعبیر دقیق تر، اصل وجود و تمام اوصاف و خصوصیات مخلوق وابسته به آفریدگار و خالق او است. بنابراین فرض مخلوقی که خالق آن نتواند آن را از بین ببرد یا در آن تغییری ایجاد کند، مستلزم فرض حالتی است که هم آفریدگار باشد و هم نباشد و این چیزی جز تناقض و اجتماع نقیضین نیست. بدین ترتیب، آفریدن سنگی که آفریدگار آن بر حرکت قادر نباشد یا خلق موجودی که خالقش نتواند آن را نابود کند محال وقوعی است و همانگونه که پیش تر گفتیم، سخن آن است که قدرت خداوند بر محالات وقوعی تعلق نمی پذیرد.

۷۹- عدم تعلق قدرت خداوند به محالات ذاتی و وقوعی، در واقع هیچ محدودیتی برای قدرت الهی به دنبال ندارد؛ زیرا این امور اصولاً قابلیت ایجاد ندارد و از این رو پایین تر از مرتبهای قرار دارند که قدرت به آن تعلق گیرد. در این جا نقصان و کاستی به قابل باز می گردد نه فاعل.

۸۰- در پاره ای از آیات قرآن کریم، با نوعی استدلال بر بی کرانی قدرت خداوند روبه رو می شویم. « مگر ندانسته اند که آن خدایی که آسمان ها و زمین را آفریده و در آفریدن آن ها درمانده نگردید؛ می تواند مردگان را نیز زنده کند؟ آری اوست که بر همه چیز توانا است»

۸۱- صفت حیات الهی: این صفت نیز، هم چون علم و قدرت به صورت مشترک بر خداوند و برخی آفریدگان او اطلاق میشود. موجود حی، موجودی است که دارای نوعی فعالیت ارادی و آگاهانه باشد. حیات نوعی کمال وجودی است که نشانه اتصاف موجودی به آن، این است که آن موجود از فعالیت ارادی و نیز از علم و آگاهی برخوردار است. فعالیت و آگاهی یک موجود نشانه حیات او است.

۸۲- حیات در موجودات طبیعی، مانند حیوان و انسان، با اموری هم چون رشد، تغذیه، تولید مثل و حرکت مکانی همراه است؛ به گونه ای که این امور نشانه های حیات این موجودات به شمار می آیند. حیات الهی از چنین خصوصیات -که شایسته مقام الوهی خداوند نیستند- منزّه است؛ حیات الهی ذاتی، ازلی، ابدی و تحول ناپذیر است؛ بدون آنکه با لوازم حیات طبیعی مانند رشد، تغذیه و ... همراه باشد.

۸۳- تعبیر «هو الحی» بر انحصار وصف حیات در خداوند دلالت می کند و بیان گر آن است که حیات حقیقی تنها از آن خداست. زوال ناپذیری و جاودانگی حیات الهی در برخی آیات مورد تاکید قرار گرفته است. «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ» ۸۴- صفت ازلیت و ابدیت: در نظر بسیاری از متألهان، خدا موجودی ازلی است بدین معنا که از ازل وجود داشته و درگذشته، زمانی نبوده است که خدا وجود نداشته باشد. از سوی دیگر خدا، موجودی ابدی است یعنی هیچ زمانی نخواهد آمد که او نباشد.

۸۵- در تفسیر ازلیت و ابدیت خداوند دو دیدگاه متفاوت وجود دارد: در تفسیر نخست، خدا در همه زمان ها وجود دارد. این تفسیر متضمن آن است که خدا موجودی زمانمند و مقید در حصار زمان و مشمول گذر زمان باشد. اما براساس تفسیری دیگر، ازلیت و ابدیت خداوند بدین معنا است که ذات الهی، اساساً فراتر از چارچوب زمان قرار دارد. هرچند برداشت عمومی از ازلیت و ابدیت خداوند با تفسیر نخست سازگار است، به نظر می رسد که تفسیر دوم دیدگاه دقیق تر و عمیق تری را ارائه می کند؛ زیرا مطلق نبودن وجود خدا بدین معنا است که ذات او به هیچ حد و قیدی حتی قید زمان مقید نیست.

۸۶- وقتی سخن از ازلی و ابدی بودن خدا است باید توجه کرد که معنای دقیق و پذیرفتنی آن این است که ذات الهی فراتر از زمان است و برموجودات زمانی احاطه دارد.

۸۷- در قرآن کریم از دو اصطلاح ازلی و ابدی سخنی به میان نیامده است؛ قرآن ازلیت و ابدیت خداوند را با تعبیر دیگری مطرح کرده است. گویا مقصود صفت «اول» و «آخر» همان ازلیت و ابدیت است.

۸۸- پاره ای آیات قرآن نیز بخصوص ابدیت و فناپذیری خداوند تاکید می کند: «کل شی هالک الا وجه: جز ذات او همه چیز نابود شونده است.» در رأی بسیاری از مفسران مقصود از «وجه خداوند» همان ذات الهی است.

۸۹- صفت حکمت الهی: انواع معانی حکمت عبارتند از:

الف) معنی حکمت «معرفت و شناخت حقایق اشیاء» است. حکمت در این معنا یکی از شاخه های علم الهی به شمار می رود.

ب) معنای دوم حکمت آن است که افعال فاعل در غایت استواری و کمال و به دور از هر گونه نقصانی باشد. یکی از نتایج مهم پذیرش حکمت الهی بدین معنا، آن است که نظام هستی را بهترین نظام ممکن (نظام احسن) بدانیم؛ چرا که جهان با تمام گستره بی کرانش، فعل خدا است و حکمت الهی اقتضا دارد که فعل او به بهترین صورت ممکن انجام پذیرد.

ج) سومین معنای حکمت، دوری از انجام فعل قبیح و ناشایست است. حکمت الهی، به معنای حاضر، مستلزم آن است که خداوند را از ارتکاب هر آنچه عقل عمومی بشر آن را قبیح می شمارد، منزه بداریم. با تأمل در این معنا، روشن می شود که عدل یکی از شعب حکمت است.

د) چهارمین معنای حکمت آن است که فاعل، افعال خود را براساس غایات معقول و اغراض خردپسندانجام دهد و از ارتکاب کارهای عبث و بیهوده بپرهیزد. بنابراین حکمت الهی در این معنا، همان غایتمند یا فعال است.

۹۰- ما آدمیان نیز بسیاری از افعال خویش را بر طبق غایت خاصی انجام می دهیم. غایت افعال ما رفع نیاز و تحصیل کمال است. اما غایت افعال الهی، به هیچ رو رسیدن به کمال نیست؛ زیرا او کامل مطلق است و نقصی ندارد تا با انجام فعلی در پی جبران آن باشد؛ بلکه غایت الهی رساندن موجودات به کمال مطلوب آنها و عبث نبودن آن بدین معنا است که نیازی از نیازهای مخلوقات را برطرف می سازد.

۹۱- در آیه ای از حکیمانه بودن آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات میان آنها سخن گفته شده است. «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ : ما آسمانها و زمین و آنچه در میان این دو است بی هدف نیافریدیم»

۹۲- اگر غرض از خلقت آدمیان تأمین مصالح و منافع آنان است، وجود شرور را که برخلاف مصالح انسانی و غایت بشر است، چگونه می توان توجیه کرد؟ نخست باید بدانیم که وجود بلایا، مصیبت ها، درد و رنج و سختی در دنیا خالی از غایات معقول نیست؛ بلکه این امور در جهت تأمین مصالح حقیقی فردی یا نوعی انسان ها قرار دارند.

۹۳- پاره ای از فوائد شرور در حیات فردی و جمعی انسان ها: شکوفا شدن استعدادها - آزمون الهی - بیدارگری - قدر شناسی نعمت های الهی.

۹۴- سرشت انسان و وضعیت عمومی جهان طبیعت به گونه ای است که بسیاری از استعدادهای مادی و معنوی انسان جز در سایه مواجهه با سختی ها و مبارزه با مشکلات شکوفا نمی شود. قرآن بر این واقعیت تاکید می ورزد که در دامن هر

سختی و مصیبتی آسانی و سهولتی نهفته است «فان مع العصر یسرا ان مع العسر یسرا: پس بدان که دشواری آسانی است آری با دشواری آسانی است»

۹۵- یکی از سنت های عمومی خداوند سنت ابتلا یا آزمون است. غرض از آزمایش، چیزی جز پرورش استعدادهای نهفته انسان و برآمدن گوهرهای درونی او نیست.

۹۶- یکی از مهم ترین دستاوردهای بلایا آن است که آدمی را از خواب غفلتی که بر اثر فرو غلتیدن در نعمت های دنیوی بدن دچار شده، بیدار کرده مسئولیت های خطیر او را در برابر خدای خویش یادآور می شوند و استکبارش را به فروتنی و خضوع مبدل می سازند.

۹۷- بی گمان، نسبت معلومات آدمی به مجهولاتش نسبت قطره به اقیانوس بی کران است. با توجه به محدودیت دانش بشری، نمی توان ادعا کرد که ما به همه اسرار و رموز پدیده هایی که آن را شر میدانیم آگاهی داریم. بسا در این امور مصالح فراوانی نهفته باشد که ما از آن بیخبریم و پیداست که نیافتن چیزی نشانه قطعی نبودن آن نیست. بسیار محتمل است که آنچه را که در واقع خیر است، شر بینداریم. «و عسی ان تکرهوا شیا و هو خیر لکم: و بسا چیزی را خوش نمی دارید و آن برای شما خوب است»

۹۸- هدف نهایی آفرینش انسان آن نیست که در دنیا به تن آسایی مشغول باشد بلکه غایت اصلی و نهایی او رسیدن به سعادت حقیقی است که جز در سایه عبادت خدا و قرب الهی فراهم نمی شود. بر این اساس، نباید هر امری را که با آسایش و رفاه مادی آدمی معارض است، با غایت آفرینش معارض و برخلاف حکمت دانست؛ زیرا بسا که سعادت و رستگاری او در گرو تحمل دشواری ها و ناهمواری ها باشد. انسان گاه برای خود و دیگران شر آفرین می شود، اما به دلیل نا آگاهی از رابطه ی کرده ی خویش با آثار آن، نتایج اعمال خویش را بهانه ای برای اعتراض به حکمت الهی قرار می دهد. قرآن نیز تأثیر اعمال آدمی را در بروز حوادث ناگوار هشدار داده است. «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»

۹۹- صفت عدل الهی: عدالت ورزی خداوند یکی از ارکان مهم خداشناسی اسلامی و یکی از اوصاف الهی است. عدل به عنوانیکی از اصول پنجگانه دین یا مذهب یاد می شود. آموزه عدل با کل نظام تکوینی و تشریعی جهان در ارتباط است. باوربه دادورزی خداوند یکی از بنیان های اثبات معاد و پاداش و کیفر اخروی است. افزون بر این ایمان به عدالت پیشگی خداوند انگیزه آدمی را برای استقرار نظام عادلانه اجتماعی قوت می بخشد و او را در راه مبارزه با مظاهر ظلم و ستم پایدار می کند.

۱۰۰- برای عدل، معانی گوناگونی مانند «رعایت تساوی و دوری از تبعیض» یا «رعایت حقوق دیگران» برشمرده اند. عدل در معنای جامع تری «قراردادن افراد و اشیا در جایگاه شایسته خود» نیز به کار می رود. از امام علی (ع) نقل شده: عدالت هر چیزی را در جای خود می نشاند.

۱۰۱- شاخه های کلی عدل الهی:

۱) عدل تکوینی: خداوند به هر موجودی به اندازه شایستگی هایش از مواهب و نعمت ها ارزانی می دارد و هیچ استعداد و قابلیت را ضایع نمی کند.

(۲) عدل تشریعی: خداوند از یک سو در وضع تکالیف و جعل قوانینی که سعادت بشر در گرو آن است، اهمال نمی ورزد و از سوی دیگر، هیچ انسانی را به عملی که بیش از توانایی و طاقت او است مکلف نمی سازد.

(۳) عدل جزایی: خداوند جزای هر انسانی را متناسب با اعمالش مقرر می کند. براین اساس، خداوند نیکوکاران را پاداش می دهد و بدکاران را کیفر.

۱۰۲- عدل الهی در قرآن کریم از طریق نفی ظلم و ستمگری از ساحت خداوند بیان شده است. پاره ای آیات نیز به بیان عدالت تشریعی خداوند پرداخته است:

«و هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی کنیم و نزد ما کتابی است که به حق سخن می گوید و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت»

۱۰۳- همچنین برخی آیات را می توان گواهی بر عدل جزایی خدا دانست.

«و ترازوهای داد را در روز رستاخیز می نهیم پس هیچ کس در چیزی ستم نمی بیند و ما تا پیامبری را بر نینگیزیم، به عذاب نمی پردازیم»

۱۰۴- آیا وجود تفاوت میان موجودات با عدل الهی سازگار است؟ در پاسخ باید گفت: وجود انواع گوناگون تفاوت -تفاوت های نوعی، نژادی، فردی، شخصیتی و ... - میان آفریدگان خداوند از لوازم جدایی ناپذیر قوانینی است که تغییر یا جدایی آن ها از جهان امکان ندارد. تفاوت های تکوینی موجودات به هیچ رو تبعیض نیست تبعیض در جایی است که دو شیء دارای قابلیت دریافت بهره یکسانی باشند ولی آن بهره تنها به یکی از آن دو داده شود اما دست نیافتن برخی موجودات به پاره ای کمالات از آن رو است که به دلیل قوانین حاکم بر هستی، اساساً قابلیت نیل به چنین کمالاتی را ندارند. به عبارت دیگر فیض خداوند نامحدود است، ولی ظرفیت و قابلیت آفریدگان او محدود است و این محدودیت نیز از ویژگی های جدایی ناپذیر عالم به شمار می آید.

۱۰۵- مرگ یکی از لوازم جدایی ناپذیر زندگی در عالم طبیعت است. آیا مرگ انسان پس از چشیدن لذات دنیوی با عدل الهی سازگار است؟ در پاسخ باید گفت: مفهوم «جاودانگی در طبیعت» مفهومی خود متناقض است. افزون بر آن، مرگ پایان هستی انسان نیست بلکه انتقال از جهانی به جهان دیگر است. مرگ پایان بخشی از زندگانی انسان و آغاز بخشی دیگر است و از این رو، وجهی برای ناعادلانه بودن آن در میان نیست.

۱۰۶- به حکم خرد تناسب میان جرم و کیفر آن باید مراعات شود. حال این پرسش قابل طرح است که آیا مجازات های اخروی که نه از جهت کیفیت و نه به لحاظ مدت با جرم و گناه بندگان تناسب ندارد با عدل الهی سازگار است؟ پاسخ بهاین پرسش در گرو تأمل درماهیت مجازات های اخروی است. حقیقت آن است که کیفر اخروی با مجازات های قراردادی در دنیا تفاوتی اساسی دارد. مقدار و کیفیت مجازات های قراردادی تابع وضع و قرارداد است. اما مجازات اخروی امری قراردادی نیست، بلکه نتیجه تکوینی و قهری اعمال مجرمان یا به تعبیر دقیق تر ظهور چهره حقیقی گناهان (تجسم اعمال) است از این رو جایی برای سخن گفتن درباره عدم تناسب یا سنگینی غیرعادلانه آن نیست.

۱۰۷- آیا درد و رنجی که از ناحیه بلایا، ناملایمات، بیماری ها و ... برای آدمیان در طول حیاتشان فراهم می آید، با دادورزی و عدالت خداوند سازگار است؟ باید دانست که درد و رنج انسان ها در دنیا از دو حال بیرون نیست:

(۱) بخشی از آلام و ناگواری ها برخاسته از اعمال ناشایست و نتیجه اجتناب ناپذیر خطاهای خود انسان است.

بدیهی است چنین درد و رنجی که محصول کردار آدمی است هیچگونه منافاتی با عدل الهی ندارد.

(۲) بخشی از تلخ کامی های انسان نیز برانگیخته از اعمال او نیست و کیفر این جهانی گناهان او محسوب نمی شود. ما براین باوریم که عدل الهی مقتضی آن است که این گروه از آلام، به طریقی (خواه در دنیا و خواه در آخرت) جبران گردند.

۱۰۸- صفت نفی جسمانیت: یکی از مهم ترین صفات سلبی خداوند غیرجسمانی بودن او است. دلیل این مدعا آن است که امور جسمانی دارای ابعاد سه گانه یعنی طول، عرض و ارتفاع اند و از این رو از اجزای مقداری ترکیب می یابند. بنابراین هر موجود جسمانی مرکب است. حال آنکه در بحث توحید ذاتی روشن شد که ذات خداوند بسیط است و اساساً مرکب بودن ذات الهی ممکن نیست. در نتیجه جسمانی بودن خداوند امری محال و غیرممکن است.

۱۰۹- صفت برتر از جهت و مکان بودن: خداوند درجهت خاصی قرار نمی گیرد و موجودی مکانمند نیست تا جا و مکانی را اشغال کند. قرآن کریم در اشاره به این صفت سلبی می فرماید: «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوْا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ: مشرق و مغرب از آن خدا است و به هر سو رو کنید، خدا آنجا است». عبارت «به هر سو رو کنید خدا آن جا است» به معنای برتری او از جهت و مکان است. مضمون این آیه، به گونه ای بر نفی جسمانیت خدا نیز دلالت دارد.

۱۱۰- صفت نفی حلول: خداوند در هیچ موجود دیگری حلول نمی کند. حلول خداوند در غیر خود از یک سو مستلزم محدود شدن ذات خداوند و از سوی دیگر مقتضی نیازمندی آن به محل مفروض خود است؛ در حالی که خداوند وجودی نامحدود دارد و غنی مطلق است و هیچ نیازی در او قابل تصور نیست.

۱۱۱- صفت نفی اتحاد با غیر: خداوند با هیچ موجود دیگری متحد نمی گردد.

۱۱۲- صفت نفی رویت حسی: رویت حسی خداوند، چه در دنیا و چه در آخرت، محال است دیدن یک شی یا چشم اقتضا دارد که شی مزبور در برابر چشمان ما قرارگیرد و لازمه چنین مواجهه ای قرارگرفتن آن شی در جهت خاص است. بنابراین مرئی بودن مستلزم جهت داشتن است؛ حال آنکه خداوند متعال از داشتن جهت منزه است. اما رویت قلبی به معنای شهود باطنی و ادراک قلبی جمال و جلال خداوند، امری ممکن و دست یافتنی است. قرآن کریم به وضوح بر نفی امکان رویت حسی خدا تأکید ورزیده است: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ»

۱۱۳- تفاوت عمده انسان شناسی با دیگر حوزه های پژوهشی آن است که در این جا مسأله شناخت آن در میان نیست، بلکه پای شناخت من در کار است. از این رو هر نتیجه ای که از مطالعات انسان شناسانه به دست آید می تواند در تفسیر ما از فلسفه حیات خود، جایگاه ما در جهان و رابطه ما با دیگر اجزای هستی، نقشی آفرینی کند.

- ۱۱۴- مباحث گوناگون انسان شناسانه را می توان در چهار حوزه انسان شناسی علمی، فلسفی، عرفانی، و دینی جای داد. اینچهار شاخه در پاره ای مبانی و اصول و نیز از جهت روش های تحقیق با یکدیگر متفاوت اند.
- ۱۱۵- قرآن غفلت از خویشتن خویش را ملازم با فراموش کردن خدا می داند: «نَسُوا اللَّهَ فَنَسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ : خدا را فراموش کردند و او نیز آنان را دچار خود فراموشی کرد»
- ۱۱۶- در بینش اسلامی همه انسان هایی که تاکنون پا برعرصه زمین نهاده اند، به رغم تفاوت های نژادی، فرهنگی، زبانی و... از اصلی واحد و ریشه ای مشترک نشأت گرفته اند. شماری از آیات قرآن کریم انسان ها را فرزند آدم می خواند. در پاره ای آیات نیز بر این نکته تأکید شده است که آدم به مثابه نخستین انسانی که پای بر زمین نهاد، آفرینشی متمایز با خلقت فرزندان خود داشته است؛ زیرا برخلاف فرزندان خود از آمیزش زن و مردی متولد نگشته است. دستمایه آفرینش نخستین چیزی است که قرآن از آن به خاک (تراب) یا گِل (طین) یاد می کند. قرآن نظریه هایی را که نژاد انسان را محصول تطور گونه ای از حیوانات یا موجودات انسان نما می دانند، مردود می شمارد.
- ۱۱۷- از دیدگاه دین، انسان موجودی کاملاً مادی و طبیعی نیست، بلکه وجود او از دو ساحت جسمانی (بدن) و غیرجسمانی (روح یا نفس) سامان می یابد.
- ۱۱۸- مرحله آفرینش ساحت روحانی و غیرمادی آدمی به دمیدن روح تعبیر شده است. از پاره ای آیات قرآنی چنین بر می آید که روح می تواند پس از مرگ، مستقل از بدن جسمانی به حیات خود ادامه دهد و از آن جا که بقای روح پس از متلاشی شدن بدن، ضامن استمرار وجودی آدمی است، آشکار می شود که در میان دو ساحت وجود انسان اصالت با گوهر روحانی او است.
- ۱۱۹- استقلال وجودی روح از بدن هرگز بدین معنا نیست که بین این دو هیچ ارتباط واقعی در میان نباشد، بلکه مادامی که آدمی در طبیعت می زید، جسم و روح او تعاملی دوسویه دارند و از یکدیگر متأثرند.
- ۱۲۰- شناخت حیوان در مجموعه ای از داده های حسی خلاصه می شود که انسان نیز با او شریک است، اما انسان افزون بر حس به ابزار عقل نیز مجهز است که حیوانات از آن بی بهره اند.
- ۱۲۱- مجموعه ای از گرایش های معنوی در انسان وجود دارد که حیوانات از آن بی نصیب اند؛ بدین شمار: گرایش به دانایی - گرایش به زیبایی - گرایش به اخلاق - حس تقدیس و پرستش
- ۱۲۲- یکی از والاترین ابعاد معنوی انسان بعد اخلاقی اوست.
- ۱۲۳- بشر از دیرباز با نیایش و پرستش مأنوس بوده است. پیامبران، مبتکر پرستش و نیایش نبوده اند، بلکه وظیفه آنان این بود که راه صحیح پرستش را به بشر بنمایانند و حس دین داری او را سمت و سوی شایسته بخشند.
- ۱۲۴- امتیازات انسان بر سایر مخلوقات که سبب مقام والای او گشته است: خلیفه خداوند در زمین - برترین ظرفیت علمی - امانتدار الهی - جهان کارگزار آدمی - مسجود فرشتگان - کرامت ذاتی انسان.

- ۱۲۵- مقام خلافت الهی اختصاص به آدم (ع) ندارد بلکه شامل همه انسان ها می گردد. گزینش انسان برای احراز مقام خلافت الهی از استعدادهای تکوینی و قابلیت های غیرمتناهی او برای وصول به کمال حکایت می کند.
- ۱۲۶- قرآن کریم بیان می دارد که خداوند دانش خاصی را به آدم آموخت؛ درحالی که فرشتگان به آن جاهل بودند و پس از اعتراف آنان به نادانی، آدم را دستور داد که از آن دانش ویژه به آنان بیاموزد.
- ۱۲۷- انسان تنها موجودی است که بار سنگین امانت الهی را به دوش کشیده است. بسیاری از مفسران امانت را اختیار یا تکلیف یا کمالی دانسته اند که آدمی در سایه گزینش های اختیاری خویش بدان دست می بازد.
- ۱۲۸- خداوند سراسر گیتی را کارگزاران آدمیان و مسخر آنان گردانیده است.
- ۱۲۹- از آنجا که آدم تجلی تمام قابلیت ها و استعداد های وجودی انسان است، سجود فرشتگان در واقع، جلوه ای از اینحقیقت است که انسان، به لحاظ ظرفیت بی کرانش، حتی بر فرشتگان نیز برتری دارد.
- ۱۳۰- قرآن کریم آیاتی نیز در نکوهش آدمی و بیان کاستی ها و ناراستی های او دارد. حقیقت این است که میان ستایش هاو نکوهش های قرآن از انسان تعارضی نیست؛ چرا که هر کدام به بُعدی از وجود او نظر دارد. انسان هم جنبه های ملکوتی و هم جنبه های حیوانی دارد. هر کس عقلش بر شهوتش غالب آید از فرشتگان برتر خواهد بود و هر که عقلش به اسارت شهوت او در آید، جایگاهی پست تر از حیوانات خواهد یافت.
- ۱۳۱- مساله جبر و اختیار از مسائل بسیار کهن است که همواره ذهن انسان را به تأمل فراخوانده است. مقصود از اختیار آن است که رفتار انسان برپایه آگاهی، قدرت و اراده ی او انجام گیرد؛ به گونه ای که قادر بر ترک آن باشد. اختیاری بودن یک عمل، لزوماً بدین معنا نیست که با میل و رغبت انجام پذیرد؛ زیرا بسا عملی که برخلاف تمایل اولیه فاعل اما با علم به سودمندی آن به صورت ارادی و اختیاری انجام می گیرد.
- ۱۳۲- گروهی چنین پنداشته اند که پاره ای از اصول اعتقادی اسلامی در باب خداشناسی با اعتقاد به اختیار ناسازگار است و از این رو، پذیرش این اصول نتیجه ای جز گردن نهادن به جبر ندارد. این اصول، در یک نگاه عبارت اند از: توحید در خالقیت، علم ازلی خداوند و عمومیت اراده الهی .
- ۱۳۳- توحید در خالقیت: یگانه خالق و آفریدگار همه چیز خدا است و از آنجا که افعال آدمی نیز یکی از پدیده های جهان خلقت است، عمومیت خالقیت خداوند کارهای انسان را نیز شامل می شود. بنابراین تنها خدا است که خالق اعمال انسان است و از این رو جایی برای اختیار انسان نمی توان گشود. معنای دقیق توحید در خالقیت جز این نیست که تنها آفریدگار مستقلی که بدون نیاز به اجازه موجود دیگری، دست به آفرینندگی می زند، خداوند است. از این رو توحید در خالقیت منافی آن نیست که دیگر موجودات، با اذن الهی و در حوزه قوانین و سنت هایی که او مقرر کرده است، منشا خلق و ایجاد باشند. توحید در خالقیت با نقش آفرینی انسان در اعمال خویش سازگار است و از این رو به جبرگرایی نمی انجامد.
- ۱۳۴- علم ازلی و پیشین خداوند: چکیده استدلال جبرگرایانه مبتنی بر علم ازلی خداوند چنین است: خدا از پیش میداند که آدمی، در آینده، چه کاری انجام می دهد و چه کاری را ترک می کند. از سوی دیگر، عدم مطابقت علم الهی با واقعیت خارجی

مستلزم تبدیل علم الهی به جهل است. بنابراین، انجام فعلی که خدا به تحقق آن علم دارد، ضروری و انجام کاری که انجام نگرفتن آن در علم ازلی خدا ثبت است، محال خواهد بود. این بدان معنا است که هیچ یک از افعال انسان اختیاری نیست. در پاسخ به این استدلال می توان گفت: شکی نیست که خداوند از پیش بر اعمال آدمیان آگاهی دارد، ولی آنچه در علم خداوند ثبت و ضبط است فعل انسان همراه با همه خصوصیات و قیود آن است، نه بدون آنها. اگر علم خدا به وقوع اختیاری فعلی خاص تعلق گیرد، آن فعل به حتم از سر اختیار انجام خواهد گرفت. بدین ترتیب ضرورت یافتن وقوع فعل اختیاری نه تنها منافاتی با اختیاری بودن آن ندارد، بلکه آن را تایید می کند؛ زیرا بدین معنا است که وقوع جبری و غیراختیاری چنین فعلی محال است.

۱۳۵- تقدیر الهی یا سرنوشت دو حوزه دارد:

- ۱) حوزه ای که خارج از اختیار آدمی است و وظیفه انسان دین باور، در برخورد با آن، جز تسلیم و خرسندی نیست.
- ۲) حوزه ای که شامل افعال اختیاری انسان می شود. در این حوزه تقدیر الهی هیچ گونه منافاتی با اعمال اراده و تصمیم گیری آزاد انسان ندارد و از این رو، مسئولیت افعال آدمی در این حوزه بر عهده خود او است.

۱۳۶- عمومیت اراده الهی: براساس آموزه های دینی و پاره ای آیات قرآن هیچ امری بدون دخالت اراده الهی و بیرون از حوزه مشیت او واقع نمی شود. به اقتضای این اصل تمام افعال آدمیان و حتی حالات نفسانی آنان تابع درخواست و اراده خداست. در این جا نیز اراده خداوند به وقوع فعل به صورت مطلق و خالی از خصوصیات آن تعلق نمی گیرد، بلکه متعلق اراده او آن است که هر معلولی از علت مباشر بی واسطه و با حفظ تمام خصوصیات آن، صادر گردد. بنابراین متعلق اراده او در مورد افعال اختیاری انسان آن است که این افعال همراه با علم، اراده و اختیار انسان صورت بندد. بنابراین تحقق اراده الهی نه تنها منافی اختیار نیست، که ضامن تثبیت آن نیز هست.

۱۳۷- احساس درونی و شهود باطنی اختیار، تردید در گزینش و تصمیم گیری، وضع قوانین اجتماعی و اوامر و نواهی، وجود نظام های تربیتی و پاداش و کیفر، پشیمانی از انجام کارهای زشت، بخشی از شواهد وجود اختیار در انسان را تشکیل می دهند.

۱۳۸- قرآن بر اختیاری بودن کفر و ایمان تاکید کرده است.

۱۳۹- آیاتی که از ابتلا و آزمایش انسان در حیات دنیوی سخن می گویند، بر مختار بودن او دلالت می کنند؛ زیرا فاعلی را که اختیار ندارد نمی آزمایند. پاره ای از آیات قرآن نیز از مسئولیت آدمی در برابر اعمال خویش سخن می گوید و ناگفته پیداست که تنها فاعل مختار، از پاسخ گویی و مواخذه ناگزیر است.

۱۴۰- انسان شناسی دینی به تبیین مبدأ پیدایش آدمی و ساختار وجودی او و استعدادهای فطری اش محدود نمی شود، بلکه حاوی ستایش بلندی در باب اهداف خلقت انسان و مدارج کمال او و نیز راههای دستیابی به این کمالات است.

۱۴۱- کمال هر چیز در پرتو عنایات و اهداف هستی آن معنا می یابد هر اندازه یک موجود به اهداف آفرینش خود نزدیک تر باشد، کامل تر است.

۱۴۲- کمال آدمی کمالی اختیاری و اکتسابی است. چون غایت هستی انسان حد و مرزی ندارد، مراتب کمالی او بی شماری است. راه کمال آدمی «خود» او است و اعمال ظاهری و باطنی، تنها آنگاه به استكمال او مدد می‌رسانند که در نفس او تاثیر کنند و آن را رفعت و تعالی بخشند. مراتب معنوی هم چون مقامات اعتباری دنیوی نیست که کسی را به آن نصب یا از آن عزل کنند، بلکه هر کس خود، مقام و مرتبه ای از کمال است. قرآن غایت نهایی آفرینش آدمی و پایانه سیر کمالی او را وصول به مقام عبودیت می‌داند.

۱۴۳- هر یک از مکاتب بشری، در ترسیم چهره انسان کامل، تنها بر یک یا چند بعد خاص تکیه می‌کنند: پاره ای از فیلسوفان کمال انسانی را به کمال قوه عاقله می‌دانند و برخی از اهل عرفان آن را در دوری از طبیعت، عزلت‌گزینی، گوشه نشینی، زهد و ریاضت می‌جویند. گروهی نیز تسخیر هر چه بیش تر طبیعت و بهره‌کشی از آن را معیاری برای کمال انسان می‌دانند. از دیدگاه اسلام، کمال انسان جز در سایه پرورش هماهنگ همه استعدادهای او فراهم نمی‌آید؛ به گونه ای که همه قوای او در راه عبودیت و تقرب به خداوند به کار گرفته شود.

۱۴۴- مقصود از تعلی که اسلام آن را پیش شرط کمال می‌داند، اندیشه ورزی در حقایق بنیادین هستی، مانند چیستی انسان و جهان، مبدأ و منتهای آن، جایگاه آدمی در عالم و حقوق و تکالیف او است؛ به گونه ای که حاصل آن دستیابی به مرحله ی کامل تری از خودشناسی و خداشناسی باشد.

۱۴۵- انسان کامل، خودشناس، خداشناس، صاحب اندیشه و تعقل، دارای ایمان و تقوا و برخوردار از عمل صالح، موحد در اندیشه و عمل، آراسته به تمام نیکی‌ها و پیراسته از همه بدی‌های اخلاقی، ملتهب از عشق خداوند و دوستدار و دلسوز خلق او، پاسدار حقوق مظلومان و محرومان، بنده راستین خداوند، اهل راز و نیاز شبانه و تلاش و کوشش در روز، مسلط بر شهوات نفسانی خویش و به خدمت گیرنده ی طبیعت در جهت اهداف متعالی است.

۱۴۶- گرایش به نیایش و نیاز به پرستش یکی از ویژگی‌هایی است که آدمی را بر حیوانات برتری می‌بخشد. یکی از دستاوردهای ادیان الهی آن است که این نیاز اساسی را به نیکوترین وجه پاسخ می‌گویند و با دعوت مردم به پرستش معبود حقیقی، موجود شایسته عبادت را به آنان نشان می‌دهند و آنان را از پرستش معبودهای دروغین باز می‌دارند.

۱۴۷- قرآن مردمان را دعوت می‌کند که در همه احوال خدا را بخوانند. «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ : همانا که خدادار همه احوال ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می‌کنند»

۱۴۸- آیات فراوانی مردم را به راز و نیاز خالصانه دعوت کرده است. «هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ : اوست زنده ای که خدایی جز او نیست پس او را در حالی که دین را برای وی بی‌آلایش گردانیده اید بخوانید»

۱۴۹- پاره ای آیات نیز نیایش پنهانی را با خدا توصیه می‌کند. «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُعْتَدِينَ : پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوانید که او از حدگذرندگان را دوست نمی‌دارد»

۱۵۰- رعایت احکام فقهی نماز، اولین شرط بهره مندی از آثار معنوی و برکات روحانی آن است. اما در ورای این ظواهر، حقایق و اسرار نهفته است و همین اسرار باطنی است که نماز را در زمره ارکان آیین اسلام درآورده و آن را معراج مؤمنان ساخته است.

۱۵۱- مرتبه‌ی ظاهری وضو، شستن و مسح نمودن پاره‌ای از اعضای بدن، با آب پاک است که در پی آن پلیدی‌های ظاهری انسان مرتفع می‌شود و باطن وضو تطهیر قلب و جان نمازگزار با آب تجلیات الهی است.

۱۵۲- «اذان» در لغت عرب به معنای اعلام کردن و آگاه نمودن است و مرتبه ظاهری اذان عبارت است از اعلام فرا رسیدن وقت نماز و دعوت مسلمانان به اجتماع برای گزاردن آن. اقامه نیز به معنای برپا ساختن است و مرتبه‌ی ظاهری آن برپا ساختن نماز و دعوت به مناجات الهی است. اما مقام باطنی اذان فراخواندن تمام هستی است تا برای حضور در پیشگاه حق تعالی آماده شوند.

۱۵۳- ظاهر قیام برپا داشتن بدن به صورت مستقیم و به دور از اعوجاج و کژی در مقابل پروردگار است و باطن آن، برپاداشتن قلب خویش از مقام عبودیت و قرار گرفتن در صراط مستقیم انسانیت و پرهیز از هرگونه افراط و تفریط و انحراف.

۱۵۴- نیت در نزد عامه مردم، برپاداشتن نماز است به عزم اطاعت خداوند از سر طمع ورزی در بردن ثواب و یا به دلیل ترس از کیفر الهی؛ و در نزد اهل معرفت، عزم بر اطاعت خداوند است همراه با تعظیم و بزرگداشت مقام ربوبی و در نزد اهل جذبه و محبت، تصمیم بر اطاعت خداوند است از سر اشتیاق و عشق به معبود و در نزد اولیای الهی، عزم بر اطاعت است در حالی که نمازگزار به مقام فنا نایل شده است. یکی از آداب مهم نیت، که در تمام عبادات جریان دارد، اخلاص است.

۱۵۵- قرائت عامه مردم آن است که ظاهر الفاظ و عبارات نماز را به صورتی صحیح و شایسته بر زبان جاری سازند و کمال قرائت آنان در این است که همراه با تلفظ عبارات، به معانی عرفی و ظاهری آن نیز بیندیشند. اما قرائت خواص مردم آن است که حقایق و لطایف کلام الهی را در قلب و جان خود حاضر گردانند. مراتب ژرف تری از قرائت به اهل معرفت و اهل دل اختصاص دارد؛ برای اینان، قرائت ترجمان مشاهدات قلبی و کشفیات شهودی آنان در نماز است.

۱۵۶- باطن رکوع این است که نمازگزار به مقام ذلت و مسکنت در برابر پروردگار وارد می‌شود. رکوع مشتمل بر «تسبیح»، «تعظیم» و «تحمید» پروردگار است. حقیقت «تسبیح» تنزیه خداوند از توصیف و تعریف است و حقیقت «تعظیم» و «تحمید» خارج شدن نمازگزار از حد تشبیه و تعطیل است.

۱۵۷- سجده در نزد اهل معرفت سرّ تمام نماز و آخرین منزل تقرب به محبوب است. باطن سجود، چشم فرو بستن از غیر خدا است و هجرت کردن از تمام کثرت‌ها به سوی والاترین مراتب توحید.

۱۵۸- حقیقت تشهد بازگشت نمازگزار است از مقام فنا و توحید محض به سوی عالم کثرت.

۱۵۹- حس کنجکاوی و دانش طلبی آدمی را به جهان شناسی سوق می‌دهد.

۱۶۰- اسلام حقایق فراوانی را در باب پیدایش جهان، پدیده‌های طبیعی و فراطبیعی و روابط حاکم بر آنها عرضه داشته و آیات و روایات پرشماری، از مسائل جهان شناختی سخن گفته است.

۱۶۱- هر آنچه در قرآن درباره جهان گفته شده با هدف هدایت آدمیان به سوی کمال حقیقی و رستگاری و سعادت است. جهان شناسی دینی در خدمت انسان شناسی و خداشناسی است. اما در علوم طبیعی، شناخت پدیده ها و قوانین حاکم بر آن ها، خود هدف غایی است و اگر مقصود دیگری در کار باشد، چیزی بیش از چیرگی انسان بر طبیعت و بهره برداری از آن نیست.

۱۶۲- یکی از پایه های مهم جهان شناسی اسلامی، تفکیک میان عالم غیب و عالم شهادت است. مقصود از غیب، چیزی است که از حوزه ادراک و آگاهی خارج باشد؛ برخلاف شهادت که قابل ادراک است. معنای غیب و شهادت معنایی نسبی است؛ یعنی ممکن است شیء واحدی نسبت به شخصی خاص با قوه ی ادراکی خاصی، غیب باشد و نسبت به شخصی دیگر با قوه ی ادراکی دیگری شهادت تلقی گردد.

۱۶۳- آموزه تفکیک غیب از شهادت، اسلام را در مقابل تمام مکاتب مادی گرایی که وجود واقعیت های غیرمادی و نامحسوس را انکار می کنند، قرار می دهد. تفکیک غیب از شهادت بدین معنا است که هستی در عالم طبیعت محدود نمی گردد. ۱۶۴- قرآن کریم ایمان به غیب را نخستین ویژگی پرهیزگاران و پیش شرط هدایت یابی آدمیان می داند. قرآن در مقام تأکید بر وجود عالم نامحسوس در ورای جهان طبیعت به هر دو سوگند یاد میکنند. «فَلَا أَقْسَمُ بِمَا تُبْصِرُونَ * وَمَا لَا تُبْصِرُونَ: پس نه چنان است که می پندارید سوگند یاد می کنم به آنچه می بینید و آنچه نمی بینید.»

۱۶۵- از دیگر اصول برجسته جهان شناسی اسلامی آن است که جهان بر پایه حق آفریده شده است. حقانیت خلقت جهان یعنی جهان بر پایه قوانین و سنن الهی استوار شده و انتظام یافته است.

۱۶۶- پذیرش اصل محصور نبودن اراده الهی در چهارچوب قوانین طبیعت، زمینه پذیرفتن پاره ای اصول اعتقادی دیگر، هم چون اصل «اعجاز» را فراهم می آورد.

۱۶۷- حق مداری جهان در مساله هدفمندی عالم خلقت نیز تبلور می یابد.

۱۶۸- عبارت «اجل مسمی» در آیه هشتم سوره روم، پرده از این حقیقت بر می دارد که کائنات به سوی پایانه معلوم و معینی رهسپار است.

۱۶۹- در جهان شناسی اسلامی، نظام کنونی عالم بهترین نظام ممکن (نظام احسن) شمرده شده است. «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ: همان کسی که هر چیزی را که آفریده است، نیکو آفریده.»

۱۷۰- از نگاه مکاتب مادی گرا، اشیای مادی از هرگونه شعور و ادراکی بی بهره اند؛ اما در جهان شناسی اسلامی، همه اجزای جهان خلقت و حتی پدیده های بی جان عالم طبیعت، نوعی شعور باطنی نسبت به آفریدگار خویش دارند و بر پایه این شعور به تسبیح و تنزیه و سپاسگزاری او سر سپرده اند. از ویژگی های جهان شناسی اسلامی آن است که هیچ گاه پدیده های عالم، منعزل و جدا از آفریدگار خود دیده نمی شود؛ بلکه همواره به ارتباط جهان با مبدأ فاعلی آن نظر دارد و موجودات را در سایه ارتباطشان با خدا می شناسد.

۱۷۱- از دید اسلام، رابطه خدا و جهان، بسی عمیق تر از رابطه ساعت و ساعت ساز (یا محرک نخستین) است. خداوند نه تنها آفریننده و ایجاد کننده موجودات است، بلکه برپادارنده و تدبیرکننده آن ها نیز هست. جهان نه تنها در حدوث خود نیازمند خدا است، بلکه در بقای خویش نیز وابسته و نیازمند اوست.

۱۷۲- رابطه خدا و آفریدگان از دیدگاه امام علی (ع):

(۱) مع کل شی لا بمقارنه و غیر کل شی لایمزیله: خداوند همراه هر چیزی است، بدون آنکه همسر و قرین آن باشد و غیر از هر چیزی است، بدون آن که از آن کناره گیرد.

(۲) عال فی دنوه و دان فی علوه: خداوند در عین نزدیکی به موجودات بلند مرتبه است و در عین تعالی و بلند مرتبگی به موجودات نزدیک است.

۱۷۳- درک صحیح توحید افعالی به ما کمک می کند تا عمق رابطه ی خدا با خلق و حضور جدی اراده و مشیت او را در صحنه عالم دریابیم. توحید افعالی، یعنی: تنها فاعل مستقل (که فاعلیتش وابسته به موجود دیگری نیست) خداوند است و فاعلیت سایر موجودات جلوه ای از فاعلیت او است که بدون اذن و اراده او محقق نمی گردد.

۱۷۴- از پاره ای آیات قرآن کریم چنین بر می آید که جهان طبیعت در طی شش روز آفریده شده است. مقصود از «یوم» فاصله زمانی معینی است که مقدار دقیق آن بر ما آشکار نیست. بنابراین آنچه به قطع می توان گفت، این است که خلقت جهان طبیعت در طول شش دوره صورت گرفته است.

۱۷۵- آیات متعددی، از هفت آسمان سخن گفته اند: «اللّٰهُ الَّذِیْ خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ: خدا همان کسی است که هفت آسمان را آفریده.» واقعیت این است که ما درباره ویژگی های آسمان های هفت گانه آگاهی چندانی نداریم. این آسمان ها بر فراز یکدیگر قرار دارند و ستارگان که شبانگاهان می درخشند، در پایین ترین آسمان از آسمان های هفتگانه قرار دارند.

۱۷۶- قرآن اجرام آسمانی را فرمان بردار خداوند می داند و این حقیقت را خاطرنشان می کند که حرکات و آثار این اجرام بر پایه برنامه ای است که آفریدگار هستی برای آن رقم زده است: «والشمس و القمر و النجوم مسخرات بامرہ: و نیز خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده اند»

۱۷۷- کوه ها به مثابه لنگرگاه ها رواسی یا میخ هایی اوتاد معرفی شده اند که سبب آرامش و استقرار زمین گردیده.

۱۷۸- هدف از طرح مسائل جهان شناسی در متون دینی عبارتند از:

(۱) زمینه سازی برای خردوزی و اندیشیدن آدمی در نظام خلقت

(۲) آشنایی انسان با صفات خداوند نظیر علم و حکمت و قدرت

(۳) ارائه شواهدی بر اصل توحید، به ویژه توحید افعالی و شاخه های آن نظیر توحید در ربوبیت و تدبیر عالم

(۴) زمینه سازی برای این که آدمی بتواند از ظواهر عالم بگذرد و به حقایقی که در ورای این ظواهر نهفته است، راه یابد

(۵) ایجاد حالت شور و شوق و عشق نسبت به خداوند

(۶) برانگیختن حس سپاسگزاری آدمی از طریق بیان نعمت های الهی

۱۷۹- فرشتگان ماهیتی مغایر با انسان و دیگر مخلوقات ذی شعور (جن و حیوانات) دارند. فرشتگان قابل ادراک حسی نیستند.
۱۸۰- سرشت فرشتگان گوهری تمام عقلانی است و در وجود آنان از امیال نفسانی و خواسته های شهوانی خبری نیست.
۱۸۱- فرشتگان از جانب خداوند رسالتی الهی دارند. رسالت آنان شامل دو بخش است: رسالت تکوینی که به وساطت آنان در تدبیر امور عالم و انجام فرامین الهی مربوط می شود و رسالت تشریعی که به میانجی بودن آنان در نزول وحی به پیامبران باز می گردد.

۱۸۲- قرآن بر این مطلب گواهی می دهد که هر یک از فرشتگان از جایگاه و رتبه خاصی برخوردار است. «وَمَا مِنْ إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَعْلُومٌ : و هیچ یک از ما فرشتگان نیست مگر این که برای او مقام و مرتبه ای معین است». میان فرشتگان، جبرائیل، میکائیل، اسرافیل، عزرائیل از جایگاه ویژه ای برخوردارند.

۱۸۳- هفتاد و دومین سوره قرآن، جن نام دارد و در آن گفت و گوی جماعتی از جنیان که به اسلام گرویده بودند، گزارش شده است.

۱۸۴- سرشت جن: «وخلق الجن من مارج من نار: و جن را از تشعشعی از آتش خلق کرد.»

۱۸۵- نکته دیگری که از قرآن به دست می آید، آن است که جن پیش از انسان آفریده شده و آفرینش او بر خلقت انسان مقدم است. جنیان از شعور، اراده و اختیار برخوردارند و از این رو، مانند آدمیان ملکند.

۱۸۶- از پاره ای آیات نیز چنین بر می آید که خداوند در میان جنیان نیز پیامبرانی را برانگیخته تا آیات الهی را بر آنان عرضه کنند. دیگر نقطه اشتراک جنیان و آدمیان آن است که هدف خلقت هر دو گروه عبادت و پرستش خداوند یکتا است.

۱۸۷- شیطان از جماعت جّیان بوده است. او در آغاز برای مدت زیادی به عبادت خدا مشغول بوده و بر اثر کثرت عبادت، در زمره فرشتگان در آمد و از همین رو دستور خداوند به فرشتگان برای سجده به آدم (ع) شامل او نیز گشت.

۱۸۸- شیطان به روش های گوناگون برای گمراه ساختن انسانها توسل می جوید: یکی از روش های او ایجاد وسوسه در انسان برای انجام گناه است. از دیگر کارهای او زیبا جلوه دادن کارهای زشت در نظر آدمی است. علاوه بر این، شیطان وعده های گوناگونی به پیروان خود می دهد؛ وعده هایی که هیچ کدام محقق نمی گردد. و آدمیان را از یاد خدا غافل می کند. خلاصه شیطان بزرگترین برانگیزاننده بیرونی انسان به سوی کارهای زشت و ناپسند است. هیچ یک از روش های اغواگری و فریبکاری شیطان به گونه ای نیست که به سلب اختیار آدمی انجامد.

۱۸۹- ذهنیت افکنی همان است که گاه از آن به «اوهام و تخیلات» تعبیر می شود.

۱۹۰- مراد از علم، دانش های مبتنی بر تجربه و برآمده از قیاس های استقرایی است، و منظور از فلسفه، دانش های غیرتجربی و برآمده از قیاس های تعقلی است. ویژگی مشترک هر دو قلمرو این است که دانشمند و فیلسوف تلاش می کند

تا براساس اصول منطقی، فرضیه‌هایی را ترتیب دهد و آنها را به سر حد اثبات برساند؛ چه اثبات مطابقت آن با واقع و چه افشای عدم مطابقت.

۱۹۱- برای دستیابی به معرفتی استوار و قابل اعتماد در زمینه حیات اخروی انسان، نمی‌توان به علوم تجربی دل بست. این علوم، حتی اگر در ارائه تبیینی طبیعی از مرگ و حیات توفیق یابند، از احوال آدمیان به هنگام مرگ و پس از آن نمی‌توانند شناختی به دست دهند؛ زیرا دانش‌های تجربی با موارد تکرار پذیری که ادراک حسی و همگانی را بر می‌تابند، سر و کار دارند و بیرون از این حوزه، ناگزیر از سکوت اند.

۱۹۲- منبع وحی کاستی‌ها و ناراستی‌های علم بشری را ندارند.

۱۹۳- آشنا کردن آدمیان با مبدا و انجام، بخشی از هدایت است که جز در آموزه‌های الهی پیامبران یافت نمی‌شود. میوه‌ی این آشنایی، یافتن خود واقعی است.

۱۹۴- ایمان فرآیندی است که همه دستگاه‌های وجودی انسان همچون دستگاه معرفت و دستگاه عواطف در آن شرکت دارند: ایمان به مبدأ، ایمان به رسالت و ایمان به منتها که همان رجوع به مبدأ است.

۱۹۵- وحی و رسالت دارای خصوصیات و ویژگی‌هایی است که آن را از منبع علم و معرفت بشری متمایز می‌کند:

(۱) پیراستگی از هرگونه خطا و سهو

(۲) بهره‌مندی از سرچشمه علم نامتناهی الهی و بی‌نیاز بودن انبیا از هرگونه اکتساب مقرون به احتمال خطا

(۳) متکی بودن آموزه‌های آن بر براهین علمی و عینی

۱۹۶- تکیه بر وحی به معنای تخطئه و تعطیل کلی عقل نیست؛ بلکه فهم صحیح مضامین وحیانی، خود متوقف بر عقل است.

۱۹۷- شناخت انسان تاثیر مستقیمی در مباحث فرجام‌شناسی دارد. انسان‌شناسی یکی از مبادی مهم فرجام‌شناسی است.

۱۹۸- دانشمندان علوم طبیعی به ما می‌گویند جهان یکسره از ذرات فیزیکی بدون هدف و بدون ذهن تشکیل شده است، اما ما خود را موجوداتی هدفمند و صاحب ذهن می‌یابیم.

۱۹۹- براساس یک باور عمومی ویژگی‌های انسان در دو قالب کلی جسمی و روحی، گنجانده می‌شود. زبان، شاهد و گواه

چنین باور مشترکی است: در هر زبانی، با دو گونه مفهوم مواجهیم و در نتیجه با دو رده از گزاره‌ها روبرو می‌شویم که در موضوع (مسندالیه) انسان با هم اشتراک دارند و اختلاف آنها در ناحیه محمول (مسند) است.

۲۰۰- یک رده از گزاره‌ها، اوضاع و احوال جسمانی انسان را وصف می‌کند. محمول این گزاره‌ها هر چند فقط به اندام واره

ی انسان نسبت داده می‌شود، اما در بیشتر مواقع دیگر موجودات جسمانی نیز در آن شریک اند. در مقابل، گزاره‌های دیگری

محمول‌های آن، گاه بیشتر به انسان و گاه فقط به او مستند می‌شود، اما خبر از وضعیت جسمانی او نمی‌دهد مثل تفکر،

استدلال، استنتاج، عشق، محبت، ایمان و ... پس در مطالعه انسان ما دو مجموعه صفات را شاهدیم: اوصاف بدنی یا

جسمی، اوصاف غیربدنی یا روحی

۲۰۱- دست کم سه عامل مکانمند بودن، عمومی بودن و دسترسی غیرمستقیم، گونه‌ی اوصاف جسمانی را از رده‌ی روحی کمابیش جدا می‌سازد.

۲۰۲- تک انگاران بر این باورند که ویژگی‌های رده اول (که توصیف‌گر جسم یا بدن آدمی است) صفات اساسی و بنیادی انسانند و هر یک از ویژگی‌های رده دوم وابسته به کیفیت ویژگی‌های رده اول است.

۲۰۳- دوگانه انگاران این دو مجموعه از ویژگی‌ها را از آن چنان متمایز و دور از هم یافته‌اند که دسته اول را به بدن و دسته دیگر را به موجودی دیگر به نام روح نسبت داده و حتی برخی بر اصالت این بخش در هویت انسانی پای فشرده‌اند.

۲۰۴- فلاسفه علوم نیز در بیان وجه متمایز میان علوم طبیعی با علوم انسانی و علوم اجتماعی، بر اموری تکیه دارند که به وجهی به تک بعدی نبودن انسان باز می‌گردد و همین امور است که سبب پیش افتادن علوم طبیعی از علوم انسانی است؛ از جمله:

(۱) وجود اختیار در انسان و نبودن ضرورت علی و معلولی و قانونمندی برآثر وجوداین عامل

(۲) غایت دار بودن انسان

(۳) معنادار بودن افعال آدمی

۲۰۵- کسانی که روح را به اثبات می‌رسانند، هم بر اصالت آن در هویت انسانی تاکید دارند و هم بر مجرد آن. موجود مجرد، موجودی است که از خواص موجودات مادی همچون حجم، وزن، جهت، شکل، اندازه، مکان، و زمان پیراسته است. محققان مسلمان پس از اثبات تمایز روح از بدن دلایل متعددی را بر مجرد آن ترتیب داده‌اند؛ از جمله: از خواص موجودات مادی انقسام پذیری آنها است. تقسیم «من» به دو یا چند جزء، امری بی معنا و ناممکن است. بنابراین، روح انسان شیء مادی و تقسیم پذیر نیست.

۲۰۶- امروزه در شاخه‌ی فراروان شناسی نیز سخن از رهیافت‌هایی است که شواهد قابل توجهی بر وجود روح است. این گونه پدیده‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند:

(۱) پدیده‌هایی که مستلزم زندگی پس از مرگ نیستند، اما شاهد معتبری بر جسمانی نبودن آدمی هستند مانند

دورجنبانی روانی (PK) و ادراک فراحسی (ESP) در اشکال متنوع آن از جمله تله پاتی و پیشگویی.

(۲) پدیده‌هایی که با مسأله زندگی پس از مرگ ارتباط دارند؛ مانند پیام‌های ارواح از طریق واسطه‌ها و زندگی دوباره یافتن و تجربه خارج شدن از بدن.

۲۰۷- در دورجنبانی روانی، فرد می‌تواند بدون استفاده از وسایل مادی، اشیا را به حرکت درآورد.

۲۰۸- مجموعه‌ی نظریه‌های مربوط به حقیقت انسان، از جهت مسأله جاودانگی عبارتند از:

(۱) انسان موجودی تک ساحتی است و تمام حقیقت او منحصر در وجود جسمانی او است. طرفداران موحد این

نظریه وجود و بقای آدمی را پس از مرگ در برهه‌ای از آینده محقق می‌دانند.

۲) انسان موجودی دو ساحتی، با ویژگی های مختلف و ناهمگون است. بیشتر طرفداران جاودانگی انسان از این نظریه حمایت می کنند که خود به دو دسته عمده تقسیم می شوند:

الف) کسانی که انسان موجود در عالم طبیعت را دو ساحتی می دانند، اما چون هویت و حقیقت وی را روح تلقی می کنند، پس از مرگ بدن، تنها ساحت غیرجسمانی او را باقی و جاودان می دانند.
ب) کسانی که حقیقت انسان را مجموع روح و بدن دانسته اند و از این رو در همه عوالم وجودی، آدمی را موجودی روحی - جسمی می دانند.

۲۰۹- در آیه «ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» واژه هایی به کار رفته است که خبر از ساختار جسمانی انسان و مراحل پیدایش آن می دهد. مراحل ساخت این پیکره در قطعات زمان پخش است و در هر مرحله ساختار ابتدایی و ساده تر آن به گونه ای تدریجی به سوی ترکیبات پیچیده و پیچیده تر پیش می رود. مراحل رشد جنینی با واژگان نطفه، علقه، مضغه، استخوان و گوشت مشخص است.

۲۱۰- کلمه «سَوَّاه» در آیه «ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوْحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُّ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ» به کل دوره پیکرسازی اشاره دارد اما در پایان این مقطع، حادثه ای رخ می دهد که شباهتی با مراحل پیشین در بیان این مرحله از فعل «انشأ» استفاده شده است و طبق این آیه موجود انشا شده «روح» است که با نفخه ی ربانی در بدن مستقر می گردد. این آیه به نوعی روح را به خدا نسبت می دهد.

۲۱۱- در آیه «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» روشن می کند که منظور از انتساب روح به خدا، امری بودن روح است.

۲۱۲- در آیه «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ» خداوند گروهی از مخلوقات خود را امری و گروهی دیگر را خلقی معرفی می کند و در نتیجه دو عالم وجودی به نام عالم خلق و عالم امر در کار است.

۲۱۳- در آیه «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» روشن می سازد که موجودات امری (همچون روح) فارغ از هرگونه زمان و مکان و شرایط تدریجی اند و به فرمان الهی محقق می شوند.

۲۱۴- انسان موجودی مرگ آگاه است؛ از پیش می داند که زندگی کنونی وی ناپایدار است و بقا ندارد.

۲۱۵- تفسیرمرگ هر چه باشد وابسته به تفسیر زندگی است.

۱) گروهی انسان را همان بدن مادی معرفی می کنند و هر شخص انسانی را مساوی با بدن واحد می دانند مرگ بدن را پایان زندگی شخص انسانی قلمداد می کنند. طبق این دیدگاه، مرگ منتفی شدن وجود فرد انسانی است.
۲) نزد دوگانه انگارانی که برای بدن سهمی در حقیقت انسانی قائل نیستند و جوهره انسانی را روح او می دانند، دیگر مرگ بدن پایان زندگی هر فرد انسانی نیست.

۳) نزد کسانی که آدمی را مرکب از روح و بدن می دانند، مرگ عبارت است از قطع علاقه ی تدبیری روح از عالم طبیعت و بدنِ طبیعی، و سفر کردن او با بدنی دیگر که از خصوصیات مادی مبرا است.

۲۱۶- طرفداران دیدگاه سوم در تفسیر و تبیین مرگ می گویند: موجودات امکانی به دو قسم مادی و مجرد یا ناقص و کامل تقسیم می شوند. موجود مجرد محکوم به حرکت و تغییر نیست و همواره به بقای علت فاعلی خود باقی است. اما موجودات مادی یا مرتبط با ماده ذاتاً در حرکت و تبدل و به سوی غایت خویش رهسپارند.

۲۱۷- حرکت انسان از مادیت محض به سوی تجرد و ماورای طبیعت است و مسافت این حرکت زندگی عالم طبیعت است.

۲۱۸- مرگ، انهدام و نابودی شخص انسانی نیست؛ بلکه انتقال وی از یک عالم وجودی به عالمی دیگر یا تحول انسان از نقصان به درجه ای از کمال است.

۲۱۹- در قرآن کریم، از مرگ به «توفی نفس» یا روح تفسیر شده است. توفی در دو پدیده خواب و مرگ رخ می دهد و در هر پدیده نوعی قطع ارتباط با بدن و در نتیجه جهان طبیعت اتفاق می افتد. ستاندن روح در هر دو پدیده وجود دارد؛ منتها یکی موقتی و ناقص است و دیگری دائمی و کامل.

۲۲۰- میراندن همچون زنده کردن هر دو به دست توانای الهی صورت می گیرد. فاعل احیا و میراندن انسان نیست؛ چون مرگ و زندگی از اختیار او بیرون است. «وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كَتَابًا مُّؤَجَّلًا»

۲۲۱- پاره ای از عوامل ترس از مرگ بدین قرار است:

۱) مرگ زندگی را به هلاکت و نیستی تبدیل می کند.

۲) هرچند مرگ اجتناب ناپذیر است وقت آن معلوم نیست.

۳) مرگ امری ناشناخته است و ما تجربه ای از آن نداریم.

۴) هر انسانی باید به تنهایی با مرگ مواجه شود.

۵) با رسیدن مرگ همه امیدها و آرزوهای آدمی از دست می رود.

۲۲۲- ترس از خداست که ریشه همه ترس ها را در وجود انسانی می خشکاند. ترس از خدا، کمال و ترس از مخلوق، نقص است. راه حلی که در دین برای حالت هایی چون ترس ارائه می شود، متکی بر رکن اصلی دین یعنی توحید یا ایمان به خداست و آدمی جز با ایمان به خدا و تسلیم در برابر وی نمیتواند از ترس از مرگ رهایی یابد و وجود خویش را از وضعیت بی قراری به ساحل آرامش رساند.

۲۲۳- خطوط کلی ارایه شده در دین برای مقابله با عوامل ترس از مرگ، به اختصار چنین است:

۱) دین انسان را موجودی جاودانی و فناپذیر معرفی می کند و میل به جاودانگی را بی علت و سبب نمی داند.

دین با حرمت نهادن به زندگی یادآور می شود که دنیا محل گذر است، دلبستگی شدید به دنیا و ترس از مرگ بر جان کسی حاکم است که مرگ را پایان کار می بیند.

(۲) اگر عامل اول ترس از مرگ از میان برود، ناآگاهی از موعد مرگ چندان اهمیتی ندارد؛ بلکه معلوم نیست که دانستن زمان مرگ آرامشی را نصیب انسان کند. نامعلومی زمان مرگ سبب می شود که بتوانیم از لحظه لحظه زندگی خود بهترین بهره برداری را کنیم.

(۳) انبیا و سفرای الهی، ما را از این منزل مخفی (مرگ)، آگاه می سازند و چهره ی غیب هستی را برای ما هویدا می کنند.

(۴) مرگ مرحله ای از مراحل هستی انسان و مقوم وجودیش است. مرگ هر شخصی سان مرحله تولدش مخصوص به اوست.

(۵) عامل دیگری برای ترس از مرگ وجود دارد که همان ترس از حساب رسی است. مؤمنان، با ایمان به محاسبه اعمال، از مرگ می هراسند و کافران احتمال آن. دین بشر را به کیفیت تدارک گذشته و آینده خود هدایت می کند و او را از این بن بست رهایی می بخشد.

۲۲۴- انسان بقای نام، اثر و نسل خود را گویا بقای شخص خود می داند.

۲۲۵- تصاویر جاودانگی که مبتنی بر اثبات روح نیست، از این قرار است:

(۱) نظریه رستاخیز بدنی: کسانی که معتقدند حقیقت انسان منحصر در بدن مادی او است و هویت هر شخص را بدن خاص او تعیین می کند، و در عین حال جاودانگی او را می پذیرند، معمولاً از راه اعاده بدن معدوم یا جمع بدن متلاشی شده به اراده خداوند، جاودانگی انسان را توجیه می کنند. پس در اینجا دو رأی وجود دارد: گروهی می پندارند که بدن انسان پس از مرگ معدوم می گردد و خداوند در روز رستاخیز بار دیگر، آن را ایجاد می کند. اما در نظر جماعتی دیگر، بدن آدمی مشتمل بر اجزای اصلی و غیراصلی است و نفس انسانی همان اجزای اصلی بدن اوست که در طول عمر ثابت و لایتغیرند و پس از مرگ نیز از بین نمی روند بلکه پس از مرگ از هم جدا گردیده، بار دیگر در آخرت کنار هم قرار می گیرند. بر اساس این دو دیدگاه آدمی پس از مرگ تا فرارسیدن رستاخیز، فاقد حیات است و در روز رستاخیز حیاتی دوباره به معنای واقعی کلمه می یابد.

(۲) نظریه بدن سایه ای: کسانی که هرچند به استقلال روح از بدن باور دارند، روح را موجودی مجرد و غیرمادی نمی شمارند. در نظر اینان، روح آدمی، جسم لطیفی است که جرم و وزن ندارد؛ این جسم لطیف یا بدن سایه ای، در طول حیات دنیوی انسان، در درون بدن مادی او قرار دارد و پس از مرگ، از بدن خارج می شود و بی نیاز و مستقل از بدن به هستی خود ادامه می دهد.

۲۲۶- سایر وجوه جاودانگی، بر پذیرش ساحتی روحانی و غیرجسمانی در انسان مبتنی است، و بدین قرار:

(۱) نظریه روح نامتجسد: درتاریخ فلسفه، نخستین کسی که این نظریه را شرح و تفصیل داد، افلاطون است. از دیدگاه وی روح آدمی که متعلق به عالم قدس و مجردات است، پیش از بدن وجود داشته و پس از هبوط گرفتار عالم ظلمانی ماده شده است. بدن فقط ابزاری برای روح در زندگانی این جهان است و پس از مرگ بدن، روح به

ماورای اصلی خود باز می گردد که آزماده و بدن تهی است. این دیدگاه در بقا و جاودانگی آدمی، سهمی به جسمانیت وی نمی دهد و به تعبیر دیگر هویت هر شخص انسانی و جاودانگی او را روحانی محض تفسیر می کند. بخشی از نظریه افلاطون، یعنی وجود ارواح آدمیان قبل از تکوّن بدن مادی، نزد پاره ای از فلاسفه و عارفان مسلمان مقبول افتاده است؛ هر چند نظریه روح نامتجسد پس از مرگ بدن که تا ابد با بدن ارتباطی نداشته باشد، مورد پذیرش آنان نیست.

۲) نظریه تناسخ: براساس این نظریه که نزد بیشتر مذاهب هندی همچون هندوئیسم، بودیسم، جینیزم و دیگران مقبول افتاده است، تنها برخی انسان ها پس از مرگ بدن با روح نامتجسد به زندگی خود ادامه می دهند و بیشتر آنها در چرخه های متوالی به زندگی دنیوی در قالب و بدن جدیدی باز می گردند و این چرخه تجدد حیات و مرگ، پیوسته ادامه دارد تا انسان به پالایش روح خویش از تقیدات مادی که یگانه راه نجات از این چرخه است، توفیق یابد. قانونی که کیفیت و چگونگی تولد ثانوی و علت انتقال روح به جسد مافوق یا پیکری مادون را بیان می کند، به قانون «کرمه» موسوم است.

۳) زندگی برزخی و اخروی: سومین تصور از جاودانگی، مبتنی بر تفکیک جهان پس از مرگ به دو مقطع برزخ و قیامت است. بر اساس این تصویر که برگرفته از قرآن و روایات است، آدمی در دنیا مجموع نفس و بدن مادی است و در هنگام مرگ، همراهی تدبیری این دو موقتاً قطع می شود و نفس در عالمی به نام برزخ به سر می برد و بدن در سیر طبیعت، متلاشی و پراکنده می شود؛ سپس در قیامت بدن ها جمع شده، ارواح هر یک با ابدان خود ارتباط تدبیری پیدا می کنند و انسان یعنی مجموع نفس و بدن، وارد عالم آخرت می شود. در قیامت، نفس با همان بدن مادی خواهد بود، ولی نه با احکام و لوازم بدنی دنیوی؛ بلکه بدن دنیوی با رسیدن به کمال بدنی، با عالم آخرت که عالمی باقی و به دور از فساد و تباهی است، سازگاری می یابد.

۲۲۷- رجوع روح به سوی خداوند در قیامت به گونه ای که هیچ مصاحبتی با بدن نداشته باشد، مورد تایید قرآن کریم نیست. فیلسوفان مسلمان، که وحی را مقدم داشته و عقل را در تبیین گزاره های دینی به خدمت می گرفتند، حضور جسمانی را در حیات اخروی مسلم می دانستند.

۲۲۸- همانطور که در تحلیل حقیقت مرگ بیان شد، مرگ پشت سر نهادن مسافت عالم طبیعت است، نه صرف جدایی روح از بدن. براین اساس نمی توان فرض کرد که روح با مفارقت از بدن به بدن مبادین و متمایز دیگری حلول کند و در عالم طبیعت باقی بماند.

۲۲۹- پاره های از آیات الهی و روایات معصومین (علیهم السلام) به مصور شدن بعضی انسان ها به صورت های مختلف حیوانی ناظر است. لیکن چنین بیاناتی، تایید نظریه تناسخ نیست؛ زیرا مسأله حشر در عالم دیگر با نظریه تناسخ که بازگشت مجدد روح به عالم طبیعت است، فرق دارد. اولاً بدن های مفروض در نظریه تناسخ ارتباطی با یکدیگر ندارند، اما بدن مجسّد از

اعمال، بدن برآمده از خود نفس و کردار و اعتقادات اختیاری او است. دوم آنکه، بدن های متوالی در نظریه تناسخ، بدن های عالم طبیعت است؛ ولی بدن حاصل از تجسم اعمال در قلمرو طبیعت نیست.

۲۳۰- برزخ در لغت به معنای مانع و حدّ میان دو چیز است. در مباحث معادشناسی، فاصله میان پایان زندگی دنیوی (مرگ) تا آغاز زندگی اخروی را برزخ می گویند. آیات بسیاری اصل وجود فاصله برزخ را تقریر می کند.

(۱) حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمٍ يُبْعَثُونَ

(۲) قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَخْيَتْنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ: میگویند پروردگارا دو بار ما را به مرگ رسانیدی و دو بار ما را زنده گردانیدی به گناهانمان اعتراف کردیم پس آیا راه بیرونشدنی [از آتش] هست.

آیات فوق دو مطلب را آشکار می کند:

الف) از مرگ تا ظهور زندگی اخروی، فاصله ای به نام برزخ وجود دارد.

ب) آدمی در این فاصله ی برزخی، زنده و آگاه است نه معدوم و خاموش.

۲۳۱- ماجرای دو بار میراندن و دو بار زنده کردن که به خداوند نسبت می دهد، بدین شرح است: با پایان یافتن زندگی دنیوی، خداوند انسان را می میراند و سپس به زندگی برزخی وارد می کند، با پایان یافتن زندگی برزخی بار دیگر او را می میراند به او زندگی اخروی می بخشد. بنابراین در برزخ سخن از نوعی زندگی است اگر این زندگی در کار نباشد دو بار میراندن (که در آیه بالا به آن اشاره شده است) تحقق پیدا نمی کند.

۲۳۲- اساساً بدن مادی مدفون، فاقد روح است و نمی توان زندگی برزخی و پاداش و کیفر آن را به چنین بدنی نسبت داد از سوی دیگر، اگر آدمی فقط روحی باشد که به تعبیر فلاسفه تنها بر ادراک امور کلی و نامحسوس قادر است، چگونه می تواند مطابق آیات و روایات، عذاب ها و نعمت های جسمانی برزخی را درک کند. از این رو است که برخی از فلاسفه مسلمان آدمی را در برزخ، مصاحب بدن مثالی می دانند که با عالم برزخ مناسبت دارد. دیدن صورت های بدنی در خواب، تصور بدن برزخی را آسان می کند.

۲۳۳- نحوه پیدایش بدن مثالی: براساس دیدگاهی، بدن مثالی به صورت مستقل آفریده می شود و روح انسان پس از قطع رابطه با بدن مادی به آن می پیوندد. اما به عقیده گروهی، بدن مثالی، حقیقتی مجزا از روح انسان نیست؛ بلکه مرتبه ای از مراتب وجودی آن است که پس از مرگ ظهور می یابد.

۲۳۴- گروهی از آیات قرآن کریم برحضور بدن انسان در روز رستاخیز گواهی می دهند. این آیات خود در چند دسته جای می گیرند:

الف) آیاتی که بیانگر آنند که آدمی پس از مرگ به خاک (زمین) باز می گردد و سپس بار دیگر در رستاخیز از آن خارج می شود.

ب) پاره دیگری از آیات به صراحت اعلام می دارند که در روز رستاخیز، همه انسان ها از درون گورها بر می خیزند.

ج) در برخی آیات نیز از اعضای بدن انسان در آخرت سخن گفته شده است. این آیات نیز دلالت روشنی بر معاد جسمانی دارند.

۲۳۵- گروه دیگری از آیات قرآن کریم آشکارا از نعمت ها و عذاب های جسمانی در آخرت سخن میگویند.

۲۳۶- از دیدگاه اسلام جاودانگی انسان جسمانی-روحانی است و حقیقت وجودی او، اعم از ساحت جسمانی و روحانی، به صورت کامل در آخرت حاضر می شود.

۲۳۷- درمورد بدن اخروی، برخی اندیشمندان اسلامی بر این اعتقادند که در روز رستاخیز همان بدن دنیوی انسان دوباره سامان می گیرد و با روح پیوند می یابد. در نظر این گروه، پاره ای از آیات (مانند آیاتی که بیانگر خروج انسان ها از گورند) به روشنی بر این رأی دلالت دارند. علاوه بر این، عدل الهی اقتضا دارد که نعمت یا عذاب جسمانی اخروی بر همان بدنی وارد شود که در دنیا به کارهای نیک یا بد اشتغال ورزیده است. گروه دیگری از علمای اسلامی معتقدند که هرچند بدن اخروی شخص نیز مادی و از خاک است، اما ضرورتی ندارد از همان ماده بدن دنیوی او فراهم آید؛ بلکه صرفاً از جهت شکلی، همانند بدن دنیوی است. این گروه نیز در تأیید رأی خود، به پاره ای از آیات قرآنی تمسک می جویند که در آن سخن از ایجاد «مثل» و «مانند» انسان ها در آخرت است. برخی حکیمان اسلامی به راه دیگری رفته اند که آموزه های دین را در این مسأله جامع تر تبیین می کند. در نظر اینان بدن اخروی مرتبه ی تکامل یافته ی همان بدن طبیعی است که هرچند به لحاظ کمال وجودی خود با بدن طبیعی تفاوت هایی دارد، بین آن دو، رابطه و این همانی برقرار است. براین اساس، بدن اخروی هر انسانی همان بدن دنیوی او است؛ با این تفاوت که محدودیت ها و نقایص مرتبه طبیعی را پشت سر گذاشته، بدنی کامل شده است. از این رو است که بدن اخروی از هر گونه بیماری و آفتی مبرا است و هیچ گاه پیر و فرتوت نمی گردد.

۲۳۸- قرآن مجید در دو مرحله اساسی، به تحکیم مبانی عقلی معاد پرداخته است: در مرحله نخست، امکان وقوع معاد را ثابت می کند و بیان می دارد که حضور دوباره روح و جسم آدمیان در سرای آخرت امری محال و ناشدنی نیست. در مرحله دوم، ادله ای بر وقوع معاد ارائه می کند و نه تنها اصل حیات اخروی انسان ها، که ضرورت آن را نیز می نمایاند.

۲۳۹- به طور کلی، در اسلام، دعوت پیامبر به هر امری با تحدی ذکر شده است. پیام «تحدی» کنار گذاردن ظن و گمان و روی آوردن به مدرک و دلیل خردپسندانه است.

۲۴۰- قرآن به روش های گوناگون امکان معاد را خاطرنشان کرده است

۱) انکار معاد فاقد دلیل است.

۲) آفرینش نخستین انسان: تدبّر در آفرینش اولیه انسان، راه را برای پذیرش معاد هموارتر می سازد؛ زیرا خداوندی که در آغاز آدمی را آفریده است، در احیای دوباره او ناتوان نخواهد بود. (أَفَعَيِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ

فی لبسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ : مگر از آفرینش نخستین [خود] به تنگ آمدیم؟ [نه] بلکه آنها از خلق جدید در شبهه اند.

(۳) قدرت بی کران الهی

(۴) نمونه های معاد در طبیعت: از دیدگاه قرآن، رویش گیاهان زیبا و پرتراوت از دل خاک مرده نمونه ای عینی و ملموس از برانگیختگی انسان ها در قیامت است که امکان آن را بیشتر روشن می کند.

(۵) نمونه های تاریخی معاد: پاره ای از آیات قرآن به حوادثی تاریخی اشاره شده است که یا نمونه ای عینی از رستاخیز انسان ها در آخرتند و یا، دست کم، وضعیت کاملاً مشابهی را به نمایش می گذارند. یکی از این حوادث، ماجرای شخصی است که در حال گذر از کنار ویرانه های قریه ای این پرسش از ذهن او می گذرد که چگونه خدا اجساد مردگان را زنده خواهد کرد. این شخص به قدرت الهی می میرد و پس از گذشت صد سال، دوباره زنده می شود.

۲۴۱- پاره ای از آیات قرآنی از وقوع ضروری معاد حکایت دارند و مضمون آنها به گونه ای است که می توان از آن، نوعی استدلال عقلی بر ضرورت معاد به دست آورد. در این گروه از آیات، عمدتاً بر یکی از اوصاف الهی تأکید می گردد و وقوع معاد از لوازم گریزناپذیر آنها شمرده می شود. از جمله صفات الهی که برای اثبات ضرورت معاد به آنها تکیه شده است، عبارتند از:

(۱) حکمت الهی: خداوند حکیم است؛ یعنی کار بیهوده و عبث از او سر نمی زند؛ بلکه تمام افعال او دارای غایت و اهداف خردمندانه است. بنابراین، آفرینش انسان (که از برترین آفریده ها است) کاری لغو و بیهوده نمی تواند باشد؛ بلکه هدف، رسیدن آدمی به کمالاتی است که شایستگی جایگاه و منزلت ویژه او است. از سوی دیگر، چنین می نماید که جهان طبیعت و حیات دنیوی انسان، نمی تواند به تنهایی تأمین کننده کمالات او باشد؛ زیرا این جهان موقتی و زودگذر است و حیات آدمیان در آن آکنده از محرومیت ها و محدودیت ها است؛ حال آنکه انسان موجودی است که هم به زندگانی جاوید، گرایش فطری دارد و هم به دلیل داشتن روح غیرجسمانی، قابلیت حیات ابدی را داراست. بنابراین، به اقتضای حکمت الهی، هدف آفرینش انسان باید محقق شود و او به کمالات شایسته خویش دست یابد. بنابراین، لازم است حیات انسان پس از مرگ ادامه یابد تا خلقت او بیهوده و عبث نگردد.

(۲) عدل الهی: یکی از جلوه های عدل الهی آن است که مؤمنان و نیکوکاران را پاداشی شایسته بخشد و کافران و بدکاران را کیفری در خور دهد. از سوی دیگر، ملاحظه می کنیم که جهان طبیعت، به دلیل محدودیت های گوناگونش، گنجایش پاداش و کیفر اعمال همه انسان ها را ندارد. بنابراین، از آنجا که پاداش و کیفر کامل همه ی انسان ها در دنیا ممکن نیست، عدالت خداوندی اقتضا دارد که در جهان دیگری دادگاه عدل الهی برپاگردد و آدمیان دوباره با اعمال نیک و بد خویش بی هیچ کم و کاستی، روبرو شوند، و این جهان، جایی جز عالم آخرت نیست.

۲۴۲- ویژگی های عالم آخرت همگی از حوزه ی تجربه ی حسی بشر بیرون است و عقل جز برخی اوصاف کلی آخرت را، مانند «جاودانگی» و «حسابرسی عادلانه به اعمال آدمیان» در نمی یابد.

۲۴۳- به گواهی قرآن، پیش از وقوع رستاخیز، حوادث عظیمی، به طور ناگهانی و غیرقابل پیش بینی، در جهان پیرامون ما رخ می دهد که از علائم قیامت به شمار می آید.

۲۴۴- کلمه «صور» ده بار در قرآن کریم به کار رفته است و همه ی موارد آن ناظر به پایان دنیا یا ظهور قیامت است. دوبار در صور دمیده می شود. صعق و بی هوش افتادن (به تعبیری مرگ) همگانی و برچیده شدن وضع کنونی عالم طبیعت از پیامدهای نفخ صور اول و برخاستن همگانی آدمیان و پیوستن گذشتگان و آیندگان به یکدیگر برای محاسبه از حوادث مربوط به نفخ صور دوم است. نفخ صور اول را فرشته ای به نام اسرافیل انجام می دهد و نفخ صور دوم از سوی خداوند است.

۲۴۵- پس از نفخ صور دوم که دمیدن زندگی در بدن های در خاک است، ارواح و اجساد اخروی متحد شده انسان ها از گور سر برمی آورند.

۲۴۶- برخی اسامی روز قیامت در قرآن کریم: یوم القیامه (روز برخاستن)؛ یوم الجمع (روزجمع شدن)؛ یوم البعث (روز برانگیخته شدن)؛ یوم الخروج (روز خارج شدن از قبور)؛ یوم الحسره (روز اندوه و حسرت)؛ یوم الفصل (روز جدایی حق از باطل)؛ یوم الازفه (روز بسیار نزدیک)؛ یوم الاخره (روز پایان)؛ یوم الخلود (روز جاودانگی)؛ یوم الحساب (روز محاسبه) ۲۴۷- در دادگاه عدالت الهی، شاهدانی هستند که بر اعمال آدمیان گواهی می دهند. خصوصیات شاهدان روز قیامت:

الف) شاهدان اعمال در روز قیامت، باید اعمال را در ظرف تحقق آن (دنیا) ملاحظه کرده باشند.

ب) اگر اعمال ظاهری دارد و باطنی، شاهد کامل شاهی است که از پوسته ی ظاهر بگذرد و به درون عمل نفوذ کند.

ج) شاهدان اعمال باید از هرگونه خطا در مقام تحمل اعمال و سپس گواهی به آن مصون باشند. بنابراین شهادت کامل از اولیای معصوم خداوند اعم از انبیا و امامان (علیهم السلام) ممکن است و شهادت موجودات دیگر همچون اعضا و جوارح هر شخص انسانی، سرانجام باید به گواهی آنان منتهی شود.

۲۴۸- «جزا» در لغت به معنای مقابله است. به پاداش و کیفر نیز جزا می گویند؛ زیرا در مقابل عمل قرار می گیرند. معنای دیگر آن دین است.

۲۴۹- پاداش و کیفر اخروی ماهیتی کاملاً متفاوت با پاداش و کیفرهای رایج در دنیا دارد. پاداش و کیفر دنیوی، امری قراردادی است، اما جزای اعمال در آخرت امری حقیقی است. آنچه در آخرت به عنوان پاداش مؤمنان و نیکوکاران یا کیفر کافران و بدکاران داده می شود، همان حقیقت اعمال ظاهری و پنهان آنان است که به تنعم یا عذاب می انجامد.

۲۵۰- آیات فراوانی به صراحت از رابطه عینیت بین عمل و جزای آن خبر می دهند.

۱) وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ: و هر گونه نیکی که برای خویش از پیش فرستید آن را نزد خدا باز خواهید یافت.

(۲) هَلْ تَجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ : آیا جز آنچه میکردید سزا داده می شوید؟

(۳) إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّهُمْ يَأْكُلُونَ فِي بُطُولٍ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا : در حقیقت کسانی که اموال یتیمان را به ستم میخورند جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو مبرند و به زودی در آتشی فروزان درآیند.

۲۵۱- جهنم نام آتش اخروی است که جایگاه عذاب است. این آتش اخروی به نام های دیگر هم خوانده شده، از جمله این نام ها حطمه (خردکننده) است. این آتش برخلاف آتش دنیوی که تنها به ظاهر آدمی (بدن) دست می یابد، به باطن او نفوذ کرده، روح انسان را می سوزاند.

۲۵۲- عذاب جهنم، مهین (خوار کننده)، عظیم، أَلیم (درآور)، مقیم (ثابت)، خلد (دائمی)، شدید، محیط (احاطه کننده)، اکبر، نکر (ناشناخته)، عزام (ثابت و لازم) و... است.

۲۵۳- جهنم درعین آنکه مظهر غضب الهی است؛ زیر پوشش رحمت عام خداوند است. ترس از جهنم به نوعی ترس از غضب الهی است و از این رو در دین از چنین ترسی منع نشده است؛ هر چند مرتبه عالی تربیت دین، به ترس از خدا می انجامد، نه مخلوق.

۲۵۴- قرآن کریم از محل زندگی اخروی مؤمنان و درستکاران به جنّت یاد کرده است. جنّت در لغت بوستانی را گویند که درختان آن زمین را بپوشاند. کسانی که به مقام عبودیت بار یافته اند و خدا را نه به طمع بهشت و نه از خوف جهنم می پرستند، به بهشتی پای می گذارند که نه در وصف گنجد و نه به دام وهم افتد.

۲۵۵- بهشت برخلاف دنیا، سیمای یکنواخت ندارد و تغییر آن محتاج به زمان و استعداد و فساد و تباهی نیست. این خواست و اراده‌ی انسان بهشتی است که چهره آن را رقم می زند. بهشت سرای تحقق آرمان های انسان الهی است.

۱- از دیدگاه برخی، نیاز انسان به امداد وحی چنان است که حتی در امور پزشکی و خواص ادویه نیز محتاج پیامبران است. این دیدگاه را کسانی چون علامه طباطبایی برنتافته اند و گفته اند وجه اصلی نیاز آدمی به وحی، سامان دادن به زندگی اجتماعی نیست، زیرا بی استعانت از آموزه های وحیانی و با بهره گیری از تجربه های تلخ و شیرین زندگی شخصی و جمعی، می تواند حداقل نیاز های زندگی اجتماعی را فراهم کند.

۲- موضوع نیاز آدمی به دین، فقط در پرتو توجه به حیات اخروی او معنای واقعی خود را می یابد. به گفته علامه طباطبایی «بحث از نبوت و نیاز به دین، بدون توجه به معاد، جایگاه مناسب خود را نخواهد یافت.»

۳- احساس فرا رفتن از زندگی دنیا که بدان احساس استعلا نیز می گویند، در هر انسانی وجود دارد و همین امر زمینه اقبال او به دعوت پیامبران بوده است.

۴- مرحوم فیض کاشانی می نویسد: غرض اصلی از فرستادن پیامبران و قرار دادن شرایع، بهره مند ساختن حیات دنیوی ازآمادهای غیبی، سوق دادن انسان به سوی خداوند، شهوات را به خدمت عقل درآوردن و سمت و سوی اخروی دادن بهحیات دنیوی است، تا انسان از شقاوت رهیده، همای سعادت را در آغوش گیرد.

- ۵- بحث و بررسی عقلی پدیده نبوت، شرط ایمان به پیامبران نیست، بلکه محافظ و تعالی بخش آن است.
- ۶- متکلمان، کسانی بودند که علاوه بر توضیح اعتقادهای دینی به دفاع از آنها در مقابل شک و تردیدهای دیگران میپرداختند. این شک و تردیدها گاهی در خارج از عالم اسلام ریشه داشت مثل اصل وجود خداوند و یا توحید. گاهی شکو تردیدهایی بودند که برخی از مسلمانان در باب باورهای مسلمانان دیگر روا می داشتند که همین منشأ پیدایش گروههای مختلف کلامی شد.
- ۷- متکلمان از جهت روشی که در دفاع از باورهای دینی خود به کار می گرفتند، دچار اختلاف شدند و برخی از آنها همچون معتزله، روش عقلی در پیش گرفتند و برخی همچون اشاعره کمتر به نظرپردازی عقلی روی آوردند. کلام شیعی از جهتش، همانندی زیادی با کلام معتزله دارد، ولی از جهت باورهای مورد دفاع، اختلاف های بنیادی با هم دارند.
- ۸- آدمیان با عقل خود حُسن برخی از امور و نیز قبح برخی دیگر را در می یابند و در شناخت آنها، نیازی به وحی ندارند. این توانایی عقل در شناخت کلیات اعمال نیکو و زشت، در اصطلاح متکلمان «حسن و قبح عقلی» نامیده می شود.
- ۹- در روایات اسلامی از عقل به «رسول باطن» تعبیر شده است.
- ۱۰- برخی از محدودیت های عقل عبارتند از:
- ۱) عقل گرچه بر شناخت اصول کلی اعمال حَسَن و قبیح قادر است، در شناسایی موارد جزئیاتوان است و عقل استدلالی در شناخت حکم امور جزئی، معمولاً به خطا رفته است مثلاً خردآدمی هم حُسن سپاسگزاری از خداوند را و هم وجوب آن را در می یابد، اما نمی داند با چه اعمالی از عهده شکر او بر می آید.
 - ۲) شناسایی حُسن اعمال و احساس تکلیف عقلی در پایبندی به اعمال خوب، به تنهایی موجب عمل نمی شود و همین طور شناخت اعمال زشت و احساس تکلیف عقلی، به ترک آنها نمی انجامد زیرا تحقق عمل اختیاری علاوه بر ادراک حُسن و تکلیف، وابسته به تصمیم و اراده آدمیاست.
- ۱۱- عقل شیطانی به حيله اندیشی برای اشباع بیش تر غرایز و امیال حیوانی می پردازد.
- ۱۲- قاعده لطف: راه متکلمان در اساس مبتنی بر درک این نکته است که خداوند آدمی را بر پایه دعوت عقلی به خیرفراخوانده است، اما این فراخوانی بدون ارسال رسولان عقیم است و به کمال نمی رسد، هم چنان که بدون نزول وحی، روشنایی عقل فروغِ چندانی ندارد. او که به لطف خود، خرد را در جان آدمی نهاد، باز بر اساس لطف خود شرع و وحی را به عقل ارزانی می دارد تا چراغ خرد با روغن شرع شعله ورتر شود.
- ۱۳- حکمت و فلسفه اسلامی، اگر چه ریشه در حکمت قرآنی و سنت اسلامی و به ویژه سخنان حضرت علی علیه السلام دارد، بی تردید نظم و نسق گیری آن به مثابه یک علم، محصول آشنایی دانشوران مسلمان با اندیشه های یونانی است، که از رهگذر ترجمه آثار آنها در قرن دوم و سوم هجری صورت گرفت.
- ۱۴- در بستر تمدن اسلامی حکیمان بزرگی ظهور کردند که از برجسته ترین آنها فارابی، ابن سینا و شیخ اشراق و در دوره اخیر صدرالدین شیرازی معروف به ملاصدرا است.

۱۵- برهان هدایت عامه میراث حکیمان مسلمان از بررسی لزوم ارسال انبیا است.

۱۶- برهان هدایت عامه:

۱) نظم یک موجود، اشاره به هماهنگی اعضای آن و عدم تضاد و تعارض بخش های مختلف سازندهاش دارد؛ اما هدایت آن به معنای این است که خداوند همان موجود هماهنگ و منظم را به مقصودی روان کرده است.

۲) هدایت هر چیزی مناسب با تجهیزات و استعدادهای وجود او است.

نتیجه: انسان، از آن جهت که حیوان است، مانند دیگر حیوانات از اهدای غریزی برای رشد و کمال حیوانی برخوردار است اما روح الهی که حیات معقول و انسانی در گرو آن است، امتیاز مهمی برای انسان به ارمغان آورده است و آن عنصر اختیار است. چنین موجودی البته هدایتی درخور خود می طلبد که با اختیار او تناسب داشته باشد و خداوند پیامبران را برای هدایتانسان ها فرستاده است.

۱۷- در هر موجودی، نوعی کشش و برنامه وجود دارد که زندگی آن را از مسیر سنگلاخ های عالم ماده و طبیعت به مقصد معلوم هدایت می کند. حکیمان از این امر به اصل «هدایت عامه» یاد کرده اند.

۱۸- اساس اعتبار اصل هدایت عمومی، مبتنی بر برهانی است که از وجود غرض و هدف در خلقت هر موجودی خبر می دهد و نه بر استقرا و مشاهده ناقص.

۱۹- مفهوم آیه زیر بر این نکته گواه است که شناخت بایسته و شایسته خداوند، مستلزم اقرار و اذعان به هدایت و راهنمایی عمومی او، و به ویژه دخالت وی در زندگی بشر است. و آن گاه که گفتند: «خدا چیزی بر بشر نازل نکرده»، بزرگی خدا را چنان که باید نشناختند.

۲۰- مسلمانان علاوه بر قرآن کریم مجموعه ای به نام سنت در اختیار دارند. سنت به طور عمده روایات به جای مانده از پیامبر گرامی و ائمه معصومین است.

۲۱- امام صادق علیه السلام در جواب کسی که اثبات ثبوت را از وی خواسته بود، فرمود: ما چون ثابت کردیم خدای حکیمی خالق ما است که بسی والا و متعالی تر از آن است که دست هر کسی به او برسد و بتواند با او گفت و گو کند، می دانیم که باید فرستادگانی در میان مردم داشته باشند که از جانب او سخنی بگویند و خواست خداوند را بیان کنند و آدمیان را به مصالح و مفاسدشان که شناسایی و پایبندی به آنها مایه بقای او است، رهنمون شوند. پس باید آمران و ناهیان باشند، که البته همان انبیا هستند.

۲۲- امام علی علیه السلام در خطبه آغازین نهج البلاغه می فرمایند: خداوند، پیامبران خود را پی در پی به سوی مردم گسیل داشت تا عهد و پیمانی را که آدمی در ازل بسته و خداوند را به ربوبیت پذیرفته بود، متذکر شوند و بازخواهی کنند و نعمت های از یاد رفته ی او را به یاد آدمی آورند و با تبلیغ حقایق توحیدی بر آنها احتجاج کنند و آنچه را که در عمق ذهن و خرد آنها نهان است، برانگیزند و آیه های دقیق و سنجیده ای را در خدانشناسی - از سقفی که بر فراز سرشان برافراشته، فرشی که زیر

پایشان گسترده، اسباب زیستی که فروافکندن به مغاک فناشان را به کمین نشسته است، عوارض گوناگونی که پیری و فرسودگی شان را سبب می شود و پیشامدهای روزگار که پی در پی بر سرشان فرو می ریزد - برایشان به نمایش گذارند.

۲۳- هر دو استدلال کلامی و فلسفی متوقف بر محدودیت عقل و خرد در یافتن راه و رسم حیات معقول و انسانی است که آدمی را از حیات حیوانی فراتر می برد. اما محدودیت عقل به معنای نفی ارج و اعتبار آن نیست. تنها در قیاس با نیازهای گسترده آدمی است که سخن از محدودیت عقل می رود.

۲۴- عقل و شرع از یکدیگر ناگزیزند که عقل اساس است و شرع بنای بر آن است و بنیاد بنا بدون اساس ممکن نیست و اساس بدون بنا سودمند نیست.

۲۵- منظور از ضرورت تحقق عملی از سوی خداوند، این است که عقل و خرد آدمی پیوستگی این کار را با اراده الهی در مییابد و خداوند را چنان می بیند که این کار را انجام می دهد. مثلاً وقتی می گوئیم بر خدا ضروری است که پیامبری بفرستد، چیزی جز این نیست که خداوند چنان حکیم و عنایتمند به آدمی است که امکان ندارد پیامبری نفرستد.

۲۶- مهم ترین فایده دین هدایت انسان به سعادت پایدار اخروی است. نقش دین در این جهت، انحصاری و بدیل ناپذیر است زیرا چنین هدایتی، دانشی فراتر از آنچه انسان از طریق معمولی می تواند کسب کند.

۲۷- انسان شاید بدون دین بتواند زندگی اجتماعی داشته باشد، ولی زندگی مدنی او به حتم مرهون تعالیم دینی است. نقشدین در شکوفایی تمدن های بشری انکارناپذیر است. اخلاق، علم، معنویت و سیاست عدل محور، مؤلفه های اساسی تمدن به شمار می روند.

۲۸- اندیشیدن درباره نسبت دین و اخلاق، سابقه بسیاری دارد و از زمانی که افلاطون بنای این بحث را در رساله «اوتیفرن» نهاد تاکنون ذهن فیلسوفان و متکلمان بسیاری را به خود مشغول کرده است.

۲۹- نظریه ی ابتدای اخلاق بر دین که به نظریه «امر الهی» معروف است، اخلاق را میوه ای می دانند که بر شاخه هایدرخت دین می روید. در نگره اینان، بنیاد حُسن و قبح اخلاقی بر امر و نهی شرعی است. ویلیام اکامی و اشعری ها از این نظریه دفاع می کنند.

۳۰- از سخن امام حسین علیه السلام در کربلا که می فرمایند: «ای مردم، اگر دین ندارید، لااقل آزاده باشید» و از سخن امام علی علیه السلام که می فرمایند: «حتی اگر اعتقادی به بهشت و جهنم نداشته باشیم، باز سزاوار آن است که به فضایل اخلاقی آراسته شویم، زیرا این فضایل خود مایه توفیق است» در می یابیم که خوبی افعال نه تنها در گرو امر خداوند نیست، بلکه این امر الهی است که به چیزی تعلق می گیرد که خوب باشد.

۳۱- برخی از کارکردهای مهم دین در عرصه اخلاق عبارتند از: دین و معرفت اخلاقی - دین و تربیت اخلاقی.

۳۲- فیلسوفان و متکلمان معتقدند که بدون پرتوافکنی وحی، عقل نمی تواند حسن و قبح همه ی اموری را که لازم دارد، دریابد و ساختار معرفت اخلاقی بشر، فقط با داده های وحیانی سامان می گیرد.

- ۳۳- در متون کلامی، گاه گفته می شود که کارکرد وحی در حوزه اخلاق، تفصیل ادراکات اجمالی عقلی است، به اضافه یابین که دین علاوه بر تقویت معرفت اخلاقی نخبگان و اندیشه ورزان به گسترش آن در میان مردم نیز کمک می کند.
- ۳۴- دین در اصل تحقق اوصاف اخلاقی نقشی ندارد، ولی در علم ما به آنها نقش مهمی دارد، به طوری که بدون ارشاد و حیسیاری از احکام اخلاقی (به ویژه امور مربوط به رابطه اخلاقی انسان با خداوند) برای انسان ناشناخته می ماند.
- ۳۵- معرفت اخلاقی در صورتی ارزشمند است که تربیت اخلاقی را هم در پی داشته باشد. اصولاً علوم عملی که اخلاق هم از جمله آنها است، اگر منشأ و اساس تحول عملی و روحی فردی شد، قدر می یابد.
- ۳۶- یکی از عناصر مؤثر در تربیت اخلاقی، «موعظه» است، تا آنجا که می توان گفت: حلقه ی وصل نظریپردازی اخلاقی و عمل اخلاقی، همان موعظه است.
- ۳۷- سهم دیگر دین در عرصه تربیت اخلاقی، تحویل اسوه های برجسته اخلاقی به جامعه بشری است.
- ۳۸- جامعه شناسان معمولاً در بررسی سرچشمه های احساس سرخوردگی و پوچ گرایی به سه موضوع اشاره می کنند:
- (۱) هرگاه انسان از لحاظ نتواند پدیده های مهم زندگی خود را تبیین کند، دستخوش سردرگمی و تحیر می شود.
 - (۲) یکی دیگر از علل احساس بی معنایی و پوچی، رنج کشیدن های نامفهوم است. درد و رنجی که حکمت آن بر انسان رنجور پوشیده باشد، احساس پوچی را در او برمی انگیزد.
 - (۳) مشاهده کامیابی های رذیلت پیشگان و ناکامی های عالمان فضیلت پیشه، از عوامل احساس پوچی در انسان ها است.
- ۳۹- باورهای دینی افق های نوینی را فراروی انسان می گشایند و آدمی را در تبیین پدیده هایی مانند مرگ، یاری می دهند. از طرف دیگر، دین با به حساب آوردن حیات اخروی انسان، رنج های آدمی را در زندگی دنیوی معنا می بخشد و از این طریق انسان را در تحمل آن یاری می دهد. و بالاخره دین با ارائه تعاریف جدیدی از کامیابی و ناکامی، نشان می دهد که اگر انسان با نگاه عمیق تری و با در نظر داشتن حیات اخروی، در حال اهل رذیلت و فضیلت بنگرد، در می یابد که خوشی های اهل فسق و فجور دوامی ندارد و خوشی پایدار فقط نصیب صاحبان فضیلت خواهد بود.
- ۴۰- اندیشیدن، یکی از دو جزء ذاتی آدمی است و به اصطلاح قدما فصل منطقی انسان به شمار می رود. تعقل، سرچشمه علم و دانایی است و شاید همان امانتی است که به گفته قران کریم، موجودات دیگر از پذیرفتن آن سرباز زدند. ما امانت را بر آسمان و زمین و کوه ها عرضه کردیم. پس، از برداشتن آن سرباز زدند و از آن هراسناک شدند و انسان آن را برداشت. راستی او ستمگری نادان بود.
- ۴۱- حکیم بزرگ اسلام، ابن سینا در رساله ی «معراجیه» روایتی را از پیامبر گرامی اسلام صلوات الله علیه نقل می کند که گویای ارج والای تفکر در نگرش دینی است:
- ای علی! در مسابقه تقرب به خداوند، اگر بر مرکب علم و دانایی و اندیشه سوار شوی از هر کس دیگری، حتی آنان که بانماز و روزه به سوی خدا می شتابند، پیشی می گیری و به قرب خداوند نایل می شوی.

۴۲- علم معنای محدودتری نیز دارد که در عصر رنسانس در غرب پدید آمد، که فقط به معارفی که از رهگذر تجربه به دست می آیند گفته می شود. مشاهده و آزمون دو عنصر اساسی علم در معنای جدید خود است.

۴۳- چرا در تمدن اسلامی حتی در اوج علوم تجربی موضوع تعارض دین و علم پیش نیامد، اما در تمدن جدید غرب بلافاصله بعد از رشد و گسترش علوم تجربی، مسأله تعارض آن با دین، موضوع محافل و مجالس علمی شد؟

پاسخ: وجود برخی مطالب در عهدین (تورات و انجیل) که با دعاوی علوم تجربی ناسازگار بود و نیز برخورد نادرست اصحاب کلیسا با عالمان نامداری چون گالیله، در فراهم کردن زمینه تعارض میان عالمان و دین باوران تأثیری ژرف داشت.

۴۴- کسانی بدون دقت در آموزه های دینی و یافتن ربط و نسبت آنها با نتایج تحقیقات علمی، پنداشته اند که میان آن دو تعارضی لاینحل است و لاجرم باید یکی را رها کرد. برخی از اینان به اتکای کمال دین و این که هر معرفتی را باید از کتاب مقدس گرفت، به چشم تردید و تحقیر در پژوهش های علمی نگریسته و آن را با دینداری ناسازگار یافته اند. ازسوی دیگر، برخی از مدعیان تعارض، علم را گریزناپذیر دانسته و دست از دینداری کشیده اند (این تلقی از علم که در دامن رنسانس پرورید، به علم گرایی معروف است).

۴۵- دلایل نبود تعارض میان دین و علم:

۱) برخی از مهم ترین مبانی و پیش فرض های علوم تجربی، خود از سنخ معارف تجربی نیستند و به لحاظ معرفتی مقدم بر داده های تجربی اند.

۲) فناوری که فراورده علم جدید است، برخلاف انتظار به جای آنکه صلح و آرامش و اطمینان خاطر را به نوع بشر هدیه دهد، خود مایه ی جنگ های بسیار شد.

۴۶- علم با علم گرایی متفاوت است: علم گرایی همان نگریستن عالم از دریچه تنگ علم و ستیز با دیگر معارف همگون است. ۴۷- امام علی علیه السلام در مورد ارتباط دین و علم می فرماید «حیات علم در گرو ایمان است» و اگر دین و ایمان از جامعه ای رخت بربندد، درخت دانش، برگ و باری جز تلخی و ناهنجاری ندارد.

۴۸- در مورد نسبت داده های علمی با آموزه های دینی سه نظریه را گمان زده اند:

۱) علم و دین دو نهاد متعارض: طبق این نظر حداقل بین برخی از آموزه های دین با داده های علم تجربی تعارض است. پیش فرض اصلی این دیدگاه آن است که هم متون وحیانی درباره طبیعت سخن گفته اند و هم علم مدعی حقیقت نمایی در این عرصه است، لیکن گفته های آن دو در برخی موارد متعارض است.

۲) علم و دین دو نهاد متمایز و بیگانه: سخن کسانی که کنار نهادن دین یا علم را از ساحت زندگیشان برنمی تابند، این است که دین و علم دو مقوله جدا از هم و متغایرنده و وظیفه و کارکرد متمایزی دارند و از این روی هرگونه تعارضی میان آن دو، از اساس منتفی است.

۳) علم و دین دو نهاد مکمل: کسانی مدعی شده اند که علم و دین ممکن است موضوع واحدی داشته باشند، اما غرض و غایت آن دو متفاوت است.

۴۹- کسانی که اعتقاد به تعارض دین و علم را دارند مواردی از تعارض این دو را آورده اند. به عنوان مثال آیات کتاب مقدس از زمین - مرکزی عالم دفاع می کند درحالی که علم، خورشید - مرکزی را پذیرفته است. یا مثلاً آموزه های دینی از خلقت ثابت انواع سخن می گوید درحالی که علم زیست شناسی، تحول انواع را پذیرفته است.

۵۰- نقد دیدگاه تعارض علم و دین:

(۱) گروهی موارد ادعایی تعارض را مورد بحث قرار داده و ثابت کرده اند که آیات عهدینیا قرآن کریم، اگرچه دلالت ظاهری بر خلقت مستقل انسان از خاک دارد، با توجه به قراین مختلف می تواند با نظریه تکامل نیز سازگار باشد.

(۲) برخی از ناقدان با بهره گیری از دیدگاههای رایج در فلسفه علم، مبنی بر این که نظریات علمی برگردان واقعیت های خارجی نیست، بلکه بر ساخته های ذهنی انسان استوار است که به دلیل سودمندی در تحلیل و تبیین حوادث عالم مقبول افتاده است، به نقد دیدگاه تعارض ادعایی پرداخته اند. این نظریه، که در فلسفه علم امروز رواج دارد، «ابزار انگاری» نامیده می شود.

۵۱- کارل بارت - که یکی از تأثیرگذارترین متکلمان مسیحی است و بیشترین نقش را در بسط و توسعه سخت کیشی نویندار- معتقد بود که الاهیات و علم با موضوع های از بُن متفاوتی سروکار دارند. موضوع الهیات تجلی خداوند در مسیحاست و موضوع علم، جهان طبیعت. وی اعتقاد به تمایز حوزه علم و دین دارد.

۵۲- پیش فرض اصلی سخت کیشی نوین این است که: متون مقدس، هیچ چیز معتبر و موثقی راجع به مسائل علمی به ما نمی گوید.

۵۳- فیلسوفان اگزیستانسیالیست (اصالت وجود)، معمولاً معرفت علمی را غیر شخصی و عینی می دانند، اما معرفت دینی را عمیقاً شخصی و ذهنی. موضوع علم، اشیای مادی و نقش و کارکرد آنها است، اما موضوع دین واقعیت های شخصی و اخلاقی.

۵۴- فیلسوفان تحلیل زبانی، دین و علم را دو بازی زبانی متفاوت می دانند که هر یک برای هدف خاصی برنامه ریزی شده است. غایت علمی نوعاً پیش بینی و کنترل است، اما زبان دین برای مقاصدی نظیر نیایش و کسب آرامش به کار می رود.

۵۵- اشکال اساسی جدا انگاری مطلق میان دین و علم، نادیده گرفتن بخشی از زبان دین است، که بیان حقایق طبیعی است.

۵۶- معتقدان به مکمل بودن علم و دین، تمایز موضوعی میان علم و دین را نپذیرفته، می گویند: بسا که دین نیز درباره حوادث طبیعی سخن گفته است. اما داشتن موضوع واحد، موجب تعارض میان آن دو نیست، زیرا تبیین دینی از یک حادثه طبیعی، سمت و سویی متفاوت با تبیین علمی آن حادثه دارد. این تبیین ها مکمل همدیگرند. گفته اند: اگر دین درباره عالم طبیعت، سخنی گفته باشد، غرض از آن کشف معانی حوادث طبیعی است، درحالی که علم با علل حوادث طبیعی سر و کار دارد.

۵۷- پیش فرض نظریه مکمل بودن دین و علم، با نظریه متمایز بودن علم و دین مشترک است، زیرا هر دو بر این باورند که دین سخنی درباره علل حوادث طبیعی نگفته است.

۵۸- نقد نظریه مکمل بودن علم و دین: سخن گفتن از معانی حوادث منافاتی با سخن از علل آنها ندارد بنابراین نباید از این نکته غفلت شود که برخی از گزاره های متون دینی نقش جملات و اظهارات علمی را نیز دارند. در چنین تفسیری از دین، امکان آن هست که بین گفته دین و دستاورد علم تعارض افتد و مشکل از نو زنده شود. در پاسخ باید گفت: علی الاصول چنین امکانی وجود دارد، اما راه های رهایی از این چالش هم وجود دارد: یکی این که متون دینی تا حدی مجال تفسیر و تأویل دارند، دیگر این که نظریات علمی هم تا حدودی آمیخته با ظن و فرض اند.

۵۹- قرآن کریم، سخن گفتن خداوند با پیامبران را وحی نامیده است. وحی به معنای القای محرمانه چیزی است.

۶۰- موارد استعمال کلمه «وحی» در قرآن مختلف است و گاهی درباره انسان هایی هم که پیامبر نیستند، این تعبیر به کار رفته است، گاهی به حیوانات نسبت داده شده است و گاهی حتی به جمادات هم وحی الهی فرود آمده است:

(۱) و به مادر موسی وحی کردیم ...

(۲) و پروردگار تو به زنبور عسل وحی کرد ...

(۳) آن روز که (زمین) خبرهای خود را باز گوید (همانگونه) که پروردگارت بدان وحی کرده است.

معنای مشترک وحی در تمام این استعمال ها، هدایت و راهنمایی پنهان از دیده دیگران، است. البته در هر مورد، وحی الهی مناسب با گیرنده هدایت، شکل خاصی به خود می گیرد.

۶۱- برای ایمان به وحی که شرط لازم تدین است، لزومی به شناسایی دقیق آن نیست و تنها توجه به امکان آن و ادعای انبیا در باب وقوعش کافی است.

۶۲- وحی از جانب خداوند است و گاهی پیامبر نیز انتظار آن را ندارد. این ویژگی، وحی را هم از نبوغ و هم از کشف و شهود، برتر می نشاند. نبوغ، قدرت شدید ذهنی است که برخی افراد را بدون نیاز به طی مراحل علمی لازم و معمول، به درک حقایق توفیق می دهد. اما سنخ حقیقت هایی که از این رهگذر حاصل می آیند، از نوع همان حقایقی است که عقل قادر به ادراک آنها است، برخلاف حقایق وحیانی که بر اثر گشوده شدن چشم انداز جدید آشکار می شود (تفاوت وحی و نبوغ). کشف و شهود که معمولاً بر اثر ریاضت نفس برای برخی ممکن می گردد، برخلاف وحی، از انسان شروع می شود. انسان اگر توجه خود را از بیرون، معطوف به درون کند و مدتی نفس سرکش را ریاضت دهد، حقایقی را در عمق جان خود مییابد که دیگران از آن بی بهره اند. وی این حقایق را از کسی دریافت نمی کند، اما در وحی، پیامبر فقط گیرنده پیام است و مخاطبی است که کسی برای او سخن می گوید (تفاوت وحی و کشف و شهود).

۶۳- شاید دلیل این که در قرآن کریم بیش از ۳۰۰ بار خطاب به پیامبر اسلام از واژه «قل» به معنی «بازگو» استفاده شده است، این نکته باشد که نقش پیامبر در ابلاغ وحی فقط تکرار بی کم و کاست پیام الهی است و از این که کوچکترین تغییری در آن بدهد، سخت بیم داده شده است.

۶۴- پیامبران از میان کسانی انتخاب می شدند که شهرتی به دانشوری و علم نداشته و گاه خواندن و نوشتن نیز نمیدانستند، تا این شبهه بر ذهن آدمیان هجوم نیاورد که گفته های آنان، حاصل دریافت شهودی است که با بیانی عصری و برگرفته از فرهنگ زمانه آمیخته است.

۶۵- آیه زیر اشاره بر اهمیت حفظ متن وحی از هرگونه تغییر و دگرگونی دارد:

(پیام) فرود آمده ای است از جانب پروردگار جهانیان، و اگر (پیامبر) پاره ای گفته ها بر ما بسته بود، دست راستش را سخت می گرفتیم، سپس رگ قلبش را پاره می کردیم و هیچ یک از شما مانع از (عذاب) او نمی شد.

۶۶- پیامبران مدعی دریافت پیام الهی از طریق وحی اند. تصدیق و ایمان به این ادعا یا بر اساس گواهی فطرت و اطمینان برآمده از عمق جان آدمی است و یا از رهگذر استدلال و استنباط. پس طلب دلیل بر صدق ادعای پیامبران، امری معقول و پسندیده است.

۶۷- معجزه از ضروریات ادیان است و ایمان به وقوع آن به معنای ایمان به قدرت غیبی انبیا و شرط رستگاری است.

۶۸- آیات زیر اشاره به اعجاز شکافته شدن ماه (شق القمر) توسط پیامبر اکرم صلوات الله علیه دارد.

نزدیک شد قیامت و از هم شکافت ماه و هرگاه نشانه ای ببینند، روی برگردانند و گویند: «سجری دائم است»

۶۹- پذیرش وقوع معجزه بدون علت، خلاف اصل بدیهی عقل است و با فرهنگ خود قرآن که بر نظام سبب و مسببی عالم صحه می گذارد، منافات دارد. پذیرش وقوع معجزه بدون علت، پذیرش تصادف است که پیامدهای ویرانگری دارد، از جمله این که اگر بنا است معجزه بدون علت باشد، چرا کل عالم ممکنات بدون علت و بر حسب تصادف موجود نشده باشد، کهدیگر نیاز به خدا هم نباشد.

۷۰- پاسخ مکاتب مختلف به علل وقوع معجزه:

۱- به اعتقاد اشاعره، علت تحقق معجزه اراده خداوند است و اراده او بر هر چیزی تواناست.

۲- به باور شیعیان بر جهان طبیعت، نظام ضروری اسباب و مسببات حاکم است. بر این اساس معجزه نیازمند توضیح و تبیین است، زیرا به ظاهر چنین می نماید که نظام ضرورت طبیعت رانقص کرده است.

۳- برخی از دانشمندان مسلمان ضمن پذیرش نقش عناصر طبیعی در نظام خلقت و ارتباط ضروری علی و معلولی، جایی برای توجیه معجزه هم باز می گذارند و آن از رهگذر دخالت نیروی غیرطبیعی در سیر طبیعی امور است.

۷۱- در توضیح و تبیین چگونگی معجزه، با فرض قبول نظام ضروری عالم دو نظر وجود دارد:

۱) معجزه گرچه در ظاهر نقض قوانین طبیعی می نماید، در واقع چنین نیست و آن چه وجود دارد، علم انبیا به روندهای جایگزین و بدیلی است که ما بر آنها واقف نیستیم. (این تفسیر که جایی برای دخالت قدرت غیبی نمی گشاید، پذیرفتنی نیست).

۲) پیامبر با استمداد از غیب، قدرتی شگرف پیدا می کند که به وسیله آن در مسیر طبیعی امور عالم دخل و تصرف می کند. اما دخل و تصرف در روند طبیعی امور خود در چارچوب قواعد خاصی صورت می گیرد و به معنای باطل کردن اسباب طبیعی نیست.

۷۲- مرتاض ها گاه کارهای خارق العاده ای انجام می دهند، اما تفاوت آنها با انبیا در قدرتی است که موجب این اعمال است. قدرت پیامبران به اذن خداوند است، درحالیکه مرتاضان با تقویت قوای روحی خود و اثرگذاری طبعیچنین اعمالی را انجام می دهند.

۷۳- در کتاب های کلامی برای تمییز معجزه از کرامت به مقارن بودن معجزه با ادعای نبوت و دریافت وحی و خالی بودن کرامت از این ادعا اشاره می کنند (تفاوت معجزه و کرامت). کرامت بر خلاف ریاضت، از غیب مدد می گیرد، بی آنکه بر اثبات رسالت باشد (تفاوت کرامت و ریاضت).

۷۴- معجزه علاوه بر آن که امکان وحی را ثابت می کند، بر اساس قاعده معروف «حکم الامثال فی ما یجوز و لایجوز واحد» (اشیای همانند، دارای حکمی همانند هستند) نشان می دهد چنان که می توان قدرتی را از غیب گرفت و عصایی را اژدها کرد، می توان سخن خداوند را از غیب گرفت و هم خود به آن علم پیدا کرد و هم دیگران را به آن آشنا کرد.

۷۵- نقش معجزه بیشتر برای اثبات وقوع وحی است، نه امکان آن، و دلالت معجزه بر صدق ادعای انبیا در دریافت وحی است.

۷۶- اولین انسانی که پای به عرصه وجود نهاد و زندگی را در زمین آغاز کرد، پیامبری از پیامبران خداوند بوده است. آیات زیر به پیامبر بودن حضرت آدم اشاره دارد:

(۱) به یقین، خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان، برتری داده است.

(۲) و (خداوند) همه اسماء را به آدم آموخت.

(۳) سپس آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت کرد.

۷۷- استناد به ادله ای که در باب ضرورت وجود وحی و رسالت در زندگی انسان گفته شد، نیز می تواند این ادعا را، که اولین انسان پیامبر بوده است، ثابت کند زیرا او نیز برای رستگاری خویش نیاز به امداد الهی داشته است.

۷۸- انواع پیامبران عبارت بوده اند از:

(۱) برخی از فرستادگان را خداوند برمی انگیزد تا قوم و قبیله ای را از انحراف عقیدتی یا اخلاقی و اجتماعی ویژه ای که بدان دچار شده بودند، برهاند. رسالت این گروه از پیامبران به زمان و مکان خاصی محدود می شد و پیام جهان شمولی نداشتند.

(۲) برخی از فرستادگان الهی وظیفه تبلیغ و استقرار شریعت پیامبران بزرگ مانند نوح و موسی را بر عهده داشتند. آنان می بایست چراغ هدایتی را که پیامبران صاحب شریعت روشن کرده بودند، فروزان نگه دارند و آن پیام را در دیگر محدوده های جغرافیایی و زمانی بگسترانند.

۳) گروهی کسانی بودند که در اصل فقط برای یک قوم یا ملت خاصی پیام الهی را می آوردند و خود نیز دعوی جهان شمولی نداشتند. قرآن کریم درباره حضرت یونس می فرماید:

و او را به سوی یک صد هزار (نفر از ساکنان نینوا) یا بیشتر روانه کردیم. پس ایمان آوردند و تا چندی برخوردارشان کردیم.

۴) پیامبرانی نیز بودند که رسالتی عظیم تر داشتند و همگان مخاطب پیام الهی آنان بودند.

۷۹- پیامبر عظیم الشان اسلام علاوه بر این که صاحب شریعت است، ویژگی دیگری نیز دارد: او خاتم پیامبران است و دینا و آخرین برنامه سعادت.

۸۰- اعتقاد به این که ماجرای پیامبری و نبوت با آمدن حضرت محمد صلوات الله علیه پایان می گیرد و سلسله ای که از آدمشروع شده بود با محمد صلوات الله علیه به فرجام می رسد، از ضروریات دین اسلام است.

۸۱- در غزه تبوک پیامبر به حضرت علی علیه السلام می فرماید: تو برای من مانند هارون برای موسی هستی، با این تفاوت که بعد از من پیامبر دیگری نخواهد آمد. (این حدیث اشاره به خاتمه نبوت دارد).

۸۲- آیه زیر اشاره به خاتمه نبوت با حضرت محمد صلوات الله علیه دارد:

محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است و خدا همواره بر هر چیزی دانا است.

۸۳- قرآن کریم برای همه مردم نازل شده است.

۸۴- خاتم به معنای مهری است که نامه یا پیام را با آن پایان می دهند.

۸۵- برای تحلیل نظری دلیل خاتمیت اسلام، باید وضع فکری و معنوی اقوام گذشته را با وضع بشر در دوره های بعد از رسالت پیامبر اسلام سنجید. بشریت مانند زندگی آدمی مراحل مختلفی دارد. دوره کودکی بشر سپری شده و مقارن ظهور اسلام، او وارد دوره پختگی و بلوغ خود شده بود و این تفاوت دو دوره، خود را به صورت های مختلف نمایان می سازد.

بشر در دوران اولیه حیات خود به کودکی می ماند که محتاج مراقبت مستمر بود. انبیا پی در پی می آمدند تا پیوسته ویرا متوجه رستگاری خود سازند. اما بشر امروز که مخاطب اسلام است، به حدی از درک و بلوغ رسیده است که با سرمایه های زمینی و آسمانی خود، می تواند وظایف خویش را تشخیص دهد و مسیر رستگاری تا پایان را ببیماید.

۸۶- مفهوم اجتهاد، که استنباط احکام تعالیم اسلام است، اهمیت زیادی دارد، زیرا از رهگذر آن است که اسلام بخش عمدهای از نیازهای جدید و بی سابقه ی بشری را پاسخ می دهد. باید توجه داشت که مجتهد، حکم جدیدی نمی آورد که با خاتمیت اسلام منافات داشته باشد، بلکه او فقط وقتی با موضوع جدیدی مواجه می شود که حکم آن در متون دینی نیامده است، حکم آن را با استفاده از تعالیم اسلامی بر اساس روش منظم و مدون (اصول فقه) استنباط می کند و به دیگران اعلام می دارد.

۸۷- یکی از دلایل تجدید نبوت ها، تحریف هایی بود که بشر در کتاب آسمانی می کرد و آن را از کتاب هدایت به کتابی معمولی تنزل می داد و گاه حتی آن را مایه گمراهی دیگران می ساخت.

۸۸- فهم و دریافت معارف با استعداد و آمادگی ارتباط تنگاتنگی دارد.

۸۹- قرآن متعهد به بیان حقایق لازم برای رستگاری انسان است و از این جهت، چیزی را فروگذار نکرده است. از این رو پیشرفت در علوم طبیعی، ریاضی و حتی فلسفه، آموزه های اسلام را دستخوش تغییر و تحول نمی کند و رشد علمی و تکنولوژی موجب تجدید نبوت نمی شود. آنچه ممکن است تغییر آن مایه نقص دین تلقی شود، تغییر در مناسبات حقوقی است، زیرا زندگی جدید مسائل جدیدی مطرح کرده است، اما راه حل اسلامی برای حل این گونه مسائل اجتهاد است. ۹۰- کتاب های که در مورد موقعیت نزول آیات قرآن کریم نگاشته شده اند، «اسباب النزول» نام دارند.

۹۱- در تلقی مسلمانان کلمه به کلمه قرآن سخن خداوند است، درحالیکه در تلقی بسیاری از مسیحیان، کتاب مقدس تعبیری از تجربه دینی عیسی است که لزوماً از فرهنگ و زبان قوم خود اثر گرفته است، نه آنکه کلمات آن عین سخن خداوند باشد. ۹۲- ریشه تمام علوم اسلامی (از کلام و فلسفه تا فقه و حقوق و اخلاق) همگی در آیات قرآن است.

۹۳- طبق آیه زیر خداوند وعده داده است که قرآن را از هرگونه تحریفی حفظ کند:

بی تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده ایم، و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود.

۹۴- برای روشن تر شدن معجزه قرآن، سه نکته را باید در کانون توجه خود قرار داد:

(۱) خارق العاده بودن

(۲) استناد پیامبر به آن برای صدق ادعای خود

(۳) ناتوانی آدمیان از معارضة با آن

۹۵- خارق العاده بودن قرآن را از جهات متعددی می توان نشان داد، که برخی بدین قرارند:

(۱) اعجاز طریقی

(۲) اعجاز معنایی

(۳) اعجاز لفظی

۹۶- اعجاز طریقی قرآن کریم: آورنده قرآن بی هیچ تردیدی یک فرد عامی بوده و نام او در میان دانشوران و ادیبان آن روزگار نبوده است. نه فقط پیامبر، بلکه در محیط آن روز مکه، علم و دانش رواجی نداشت و زبان هنر تنها در وصف امیالپست آدمی درخشش داشت. اگر قرآن محصول خرد و اندیشه ی خود او بود، باید لااقل از سال ها قبل کلماتی مانند قرآن از زبان او شنیده می شد. نه فقط آوردن قرآن از جانب پیامبر خارق العاده بود، بلکه اصولاً برآمدن قرآن در محیط آن روز حجاز، بیرون از عادت و انتظار بود.

۹۷- اعجاز لفظی قرآن کریم: قرآن در اوج فصاحت و بلاغت است، یعنی به اعتراف سخن شناسان بزرگ، معانی مقصود را در عباراتی زیبا و رسا بیان می کند. قرآن اسلوب بیانی خاصی دارد که نه شعر است و نه نثر معمولی. بخشی از فصاحت

وبلاغت آن در زیبایی تعبیرها و به کارگیری مثل ها است. زیبایی قرآن در فصاحت و بلاغت الفاظش محصور نیست، بلکه آهنگ دلنشین اصوات آن نیز جلوه ای از اعجاز آن است.

۹۸- زیبایی شعر در گرو خیال پردازی آن است که معمولاً هر چه از واقعیت دورتر باشد، به ذائقه آدمی شیرین تر می آید. اما قرآن از هرگونه خیال پردازی و تشبیه های مبالغه آمیز رایج در شعر خالی است، با این همه زیبایی آن مسحور کننده است.

۹۹- اعجاز معنایی قرآن کریم: قرآن، کتاب هدایت و مشعل فروزان راه رستگاری است و هرچه را که آدمی برای حصول بهسعادت دنیا و آخرت خود لازم دارد، به او می آموزد.

۱۰۰- در نگاه قرآن سعادت انسان از گذرگاه واقعیت ها عبور می کند، به همین جهت است که شناخت خداوند به عنوان اصلی ترین واقعیت هستی، و ایمان به فرشتگان به عنوان واقعیت مهم در عرصه فعل و تدبیر الهی و شناخت ده ها واقعیت اصیل دیگر، همگی ارکان سعادت آدمی است.

۱۰۱- خدای قرآن برخلاف خدای فیلسوفان، به عالم انسانی نظر دارد و آن را مشمول عنایت خود قرار می دهد و از این رو است که انسان می تواند به سوی او دست نیاز بالا برد و بر او توکل نماید.

۱۰۲- سه دین بزرگ توحیدی عبارتند از یهودیت، مسیحیت و اسلام.

۱۰۳- درباره این که پیامبران صاحب شریعت چه کسانی بوده اند، اختلاف است. معمولاً آیین زرتشت هم جزو شرایع آسمانی به شمار می آید. برخی از دین شناسان غربی آیین های بودا، کنفوسیوس و شینتو را هم جزء ادیان آسمانی به شمار آورده اند، اما دیدگاه رایج و تقریباً اجماعی در میان علمای اسلامی، خلاف آن است.

۱۰۴- کسانی معتقدند که تكثر ادیان نشانگر وجود راه های مختلف به خداوند است و در واقع به جای یک صراط مستقیم، صراط های مستقیم وجود دارد. این نگرش، در اصطلاح رایج امروزی «پلورالیسم» (کثرت گرایی) نامیده می شود.

۱۰۵- در میان متکلمان مسیحی، شاید «جان هیک» بیش از دیگران در دفاع از کثرت گرایی سخن گفته است.

۱۰۶- «کیت پندل» تذکر می دهد که کثرت ادیان غیر از کثرت گرایی است. اولی واقعیت خارجی است، اما دیگری نظریه الهیاتی یا فلسفی است که می خواهد آن تكثر واقعی ادیان را توضیح دهد و نباید کسانی به بهانه واقعیت تكثر ادیان، از واقعی و حقیقی بودن کثرت گرایی سخن بگویند.

۱۰۷- طبق نظریه «حصرگرایی»، همواره فقط یک دین وجود دارد که می تواند عهده دار هدایت انسان باشد. بنابراین، یک راه مستقیم وجود دارد. حصرگرایی نگرش غالب در میان پیروان هر دینی است.

۱۰۸- اصحاب کلیسا به استناد این سخن عیسی که «من راه و راستی و حیات هستم. هیچ کس نزد پدر جز به وسیله من نمی آید.»، همواره از انحصار دین نجات بخش و معتبر در مسیحیت دفاع می کردند.

۱۰۹- در میان مسلمانان نیز اعتقاد جازم وجود دارد که راه هدایت همواره واحد است، به طوری که مسلمانان هر روز بارها از خداوند می خواهند که آنان را به آن راه مستقیم - نه راه های مستقیم - هدایت کند. «اهدنا الصراط المستقیم»

۱۱۰- فلیپ کوبین سه عامل را زمینه های ظهور کثرت گرایی دانسته است:

- (۱) بسیاری از مسیحیان از جنگ های مذهبی خسته شده و نوعی تساهل و تسامح پیشه خود کرده بودند.
- (۲) گسترش مطالعات ادیان در جامعه مسیحی قرن بیستم و یافتن وجوه اشتراک بسیاری میان اسلام و مسیحیت
- (۳) همزیستی پیروان ادیان مختلف در کشورهای غربی.

۱۱۱- برخی از نویسندگان مسلمان از نوعی کثرت گرایی، به نام کثرت گرایی دینی غیر فروکاهشی جانبداری می کنند، که مفاد آن همان حصرگرایی است.

۱۱۲- مدعای قانونی کثرت گرایی آن است که همه ادیان آسمانی راه رستگاری اند. دلیل اصلی این ادعا به نظر جان هیک آن است که روح رستگاری عبارت است از این که آدمی از خودمحوری رهایی یابد و زندگی خود را بر مدار واقعیت سر و سامان دهد. روشن است که مراد از واقعیت محوری، تنظیم حیات بر اساس خواست خداوند است. به عقیده هیک چنین کاری از همه ادیان اصیل بر می آید.

۱۱۳- واقعیت آشکاری که کثرت گرایان را با مشکل مواجه می کند، وجود اختلاف های عقیدتی در ادیان موجود است.

۱۱۴- نقد بر نظریه کثرت گرایی: برخی از ناقدان غربی به درستی اشاره کرده اند که باید انسان نسبت به متعلق پرستش و سرسپاری خود، برداشت صحیحی داشته باشد تا بتواند از دام خودپرستی بَرهد. تا تصور روشن و درستی از معبود نباشد، ممکن است آدمی همچنان در دام خودپرستی باشد، هر چند بر او نام خداپرستی نهاده باشد. این سخن قرآن است که به پیروان خود هشدار می دهد: «آیا دیدی آن که خدایش را هوای نفس خود گرفته بود.»

۱۱۵- پاسخ پلورالیست ها به اشکال ناسازگاری اعتقادات ادیان: جان هیک می گوید: آنچه این تعارض ها و ناسازگاری را از میان بر می دارد آن است که این اعتقادات را آیین و واقعیات ندانیم. خدای واقعی نه خدای مسیحیان است و نه خدای مسلمانان، چرا که اصلاً او در اندیشه محدود آدمی نمی گنجد. آنچه اسلام و مسیحیت و یا هر دین دیگری را در یکدیف می نشاند، آن است که پیروان هر دینی، سودای شناخت خداوند را دارند. وی برای توضیح نظر خود تمثیلی میآورد: ما انسان ها در مواجهه با خداوند و عالم الوهی مانند نابینایان در مواجهه با یک فیل هستیم.

۱۱۶- نقد بر پاسخ هیک بر اشکال ناسازگاری اعتقادات ادیان:

- (۱) برداشت عموم مؤمنان آن است که اعتقادات دینی بازنمون حقیقت است.
- (۲) اگرچه ذات ربوبی در دسترس فهم ما نیست، انسان می تواند شناخت درست و مطابق با واقع از خالق خود بدست آورد، به ویژه آن که آن معرفت را در آینه وحی باز جوید. تمثیل هیک خطاست. در واقع انسان در برخورد با غیب همچون انسان بینا، اما در تاریکی، با فلی است که هرگز ندیده است. اگر شمعی در دستان بیننده قرار گیرد، او تصویر روشنی از فیل خواهد داشت. اشکال هیک در آن است که انسان را محکوم به خطا درباره خداوند می داند، اما چون آن خطا عام است، پس حقیقت همان است. این اشکال ناشی از آن است که وی می کوشد

تجربه دینی انسان معمولی را مبنای اعتقادات او قرار دهد و نقش معرفت بخشی وحی را نادیده بگیرد. در حقیقت وحی همان شمع است که برای شناخت غیب در دست انسان است.

۳) این سخن که اعتقادات نقش مقدّمی دارند نباید به معنای آن تلقی شود که آنها جزء سعادت آدمی نیستند، زیرا رکن اصلی سعادت آدمی توحید است و انسان، حتی اگر بر فرض می توانست بدون اعتقاد توحیدی متحول شود، این تحول سعادت بخش نبود.

۱۱۷- پرسش: چگونه می توان گفت برخی از آموزه های عقیدتی ادیان آسمانی - مانند مسیحیت - بر خلاف حق است؟ پاسخ: عیسی علیه السلام پیامبر بزرگ الهی است و تعالیم او همگی بر حق است، اما باید به یک نکته اساسی توجه داشت و آن این که آموزه های هیچ دینی نمی تواند در تعارض با دین دیگر باشد، چرا که سرچشمه همه ی آنها یکی است. افزون بر آن آموزه های دینی نباید با دریافت های صریح عقلی بستیزد. هر جا چنین اتفاقی افتاد، باید دید که آیا آن آموزه ها واقعا تعالیم آن دین است یا ناشی از سوء فهم و برخاسته از تحریف آموزه ها است.

۱۱۸- بر اساس دیدگاه حصرگرایی در هر دوره ای فقط یک راه برای رستگاری وجود دارد.

۱۱۹- اصولاً رسالت یک فرایند تکاملی بوده است و خداوند به اقتضای رشد آگاهی و نیز ارتقای سطح مسئولیت پذیری آدمیان، هدایت درخور و مناسب را در اختیار آنان قرار می داده است.

در همین مورد حضرت عیسی علیه السلام می فرمایند: گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیا را باطل سازم. نیامده ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام نمایم.

همچنین در قرآن کریم آمده است: امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و راه اسلام را برای شما آیینی برگزیدم.

۱۲۰- با ظهور پیامبر اسلام قرآن کریم انسان ها را دعوت می کند تا مسیر رستگاری را از رهگذر اسلام بپیمایند.

و هر که جز اسلام، دینی دیگر جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیانکاران است.

نکته: در این آیه «اسلام» به دین خاص اشاره دارد و نه به تسلیم شدن و عبودیت.

۱۲۱- یکی از مدافعان کثرت گرایی می گوید: هر پیامبر و پیشوای مذهبی، فقط به دین خود دعوت می کند، یعنی هیچ پیامبری نمی تواند پلورالیست باشد. او اصلاً تمام ماهیت رسالتش این است که دیگران را به سوی خود بخواند و از فرقه ها و مکاتب دیگر منصرف کند.

۱۲۲- حصرگرایی نگرانی هایی را نیز بر می انگیزد. از جمله این که به نظر می آید معنای پذیرفتن انحصار حق در یک دین، تعصب و دست کشیدن از وادار با پیروان دیگر ادیان و مکاتب اندیشگی است. این پندار هراس آور، بسیاری از اهل اندیشه را به مخالفت با حصرگرایی کشانده است. حال آنکه اذعان به این که راه حقیقی سعادت دین اسلام است، به معنای آن نیست که باید انسان های دیگر را وادار به تسلیم شدن در برابر این حقیقت کنیم. «در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه به خوبی آشکار شده است.»

۱۲۳- دعوت به حق باید بر اساس حکمت و بصیرت باشد، نه به زور و قدرت. پیامبران و امامان که به شیوه ی حصرگرایانه دعوت خود را پی می گرفتند، با دلی به وسعت دریا مخالفان و پیروان ادیان دیگر را بر می تافتند و کرامت انسانی آنان را هرگز پایمال نمی کرد.

۱۲۴- قرآن کریم به ما تذکر می دهد که اساس مدارا با پیروان ادیان دیگر نباید کسب رضایت ایشان باشد، زیرا این مسأله ما را به درآمدن در کیش و مسلک آنان و در نهایت خروج از صراط مستقیم وا می دارد. بلکه اساس محبت به دیگران و مدارا با آنان، باید برای کسب رضای خداوند باشد، که در این صورت نه فقط مدارا گر از جرگه اسلام خارج نمی شود، که آن دیگری را هم به اسلام می گرایاند.

۱۲۵- شهید مطهری می گوید: ائمه تکیه شان بر این مطلب بود که هر چه بر سر انسان می آید از آن رو است که حق بر او عرضه بشود و او در مقابل حق، تعصب و عناد بورزد، و یا لاقول در شرایطی باشد که می بایست تحقیق و جستجو کند، اما افرادی که ذاتاً و به واسطه قصور فهم و ادراک و یا به علل دیگر در شرایطی به سر می برند که مصداق منکر و یا مقصردر تحقیق و جست و جو به شمار نمی روند، آنها در ردیف منکران و مخالفان نیستند، آنها از مستضعفین و «مُرجون لامرالله» به شمار میروند.

۱۲۶- بر مبنای جهان بینی توحیدی، از آنجا که خداوند مالک تمام هستی است (اللَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ) سر رشته و اختیار هستی نیز به دست اوست (فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ) و شخص مؤمن که برای خداوند چنین منزلتی قائل است، همواره او را ولی و اختیاردار خود می داند، کسی که این حقیقت را که غیر از او هیچ ولی و صاحب اختیاری وجود ندارد، درک کرده باشد (مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ) خود را در سایه سار ولایت او قرار می دهد و خداوند نیز ولایت خاص خویش را از او دریغ نمی کند (اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ)، (وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ)، (اللَّهُ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا)، (وَاللَّهُ وَلَى الْمُتَّقِينَ).

۱۲۷- کسی که ولایت خداوند را در عمل نپذیرفته و از مسیر حق خارج شده است، بی پناه خواهد ماند (وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَالِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ). او که به ربوبیت خدا گردن نمی نهد، مولایی نخواهد داشت (أَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ) و جز پذیرفتن ولایت شیطان راهی پیش پای او نیست.

۱۲۸- مؤمن و جامعه ایمانی که خدا را ولی خود قرار داده است، نباید ولایت کفار را که از ایمان به خدا روگردانده اند، پذیرا باشد (أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ)، «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَكُمْ أَوْلِيَاءَ». کسی که چنین گروهی را به ولایت برمی گزیند بر خود و خدای خود ظلم کرده است «وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ».

۱۲۹- فرمانبرداری از غیر خدا نقض ولایت خداوند است، زیرا اطاعت از طاغوت، با ایمان سرسازگاری ندارد.

۱۳۰- نشانه ی پذیرش ولایت خدا، در عرصه عمل فردی، تن دادن به احکام او است و در صحنه اجتماع نیز، دل نبستن به غیر قانون الهی است.

۱۳۱- پذیرش قانونی غیر از قانون خداوند، کفر ورزیدن به ربوبیت تشریعی او است، و از آنجا که تصمیم مولای حقیقی خود را گردن نهاده است، ظلم به او محسوب می شود «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ: آنان که فرمان می دهند به غیر آنچه خداوند فرستاده است، هم آنان فاسقاند.»

۱۳۲- مبنای هرگونه تصمیمی در جامعه مؤمنان باید خدا و احکام او باشد، و باید هرگونه اختلاف با رجوع به دین خدا حل و فصل شود «وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ»

۱۳۳- حکومت اسلام، حکومت قانون است. در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون، حکم و فرمان خدا است. قانون اسلام، یا فرمان خدا، بر همه ی افراد و بر دولت اسلامی حکومت تام دارد.

۱۳۴- بر مبنای جهان بینی توحیدی حق حاکمیت و ولایت در انحصار خداست و کسی که در مصدر حکومت قرار می گیرد، به واقع در ولایت خدا دخالت کرده است. بنابراین اعمال ولایت نیز در انحصار کسی خواهد بود که مجوز چنان ولایتی را از سوی خداوند، داشته باشد.

۱۳۵- مفهوم «حق الهی حاکمیت» این است که دخالت در امور دیگران، از اختیارات انحصاری خالق و مدبر و ولی حقیقیانسان ها است. خداوند این ولایت را از طریق اذن که به فرد یا گروه خاصی می دهد، اعمال می کند. در قرآن کریم از «جعل حکومت» برای حضرت داوود یاد شده است و وی از سوی خداوند اجازه می یابد که میان مردم حکم راند.

۱۳۶- حاکمیت ذاتاً و اصالتاً حق خداوند است و انسان ها به هیچ روی دارای حق ذاتی برای حاکمیت نیستند، که آن را از طریق قرارداد اجتماعی یا رضایت به دیگری واگذارند. آنان اگر حقی داشته باشند، حقی است که خداوند به ایشان عطا فرموده است. حاکم اصلی خداوند است. ولایت او ذاتی و اصلی است و ولایت دیگران تبعی است.

۱۳۷- خداوند اگرچه دارای حق حاکمیت و تصمیم گیری برای همگان است، انسان ها را مجبور به پذیرش ولایت خود نکرده است. از این رو حق حاکمیت خدا با آزادی انسانها منافات ندارد، زیرا انسان ها در پذیرفتن ولایت خداوند بر خود مختارند.

۱۳۸- مناصب پیامبر صلی الله علیه عبارتند از:

(۱) رسالت

(۲) مرجعیت علمی

(۳) ولایت

۱۳۹- پیامبر افزون بر ابلاغ وحی که همان منصب رسالت است، مضامین وحی را نیز برای مردم تبیین می نمود و قرآن را برای مردم تفسیر می کرد. ایشان در تفصیل و تفسیر وحی، بری از اشتباه و خطا بود و خداوند نیز مردم را تکلیف فرمود که هر آنچه وی می فرماید بدان عمل نمایند: «مَا آكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»

۱۴۰- سنت نبوی که همان گفتار و کردار پیامبر است، مبنای عمل مسلمانان قرار گرفت و پیامبر اکرم افزون بر رسالت، دارای نقش مرجعیت علمی نیز بود، یعنی در تفسیر دین و دیدگاه شارع، مرجعیت داشت.

۱۴۱- پیامبر علاوه بر منصب رسالت و مرجعیت علمی، دارای ولایت نیز بود، یعنی بر مسلمانان نوعی صاحب اختیاری و سرپرستی داشت. مادامی که پیامبر در جامعه حضور داشت، به مقتضای ولایت، رهبر مردم بود و ریاست عام آنان را برعهده داشت. قرآن کریم در مورد ولایت پیامبر می‌فرماید: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ لِمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» و «إِنَّمَا وَلِيُّ كُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» ۱۴۲- در زمان رسول الله فقط این طور نبود که قانون را بیان و ابلاغ کنند، بلکه آن را اجرا می‌کردند. رسول الله مجری قانون بود ... اینجاست که تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره لازم می‌آید. اعتقاد به ضرورت تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره، جزئی از ولایت است. رسول اکرم در رأس تشکیلات اجرایی و اداری جامعه مسلمانان قرارداشت.

۱۴۳- در اسلام دستوراتی وجود دارد که از سویی عمل به آنها اجتناب ناپذیر است و از سوی دیگر بدون وجود یک حکومت صالح عملاً قابل اجرا نیست و خداوند با ولایتی که به پیامبر خود داده بود، تنها او صلاحیت چنین منصبی را داشت. او وظیفه داشت مردم را برای جهاد بسیج کند (حَرَضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ) و با کفار و منافقان جهاد کند (أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ)، در میان آنها نظام داوری و قضاوت را بگستراند (لَتَحْكَمْ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ) و (وَأَنْ أَحْكَمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ)، نظام اخذ مالیات برپا دارد (خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً)، این وظایف و ده ها وظیفه دیگر نه از آن جهت است که او صرفاً رسول و پیام آور است، بلکه از آن رو است که ولایت مسلمانان را نیز بر عهده دارد.

۱۴۴- دیانت اسلام یک دیانت عبادی تنها نیست و همین طور یک مذهب و دیانت سیاسی تنها نیست، عبادی است و سیاسی.

۱۴۵- منصب رسالت پیامبر با رحلت ایشان پایان یافت اما در مورد منصب های مرجعیت علمی و ولایت ایشان دو نظر وجود دارد:

- ۱) دیدگاه نخست که از اکثریت برخوردار بود، وحی قرآن و بیان پیامبر را کافی می‌دانست و بعد از پیامبر برای کسی شأن مرجعیت معصومانه قائل نبود و نیز بر این باور بود که پیامبر شخص خاصی را برای اجرای دین در نظر نگرفته است، یعنی حکومت اسلامی متولی خاصی ندارد.
- ۲) دیدگاه دوم که نظر اقلیت است بر این عقیده بود که دو سِمت یاد شده باقی است و پیامبرجانشینانی دارد که آن دو منصب را بر عهده دارند.

۱۴۶- دیدگاه اهل سنت درباره مرجعیت علمی: به اعتقاد اهل سنت، پیامبر اکرم همه آنچه را که برای امت اسلام و شناختدین لازم و کافی است، از زبان وحی و در قالب سنت خویش باز گفته است. با وجود این در سال های بعد از وفات پیامبر، به تدریج این اندیشه که صحابه پیامبر در تفسیر دین از صلاحیت برخوردارند و وظیفه صیانت از دین بر عهده آنان است، قوت گرفت. بی تردید در میان صحابه، انسان های برجسته ای بودند که نقش آنان را در انتقال و تبیین سنت پیامبر بهنسل بعد از خود، نمی توان نادیده گرفت، اما این واقعیت را هم نمی توان نادیده گرفت که تنها هم زمانی عده ای با پیامبر نمی تواند مبنای صلاحیت علمی و اخلاقی آنان باشد.

۱۴۷- مجتهد دانستن صحابه، تأثیرات بسیار عمیقی بر جامعه اسلامی نهاد. بر مبنای تفسیرهای مساحمه آمیز از صحابه بود که کعب الاحبار یهودی الاصل، مرجع علمی در زمان خلیفه سوم می شود. او با اندیشه های یهودی گرایانه خود به امرتفسیر اسلام می پرداخت.

۱۴۸- جریان مرجعیت دینی - از نگاه اهل سنت - بعد از پیامبر اکرم در راهی قرار گرفت که پیروان مکتب اهل بیت از آنرازی نبودند. علامه طباطبایی، اسلام شناس معاصر، جریان مزبور را این گونه ارزیابی می کند: تألیف و کتابت در میان صحابه ممنوع و قدغن بود و در شعاع کلمه «حسبنا کتاب الله» خود را از هر کتاب علمی مستغنی می دانستند. صحابه به نشر حدیث پرداختند و مصدر تعلیم و تربیت قرار گرفته و علم حدیث را به اوج عزت و مرغوبیت رسانیدند لیکن عواملی این احادیث را از ارزش واقعی انداختند.

۱۴۹- عواملی که باعث شدند حدیث ارزش واقعی خود را از دست بدهد عبارت بودند از: نبود روح تحقیق در عامه صحابه - ممنوع بودن بحث و انتقاد در معارف دینی - قدغن نمودن کتابت از سوی خلیفه - پیدا شدن عده قابل توجهی از ظاهرالاسلام های اسرائیلی که اخبار و معارف انبیای سلف را آن طور که دلشان می خواست، نقل می کردند - اقبال بیرون ازحد و اندازه عموم مسلمین به حدیث و محدثین، جمعی از جاه طلبان و سودپرستان را برای کسب امتیازات اجتماعی تطمیع نموده. ۱۵۰- دلایلی که به عوامل بالا کمک کرد که تا حدیث ارزش واقعی خود را نداشته باشد:

۱) یک رشته احادیث معجول یاضعیف، جزء احادیث مقبول شمرده شد و خرافات بسیاری داخل معارف اسلامی گردید.

۲) در اثر ممنوع بودن کتابت و تألیف، کمیت قابل توجهی از حدیث به دست فراموشی سپرده شد.

۱۵۱- با وجود اینکه تعداد صحابه تا حدود ۱۲۰۰۰ نفر ضبط کرده اند، احادیث و روایاتی که از آنان به یادگار مانده از چندصد روایت فقهی تجاوز نمی کند و روی هم رفته از هر صد صحابی ۴ یا ۵ حدیث بیشتر در دست نیست.

۱۵۲- کمی احادیث و مدارک فقهی و ابهام ادله استنباط، اثر نزدیکی که بخشید این بود که فتاوا و آرای مختلف متناقض زیادی در میان فقها پیدا شد و به فاصله کمی مسأله عمل به «قیاس» و «استحسان» پیش آمده، رواج یافت. پیدایش این دو طریقه به واسطه کمبود محسوس وسایل استنباط، طبیعی و ضروری می نمود. پس از چندی برای جلوگیری از هرجو مرجی که افکار فقهی به وجود آورده بود، به فتاوا و آرای ۴ نفر از فقها (مالکی، شافعی، ابوحنیفه و احمد بن حنبل) اجماع کردند و در نتیجه بحث و انتقاد علمی جای خود را به جمود و خمود داده و اجتهاد به تقلید بی چون و چرا مبدل گردید و تا عصر کنونی، نظر آزاد در یک مسأله فقهی بدعت شمرده می شد.

۱۵۳- در خصوص رهبری اجتماعی نیز اهل سنت بر این عقیده اند که بعد از پیامبر گرامی اسلام، گرچه منصب حکومت و ریاست عامه امری ضروری است، پیامبر اکرم لازم ندیدند کسی را بر این منصب بگمارند. بدین ترتیب گرچه مشروعیت حکومت مبتنی بر اذن الهی است، شریعت اسلامی این منصب را در اختیار شخص خاصی قرار نداده است و این منصب دینی

از راه های مختلف به حاکم و خلیفه منتقل می شود. دیدگاه معروف اهل سنت این است که خلیفه ممکن است صلاحیت اخلاقی نداشته باشد، اما سلب عدالت، ولایت او را اسقاط نمی کند.

۱۵۴- نووی عالم و محدث معروف اهل سنت، می گوید: همه اهل سنت از فقها و محدثان و متکلمان بر این عقیده اند که خلیفه و حاکم به دلیل فسق و ظلم و تعطیل احکام خدا، عزل و خلع نمی شود و خروج و قیام علیه او جایز نیست.

۱۵۵- اهل سنت، هم به لحاظ منشأ مشروعیت و شیوه به قدرت رسیدن خلیفه و هم به لحاظ شرایط و اوصاف او، قائل به تسامحند.

۱۵۶- خلافت از نگاه اهل سنت مقام اجرا و ریاست و حکومت است و صرفاً شأنی جز مقام حکومتی ندارد. خلیفه از مقام ومنزلت قدسی برخوردار نیست. اهل سنت بر این عقیده اند که امامت، جزء فروع و نه اصول دین قرار گرفته است. وقتی گفته شود مقام خلافت و امامت، امری است در حوزه عمل مردم، خلافت چهره ای زمینی پیدا می کند و در دایره افعال انسان ها می گنجد. در مقابل، وقتی خلافت و امامت را منصبی خدایی دانستیم، جایگاه آن در علم کلام خواهد بود.

۱۵۷- از نظر اهل سنت، مسأله خلافت دارای چنان اهمیتی که نیاز به بیان دین و پیامبر داشته باشد، نیست. آنان گاه به این گفتار منصوب به پیامبر نیز استناد می کنند که فرمود: «انتم اعلم بشؤون دنیاکم»: شما در مورد امور دنیایی خود از آگاهی بیشتری برخوردارید». برخی نیز گفته اند که عدم بیان پیامبر، از آن رو است که وی آن را به صاحب نظران واگذار کرده است، نه اینکه در این مسأله اهمالی صورت گرفته باشد. گروهی نیز بر این باورند که چون حکومت در زمان های مختلف شکل های گوناگونی می پذیرد، پیامبر صلاح امت خود را در این دیده است که امر حکومت را به مردم واگذارد تا طبق مقتضیات زمان خود، نظامی سازگار با روحیات و وضعیت اجتماعی خود برگزینند.

۱۵۸- اهمال امر امامت یا واگذاری آن به امت که از طرف اهل سنت بیان شده است با ضرورت های برخاسته از واقعیت های اجتماعی آن عصر چندان سازگار نیست. عمق روحیات قبیله گرایی و تعصبات قومی حاکم، و توطئه هایی که از ناحیه دشمنان خارجی و ابرقدرت های آن عصر، دولت نوپای جامعه اسلامی را تهدید می کرد و نیز تحرکات قبایل عرب، ظهور مدعیان دروغین و گسترش حرکت های ارتداد آمیز و مسائلی از این قبیل، نظریه ی اهمال نص را بسیار تضعیف می کند.

۱۵۹- اگر روش «انتخاب» امر مرسوم در آن عصر (زمان پیامبر) بود، می توان پذیرفت که مسأله قدرت حاکم، چنان نهادینه و قانونمند بوده است که مردم به طور طبیعی به وظیفه خود عمل می کردند و از این طریق خطری جامعه اسلامی را تهدید نمی کرده است، اما با اندک تأملی در واقعیت های تاریخی آن دوران و نوع روابط اجتماعی موجود در آن عصر، روشن می شود که شیوه «انتخاب» اساساً معهود و معمول نبوده است و نوع به حکومت رسیدن سه خلیفه اول نیز این سخن را آشکارتر می کند.

۱۶۰- مطابق دیدگاه های نظری اهل سنت، کارکرد خلیفه بیرون از اجرای مقررات دینی نیست، اما منزلتی که آنان برای صاحبان قائل بودند و عدم لحاظ و شرط مصونیت بالای اخلاقی و علمی در حاکم (عصمت)، راه را برای اشتباهات بسیاری در روند حاکمیت اسلام گشود و خلافت را مبدل به سلطنت نمود.

۱۶۱- امام علی علیه السلام تحولات سالهای پیش از خلافت خود را مثبت ارزیابی نمی کند و منشأ همه این نابسامانی ها را دوری از مرکز حقیقی فضایل یعنی اهل بیت پیامبر می داند. ایشان مشکل را از آنجا می دانند که اساس، یعنی همان رهبری جامعه، از مکان اصلی خود دور شد.

۱۶۲- از دیدگاه شیعیان، از آنجا که بزرگترین اشتباه در استقرار مرکز قدرت و مسیر خلافت صورت گرفته بود، به تدریج حکومت اسلامی به امپراتوری تبدیل شد.

۱۶۳- امامت از دیدگاه شیعیان کارکرد متفاوت با خلافت از منظر اهل تسنن دارد. خلیفه از نگاه اهل سنت، شخصی است که صرفاً حکومت می کند و رهبری اجتماعی را بر عهده دارد، اما امامت منزلتی است دینی و ادامه ی مناصب پیامبر.

۱۶۴- امام دارای مرجعیت دینی است و گفتار و کردار او برای فهم دین منبع و سند محسوب می شود، و تفسیر حقیقی دین را عهده دار است و نیز از طرف خدا دارای ولایت است و امر تدبیر مردم به او سپرده شده است. بنابراین خداوند هدایت و ولایت معصومانه امامان را در کنار دستورات و معارف وحیانی قرار داده است و همان طور که دین جنبه ی الهی دارد، امام نیز باید بُعد الهی داشته باشد.

۱۶۵- شیعه بر این باور است که امر تفسیر و تبیین و بیان فروع دین بعد از پیامبر با همان کم و کیف، بر عهده امامان است. امامان معصوم همان عالمانی هستند که علم خود را وامدار کسب یا اجتهاد نیستند، به همین دلیل امکان راهیابی خطا به دانش آنان منتفی است.

۱۶۶- فلسفه وجود امام به عنوان مرجع دینی و حافظ شریعت بر منوال و شیوه استدلالی عبارت است از: پذیرش جایگاه اسلامشناس الهی برای امامان از نظر طرفداران نظریه امامت مبتنی است بر این که: پیغمبر از هیچ فرصتی کوتاهی نکرد و خیلی چیزها را تعلیم داد، ولی با توجه به تاریخچه مکه و مدینه پیامبر و گرفتاری ها و مشاغل زیادی که ایشان داشت، مسلم این مدت کافی نبود که همه احکام اسلام را برای همه مردم بیان کند و امکان ندارد که چنین دینی، ناقص بیان شده باشد. بنابراین حتماً باید کسی یا کسانی در میان اصحاب پیامبر وجود داشته باشند که اسلام را به تمام و کمال از پیغمبر گرفته و شاگردان مجهز ایشان باشند که بعد از رفتن او از نظر توضیح و بیان اسلام نظیر وی باشند. باید لااقل برای مدتی کارشناسان الهی در میان مردم باشند که اسلام را به خوبی به مردم بشناسانند.

۱۶۷- نکته بالا با نظریه ختم نبوت و دین کامل منافاتی ندارد، زیرا شیعه می گوید: نه خدا دستورات اسلام را ناقص به پیغمبر وحی کرده و نه پیامبر آنها را برای مردم ناقص بیان کرد. پیغمبر کاملش را بیان کرد اما آنچه پیامبر کامل بیان کرد همه ی آنهایی نبود که به عموم مردم گفت بلکه همه دستوراتی را که من جانب الله بود به شاگرد خاص خودش گفت و به او فرمود: «تو برای مردم بیان کن».

۱۶۸- سید مرتضی متکلم بزرگ شیعی در مناظره علمی با متکلم بزرگ اهل سنت (قاضی عبدالجبار معتزلی) کتاب گرانقدریدر مسأله امامت به رشته تحریر در آورده است.

۱۶۹- سید مرتضی می گوید: ملاک اهل سنت در مسأله امامت با ملاک ما شیعیان فرق دارد: ملاک ما برای ضرورت امام، حفظ شریعت است. ما می گوئیم دین نگهبان می خواهد و این نگهبان یا مردمند یا امام. شق اول ممکن نیست، بنابراین امامی لازم است و الا لازم می آید که امر دین مهمل و رها گذاشته شده باشد... برای اینکه شرع رسول الله بعد از رحلت ایشان دستخوش تغییر و تبدیل نشود، باید کسی شریعت ایشان را نظارت و پاسداری کند.

۱۷۰- عبدالجبار، مطابق نظر اهل سنت، قرآن و سنت را در پرتو اجتهاد مجتهدان کافی می داند، اما سید مرتضی معتقد است باید در میان مردم شخصیت عاری از خطایی باشد: حافظ دین نمی تواند معصوم نباشد، چرا که در آن صورت دین از تغییر و تبدیل ایمن نخواهد ماند.

۱۷۱- آمادگی کافی نداشتن مردم برای حفظ دین سر لزوم مرجعیت معصومانه است.

۱۷۲- آنچه ائمه می گویند مستند به پیغمبر است، نه به این شکل که پیغمبر به آنها تعلیم کرد، بلکه به آن شکلی که میگوئیم علی علیه السلام فرمود: «پیغمبر باری از علم به روی من باز کرد که از آن باب هزار باب دیگر باز شد» ما نمیتوانیم تفسیر کنیم که این چگونه بوده است، همان طور که وحی را نمی توانیم تفسیر کنیم که پیغمبر چگونه علم را از ناحیه خدا می گیرد. نمیتوانیم تفسیر کنیم که چه نوع ارتباط معنوی میان پیامبر و علی بود که پیامبر حقایق را به علی آموخت و به غیر او نیاموخت.

۱۷۳- پیامبر اکرم در حدیث ثقلین، امامان را به عنوان عجل و همتای قرآن معرفی می کند، به گونه ای که هرگز از هم جدا نمی شوند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّ قَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّ هُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ» کتاب و عترت دو گوهر گرانبها است که از پیامبر باقی مانده است. کتاب همان مفاهیم وحیانی است و عترت نیز همان نگاهبان و حافظ و مفسر قرآن است. جایگاه مرجعیت دینی امامان از این حدیث به خوبی روشن می شود.

۱۷۴- به حکم عقل جای هیچ تردید نیست که با حضور افرادی که به لحاظ فضائل علمی و اخلاقی در اوج قرار دارند، ولایت افراد دیگر مورد رضایت خداوند نباشد. چون صاحب منصب امامت کبرا، بر اساس علم لدنی که خطاناپذیر است، می تواند جامعه را به نحو احسن اداره نماید، مادامی که چنین شخصی حضور دارد، نوبت به دیگران نمی رسد، چرا که شعاع آگاهی دیگران محدود است و دانش آنها بر اساس ظن و گمان و در معرض خطا و اشتباه است.

۱۷۵- بر مبنای استدلال عقلی ولایت معصوم، نیازی به نصوص خاصی که به صراحت ولایت علی علیه السلام را مستند و ثابت می کند، نداریم بلکه اصلح بودن او برای استدلال، کافی است. شیخ مفید عالم بزرگ شیعی با همین شیوه بر امامت حضرت علی علیه السلام استدلال کرده است. وی به نصوص مربوط به جعل ولایت برای امام علی علیه السلام استناد نمیکند، بلکه دلیل او تنها اصلح بودن آشکار حضرت است.

۱۷۶- خداوند در طول ولایت خود و ولایت پیامبر اکرم، مردم را به اطاعت از «اولی الامر» فرا می خواند «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ» بنابراین بعد از پیامبر باید کسانی باشند که مانند وی از منصب ولایت برخوردار باشند و مردم نیز اطاعت آنان را گردن نهند. از طرفی نمی توان گفت اولی الامر همه آنهايي هستند که عملاً و در خارج، این منصب را بر عهده دارند،

زیرا نمی توان پذیرفت خداوند به مردم دستور داده است که از همه کسانی که ممدعی ولایتند، اطاعت کنند. بنابراین اولی الامر کسانی هستند که حق حاکمیت دارند و از طرف دین و شریعت بر این ولایت گماشته شده اند.

۱۷۷- در آیه ولایت آمده است: «إِنَّمَا وَلِيَ كُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ : هَمَانَا وَلِي وَ سِرپرست مسلمانان بعد از خدا و پیامبر، همان مؤمنی است که در حال نماز، صدقه پرداخت.» این رفتار به اذعان و شهادت منابع روایی و تفسیری شیعه و سنی، از امام علی علیه السلام سرزده است.

۱۷۸- روشن ترین گفتار پیامبر درباره امامت، همان حدیث غدیر است. به گزارش مورخان پیامبر گرامی اسلام در راه بازگشت از آخرین حج خود (حجه الوداع) در مکانی به نام غدیرخم، در حالیکه هزاران زائر خانه خدا وی را همراهی می کردند، مردم را فراخواند و اعلام داشت: به زودی دعوت حق را اجابت کرده و به جوار رحمت حق خواهد شتافت، لیکن پیش از ارتحال حامل یک پیام است که موظف است آن را ابلاغ کند، در غیر این صورت حق رسالت را ادا نکرده است. آن گاه که مردم ولایت پیامبر را تصدیق کردند، فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ: هر کس را که من مولای او هستم، پس اینعلی بر او ولایت دارد» سپس آیه ای نازل شد که بر جامعیت اسلام و خشنودی خداوند از این دین دلالت می کرد.

۱۷۹- در اصل وقوع حادثه غدیر و ابلاغ چنین پیامی از طرف پیامبر تردیدی نیست و اگر اختلافی میان شیعیان و اهل سنت هست، تنها در فهم محتوای این پیام است. شیعیان بر این باورند که محتوای پیام، نصب علی علیه السلام به منصب ولایت و سرپرستی مسلمانان است و برخی اهل سنت نیز در توجیه این پیام، بر این باورند که ولایت در حدیث غدیر به معنای خلافت و سرپرستی نیست، بلکه پیامبر با این اقدام خواسته اند علی علیه السلام را به عنوان فردی که باید مورد علاقه و احترام همگان باشد، معرفی نمایند.

۱۸۰- از نظر شیعیان در این حدیث شواهد و قراینی است که تردیدی باقی نمی گذارد که حادثه غدیر به منزله اعلام رسمی خلافت حضرت علی بوده است:

(۱) پیامبر جمعیت انبوهی را در یک روز گرم برای یک پیام مهم فراخواند. لحن آیه نیز پیامبر را موظف به ابلاغ پیامی مهم می کند که از تبلیغ آن در بیم و ملاحظه داشته است. بعد از تبلیغ نیز آیه ی اکمال و اتمام دین نازل می شود. نمی توان پذیرفت صرف محبت به شخصی دارای چنان اهمیت و جایگاهی باشد. لیکن تعیین مرجعیت دینی و رهبری مسلمانان آن چنان مهم است که پیامبر در آخرین روزهای زندگی خود، علی رغمهراسی که از طرح آن دارد، احساس می کند باید آن را ابلاغ کند.

(۲) در حادثه غدیر پیامبر از حاضران می پرسند: «أَلَسْتُ أَوَّلِي بَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ» بدین وسیله اقرار می گیرند کهایشان دارای ولایت بر مسلمانان بوده اند. پس از آنکه مردم به ولایت پیامبر اقرار کردند، پیامبر گرامی میفرمایند «هر کس که من مولای اویم، علی مولای اوست.» بدین ترتیب برای علی علیه السلام همان ولایتی راقرار می دهند که مردم آن را برای پیامبر اقرار کرده بودند.

(۳) بعد از ابلاغ پیام، بزرگان صحابه و از جمله خلیفه اول و دوم به علی علیه السلام تبریک می گویند و اعلام می دارند: «اصبحت مولای و مولی کل مؤمن و مؤمنه: تو مولای من و مولای هر مرد و زن مسلمان گشتی. «از این حادثه چنین بر می آید که حاضران از محتوای پیام، سرپرستی و مرجعیت و رهبری را دریافت کرده اند.

(۴) علی علیه السلام و سایر امامان نیز به تناسب به حدیث غدیر استناد کرده و آن را سند زنده ولایت علی علیه السلام دانسته اند.

۱۸۱- حسّان در حادثه غدیر قصیده ای به همان مناسبت سرود. با توجه به تعبیری مثل امام و هادی که در مورد حضرت علی علیه السلام به کار گرفته، می توان مفهوم و معنای ولایت در پیام پیغمبر را دریافت.

۱۸۲- حق حاکمیت امامان بر اساس نصب الهی است. در عین حال، این حق مسلم و قطعی، زمانی مجوز اقدام حضرت میشود که مردم را برای پذیرش حاکمیت حق، آماده می بیند.

۱۸۳- امام علی علیه السلام با وجود اینکه به وصیت پیامبر در اثبات حق خود استناد می کند، در مقابل معاویه که منکر چنین حقی است، به گونه ای دیگر استدلال می کند و بیعت مردم را دلیل می شمارد: مردمی که با ابوبکر و عمر و عثمان بیعت کردند، بیعت مرا نیز پذیرفتند. پس کسی که حاضر است نمی تواند دیگری را انتخاب کند و آن که غایب بوده است نیز نمی تواند اقدام حاضران را نپذیرد.

۱۸۴- امام در نگاه متکلمان شیعی، وظایف پیامبر اکرم را نیز بر عهده دارد و در عین حال، وظیفه اجرای احکام دین خدا را نیز بر عهده دارد. این دو منصب مبتنی بر جعل و اعتبار است (یعنی تا از طرف شرع چنین مسئولیتی به شخصی داده نشود، آن نقش را پیدا نمی کند). امام افزون بر این دو منصب دارای شخصیتی است که او را از موقعیت ویژه ای برخوردار میکند. این همان منزلت امام در معنا و اصطلاحی است که قرآن درباره حضرت ابراهیم از آن یاد می کند. از نگاه قرآن، این منزلت در دسترس کسانی قرار می گیرد که به بالاترین مقامات معرفتی (یقین) دست یافته باشند و افزون بر آن، وظیفه بندگی خود را به بهترین وجه ادا کنند: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِمِ الْ مَا صَبَرُوا وَكَانُوا تَنَاقُوتُونَ»

۱۸۵- شرط اول برای وصول به مقام امامت صبر و استقامت بر عبودیت است، آنگونه که پیامبران بزرگ از عهده آن بر آمدند: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعِزْمِ مِنْ الرُّسُلِ» یقین، شرط دوم برای رسیدن به این منزلت است. مراد از یقین، معرفت بسیار بالایی است که نمونه ای از آن را قرآن در مورد حضرت ابراهیم یاد می کند: «وَكَذَلِكَ نَرَى إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ»

۱۸۶- آنگاه که خداوند حضرت ابراهیم را می آزماید و او از عهده امتحانات الهی به خوبی بر می آید، مقام امامت را به وی عطا میفرماید. حضرت ابراهیم برای رسیدن به یقین، ملکوت آسمان ها و زمین را مشاهده کرد، مشاهده ای که موقوف به مرتبه ای ممتاز از حیث معرفت است.

۱۸۷- برخی از کرامات اولیای خدا که در قرآن آمده اند: باد مسخّر حضرت سلیمان بود و به دستور او حرکت می کرد و حضرت عیسی گِل پرنده ای می ساخت و به اذن خدا در آن می دمید و به اذن خدا حیات می یافت و نیز کور مادرزاد و افراد دارای مرض پیسی را به اذن خدا شفا می داد و مردگان را به اذن خدا از قبر زنده خارج می کرد.

۱۸۸- قرآن کریم در مورد منشأ کرامات، حادثه ای را نقل می کند: سلیمان گفت: «ای بزرگان، کدام یک از شما پیش از آنکه آنان از در تسلیم نزد من آیند، تخت او را برای من می آورد؟» عفریتی از جنیان گفت: «من پیش از آنکه از جایت برخیزی آن را به نزد تو می آورم» بر این کار توانای درستکارم. کسی که از «علم کتاب» بهره ای داشت، گفت: «من پیش از آنکه چشمش را بر هم زنی، آن را به نزد من آورم». فردی که توانست تخت ملکه سبا را در یک چشم بر هم زدن حاضر کند، از «علم کتاب» بهره ای داشت. بنابراین گونه ای از معرفت، غیر از معرفت های معمولی در اختیار آن فرد بود که توانست این تصرف تکوینی را انجام دهد و این قدرت تصرف نتیجه طبیعی آن آگاهی است.

۱۸۹- امام می تواند گاه در حوادث جهان آن چنان که می خواهد، تصرف کند. امامان که از طهارت روح و معرفت شهودی و قدرت بالای نفسانی برخوردارند، بر عالم کائنات تسلط دارند. ائمه همان گونه که بر عالم کائنات اشراف دارند، بر انسان ها نیز ناظر و چیره اند و به همین جهت، مؤمنان دل در گرو ارتباط معنوی با امامان دارند و به ایشان توسل می جویند. این مقام، همان مرتبه ولایت باطنی امام است که بر اساس آن هدایت عموم مؤمنان را بر عهده دارند و عقده های آنان را میکشایند و آنها را از تنگنا بیرون می آورند. این همان منصب خلافت کبرا است. امام در اینجا نمایانگر اوصاف و اسمای الهی است و خلیفه و نماینده خدا بر روی زمین و واسطه میان خدا و مردم است. او همان انسان کامل است که راهنما و رهبر حقیقی انسان ها بر روی زمین است.

۱۹۰- از آنجا که امامت منزلتی الهی است و افراد خاصی از جانب خدا به این منظور گمارده شده اند، تمامی امامان معصوم بابیان پیامبر و یا با بیان امام پیشین شناسایی می شوند. این به معنای آن نیست که امامان به نحو موروثی، هر کدام فرزندی از فرزندان خود را بر این امر می گمارند بلکه بیان آنها تنها برای هدایت پیروان است.

۱۹۱- در تلقی شیعی مقام وصایت پیامبر فراتر از حکومت است، گرچه مادامی که امام در جامعه حضوری ظاهری دارد، تصدی ظاهری حکومت حقّ او است.

۱۹۲- امامت که منصبی است الهی، در گرو سنّ خاصی نیست. از این رو ممکن است فردی در سن کودکی نیز به این مقامنایل گردد. از آنجا که امامان، نه به کسب علم و اجتهاد، که به الهام و تربیت الهی، به این مقام می رسند، سن اثری در تعیین امام ندارد. از این رو امام نهم در هشت سالگی، امام دهم در نه سالگی و امام دوازدهم در پنج سالگی به امامت رسیدند.

۱۹۳- در قرآن کریم به رسالت و نبوت حضرت عیسی در کودکی اشاره شده است. و در مورد حضرت یحیی نیز قرآن کریم تصریح می دارد که در سن کودکی به مقام نبوت رسیده است.

۱۹۴- پاره ای از فواید علمی ـ اخلاقی حضور امامان در جامعه، بدین قرار است:

(۱) موقعیت علمی امامان شیعه آن چنان در کانون توجه مسلمانان قرار داشته است که در هیچ عصری، حتی دانشمندان احساس بی نیازی از آنان نکرده اند. امامان به عالمان آل محمد صلواتالله علیه معروف بودند.

(۲) موقعیت ممتاز اخلاقی امامان که اسوه های معنوی و اخلاقی در جامعه اسلامی بودند، نقش بسزایی در تربیت اخلاقی مؤمنان و رشد و اعتلای معنوی آنان داشته است، تا جایی که گذشته از شیعیان، عموم مسلمانان نیز همواره تحت تأثیر جاذبه های معنوی امامان قرار داشته اند.

(۳) به برکت حضور امامان، مکتب فکری و سیاسی شیعه شکل گرفته، شکوفا شد.

۱۹۵- وسائل الشیعه مجموعه روایی شیعه است که توسط عالم بزرگ، مرحوم شیخ حر عاملی جمع آوری شده است.

۱۹۶- بعد از خلافت امام علی علیه السلام و با قیام امام حسین علیه السلام و پیامدهای آن، اندک اندک جمعیت شیعیان از جریان غالب جدا می شود. آنان که به لحاظ سیاسی و تحرکات اجتماعی، موقعیت خاصی پیدا کرده اند، در دوران امام باقر و امام صادق علیهما السلام در قالب یک مکتب فکری که ویژگی اصلی آن پذیرش نظریه امامت است و با داشتن شریعت مستقل که مأخوذ از سنت معصومان است، در جامعه اسلامی وزن خاصی پیدا می کنند. در همین دوران یعنی اوایل قرن دوم هجری، مباحث مربوط به امامت و اصول عقاید از دیدگاه شیعه به طور جدی مطرح می شود و نیز شاگردان خاص مکتب فکری شیعه در جامعه پراکنده می شوند.

۱۹۷- در اوایل قرن دوم امام در جامعه ی شیعی برای سازمان دهی امور شیعیان، وکیلان و سفیرانی را در میان پیروان تعیین می کند. مردم نیز از طریق آنان، افزون بر اخذ دستورات دینی و شریعت اسلامی، دستورات اجتماعی خود را اخذ میکردند. البته امام مبنی بر «تقیه» و رعایت مصالح زمان، بیشتر در پی حفظ این گروه و تقویت بنیان های فکری این مکتب و مذهب است.

۱۹۸- در سال هایی که حکومت سلطنتی امویان، سخت دچار بحران مشروعیت است، و جامعه شاهد انقلاب است، امام صادق علیه السلام محوری ترین شخصیتی است که اذهان را متوجه خود ساخته است، اما ترجیح می دهند که از موقعیت پیشآمده در جهت استحکام بنیان های فکری جامعه شیعی استفاده کنند.

۱۹۹- شبکه روابط اجتماعی ای که در دوران امام صادق در درون جامعه شیعی شکل گرفته بود و وجود تشکیلاتی که میان امام و امت نقش نایبان و وکیلان و سفیران را ایفا می نمود، حکومت وقت را نگران می کرد. از این رو است که امام هفتم سالیان درازی از عمر شریف خود را در زندان به سر می برند و در غیاب ایشان، جامعه شیعی از طریق نایبان آن حضرت به تلاش خود ادامه می دهد.

۲۰۰- در زمان امام هشتم که طرفداران امام از موقعیت بالایی برخوردارند، سیاست حاکمان به دنبال آن بود که به گونه ای منزلت امام و تفکر امام را تنزل دهند. اجبار آن حضرت به پذیرش ولایت عهدی برای پیشبرد همین سیاست بود. اما امام در همان دوران با توضیح نظریه امامت جامعه شیعی را با تفکر امامت عمیقاً آشنا می کنند.

۲۰۱- بعد از امام هشتم، نقطه عطفی در جامعه شیعی پدیدار می گردد و آن «امامت در سن کودکی» است و پیروان و معتقدان به امامت، با امتحان سختی روبرو می شوند.

۲۰۲- از دوران امام دهم، ارتباط ظاهری امام با مردم کمتر می شود، چنانکه معمولاً از طریق نامه و از رهگذر نایبان و وکلای حضرت این ارتباط ها برقرار می شود. این روال در زمان امام عسگری ادامه پیدا کرد. امام محلی را برای ثبت و ضبط امور و پیگیری آنها اختصاص داد و عثمان بن سعید عمری را که از جمله نایبان و وکلای مورد اعتماد ایشان بود، عهده دار امور دفتری کرد.

۲۰۳- در دوران سه امام نهم، دهم و یازدهم، جامعه شیعی با مسأله «امامت در سن کودکی» خو گرفت. افزون بر آن مردم در این دوران، به حضور کوتاه و منقطع امام عادت کردند و برای دوران غیبت آماده شدند.

۲۰۴- با رحلت امام عسگری، فرزند ایشان به امامت رسید و «عثمان بن سعید» که عهده دار پی گیری امور امام یازدهم بود، از جانب امام مهدی (عج) در این سمت باقی ماند.

۲۰۵- در دوران غیبت صغرا چهار نفر، به نوبت عهده دار نیابت اصلی از امام غایب بودند: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان بن سعید، حسین بن روح و علی بن محمد سمري. شیعیان آن حضرت، مشکلات و مسائل خویش را از طریق این چهار نایب، به امام عرضه می کردند و امام شفاهی یا کتبی پاسخ می گفتند. در منابع شیعی، به نامه هایی از آن حضرت که «توقیعات» نامیده شده، اشاره شده است.

۲۰۶- با انتهای حیات آخرین نایب غیبت صغرا پایان گرفت و دوران غیبت کبرا که نقطه عطف دیگری برای نظریه امامت در نزد شیعه است، آغاز می شود.

۲۰۷- نظریه ی امام غایب، ریشه در منابع دینی و اعتقادی شیعیان دارد و چنین امری از پیش در جامعه اسلامی پیش بینی شده بود. این مسأله از زمان پیامبر مطرح بوده و منشأ آن روایاتی است که آن حضرت، بشارت تولد فرزندی را از سلاله خود داده بود که از دیده ها پنهان خواهد شد.

۲۰۸- محدث معروف حسن بن محبوب حدود صد سال قبل از زمان غیبت، در کتاب خود اخبار مربوط به غیبت را گردآورده است.

۲۰۹- حدیث راجع به مسأله غیبت: «ابوبصیر می گوید: به امام صادق عرض کردم: امام باقر فرمودند: قائم آل محمد دو غیبت دارد یکی طولانی و دیگری کوتاه. امام صادق فرمود: آری یکی از آن دو غیبت از دیگری طولانی تر می شود.»

۲۱۰- مسأله غیبت، اختصاص به شیعیان نداشت و در کانون عقاید تمام مسلمانان قرار گرفته بود، زیرا روایات بسیاری از پیامبر بر آن صحه می گذاشت.

۲۱۱- افزون بر اینکه پذیرش غیبت و امام غایب با مبانی نظری شیعیان سازگار است، در تجربه تاریخی نیز این واقعیت برای شیعیان به اثبات رسیده است. امام در مدت بیش از دو ثلث قرن، از طریق نایبانی که جلالت شأن و منزلت اجتماعی آنان

بر خاص و عام پوشیده نیست، با مردم ارتباط دارد. همچنین مشکلات و مسائل مردم را به طور کتبی یا شفاهی به عرض امام می‌رساندند و پاسخ ایشان را نیز به مردم باز می‌گفتند.

۲۱۲- در اعتقادات شیعی خاتمیت پیامبر به وصایت و امامت امامان منتهی می‌شود و استمرار خاتمیت، در ولایت امامان معصوم است.

۲۱۳- تأکید شیعیان بر این که امامت منصبی فراتر از خلافت ظاهری است، غایب بودن امام را نیز توجیه می‌کند، زیرا گرچه خلافت ظاهری با غیبت نمی‌سازد، خلافت حقیقی و امامت، آن را بر می‌تابد. امام در این دوران بسان خورشیدی است که در پشت ابرها پنهان است، اما همانگونه که خورشید از پشت ابرها نیز نظام کائنات را روشنایی گرما می‌بخشد، امام غایب نیز منشأ برکات و هدایت برای مردم است.

۲۱۴- پروفیسور هانری کربن، فیلسوف شرق شناس فرانسوی، اعتقاد شیعه به ولایت معنوی امام غایب را چنین گزارش میکند: به عقیده من مذهب تشیع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی را میان خدا و خلق همیشه زنده نگه داشته و به طور مستمر و پیوسته ولایت را زنده و پابرجا می‌گذارد.

۲۱۵- نظریه مهدویت در ادیان آسمانی: تمام ادیان آسمانی، پیروان خود را به آینده ای درخشان نوید داده اند، آینده ای که در آن مردی الهی و آسمانی ظهور خواهد کرد و سعادت عمومی و صلح جهانی و خیر و برکت را برای همگان به ارمغان خواهد آورد. می‌توان گفت بعد از اعتقاد به خدا و نبوت و معاد، آنچه همه ادیان بر آن اتفاق دارند، همین اعتقاد به منجی است. بنابراین اعتقاد به منجی، بخشی از باورهای بنیادین ادیان است.

۲۱۶- قرآن کریم بشارت داده است که دین حقی که خاتم پیامبران واسطه ابلاغ آن است، روزی فراگیر خواهد شد و سرانجام نور خدا در منتهای ظهور و حد اعلای خود خواهد درخشید: «وَبِیْ اللَّهِ إِلَّا أَنْ يَتَّ مَنَّ وَرَهُ» و باطل محو و نابودشدنی است: «إِنَّا لِلْبَاطِلِ كَانْ زَهُوْقًا» این وعده الهی پیش از این نیز در زبور داوود داده شده است که بندگان صالح خدا وارث زمین خواهند شد و سلطه خود را بر آن می‌گسترانند.

۲۱۷- گرچه در اصل اعتقاد به ظهور مهدی در آخرالزمان، تفاوتی میان فِرَق مختلف اسلامی وجود ندارد اختلاف عمده شیعیان با اهل سنت در این است که شیعیان مصلح موعود را همان امام غایب می‌دانند. بدین ترتیب مهدی (عج) همان امام زنده‌ای است که سال‌ها میان مردم زندگی کرده است و پیروان، حضورش را در زندگی خود احساس می‌کنند و با او نجوادارند. مهدی و منجی کسی نیست که در آخرالزمان متولد شود تا مسیر تاریخ را دگرگون کند. از این دیدگاه، شخص منتظر، به مهدی موعود نزدیک است و میان خود و او فاصله ای تا ناکجا آباد احساس نمی‌کند.

۲۱۸- از نگاه شیعه امامان از رهگذر نوعی ارتباط با منبع خطاناپذیر معرفت، محتوای دین و تفسیر معصومانه قرآن را در اختیار همگان قرار می‌دادند. طبیعی است که در دوران غیبت، ارتباط ما با چنین معرفتی قطع است. از این رو نقش عالمان دینی و سنت اجتهاد در این دوران برجسته تر می‌شود.

۲۱۹- اولین مجموعه روایی در ابتدای دوره غیبت کتاب ارزشمند اصول و فروع کافی است که توسط دانشمند بزرگ شیعی، محمد بن یعقوب کلینی تنظیم گردید. بعد از وی شیخ صدوق با تلاش پیگیر و ملاقات با دانشمندان بسیار، موفق به تدوین کتابی ارجمند به نام «من لایحضره الفقیه» گردید.

۲۲۰- شیخ مفید از علمای عصر غیبت است که با تبحری که در مذاهب مختلف فقهی و کلامی یافت، موفقیت بسیار والایی را در حوزه تفکر اسلامی به دست آورد.

۲۲۱- سید مرتضی که از شاگردان شیخ مفید است و منزلت بسیار بالایی در شکل گیری علوم اسلامی در دوران غیبت دارد. وی افزون بر تلاش عالمانه اش در حوزه فقه شیعه، به گسترش تفکر عقلانی در علم کلام توفیق یافت.

۲۲۲- با ظهور شیخ طوسی اجتهاد شیعی وارد مرحله جدیدی شد. وی که بعد از استاد خود، سید مرتضی، متولی زعامت مذهبی شد، توانست شاگردان بسیاری را در حوزه درس خود گرد آورد. دو کتاب ارزشمند وی، یعنی «تهذیب» و «استبصار» در کنار کافی و من لایحضره الفقیه، کتب اربعه شیعیان را تشکیل می دهد. شیخ طوسی توانست پویایی سنت اجتهاد را به معنای دقیق کلمه، در حوزه تفکر شیعی راه بیندازد.

۲۲۳- تأمل و تدبر و تجزیه و تحلیل در منابع روایی که از دوران شیخ مفید آغاز گردیده بود، در زمان شیخ طوسی (م ۴۳۶ق) موقعیت بسیار مطلوبی یافت. علم کلام نیز با تلاش های شیخ طوسی از منزلت بالایی برخوردار گردید و به همت والای عالمان بزرگی چون خواجه نصیر الدین طوسی (م ۶۷۲ق) و علامه حلی موقعیت بسیار ممتازی پیدا کرد.

۲۲۴- وجود تفکر عقلانی در کنار توجه به منابع روایی، موجب گردید که فلسفه و تفکر عقلانی در مقوله هستی، در میان متفکران شیعی، جایگاه مناسبی بیابد چنانکه تأثیر علمای شیعی را در رشد و بالندگی فلسفه اسلامی و شکوفایی آن رادر فلسفه ملاصدرا، نمی توان نادیده گرفت.

۲۲۵- مسلک اخباری: در قرن یازدهم دانشمندانی ظهور کردند که مخالف تفکر عقلانی در فهم دین بودند و بر مجتهدانی که به قواعد عقلی اجازه دخالت در استنباط احکام می دادند، خرده گرفتند. اهتمام و توجه این گروه به اخبار و روایات، به تألیف مجموعه های بزرگ روایی انجامید، کتاب هایی مانند وسائل الشیعه، بحارالانوار و کافی از این دست است.

۲۲۶- در غیاب امامان، عالمان دینی معارف اسلامی را بر مبنای اجتهاد از منابع دین استنباط می کنند. بر این اساس مجتهد کسی است که توانایی استنباط احکام را دارا است.

۲۲۷- در فرهنگ شیعه، مراجع دینی عالمانی هستند که علاوه بر مرجعیت دینی از منزلت بالای اخلاقی و مدیریتی نیز برخوردارند. تقلید و تبعیت از آرای کسانی که واجد چنین صلاحیت هایی نیستند، جایز نیست.

۲۲۸- ویژگی های سنت اجتهاد عبارتند از:

(۱) غیر انحصاری بودن اجتهاد: یعنی اجتهاد ویژه صنف یا گروهی خاص نیست.

(۲) باز بودن باب اجتهاد: در چارچوب منابع دینی و ضوابط و قواعد استنباط، همواره هر فرد صاحبصلاحیتی می تواند دست به اجتهاد بزند و فردی که خود توانا بر اجتهاد و استنباط است، نمیتواند از دیگران تقلید کند، بر

خلاف دیدگاه اهل سنت که در احکام شرعی تنها در چهارچوب دیدگاه های اجتهادی تنی چند از مجتهدان خود حق دارند اظهار نظر کنند.

(۳) ضابطه مندی اجتهاد: فرایند رسیدن به فهم دین، تنها در صورتی که برخاسته از منطق خاص خود باشد، اجتهاد تلقی می شود. از این روی فهمی که برآمده از این منطق و ضابطه مند نباشد، «تفسیر به رأی» است و فاقد اعتبار.

۲۲۹- فهم ضابطه مند، همواره به حقیقت و حکم قطعی نمی انجامد. از این رو نظریه مجتهد، بر خلاف فهم امام معصوم لزوماً درک معصومانه ای از دین نیست، بلکه در نهایت، فهمی است که برای خود او و کسانی که از او تقلید می کنند، حجت و الزام آور است. بنابراین مرز میان اجتهاد و تفسیر به رأی، همان ضابطه مندی است.

۲۳۰- با اینکه عقل در کنار قرآن و سنت، یکی از منابع مهم فهم دین است و عقل و دین در هماهنگی کامل با یکدیگر قراردارند، نباید تمام دستاوردهای عقلی بشر را، در فهم دین وارد کرد.

۲۳۱- در دوران غیبت صغرا، سرپرستی امور شیعیان زیر نظر امام و از طریق نایبان خاص ایشان بود. با بسته شدن باب نیابت خاص، عالمان دینی، نایبان عام آن حضرت شناخته می شوند.

۲۳۲- در اندیشه سیاسی شیعه، حکومت از آن خدا است، پیامبر و امامان که حق تصرف در حوزه عمومی دارند و می توانند بر مردم فرمان برانند.

۲۳۳- نظریه نیابت: از دیدگاه شیخ مفید، اقامه ی حدود که نوعی تصرف در حوزه عمومی است، به دست امام و در صورت فقدان وی بر عهده نماینده ایشان است. بنابراین در دوران غیبت امام معصوم، فقط نماینده و نایب امام است که می تواند چنین اقداماتی را صورت دهد. بدین ترتیب حتی اگر حکومت وقت شخص صلاحیت داری را هم بر این منصب بگمارد، از نگاه این دانشمند شیعی، او در واقع به نمایندگی از سوی امام دارای چنین حقی شده است، نه به اعتبار منصبی که ازجانب حاکم غیر مشروع در اختیار او نهاده شده است.

۲۳۴- پرداخت مالیات های اسلامی، مانند خمس و زکات که در دوران غیبت، به عالمان دین، بر مبنای نظریه نیابت است.

۲۳۵- در اندیشه سیاسی عالمان شیعه، ولایت از آن معصوم است و هر فردی با فرض این که دارای صلاحیت های لازم باشد، به «نیابت از امام» اعمال ولایت می کند. به این معنا که ولایت، بعد از خدا و پیامبر از آن معصوم است و در دوران غیبت، عالمان دین به نیابت از امام آن سمت الهی را تصدی می کنند.

۲۳۶- عالمان دین همواره شرایط را برای اعمال ولایت سیاسی عامه مساعد نمی دیدند و گاه آن را امری در حد محال میدانستند. ولی هرگاه که می توانستند از این عنوان و سمت استفاده کنند، وارد عمل شده و یا به دیگران اجازه ی اعمال ولایت می دادند. مثلاً عالم بزرگ دوران قاجار، مرحوم کاشف الغطاء به پادشاه وقت، فتحعلی شاه قاجار اجازه می دهد که با روس ها بجنگد و از مرزهای کشور اسلامی ایران پاسداری کند.

قیام امام خمینی با هدف براندازی رژیم شاهنشاهی پهلوی که حرکتی سیاسی بود، ریشه در اصل فقهی نیابت ولی عصر (عج) داشت.

۲۳۷- اصل وجود نهاد ولایت، مبتنی بر نیاز ضروری و متکی بر فطرت انسانی است. این ضرورت در همه اعصار و زمان ها حضور داشته است. زیرا اجرای کامل دین در گرو تشکیل حکومت اسلامی است و چنین ضرورتی نمی تواند موقت و محدود به دوران حضور پیامبر و یا ظهور معصوم باشد.

۲۳۸- امام خمینی ولایت فقیه را امری بدیهی دانسته این گونه استدلال می کنند: شرایطی که برای زمامدار ضروری است، مستقیماً ناشی از طبیعت حکومت اسلامی است. پس از شرایط عامه، مثل عقل و تدبیر، دو شرط اساسی وجود دارد که عبارتند از:

(۱) چون حکومت اسلام، حکومت قانون است، برای زمامدار علم به قوانین لازم می باشد.

(۲) زمامدار بایستی از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار و «عادل» باشد و دامنش به معاصی آلوده نباشد.

۲۳۹- از تحلیل ماهیت و وظایف و لحاظ تناسب لازم میان «شاغل» و «شغل» می توان به این دو شرط (فقاقت و عدالت) برای ولایت فقیه رسید.

۲۴۰- ولایت، ملازم با دخالت در حوزه اختیار دیگران است، بر خلاف قاعده جاری در زندگی انسان ها است، زیرا اصل و قاعده این است که کسی حق تصرف و دخالت در امور دیگران را ندارد. بنابراین اصل بر عدم ولایت است. از طرفی، ولایت، ضرورتی اجتماعی است و بدون آن زندگی اجتماعی انسان ها سامان نمی یابد و فقدان آن مساوی با هرج و مرج است، که نه عقل و نه شرع آن را بر نمی تابد.

۲۴۱- اگر دلیل مبتنی بر «ضرورت تناسب میان شغل و شاغل» مورد قبول نیفتد برای اثبات مشروعیت نظام حکومتی به «قدر متیقن» استناد می ورزند.

۲۴۲- در گفتاری از رسول گرامی اسلام عالمان «خلفای پیامبر» معرفی شده اند. آن گرامی در پاسخ به این سوال که خلفای ایشان چه کسانی هستند، می فرمایند: «آنان که سنت مرا روایت می کنند.»؛ معهودترین تعریف برای خلافت، رهبری امت است. روای سنت معنایی عام تر و عمیق تر از ناقل سنت دارد. روای کسی است که صلاحیت شناسایی محتوای دیدگاه های دین را نیز دارا است. صرف ناقل حدیث بودن، هیچگاه در چنین منزلتی نمی نشیند.

۲۴۳- امام صادق علیه السلام، عالمان دینی را حاکمان اسلامی می شناساند: کسی که گفتار ما را روایت می کند و در حلال و حرامی که ما بیان کرده ایم مطالعه کرده و آنها را شناخته است. چنین شخصی را من حاکم قرار داده ام.

۲۴۴- امام خمینی در زمان شاهنشاهی، با توجه به حدیث نکته قبل، مراجعه به قضات حکومتی را رجوع به طاغوت دانسته و به شدت منع می کنند.

۲۴۵- امام عصر در پاسخ به نامه یکی از پیروان خود، درباره وظیفه مؤمنان در حوادثی که پیش می آید می فرمایند: «در حوادثی که واقع می شوند، به راویان احادیث ما مراجعه کنید چرا که آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا.»؛ منظور از

«حوادث واقعه» که در این روایت آمده، مسائل و احکام شرعیه نیست. بلکه منظور از «حوادث واقعه» پیشامدهای اجتماعی و گرفتاری هایی بوده که برای مردم و مسلمین روی می داده است.

۲۴۶- تا وقتی که حکومت اسلامی تشکیل نشده است عالمان مختلفی که همگی از صلاحیت لازم برخوردارند، دارای ولایتند و هر کدام می توانند در محدوده ای اعمال ولایت کنند به گونه ای که معارض و مزاحم ولایت دیگری نباشد. لیکن هرگاه فقیهی در مسأله ای اعمال ولایت کرد، دیگران باید آن حکم را بر خود حجت دانند و نقض آن را جایز نشمارند.

۲۴۷- پذیرش ولایت عالمان در دورانی که حکومت اسلامی تشکیل نشده است، در عرض یکدیگر می باشد.

۲۴۸- در فلسفه سیاسی شیعه، انقلاب اقدامی کور و نامشروع نیست، بلکه به واقع پذیرش ولایت نایبان امام در گستره ی اجتماع است. انقلاب پدیده ای است مشروع و موجه که پیامد پیروی و تبعیت از کسانی است که ولایت شرعی دارند.

۲۴۹- در طی مراحل انقلاب وقتی یکی از عالمان زمام رهبری را به دست گرفت، اقدام عالمان دیگر باید صرفاً در جهت تأیید و حمایت باشد.

۲۵۰- در مرحله استقرار حکومت اسلامی، به دلیل ماهیت حکومت که نیازمند حاکمیت تجزیه ناپذیر است، تنها یکی از عالمان در رأس قرار می گیرد و اعمال ولایت می کند، و دیگران نمی توانند در عرض او اعمال ولایت کنند. از این رو در این مرحله، مقوله «تعیین» دخالت می کند و سرانجام یک نفر بر دیگران رجحان می یابد.

۲۵۱- در قانون اساسی جمهوری اسلامی، «تعیین» از طریق خبرگان منتخب مردم صورت می گیرد.

۲۵۲- تعیین ولی فقیه توسط خبرگان با دو تفسیر متفاوت مواجه است:

۱) ولایت شخصی که دارای صلاحیت های لازم باشد، مشروط به انتخاب خبرگان است. یعنی علاوه بر صلاحیت های علمی و عملی، انتخاب نیز لازم است. (نظریه انتخاب)

۲) هر کسی که صلاحیت های لازم را دارد، از طرف دین و شریعت به این منصب گمارده شده است و عمل خبرگان صرفاً برای شناسایی و تشخیص است. انتخاب در اینجا واگذاری حق نیست، بلکه صرفاً برای تعیین صاحب حق است. (نظریه انتصاب)

۲۵۳- نظریه انتخاب و انتصاب، هر دو قائل به «تعیین» هستند.

۲۵۴- مدیریت و فن حکومتداری، تابع تخصص و آگاهی های مختلف است که بسیاری از آنها ارتباطی با احکام دینی و شریعت ندارند. ولایت و حکومت فقیهان و آشنایان به دین، هیچ گاه به معنای انزوای علوم، فنون، تجربه های بشری و تدبیر عقلانی نیست. بی تردید هر شخص با هر تخصص و آگاهی، اگر در مصدر مدیریت کلان جامعه قرار گیرد، به ناچار به تخصص های مختلف برای اداره ی امور نیاز دارد. حضور مدیر اسلام شناس در رأس هرم جامعه، از آن جهت است که ضمن به کارگیری تخصص های مختلف و هماهنگی هایی که لازمه مدیریت صالح است، نسبت به مطابقت تصمیمات با موازین کلی دین اسلام اشراف داشته باشد. مدیریت فقیه به این معنا نیست که تمام تصمیمات نظام مستقیماً برگرفته از فقه و بدون تکیه بر تجربیات و سایر علوم بشری است.

۲۵۵- ولایت عالمان دینی از دیدگاه نظریه سیاسی شیعه، به نیابت عالمان از امام معصوم باز می گردد، یعنی اعمال ولایت آنان به استناد اذنی است که امامان به ایشان داده اند.

۲۵۶- اگر معتقد باشیم که نیابت عالمان دین در حوزه های خاصی، مانند قضاوت است و یا در محدوده هایی است که ضرورت اقتضا می کند، در آن صورت قائل به نیابت محدود و یا ولایت مقیده شده ایم. اما چنانچه بر این باور باشیم که دایره اختیار فقیه محدودتر نیست و درست به اندازه اختیارات امام است و هر جا مصلحت اقتضا کند، ولی فقیه نیز از اختیارات لازم برخوردار است، در آن صورت قائل به نیابت عام یا ولایت مطلقه شده ایم. پس معنای مطلقه بودن، تساوی اختیارات ولایتی فقیه با امام در حوزه اختیارات معصوم است.

۲۵۸- ولایت پیامبر و امامان نیز محدود به ضوابطی است، زیرا حاکمیت آنان نمی تواند در تعارض با حاکمیت اراده خدا باشد و آنان در واقع مجری احکام و حدود دینند. بنابراین محدوده اصلی ولایت فقیه، قانون اسلام و اهداف دین است و نباید پنداشت که اراده مطلقه با پذیرش احکام دین سازگار نیست.

۲۵۹- مطلق بودن حکومت و ولایت اسلامی، امری است نسبی؛ به این معنا که در حوزه اختیارات حکومتی در چارچوب دین و مصالح مردم، حکومت محدودیتی ندارد. بنابراین نمی تواند بر خلاف مصالح مردم قدم بردارد. از همین جا است که گوهر ولایت فقیه از شیوه استبداد، فرسنگ ها فاصله می گیرد.

۲۶۰- هر جا حوزه عمومی و مصالح معطوف به آن، مقتضای اقدامی بود، ولی فقیه می تواند عمل کند. بنابراین مصالحی که در دایره زندگی خصوصی افراد قرار دارد و هیچگونه ارتباطی با حوزه عمومی نمی یابد، تحت ولایت مطلقه فقیه قرار نمیگیرد. ۲۶۱- در حکومت اسلامی، منفعت عمومی و مصلحت ملی در منظومه تفکر اسلامی و حاکمیت دینی امت اسلامی تعریف میشود. از این رو طبیعی است که در بسیاری از موارد مصلحت نظام اسلامی با مصلحت نظام های لائیک متفاوت باشد.

۲۶۲- ولایت مطلقه فقیه تعبیر دیگری از استمرار اختیارات امام معصوم در حوزه حکومت و مصالح عمومی است.

۲۶۳- نیابت و جانشینی عام یا ولایت مطلقه صرفاً عنوانی حقوقی و اعتباری است و هرگز به معنای آن نیست که فقیه در اوصاف و شخصیت علمی و اخلاقی، دارای همان کمالات است، زیرا کمالات امام و فضایل ایشان به دلیل صلاحیت هایی که در شخص او واجد است، از اموری نیست که با جعل و اعتبار به دیگران منتقل شود.

۲۶۴- علمای مختلفی از مدت ها پیش نظریه ولایت مطلقه فقیه را عنوان کرده اند، از جمله محقق کرکی، ملا احمد نراقی، میر فتح مراغی (دانشمند معاصر نراقی است که در کتاب عناوین، ولایت مطلقه را از مسائل مورد اتفاق علمای شیعه دانسته است)، شیخ محمد حسن نجفی (نویسنده جواهر الکلام) و سید محمد بحر العلوم.

۲۶۵- پذیرش اختیارات مطلقه، لازمه پذیرش حکومت است، چرا که ولایت مطلقه چیزی جز رعایت مصالح عامه در سرپرستی جامعه نیست.

۲۶۶- در اصل ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی، تعبیر ولایت مطلقه به صراحت آمده است: قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون، اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

۲۶۷- در طرح اصل ۱۱۰ در قانون اساسی، سخن از «اختیارات ولی فقیه» است.

۲۶۸- رهبر و ولی فقیه از آن جهت که خود فردی از افراد جامعه است، موظف به رعایت قانون است. چنانکه در اصل ۱۰۷ قانون اساسی نیز آمده است: «رهبر در قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.» در فقه اسلامی نیز به این نکته مهم اشاره شده است: نقض حکم حاکم حرام است حتی بر خود حاکم.

۲۷۰- همان طور که احکام اولی شریعت، گاه بنا به ضرورت و مصلحت بالاتر، به طور موقت تعطیل می شود. قانون نیز گاه به نفع مصلحت بالاتر به طور موقت اجرا نمی شود. البته گاه مصلحت در تغییر قانون است که در آن صورت از طریق متعارف و یا پیش بینی شده، صورت می پذیرد.

۲۷۱- مجمع تشخیص مصلحت نظام، نمونه ساختاری است که به رهبر مشورت می دهد و در مواردی که معضلات نظام از راههای عادی قابل حل و فصل نیست، حکم حکومتی مناسب را تحت نظارت رهبر، تصویب می کند و نیز در مواردی که شورای نگهبان، قانون پیشنهادی مجلس را معارض با احکام اولی شریعت می داند، مجمع تشخیص، می تواند قانون مجلس را به عنوان حکم حکومتی تصویب کند.

۲۷۲- عده ای پنداشته اند که جمع بین ولایت و جمهوریت، همراه نمودن دو عنصر ناسازگار با یکدیگر است. اشکال عمده این گروه بر قانون اساسی، همین تناقضی است که گفته آمد. بخشی از این اشکال از آنجا ناشی می شود که برخی گمان کرده اند ولایت از مقوله سرپرستی افراد صغیر و مجنون است. حال آنکه در این جا ولایت به معنای حکومت است، نه سرپرستی گروهی خاص از مردم.

۲۷۳- هیچ اجتماعی از ولایت به معنای حکومت بی نیاز نیست. لیکن در جامعه ای که متشکل از افراد دیندار است، حکومت آن، مبتنی بر حاکمیت و مرجعیت دینی خواهد بود.

۲۷۴- حکومت اسلامی از یک طرف خواست و اراده خداوند است. و از طرف دیگر، این خود مردمند که به این حاکمیت و ولایت تن داده و آن را پذیرا می شوند.

۲۷۵- پایه های حکومت دینی و عنصر ولایت را نمی توان در زمین جبر و اکراه بنا نهاد و حکومتی را که مردم نمی پذیرند، نه تنها فقیه بلکه امامان نیز آن را تعقیب نمی کنند. از این رو امام علی علیه السلام که حاکمیت و ولایت را حق شرعی خود می داند، آنگاه که از ایشان برای پذیرفتن حکومت دعوت می شود، آن قدر امتناع می ورزد تا آنکه خواست مردم به روشنی و بی شک و شبهه عیان می شود.

۲۷۶- جمع میان ولایت و جمهوریت دقیقاً در همین نقطه است، یعنی آنجا که مردم ولایت را آگاهانه پذیرا می شوند، همانطور که دین و دیانت را از سر هوشیاری و اعتقاد می پذیرند.

❖ فصل پنجم: زبان انگلیسی (خلاصه)

◀ افعال و زمان ها

ساختار جملات پایه مثبت و منفی در زبان انگلیسی عمدتاً به صورت زیر می باشد:

مفعول + فعل (to be) / مصدر + فاعل ⇒ مثبت

مفعول + not + فعل (to be) / مصدر + فاعل ⇒ منفی

?مفعول + فاعل + افعال to be ⇒ سوال

ابتدا در این مبحث به ساختار جملات با افعال to be که متشکل از سه فعل am/is/are می باشد می پردازیم؛ در جملاتی که فعل اصلی وجود ندارد لازم است تا افعال to be متناسب با فاعل به کار برده شود؛ در جدول زیر ساختار کلی و نحوه استفاده نشان داده می شود:

مثبت

I	Am	I'm
He	Is	He's
She		She's
It		It's
We	Are	We're
You		You're
They		They're

منفی

I	am not	I'm not
He	is not	He's not یا He isn't
She		She's یا She isn't
It		It's یا It isn't
We	are not	We're یا We aren't
You		You're یا You aren't
They		They're یا They aren't

سوال

Am	I?
Is	he?
	She?
	It?
Are	we?
	You?
	they?

نکته: گاهی اوقات در زبان انگلیسی فاعل جملات مربوط به اشخاص نبوده و از اسامی اشاره مانند There/Here/That/This می توان استفاده کرد که طبق توضیحات بالا برای اسامی اشاره منفرد از is و برای اسامی اشاره جمع از are استفاده می شود؛ به چند مثال دقت کنید:

1. There is a book on the table

2. Here are your books

◀ کاربرد فعل کمکی Used to

در زبان انگلیسی برای بیان عاداتی که از گذشته انجام میشده از گرامر خاصی خارج از بحث زمان های گذشته به کار گرفته می شود که همان used to و ساختار طبق توضیحات ادامه این فصل است. این مبحث به حقایقی نیز اشاره دارد که در گذشته درست بوده اند اما دیگر صحبت ندارند.

در حالت کل ساختار این بحث به صورت زیر است:

مثبت ⇒ **Subject + used to + verb (base form)**

منفی ⇒ **Subject + did not/didn't + use to + verb (base form)**

حال به چند مثال توجه کنید:

1. I used to brush my teeth every morning when I was student.

نکته مهم:

به دلیل استفاده از فعل کمکی "did not/didn't" در جملات منفی از انتهای "used to" حرف "d" حذف می شود؛ همچنین فعل مورد استفاده نیز به صورت ساده خواهد بود.

اکنون به بررسی نحوه سوالی کردن این جملات می پردازیم؛ که به دو صورت جملات پرسشی «بله یا خیر» (Yes/No Questions) و جملات پرسشی (Wh-questions) بوده و هر یک را توضیح خواهیم داد.

جملات پرسشی «بله یا خیر» (Yes/No Questions):

همانند سوالی کردن جملات زمان گذشته که از فعل کمکی "Did" استفاده می کنیم، در اینجا نیز از این فعل کمکی استفاده کرده و حرف "d" را از انتهای "used to" حذف می کنیم و فعل مورد استفاده نیز به صورت ساده خواهد بود:

Did + subject + use to + verb?

جملات پرسشی (Wh-questions): ابتدا کلمه پرسشی را می آوریم؛ سپس از use to (بدون «d»)، فاعل/ضمیر فاعلی و در ادامه از شکل ساده فعل استفاده می کنیم. به مثال ها توجه کنید تا بیشتر آشنا شوید:

1. What did you use to do after finishing university?
2. When did you use to go on vacation with your coworkers?

کاربرد get used to: در کل "get used to" برای بیان عادت های جدید به کار می رود. با اینکه برای تجربه های مثبت و منفی کاربرد دارد اما بیشتر برای موقعیت های منفی که در گذشته داشتیم به کار می رود.

Subject + get used to + noun/gerund

مفهوم get used to در زمان های مختلف به کار می رود و هر یک به صورت جداگانه توضیح داده می شود:

حال استمراری (Present Continuous) با get used to

در صورت تغییر فعل به زمن حال استمراری، نشان دهنده عادت کردن به شرایط جدید است. ساختار آن نیز به صورت زیر است

Subject + get+ ing + used to + noun/gerund

اکنون به مثال زیر دقت کنید:

1. I'm getting used to smell now.

حال کامل (Present Perfect) با get used to

برای نشان دادن شرایطی که عادت کرده ایم از ساختار زیر استفاده می کنیم:

Subject + have/has + got/gotten used to + verb

مثال:

1. They haven't gotten used to their new house yet.

گذشته ساده با get used to

اگر بخواهیم به چیزهایی که در گذشته عادت کردیم اشاره کنیم از این مفهوم طبق ساختار زیر استفاده می کنیم:

Subject + got used to + noun/gerund

مثال:

1. I got used to speaking in another language since I came here.

کاربرد Be used to: وقتی از be used to در جمله استفاده می کنیم، در واقع داریم درباره عادت هایی که الان داریم، حرف می زنیم. می توان برای موقعیت های مثبت و منفی استفاده کرد که فرمول کلی آن به شکل زیر است:

Subject + be used to + noun/gerund

به چند مثال دقت کنید:

1. I am used to noise from the construction site.

◀ زمان ها

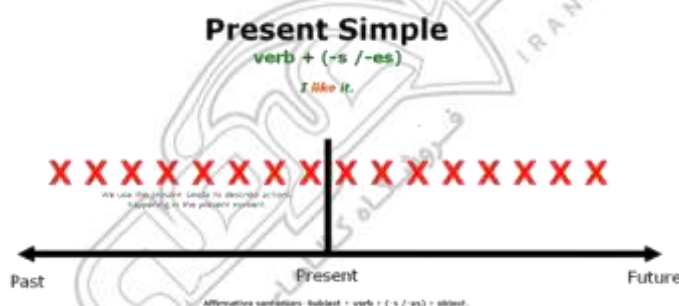
حال ساده (Simple Present)

در زمان حال ساده (Simple Present) معمولاً کارهایی بیان می شود که به کارهای روزمره اشاره می شود و ساختار جملات حال ساده در حالت کلی به صورت زیر می باشد:

قید + فعل اصلی (auxiliary) + فاعل ⇒ مثبت

قید + فعل اصلی + do/does not ⇒ منفی

قید + فعل اصلی + فاعل + Do/Does ⇒ سوال



نکته: در جملاتی که ضمیر سوم شخص (He/She/It) باشد در انتهای فعل اصلی s به کار برده شده و در جملات منفی نیز از does not/doesn't استفاده می شود همچنین در سوالات نیز فعل کمکی Does به کار می رود که در اینصورت حرف s از آخر افعال باید پاک شود.

◀ افعال خاص

از مباحث پرکاربرد دیگر آزمون های استخدامی به کارگیری افعالی خاص نظیر: ought to، must، Have to، May، Might، Can

can

این فعل به معنای به معنی توانستن بیان کننده زمان حال و آینده است و در گذشته به صورت Could به کار می رود که بعد از این افعال فعل به صورت ساده و بدون to به کار برده می شود و همچنین در سوالات و جملات منفی نیز از خود این افعال استفاده می شود. مثال:

1. I can ride bike now.

May – Might

این فعل به معنی شاید، احتمالا در جملات به کار می رود که فعل بعد از آن به صورت ساده و بدون to be می آید و در سوالات و جملات منفی از خود این فعل استفاده می شود.

Have to

به معنی اجبار است که در زمان حال به کار می رود در صورت استفاده در جملات گذشته به صورت had to نوشته می شود و فعل بعد از آن نیز به صورت ساده و بدون to است و همچنین با افعال کمکی did, do, does سوالی و منفی می شود و برای ضمیر سوم شخص منفرد (He/She/It) به جای Have to از Has استفاده شده و در سوالات نیز در صورتی که ضمیر سوم شخص منفرد (He/She/It) باشد از فعل کمکی Does و در نتیجه have to استفاده می شود.

Must

این فعل نیز به معنای اجبار و نتیجه گیری در زمان حال است، در صورت استفاده از این فعل در زمان گذشته فعل had to جایگزین این فعل می شود. مثال:

1. You must wear this jacket, the other one is washed and wet yet.

Ought to/Should

به معنی "باید" نیز در زمان حال و آینده کاربرد دارد و فعل بعد از آن ها به صورت مصدر بدون to به کار می رود؛ برای سوال و منفی سازی نیز از خود افعال استفاده می شود. مثال:

1. He ought to brush his teeth every night.

مبحث wish

در این مبحث فعل wish را بررسی می کنیم که کاربردهای مختلفی در جملات دارد؛ بعد از فعل wish که معنی آن "خواستن" است، فعل به صورت مصدر با to استفاده می شود. و در حالت کلی ساختار آن به شکل زیر است.

مصدر با to + (اسم/ضمیر) + wish + اسم

پس از فعل wish جمله ای به کار می رود که ممکن است یک آرزوی غیرممکن باشد که فعل جمله پیرو نسبت به قید زمان

یک زمان عقب تر است. اگر قید زمان حال باشد یا در جمله قید زمان نباشد فعل جمله پیرو به صورت گذشته ساده

استفاده می شود و در صورتی که فعل این جمله was/were باشد، در نوشتاری were و در زبان محاوره was به کار می

رود:

قید زمان حال + فعل گذشته ساده + فاعل + (that) + I + wish +

در صورتی که قید، زمان گذشته باشد، فعل جمله پیرو به زمان ماضی بعید به کار برده می شود.

فعل ماضی بعید (had (not) p.p) + فاعل + (that) + I + wish +

مثال:

I wish (that) I had passed the exam with a good score in pervious semester.

اگر قید، زمان آینده باشد در اینصورت فعل جمله پیرو به زمان آینده در گذشته به کار برده می شود:

مصدر بدون Would/could + to + فاعل + (that) + I + wish +

◀ جملات (شرطی - معلوم و مجهول - سببی - موصولی - مرکب)

◀ جملات شرطی (conditional sentences)

هر گاه انجام یک کار ملزم به تکمیل امر دیگری باشد یا امر دیگری را میسر کند شرط می گویند. جملات شرطی در انگلیسی همان If clause و جملاتی که نتیجه هستند همان main clause هستند.

شرطی نوع اول (آینده ممکن)

در شرطی نوع اول اگر در زمان حال کاری انجام شده باشد نتیجه آن در آینده مشخص می شود که دارای فرمول بوده و به اینصورت توصیف می شود:

If + simple Present, subject + will/won't + verb

یا

فعل + will/won't + فاعل + زمان حال ساده + If

◀ جملات مجهول و معلوم

در این فصل یک موضوع رایج در آزمون های استخدامی را بررسی می کنیم که مربوط به مجهول و معلوم بودن جملات است که هر یک دارای فرمولی بوده و باید براساس آن ساختار بندی شود.

معلوم: جمله ای را معلوم گویند که دارای فاعل باشد که فرمول یک جمله معلوم به صورت زیر است:

مفعول + فعل + فاعل

Ali teaches the students twice a week

مفعول فعل فاعل

مجهول: به جملاتی که دارای فاعل (کننده کار) مشخصی نباشد که در صورت از آن استفاده می شود: ۱. زمانی که نمی خواهیم

نام فاعل مشخص باشد. ۲. وقتی که اهمیت مفعول بیشتر از فاعل باشد و ۳. همچنین در گزارشات و اخبار نیز جهت زیبایی

در کلام. فرمول آن نیز به صورت زیر است

شکل سوم فعل (Past Participle | p.p) + to be + مفعول

9

شکل سوم فعل (Past Participle | p.p) + to be + مفعول

حال برای ساخت جملات مجهول ابتدا مفعول جمله را شناسایی می کنیم و سپس با مفهوم افعال to be آشنا شده و در مرحله آخر نیز شکل سوم فعل (Past Participle | p.p) فعل را به کار ببریم.
نکته: برای جملات استمراری فعل to be به صورت "being" و برای زمان های کامل "been" و برای زمان آینده ساده "be" خواهد بود.

◀ جملات سببی

اگر شخصی باعث انجام کاری شود یا شخص دیگری آن کار را انجام دهد، در صورت بیان آن از ساختار سببی استفاده می کنیم.

جملات سببی معلوم

در این جملات افعال سببی مشخص و معلوم می باشد و ساختار آن ها به صورت زیر است:

مفعول + فعل ساده (مصدر بودن to) + فاعل اصلی + فعل سببی have/get + فاعل سببی

مفعول + فعل ساده (مصدر بودن to) + فاعل اصلی + فعل سببی let/make + فاعل سببی

حال به مثال مرتبط توجه کنید:

1. I will have a mechanic repair my car tomorrow.

نکته مهم:

می توان از افعال (force, want, ask, request, cause) به جای فعل سببی معلوم get نیز استفاده کنیم. مثال:

◀ They asked me to water the flowers when they're not at home.

◀ جملات موصولی

عبارت موصولی (Relative Clause) بخشی از یک جمله است که اطلاعات مازادی را در مورد شخص یا چیزی می دهد و با ضمیر موصولی شروع می شود و جزو مباحث پرکاربرد در آزمون های استخدامی می باشد.

عبارات موصولی ضروری (Defining Relative Clauses)

عبارات موصولی ضروری (Defining Relative Clauses) اطلاعات مازاد و مهمی را درباره اشخاص یا چیزها به ما می دهند و به عبارت دیگر وجود این جمله واره ها ضروری بوده و بدون آن ها جمله کامل نیست. برای مثال جمله زیر را در نظر بگیرید:

Women who love wearing up heal shoes are common.

ضمیر	شخص	اشیا	مکان	زمان	دلیل
فاعلی	Who/that	Which/that	-	-	-
مفعولی	Who/whom/that	Which/that	Where	when	Why
مالکی	whose	Whose	-	-	-

ضمایر موصولی who، whom، which می توانند با that جایگزین شوند. می توان از who و that به جای whom استفاده کرد.

حذف ضمایر موصولی در عبارت های موصولی ضروری

ضمیر موصولی فقط در شرایطی می تواند حذف شود که به عنوان مفعول عبارت به کار برود. هنگامی که ضمیر موصولی در نقش فاعل باشد، نمی توانیم آن را حذف کنیم. معمولاً وقتی بعد از ضمیر موصولی، ساختار «فاعل + فعل» را داریم، می توانیم بگوییم که در نقش مفعول در جمله ظاهر شده است.

1. The mechanic who/that repaired this car is my uncle.

◀ جملات مرکب

جملات مرکب از چند جمله واره مجزا تشکیل شده اند که توسط حرف ربط به همدیگر وصل می شوند. برای درک جملات مرکب ابتدا به بررسی جملات ساده می پردازیم؛ جملات ساده شامل فاعل و فعل است و ممکن است مفعول نیز داشته باشد اما با این تفاوت که فقط از یک جمله واره مستقل تشکیل شده است. به مثال زیر توجه کنید:

1. She completed her driving courses.

اما جمله مرکب دارای حداقل دو جمله واره مستقل است که با حروف ربط یا نقطه ویرگول به یکدیگر متصل می شوند.

1. The theatre was crowded, so we didn't wait until the end.

در صورت استفاده از جمله ساده به صورت تکراری بار معنایی جالبی نخواهد داشت بنابراین از جملات مرکب برای بیان جزئیات ضمن حفظ رسایی کلام استفاده می شود.

کلمات ربط پرکاربرد که در جملات مرکب مورد استفاده قرار می گیرد را در ادامه ذکر می کنیم که در فصول قبلی هر یک توضیح داده شده است.

FANBOYS: For – and – nor – but – or – yet – so

جمله واره در زبان انگلیسی به دو دسته "مستقل" (Independent Clause) و "وابسته" (Dependent Clause) تقسیم می شود به اینصورت که در جملات مستقل اگر کلمات ربط حذف شود جملات ناقص نبوده و معنی خود را حذف می کنند. نکته مهم: حروف ربط هم پایه فقط دو جمله واره مستقل را به هم وصل می کند.

کاربرد نقطه ویرگول در جملات مرکب: جهت ایجاد ارتباط میان جمله واره های مستقل از "؛" نیز می توان به جای کلمات ربطی که ذکر شد استفاده کرد.

1. Call him two hours later; He will be back in then.

کاربرد قیدهای ربط در جملات مرکب: علاوه بر کلمات ربطی که به آن ها اشاره شد، می توانیم از قیدهای ربط مانند "moreover" یا "nevertheless" و "at the very least" استفاده کنیم که در اینصورت باید قبل از آن ها نقطه ویرگول و بعد از آن ها ویرگول بیاید. به مثال ها توجه کنید:

1. Jack wants to go to Italy; however, his friend doesn't want to go.

نکات طلایی پرکاربرد در آزمون های استخدامی این فصل:

۱. جمله مرکب حداقل دو جمله واره مستقل دارد و نمی توان از جمله واره وابسته استفاده کرد.
 ۲. اگر حرف ربط هم پایه بین دو جمله واره قرار نگیرد، می توانیم نقطه ویرگول به کار ببریم.
 ۳. کلمات ربط (FANBOYS) نشان دهنده ارتباط میان ایده های دو جمله واره است: مثلا «but» نشان می دهد که دو جمله واره نظر مخالفی دارند یا «and» بیان می کند که دو جمله واره ایده یکسانی دارند.
 ۴. باید توجه داشت که جمله مرکب حداقل از دو جمله واره مستقل تشکیل شده اما جمله پیچیده حداقل یک جمله واره مستقل و یک جمله واره وابسته دارد و از این دو نباید اشتباهی استفاده کرد. مثال:
1. Before John went to the party, he bought a gift for his friend.
۵. امکان ترکیب جمله مرکب و جمله پیچیده وجود دارد اما در اینجا به آن نمی پردازیم.

حروف ربط (تضاد - اضافه و تعریف - کاربرد حروف ربط)

حروف ربط تضاد

از مباحث دیگر در آزمون های استخدامی گرامر مربوطه به حروف ربط تضاد:

Although, even though, In spite of, despite می باشد که هر کدام دارای قواعد و کاربرد خاصی می باشند:

Although/ Though

این کلمه ربط با معنی "با اینکه، با وجود اینکه" برای متصل کردن دو جمله متضاد استفاده می شود، در واقع تمایز را نشان می دهد که مثال هایی را بررسی می کنیم:

Although/Though + subject + verb

نکته: یکی از تفاوت های اصلی Although و Though اگرچه هر دو یک مفهومی دارند اما Although بیشتر در جملات رسمی استفاده می شود اما Though در جملات محاوره ای کاربرد دارد و به عنوان قید می تواند معنای متفاوتی داشته باشد.

Even Though

این کلمه نیز همان مفهوم دو کلمه ربط قبلی (Although و Though) یعنی "با اینکه، با وجود اینکه" را دارد اما گاهی برای تاکید بیشتر Even را قبل از Though استفاده می کنیم. مثال:

1. I still feel hungry even though I had a big lunch.

Despite/In spite of

این کلمات نیز برای بیان اتفاقاتی است که غیر منتظره و غافلگیر کننده هستند و بعد از آن ها نیز اسم، ضمیر یا فعل ing دار استفاده می شود که ساختار آن به صورت کلی در حالت زیر است:

Despite/In spite of + Gerund

Despite/In spite of + Noun Phrase

حروف اضافه و تعریف

در این فصل در مورد حروف اضافه و article ها بحث می کنیم که یکی از مباحث اساسی در سوالات استخدامی به شمار می رود.

حرف اضافه (prepositions)

حروف اضافه شامل کلماتی هستند که قبل از اسم به کار برده می شوند تا ارتباط آن را با کلمات دیگر جمله نشان دهند که شامل (in)، (on)، (at)، (with)، (about)، (across)، (opposite)، (within)، (beneath)، (near)، (inside)، (outside)، (besides، beside)، (among)، (between)، (to)، (by)، (off)، (from)، (of)، (during)، (against)، (In time)، (on time)، (above)، (below)، (under)، (over)، (in front of)، (behind) می باشد.

۱. حرف اضافه (in)

این حرفه اضافه در مورد زمان قبل از ماه، فصل، سال و قرن کاربرد دارد. نکته: اگر جمله ای مربوط به زمان آینده ساده باشد، قبل از طول زمان حرف اضافه in به کار می رود. در مورد مکان مانند اشیای دارای حجم، قبل از شهرها، روستاها، کشورها، استانها، قاره ها و ایالت هاش، محل های مسقف نیز مورد استفاده قرار می گیرد:

in her bag - in Africa - in Tabriz - in Tehran - in class - in mosque - in building

۲. حرف اضافه (on)

این حرف اضافه قبل از روزهای هفته و ماه به کار می رود. در آدرس ها نیز همراه با نام خیابان استفاده می شود.

۳. حرف اضافه (at)

این حرف اضافه نیز قبل از دقیقه ساعت و آدرس هنگام ذکر شماره پلاک استفاده می شود نکته: قبل از کلماتی چون night، midnight، noon، dawn، midday، sunrise، sunset نیز از حرف اضافه at استفاده می شود.

۴. حرف اضافه (within – opposite – across - about)

* حرف اضافه about به معنی در اطراف، درباره در حدود، در شرف، نزدیک به می باشد.

* حرف اضافه across به معنی از یک سو به سوی دیگر می باشد که در جملاتی همچون عبور از خیابان و آدرس به کار می رود.

* حرف اضافه opposite نیز به معنی در مقابل یکدیگر، متضاد، مخالف، عکس هم دیگر، برعکس می باشد.

* حرف اضافه within با معنی در مدت یا در حدود به کار می رود.

۵. حرف اضافه (outside – inside – near - beneath)

* حرف اضافه beneath: معنی این حرفه اضافه در زیر یا دور از شان بودن است.

* حرف اضافه near به معنی نزدیک به اینصورت استفاده می شود.

* حرف اضافه inside به معنی داخل چیزی به اینصورت به کار می رود.

* حرف اضافه outside به معنی بیرون چیزی به اینصورت به کار می رود.

She was outside and it was raining.

نکته: تفاوت میان on time و in time را می توان در معنا توصیف کرد که on time به معنی سر وقت می باشد و in time معنی در موعد مقرر یا حتی زودتر.

۶. حرف اضافه (against): این کلمه به معنی علیه، برضد، برعکس می باشد.

۷. حرف اضافه (during): این حرف اضافه نیز به معنی در طول، در هنگام به کار می رود.

۸. حرف اضافه (of - off): حرف اضافه of مالکیت را نشان می دهد و همچنین به معنی (از) می باشد.

* حرف اضافه off با افعال مختلف به کار می رود و برای هر کدام معنی خاصی می بخشد. مثال:

Turn off: خاموش کردن >> چرخیدن = Turn

۹. حرف اضافه (by): این کلمه دارای معانی مختلفی است که اغلب قبل از وسایل نقلیه به کار می رود و معنی آن (با) یا (به وسیله) می باشد.

نکته اول: اگر در جمله قبل از وسیله نقلیه صفات ملکی یا حرف تعریف نامعین A باشد به جای حرف اضافه by ما in را قرار می دهیم.

نکته دوم: بعد از حرف اضافه by فعل باید به صورت ing دار (اسم مصدر) استفاده شود.

۱۰. حرف اضافه (till-until): در زبان فارسی با معادل (تا) هستند و در زمان به کار می روند.

۱۱. حرف اضافه (among - between): حرف اضافه among به معنی میان دو نفر یا دو اشیا به کار می رود اما between به معنی میان چند نفر یا چند شی است

۱۲. حرف اضافه (beside - besides): حرف اضافه beside به معنی (در کنار) می باشد اما besides به معنی علاوه بر، in addition to می باشد.

۱۳. حرف اضافه (below - above - under - over): حرف اضافه over به معنی بالا یا فراتر است و متضاد آن under به معنی زیر می باشد. Above مانند over به معنی بالا است اما بالاتر از آن محسوب می شود و همین طور متضاد آن below به معنی پایین و زیر می باشد.

۱۴. حرف اضافه (behind - in front of): حرف اضافه behind به معنی در پشت چیزی بودن است. اما حرف اضافه in front of به معنی در جلوی چیزی به کار می رود.

◀ کاربرد حروف ربط

در زبان برای بیان هدف از عبارت هایی استفاده می شود که هر یک کاربرد و موقعیت خاص خود را دارد. در این فصل به بررسی دو عبارت رایج و پرکاربرد به خصوص در آزمون های استخدامی و سایر آزمون ها، یعنی "in order to" و "so as to" پرداخته و هر یک را توضیح می دهیم.

۱. **in order to**: یک حرف ربط وابسته ساز (subordinating conjunction) است که برای اتصال یک جمله وابسته (subordinating clause) به جمله وابسته اصلی (main clause) و برای بیان هدف به معنی "تا" مورد استفاده قرار می گیرد. مثال:

1. I saved money **in order to** buy a new house.

در صورتی که بخواهیم این عبارت را در جملات منفی به صورت منفی به کار ببریم کفایت بعد از "order" کلمه "not" را اضافه کنیم. مثال:

1. I didn't tell my mother anything about accident **in order not to** make her upset.

۲. **so as to**: حرف ربط "so as to" برای بیان هدف به کار می رود که میتوان دو جمله ای که یکی بیانگر فعالیت و دیگری بیانگر هدف است را به ترتیب به هم متصل کرد که معمولاً در نوشتار کاربرد دارد. بعد از "so as to" شکل ساده فعل استفاده می شود. مثال:

1. He walks along this street so as to lose weight.

نکته مهم: استفاده از "so as to" تنها در صورتی مجاز است که فاعل دو جمله وابسته - جمله وابسته اصلی و جمله وابسته - یکسان باشد.

می توان so as to را در ابتدای جمله نیز به کار برد که بدین ترتیب جمله وابسته آغازگر جمله خواهد بود که در این صورت باید دو جمله وابسته را با یک ویرگول از هم جدا شوند. مثال:

1. So as to go to medical faculty, she studied really hard.

در صورتی که بخواهیم این عبارت را در جملات منفی به صورت منفی به کار ببریم کافیست بعد از "so as" از کلمه "not" استفاده کنیم:

1. I wrote a letter to the boss so as not to get canned

مقادیر - خواندن اعداد

این فصل نیز در مورد کلماتی است که قبل از اسامی برای توضیح در مورد مقدار به کار می رود. این کلمات شامل Some, any, much, many, few و little می باشد. حال اگر بخواهیم دسته بندی نماییم:

much, many, few به عنوان ضمیر شمارشی در جمله هستند و به مقادیر معینی اشاره دارند اما در حالی که Some و Any نیز هر دو "تعیین کننده کلی" هستند به عبارت دیگر به مقدار نامعین و نامشخصی اشاره دارند.

۱. **much و many**: از این ضمائر برای نشان دادن کمیت ها، مقادیر و اندازه استفاده می شوند که زمانی که اسم مورد نظر ما قابل شماره و جمع بندی باشد از ضمیر many و برای اسامی غیر قابل شمارش نیز از much استفاده می شود.

1. There are many trees on this street.

۲. **few و little**: این کلمات زمانی که به تنهایی به کار روند بیان کننده اندازه کمی از چیزی که انتظار داریم هستند. اما به یاد داشته باشید که few و little با حرف تعریف a نیز استفاده می شوند و بار معنایی مثبت را در اینصورت به خود می گیرند. حال به بررسی زمان استفاده از این کلمات می پردازیم:

کلمه little همراه با اسامی مفرد و غیرقابل شمارش به کار می رود و few نیز با اسامی جمع قابل شمارش استفاده می شود
She didn't want to immigrate but she had little choice.

۳. **some و any**: در صورتی که اسم ما غیر قابل شمارش باشد و مقدار آن مشخص نباشد از some و any استفاده می شود؛ به اینصورت که اگر جمله مثبت باشد some و در صورتی که منفی باشد any به کار می رود:

Take some of the food for your father.

۴. **no**: در صورت استفاده از no برای نشان دادن عدم موجودی اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش فعل به صورت مثبت خواهد بود که کلمه "no" بعد از فعل اصلی به کار برده می شود.

خواندن اعداد

در زبان انگلیسی اعداد به چند بخش "اعداد اصلی"، "اعداد ترتیبی"، "اعداد کسری"، "اعداد اعشاری" و "اعداد درصدی" تقسیم می شوند. اعداد اصلی همان اعداد ۱ تا بی نهایت است که به صورت روزمره استفاده می کنیم:

One- two – three – four – five – six – seven - ...

۱. **اعداد ترتیبی**: اعداد ترتیبی اعدادی هستند که بیانگر ترتیب هستند و از چند قانون کلی پیروی می کنند:

۱. در اعداد ترتیبی، در سه عدد ابتدایی قانون خاصی وجود ندارد، اما از عدد چهار به بعد به انتهای اعداد حرف th اضافه می شود.

First – Second – third – fourth – fifth – sixth – seventh – eighth – ninth – tenth-...

۲. در مورد مضارب ۱۰ نیز حرف th به انتهای عدد اصلی اضافه می شود.

Eleventh – twelfth – thirteenth – fourteenth – fifteenth – sixteenth – seventeenth – eighteenth – nineteenth

۳. برای ساختن اعداد ترتیبی سه رقمی و بزرگتر به یکان آن عدد، حرف th اضافه می کنیم و در صورتی که رقم یکان از اعداد اصلی ۱ تا ۳ باشند نیز طبق روال باید از قاعده مشخصی که در شماره ۱ ذکر شد، استفاده گردد.

۲. **اعداد کسری:** اعداد کسری برای نشان دادن قسمتی از کل به کار می روند، مانند: یک چهارم، دو هشتم و ...

برای خواندن اعداد کسری در انگلیسی ابتدا عدد بالایی (صورت کسر) را مانند اعداد اصلی می خوانیم و سپس عدد پایینی (مخرج کسر) را بصورت اعداد ترتیبی می خوانیم. مثال:

$1/4 = \text{one-fourth}$ یا $a \text{ fourth}$

در صورتی که اعداد صورت بیش از یک باشند و از آنجایی که اعداد ترتیبی قابل شمارش هستند، باید "s" را به عدد مخرج اضافه کنیم. مثال:

$2/3 = \text{two-thirds}$

در مورد شیوه خواندن کسرهایی با مخرج "۲" و "۴" استثنائاتی وجود دارد:

$3/4 = \text{three quarters}$

۳. **اعداد اعشاری:** اعداد اعشاری در زبان انگلیسی نیز از چپ به راست خوانده می شود اما باید طبق مراحل زیر آن ها را بخوانیم:

۱. ابتدا عدد اصلی (عدد قبل از اعشار) را به صورت معمولی می خوانیم.

۲. اعشار را با گفتن کلمه point یا «و» جدا می کنیم. در آخرین مرحله اعداد بعد از اعشار را می خوانیم. اعداد بعد از اعشار را به دو صورت می توان خواند. به نمونه ها توجه کنید:

$1,23 = \text{one point two three}$ یا $\text{one point twenty-third hundredths}$

نکته: اگر قبل از ممیز عدد صفر وجود داشته باشد، اعداد اعشاری را هم می توانید با صفر قبل از ممیز بخوانید و هم می توانید از گفتن صفر قبل از ممیز صرفنظر کنید. مثال:

$0.01 = \text{Zero point zero one}$ یا point zero one

برای خواندن اعداد درصدی ابتدا عدد اصلی را به صورت معمولی می خوانیم. سپس، کلمه percent را اضافه می کنیم. مثال:

$25\% = \text{twenty-five percent}$

۴. **خواندن سال ها:** خواندن اعداد سال ها کار پیچیده ای می باشد و قوانین خاص خود را دارد:

۱. در ابتدا دو رقم اول خوانده می شود سپس دو رقم دوم:

۱۹۶۴ = nineteen sixty four

۲. برای سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰، رایج ترین روش خواندن سال دو هزار و + عدد است:

۲۰۰۷ = two thousand and six

۳. برای سال های ابتدایی پس از ۲۰۱۰ ممکن است دو شیوه بیان متفاوت بشنوید که هر دو آنها صحیح می باشند.

۲۰۱۴ = two thousand and fourteen یا twenty fourteen

۴. وقتی یک سال به عددی بین ۰۱ و ۰۹ ختم می شود، قسمت آخر به عنوان عدد ۰ + رقم بعد از آن تلفظ می شود:

۱۹۰۸ = nineteen O four

۵. وقتی یک سال به ۰۰ ختم می شود (مثلاً ۱۹۰۰) آنگاه سال به عنوان ارقام قبل از ۰۰ و سپس صد گفته می شود:

۱۹۰۰ = nineteen hundred

۶. وقتی افراد به طول دوره یک قرن اشاره می کنند، یک S به انتهای آن اضافه می شود:

The 1900s = the nineteen hundreds (1900-1999)

۵. خواندن شماره تماس ها:

خواندن شماره تماس ها و تلفن ها به صورت تک به تک با ارقام اصلی خوانده می شود.

۳۴۴۹۰۶۱۲ = three - four - four - nine - zero - six - one - two

◀ نقش کلمات - پیشوندها و پسوندهای کلمات - کاربرد کلمات ربط - ترتیب

اسامی و صفات - قیدها - قیاس - تشدید کننده ها

◀ نقش کلمات

در زبان انگلیسی کلام از اجزای مختلفی تشکیل شده است که هر یک نقش خاصی را در جمله معین می کنند؛ اجزای کلام شامل هشت بخش است که عبارتند از:

۱. اسم ۲. ضمیر ۳. فعل ۴. صفت ۵. قید ۶. حرف اضافه ۷. حرف ربط ۸. حرف ندا

این اجزا نشان دهنده عملکرد کلمات به لحاظ دستوری است که یک کلمه ممکن است بیش از یک اجزای کلام داشته باشد و نقش های متفاوتی به خود بگیرد.

اکنون به بررسی این اجزا پرداخته و توضیحاتی را در این خصوص ارائه می کنیم:

اسم (Noun)

کلمه ای است که برای نامیدن شخص، مکان، شی و غیره به کار می رود. اسامی معمولاً با حروف تعریف معین و نامعین (a/an/the) که در فصل هفتم توضیح داده شده به کار می روند. اسم ها به دو نوع "عام" و "خاص" دسته بندی می شوند.

اسامی می توانند در حالت مفرد یا جمع، قابل شمارش یا غیرقابل شمارش به کار برده شوند. یک اسم می تواند نقش ای مختلفی در جمله داشته باشد که برخی از آن ها عبارتند از: فاعل، مفعول
حال به مثال زیر دقت کنید:

The young **boy** brought a **pencil** to draw his **picture**.

همانطور که توضیح داده شد، اسامی در دو نوع عام و خاص دسته بندی می شوند که شامل اسامی عام و کلی هستند مانند، country، اما اگر به اسم خاص یک کشور اشاره کنیم جزو اسامی خاص خواهد بود مانند: France.

اسامی در زبان انگلیسی به دو دسته دیگر "قابل شمارش" و "غیر قابل شمارش" نیز تقسیم می شوند.

۱/۱. **اسامی قابل شمارش:** اسم هایی که می توان آن ها را شمرد را اسامی قابل شمارش می نامند. این اسامی با حروف تعریف "a" و "an" یا اعداد می آیند. مانند:

A dog – A house – One pen – An elephant

در حالت جمع برای این اسامی حرف "s" و "es" اضافه می شود. مثل:

Trees – boxes – pencils

نکات مهم:

۱. در صورتی که اسم ما با حروف صدا دار (a,e,o,u,i,e) آغاز شود از حروف تعریف "an" استفاده می کنیم.

۲. در صورتی که آخر اسم حروفی مانند: X، O، SS، S باشد از حرف جمع "es" استفاده می کنیم.

۱/۲. **اسامی غیر قابل شمارش:** اسامی هستند که نمی توان آن ها را جمع بست و تعداد معینی مشخص کرد. اسامی غیر قابل شمارش، همواره به شکل مفرد کاربرد دارند، بنابراین از فعل مفرد برای آن ها استفاده می شود و استفاده از حرف تعریف درست نمی باشد. برای نشان دادن اندازه این اسامی از برخی واژه ها متناسب با اسم استفاده می شود که نیازمند به خاطر سپردن آن ها می باشد و قواعد خاصی برای آن ها تعریف نشده است. مانند:

A jar of honey - A bottle of water - A box of paper – a piece of music

همچنین از صفات شمارشی (Quantifiers) نیز برای نشان دادن اندازه این اسامی استفاده می کنیم که شامل:

a lot of - a little – some – much – a bit - any

این مباحث در فصل ۱۱ به طور مفصل توضیح داده شده است.

۱/۳. **اسم مصدر:** اگر به آخر فعل "ing" اضافه کنیم، آن فعل به اسم تبدیل می شود که به آن اسم مصدر می گویند و می تواند در نقش فاعل، مفعول نیز به کار برده شود که با ذکر مثال هر یک را توضیح می دهیم:

اسم مصدر در انگلیسی در نقش فاعل: در صورتی که اسم مصدر (ing + فعل) در ابتدای جمله بیاید آنگاه نقش فاعل را به خود می گیرد؛ مثال:

1. **Eating** fast food isn't healthy.

اسم مصدر در انگلیسی در نقش مفعول: علاوه بر فاعل، اسم مصدر (ing + فعل) می تواند مفعول جمله نیز واقع گردد. در این حالت، هم به عنوان «مفعول مستقیم» (Direct Object) و هم «مفعول حرف اضافه» (Object of Preposition) کاربرد دارد. مثال:

1. I hate **swimming** in the sea.

نکته مهم: همیشه بعد از حروف اضافه، اسم مصدر (ing + فعل) استفاده می شود. مثال:

1. I'm sorry for **being** late.

باید توجه داشت که کلمه مورد نظر باید از افعالی باشد که مفعول ing می گیرند. در غیراینصورت نمی توان ing اضافه کرد. حال به چند نمونه پر کاربرد در آزمون های استخدامی از افعالی که مفعول ing می گیرند توجه کنید:

Admit - enjoy - practice - recommend - finish - spend - suggest - consider - keep - stop

پیشوندها و پسوندهای کلمات

در این فصل به بررسی پیشوندها و پسوندهای کلمات در زبان انگلیسی می پردازیم و مثال هایی را ارائه می کنیم که در آزمون های استخدامی کاربردی بوده و به کسب نمره مطلوب در زبان انگلیسی کمک می کند.

در زبان انگلیسی کلمه از سه بخش "پیشوند - ریشه (Root) - پسوند" تشکیل می شود. ما در این فصل به بررسی پیشوندها (Prefix) و پسوندها (Suffix) کلمات می پردازیم. در کل ساختار به صورت زیر است:

(Prefix) + (Root Word) + (Suffix)

پیشوند ها (Prefix)

اگر در ابتدای کلمه از پیشوندهایی مانند a, pre, dis, re, un, im, ill استفاده کنیم، معنی کلمه تغییر می کند که هر کدام برای هر کلمه ای قابل استفاده نیست و باید شناختی از نحوه کاربرد این کلمات در ابتدای کلمات داشت. در واقع پیشوند نوعی تکواژ "Morpheme" محسوب می شود که نمی توان به واحدهای زبانی کوچک تر تقسیم کرد. اکثر پیشوند ها از یک یا دو هجا تشکیل شده اند اما برخی نیز سه هجایی هستند.

ناممکن impossible → ممکن possible - غیرقانونی illegal → قانونی Legal

قطع شدن disconnect → وصل شدن connect - بازنویسی rewrite → نوشتن write - تخریب undo → انجام دادن do
توقف ناپذیر nonstop → توقف stop - پیش نمایش preview → منظره view -

بیش از حد انجام دادن Overdo → انجام دادن do - نامتقارن asymmetrical → متقارن Symmetrical

غیر مطلع misinformed → مطلع informed - عدم مسئولیت irresponsible → مسئولیت responsible

همانطور که می بینید بعضی از پیشوندها بار منفی برای کلمه دارند و برخی معنی کلمات را عوض می کنند. از پیشوند در انگلیسی برای طبقه بندی کردن موضوعات علمی نیز استفاده می شود. به عنوان مثال پیشوند "bio" به معنی زیست زمانی که به عنوان پیشوند به کار می رود معنای زیستی به کلمه می بخشد مانند:

پیشوند "a" فقط قبل از کلماتی قرار می گیرد که با حروف بی صدا شروع شده باشند. مثال:

Political غیرسیاسی → apolitical

پیشوند "il" همیشه قبل از کلماتی به کار می رود که با حرف "l" شروع شده باشند. مثال:

Logical غیرمنطقی → illogical

پیشوند "im" همیشه قبل از کلماتی به کار می رود که با حرف "M" یا "P" شروع شده باشند. مثال:

Perfect ناکامل → imperfect

پیشوند "ir" همیشه قبل از کلماتی به کار می رود که با حرف "R" شروع شده باشند. مثال:

Rational غیر عقلانی → irrational

پیشوند "un" می توان به جای not به کار برد. مثال:

Necessary غیرضروری → unnecessary = not necessary

نکات طلایی: حروف ابتدایی برخی از کلمات انگلیسی ممکن است مشابه با پیشوند باشد اما در واقع آن حروف بخشی از «ریشه کلمه» (Root Word) هستند و نمی توان آن ها را جدا کرد، مانند کلمات زیر:

Adventure, important, irritate, discuss

اگر بخواهیم قبل از «اسامی خاص انگلیسی» (Proper Nouns) پیشوند بگذاریم، حتما از Hyphen استفاده می کنیم:

Anti-social – post-doctoral

برای جلوگیری از قرار گرفتن «حروف صدadar» (Vowel) مشابه کنار همدیگر از Hyphen استفاده می کنیم:

Re-enter – anti-inflammatory

البته این مورد برای تمامی کلمات کاربرد ندارد و کلماتی مثل cooperate استثنا هستند

◀ کاربرد کلمات ربط

در این فصل به بررسی کلمات ربط و نحوه کاربرد آن ها در زبان انگلیسی می پردازیم

در ابتدا گرامر Since را بررسی کرده و نحوه تشخیص کاربرد صحیح آن را در کنار for و because توضیح می دهیم.

Since - 1: Since به طور معمول در زمان حال کامل و گذشته کامل (به فصل ۱ رجوع کنید) استفاده می شود و می تواند نقش های متفاوتی در جملات داشته باشد.

* **کاربرد Since به عنوان حرف اضافه:** اگر بخواهیم به کاری در زمان گذشته اشاره کنیم که تا بعدها ادامه داشته باشد از Since استفاده می کنیم که در اینصورت به عنوان حرف اضافه در جمله به کار می رود.



* کاربرد Since به عنوان حرف ربط: در صورت ارائه علت یا توضیح کاری در جملات می توانیم از Since استفاده کنیم که در این صورت در نقش حرف ربط در جمله خواهد بود.

مثال:

1. Since he gets good marks, he will get the first chance in employment.

* کاربرد Since به عنوان قید: زمانی که Since در مورد فعل جمله اطلاعاتی ارائه کند در این صورت نقش قید را خواهد داشت:

1. They returned home to New York and have since worked as a firefighter.

-2 Because: در زبان انگلیسی استفاده از Because برای بیان علت مرسوم تر و پرکاربردتر از Since است لذا در بیشتر مواقع به جای Since برای بیان علت از Because استفاده می کنیم.

1. She was so dirty because she hadn't cleaned herself well.

مقایسه کاربرد Since و Because در جملات:

۱. معنی Since به معنی "از آنجایی که" اما Because به معنی "چون" و "به دلیل" است

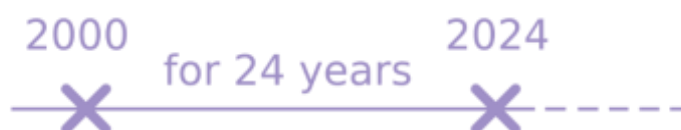
۲. میزان اهمیت Since در جمله کم است اما میزان اهمیت Because در جمله زیاد است.

۳. Since در ابتدا یا وسط جمله استفاده می شود در حالی که Because در وسط جمله قرار می گیرد.

۴. هر دو در جملات پرسشی قابل استفاده هستند.

در حالت کلی، Since را برای بیان دلیل یا علت غیرمستقیم که چندان اهمیتی ندارد استفاده می کنیم اما Because برای بیان دلیل و علت مستقیم با اهمیت زیاد کاربرد دارد.

-3 for: کلمه For برای ذکر بازه زمانی مشخص به کار می رود در حالی که Since به خود زمان اشاره دارد:



1. I studied this lesson for about 3 hours.

همچنین For با معنی "برای" در جملات کاربرد دارد:

1. I gave money for him to go to university in Canada.

-4 While: برای نشان دادن همزمانی دو اتفاق یا جهت اشاره به تضاد میان دو چیز از While استفاده می کنیم. که در زمان گذشته ساده یا حال ساده نیز به کار می رود به مثال های مرتبط دقت کنید:

1. You called me while I was driving.

در حالی که While می تواند در نقش اسم یا فعل در جمله نیز به کار برده شود:

1. We waited for him for a while.

ترتیب اسامی و صفات

در زبان انگلیسی رعایت ترتیب کلمات با توجه به نقش آن ها بسیار مهم بوده و عدم رعایت باعث ایجاد ساختار اشتباه می شود. بنابراین یک قاعده کلی در نظر گرفته شده تا براساس آن از ایجاد بی نظمی در ترتیب اسامی و صفات جلوگیری شود که ساختار آن به صورت زیر است:

اسم + جنس + ملیت + رنگ + اندازه + کیفیت + شماره

یا

شکار مجاز

حال به مثال زیر توجه کنید:

1. Two nice big black Iranian stony statue.

می توان برخی صفات را در کلمات حذف کرد اما همچنان ترتیب مهم می باشد.

1. Three small green hat.

قید ها

یکی از بخش های پر سوال در آزمون های استخدامی و اجزای کلام در زبان انگلیسی قید ها هستند. اگر بخواهیم درباره قید توضیح دهیم باید اشاره به ارائه اطلاعاتشان در مورد فعل جمله کنیم. البته قابل ذکر است که قیدها علاوه بر فعل به توصیف دیگر اجزای کلام نیز می پردازد. همچنین قید های دیگری را نیز توضیح می دهند و بار معنایی مثبت یا منفی ایجاد می کنند.

۱. قید زمان: این قید زمان وقوع فعل را نشان می دهد. مانند مثال های زیر:

1. Were you awake **yesterday** morning?

نکته: قید زمان yet که معنی آن هنوز است برای سوالاتی و منفی کردن جمله به کار می رود؛ عملی را نشان می دهد که فعلا اتفاق نیافتاده اما انتظار وقوع آن را داریم و معمولا در آخر جمله به کار برده می شود.

۲. قید مکان: این قید مکان یا موقعیت فعل را در جمله نشان می دهد که برخی از قیدهای مکان پرکاربرد را نام می بریم:

Across – over – under – in – out – backward – there – here – through – around – behind – far away – in the park – in this place – forward

۳. قید حالت: این قید بیانگر حالت و روند فعل است. یکی از راه های تشخیص قید حالت استفاده از پسوند ly در آخر کلمه است که اینجا بعضی از قیدهای حالت را نام برده و مثال می زنیم:

Happily – sadly – quickly – carefully – nicely – beautifully – thankfully – fast

۴. **قید مقدار:** این قید شدت و میزان عمل را نشان می دهد که می توان قید های زیر را در لیست قیده های مقدار قرار داد:

Completely – mildly – excessively – most – much – entirely – too – thoroughly – less – somewhat – enough – nearly

۵. **قید تکرار:** این قید تعداد و دفعات وقوع یک عمل را نشان می دهد. اهمیت این بخش در آزمون های استخدامی بالا می باشد لذا دقت کافی را داشته باشید. قید های تکرار به ترتیب طبقه بندی می شود و هر کدام دارای درجه خاصی می باشد.

◀ قیاس ها

برای مقایسه اشخاص و اشیا در زبان انگلیسی از قاعده خاصی پیروی می کنیم که یکی از مباحث پرکاربرد در آزمون های استخدامی و سایر آزمون های رسمی محسوب می شود. بنابراین به تفصیل هر یک از قیاس ها به صورت جزء به جزء می پردازیم.

در زبان انگلیسی برای مقایسه از دو صفت استفاده می کنیم که شامل موارد زیر است:

* صفات تفضیلی (Comparative Adjectives) * صفات عالی (Superlative Adjectives)

اکنون هر یک را توضیح می دهیم:

صفات تفضیلی (Comparative Adjectives)

برای مقایسه دو شخص یا اشیا از این نوع صفات استفاده می کنیم، به عنوان مثال دو شخص از لحاظ قد یا دو توپ از لحاظ رنگ و غیره. در زبان فارسی از پسوند "تر" استفاده می کنیم مثلاً بلندتر، بزرگتر و ... اما در زبان انگلیسی کاربرد آن ها به این سادگی نیست که قواعد آن را در ادامه توضیح می دهیم:

ابتدا باید برای یادگیری این صفات هجا یا سیلاب (Syllable) کلمات را یاد بگیریم تا بتوانیم آن را در این فصل به کار ببریم. سیلاب ها حروف «صامت ها» (Consonants) را به «مصوت ها» (Vowels) وصل می کنند و کلمه را شکل می دهند که هر کلمه از یک یا چند هجا تشکیل شده است؛ به عنوان مثال: کلمه big تک هجایی محسوب می شود در حالی که کلمه "teacher" به صورت "tea" و "cher" از دو هجا تشکیل شده است. پس از اطلاع از تعداد هجای صفت در صورتی که از یک یا دو هجا تشکیل شده باشد به انتهای صفت "-er" اضافه می شود و در صورتی که بیش از دو هجا داشته باشد در ابتدای صفت "more" به معنای بیشتر و "less" به معنای کمتر می آید. در حالت کلی ساختار این جملات به صورت زیر است:

Noun (subject) + verb + comparative adjective + than + noun (object)

مثال:

1. Jack is shorter than me.

◀ تشدید کننده ها

در این فصل قیود تشدید کننده را بررسی می کنیم که از دیگر مباحث آزمون های استخدامی می باشد.
دو ساختار قیدی برای بیان قیود تشدید کننده وجود دارد که به صورت زیر نشان داده می شود:

Such + a/an + adjective + noun + that

So + adjective/adverb + that + noun

از دیگر قیود تشدید کننده too و enough هستند که هر کدام با قاعده خاص در جملات به کار برده می شوند:
قید too به معنی "آنقدر که" به جمله بار معنایی منفی می دهد و به صورتی که نمی توان بعد از آن فعل منفی به کار برد و فعل بعد از آن نیز با مصدر با to استفاده می شود. حال به مثال زیر توجه کنید:

1. The milk is too hot to drink.

اما قید enough به معنی "به حد کافی" دارای بار معنایی مثبت بوده و همیشه قبل از اسم و بعد از صفت به کار می رود؛ همچنین فعل بعد از آن نیز با مصدر با to استفاده می شود. مثال:

1. I don't have enough money to fix the car.

یکی از قیود تشدید کننده، قیدهای همسان کننده هستند که به معنی "من هم همینطور" که عبارتند از: either, neither, so, too. کلمات too و So در جملات مثبت به کار می روند.
کلمات either و neither زمانی استفاده می شوند که جمله منفی باشد.

Neither do I او I don't either ⇒ در جملات منفی

So do I او I do too ⇒ در جملات مثبت

نکته اول: در جملاتی که از ضمیر سوم شخص مفرد (He/She/It) استفاده می شود از فعل کمکی does و doesn't در جملات منفی استفاده می شود.

نکته دوم: از nor هم می توان به جای neither استفاده کرد:

They don't like swimming in the lake nor do I.

کلمه very و So نیز برای نشان دادن مقدار یا تعداد زیاد به کار می رود و امکان استفاده از فعل بعد از آن وجود ندارد

◀ انواع ضمائر و مالکیت

در این فصل کلماتی را بررسی می کنیم که به جای اسم یا معادل آن نوشته می شود و هدف آن جلوگیری از تکرار اسم است.
به اسمی که ضمیر به آن ها اشاره دارد، «مرجع ضمیر» (Antecedent) می گویند و ضمیر بایستی با مرجع خود مطابقت داشته باشد.

ضمیر به چند نوع تقسیم می شود که شامل موارد زیر است:

۱. ضمیر فاعلی ۲. ضمیر مفعولی ۳. ضمیر ملکی ۴. ضمیر موصولی ۵. ضمیر اشاره ۶. ضمیر انعکاسی ۷. ضمیر نامعین ۸.
- ضمیر غیرشخصی ۹. ضمیر متقابل

اکنون به بررسی ۴ مورد از ضمایر بالا می پردازیم و توضیحات و نکات کاربردی در آزمون های استخدامی را بیان می کنیم:

۱. **ضمایر فاعلی (Subject Pronouns):** این ضمایر به جای فاعل در جمله به کار برده می شوند که آن ها در جدول زیر نشان می دهیم

I	We
He	You
She	You
It	They

با توجه به توضیحات ابتدایی فصل که اشاره به سازگاری ضمیر با فاعل جمله دارد، اگر مرجع مذکر باشد از ضمیر He و اگر مونث باشد ضمیر آن She و چنانچه خنثی باشد از It استفاده می شود. همچنین اگر فاعل اشاره به جمع داشته باشد از they به معنی آن ها و از we به معنی ما و همچنین از you به معنی شماها استفاده می شود حال مثال هایی را بررسی می کنیم:

I went to school by bus.

Ali loves his mother ⇒ He loves his mother.

۲. **ضمایر مفعولی (Object Pronouns):** ضمایر مفعولی جایگزین اسمی می شوند که نقش مفعول جمله را دارند. ضمایر مفعولی نیز باید با مرجع همخوانی داشته باشند. «Him» و «Her» تنها ضمایر مفعولی در انگلیسی هستند که از نظر جنسیت نیز با مرجع ضمیر مطابقت داده می شوند

در جدول زیر لیست ضمایر مفعولی مطابق با ضمیر فاعلی نشان داده می شود

ضمیر فاعلی	ضمیر مفعولی
I	Me
You	You
He/She/It	Him/Her/It
We	Us
They	Them

اکنون به مثال هایی در این مورد توجه فرمایید:

I asked **her** to invite Ali to the party.

My father called **me** yesterday.

۳. **ضمایر ملکی (Pronouns Possessive):** این ضمایر به مالکیت و روابط بین افراد اشاره دارد و تعلقات را نشان می دهد که در جدول زیر این ضمایر را می توانید مشاهده نمایید.

ضمیر ملکی	ضمیر فاعلی
Mine	I
Yours	You
His	He
Hers	She
Its	It
Ours	We
Yours	You
Theirs	They

برای به کارگیری این ضمایر در جملات می بایستی ابتدا مرجع ضمیر را پیدا کنیم که مثال های مرتبط را بررسی می کنیم:
I like your car. Do you like mine?

حال که در مورد ضمایر ملکی بحث کردیم، مالکیت در زبان انگلیسی را نیز در این فصل مورد بررسی قرار می دهیم. برای ساختن مالکیت، به اسم «s» اضافه می کنیم و به آن s «مالکیت» (Possessive 's) می گوییم. به علامت قبل از «s» نیز «آپاستروف» (Apostrophe) گفته می شود. اگر اسم جمع باشد و انتهای آن «s» جمع وجود داشته باشد، فقط بعد از «s» آپاستروف اضافه می کنیم:

This is Ali's book.

برای بیان مالکیت از حرف اضافه of نیز استفاده می شود که در اینصورت جای شخص و اسم عوض شده و s حذف می شود و بین اسم و شخص حرف اضافه of قرار می گیرد:

Jack's car ⇒ Car of Jack

۴. **ضمایر موصولی:** به فصل چهارم رجوع کنید.

۵. **ضمایر نامعین:** هنگام اشاره به اشخاص و اشیای ناآشنا و نامشخص از ضمایی که در ادامه توضیح خواهیم داد، استفاده می کنیم.

در ضمایر نامعین برای اشخاص، از دو پسوند "one" و "body" و پیشوند های "any" و "every" و "no" استفاده می شود در اصل شامل (nobody – no one - anybody – anyone – everybody – everyone – somebody – someone) هستند که هر یک در جملات نقش ضمیری را ایفا می کنند. somebody و someone برای افراد منفرد ناشناس به کار می رود و everybody و everyone به تمام افراد یک گروه یا به طور کلی به افراد اشاره می کند. anybody و anyone به محدوده

گسترده ای از افراد اشاره می کند که از anyone در به معنای "هرکس" در جملات مثبت و از anybody به معنای "هیچ کس" استفاده می شود. no one و nobody برای عدم مشارکت افراد در عملی، عدم داشتن شرایط خاصی یا نبود آن ها در مکانی استفاده می شود که جملات را منفی می کنند. که هر دو جمله را منفی می کنند. حال به چند نمونه از این ضمائر در مثال های زیر دقت کنید:

1. Someone left his bag in the office.

در ضمائر نامعین برای اشیا، از چهار پیشوند "some-"، "every-"، "any-" و "no-" استفاده می شود که در اصل شامل (nothing – anything – everything – something) هستند و هر کدام دارای کاربرد خاصی است. از Something برای اشاره به شی نامشخص استفاده می کنند و از Everything برای اشاره به کل یا تمام چیزها استفاده می کنیم. از ضمیر anything برای اشاره به محدوده نامحدود و غیرمشخصی از چیزها استفاده می کنیم که در جملات مثبت به معنی "هر چیزی" و در جملات منفی به معنی "هیچ چیزی" و در جملات سوالی "چیزی" است. همچنین Nothing برای اشاره به نبود چیزی استفاده می شود. حال به مثال ها دقت نمایید:

1. There is something in my bag.

4. There is nothing to tell you about Sara.

◀ نقل قول ها

در زبان انگلیسی برای بیان اتفاقاتی که قبلا رخ داده و افراد شاهد آن بوده اند یا آن کار را انجام داده اند و در آن لحظه مطلبی را بیان کرده اند و اکنون برای دیگری نقل می کنیم، از نقل قول استفاده می شود که به دو دسته: نقل قول مستقیم (Direct Speech) و نقل قول غیرمستقیم (Indirect Speech) تقسیم می شود و درباره هر یک توضیحاتی را ارائه می کنیم.

◀ نقل قول مستقیم (Direct Speech)

در این حالت جمله شخص گوینده عینا بازگو می شود و آن جمله داخل گیومه (Quotation Mark) قرار می گیرد. از نقل قول مستقیم معمولا در روزنامه ها و مجلات استفاده می شود. در این جملات فعل "say" در زمان گذشته "said" را بیشتر به کار می بریم اما علاوه بر این، از فعل های ask، reply، shout نیز می توان استفاده کرد.

مثال:

1. Ali said, "I'm very busy and I can't come."

◀ واژگان

برای پاسخگویی به بخش واژگان در آزمون های استخدامی زبان انگلیسی، باید دایره لغات خود را تقویت کنید و با تکنیک های پاسخگویی به سوالات واژگان آشنا شوید. در اینجا مراحل و نکات مهم برای موفقیت در این بخش آورده شده است:

۱. تقویت دایره لغات: استفاده از فلش کارت: لغات جدید را روی فلش کارت بنویسید و به طور منظم مرور کنید.

خواندن متون انگلیسی: روزنامه ها، مجلات، و کتاب های انگلیسی بخوانید تا با کاربرد لغات در متن آشنا شوید

۲. آشنایی با انواع سوالات واژگان معنای کلمه:

* سوالاتی که از شما می خواهند معنی کلمه ای را انتخاب کنید.

* **متضاد کلمه (Antonym):** سوالاتی که از شما می خواهند متضاد کلمه ای را انتخاب کنید.

* **هم معنی کلمه (Synonym):** سوالاتی که از شما می خواهند هم معنی یا مترادف کلمه ای را انتخاب کنید.

* **جای خالی (Cloze Test):** سوالاتی که از شما می خواهند کلمه مناسب را در جای خالی قرار دهید.

۳. تکنیک های پاسخگویی:

* **حذف گزینه های نادرست:** اگر معنی کلمه را نمی دانید، گزینه هایی که مطمئن هستید اشتباه هستند را حذف کنید.

* **توجه به ریشه کلمات:** برخی کلمات ریشه لاتین یا یونانی دارند که می تواند به شما در حدس معنی کمک کند.

* **توجه به پیشوند و پسوند:** پیشوندها (مانند dis, un-) و پسوندها (مانند -able, -less) می توانند به شما در فهم معنی کلمه کمک کنند.

* **خواندن جمله کامل:** در سوالات جای خالی، کل جمله را بخوانید تا مفهوم آن را بفهمید و کلمه مناسب را انتخاب کنید.

۴. تمرین و تست زنی:

* **حل نمونه سوالات:** نمونه سوالات واژگان آزمون های استخدامی سال های گذشته را حل کنید.

* **زمان بندی:** هنگام تمرین، زمان خود را مدیریت کنید تا در جلسه آزمون با کمبود وقت مواجه نشوید.

* **بررسی پاسخ ها:** بعد از حل سوالات، پاسخ های خود را بررسی کنید و لغاتی که نمی دانستید را یاد بگیرید.

۵. مرور منظم:

* **مرور لغات:** لغاتی که یاد گرفته اید را به طور منظم مرور کنید تا در حافظه بلند مدت شما ثبت شوند.

* **یادگیری در قالب جمله:** لغات جدید را در قالب جمله یاد بگیرید تا بهتر در ذهن شما بمانند.

۶. استفاده از دیکشنری

دیکشنری انگلیسی: استفاده از دیکشنری هایی مانند Oxford یا Cambridge به شما کمک می کند تا معنی دقیق کلمات را بفهمید.

با رعایت این نکات و تمرین مداوم، می توانید در بخش واژگان آزمون های استخدامی عملکرد خوبی داشته باشید. حال می توانید لغات دوره دوم متوسط را که اکثرا نمونه سوالات استخدامی از آن ها طراحی می شوند را در ادامه مشاهده و مطالعه کنید تا بهترین نتیجه را بتوانید در آزمون های استخدامی کسب کنید.

◀ **ریدینگ و پاسخ به سوالات این بخش**

برای خواندن و درک مطالب در زبان انگلیسی باید ابتدا با اهداف آن آشنا شد سپس به نحوه خواندن و پاسخ به سوالات پرداخت. در کل برای خواندن دو دلیل کلی وجود دارد؛ یا برای لذت بردن می خوانیم یا برای یک هدف خاصی مجبور هستیم. در این بخش به بررسی خواندن برای درک مفهوم یا همان gist می پردازیم.

در این حالت زحمت خواندن همه کلمات را به خود نمی دهیم و سعی می کنیم با خواندن بخش های خاص و مهم (skimming) اطلاعات ضروری را از متن درک کنیم. با گشتن به دنبال اطلاعات خاص با خواندن اجمالی بخش ها یا پاگراف ها علاوه بر رسیدن به هدف مورد نظر باعث صرفه جویی در وقت نیز می شویم.

استنتاج (inferring): قبلا توضیح داده شد که نیاز به خواندن کل متن نیست؛ همانند روش حدس زدن می توانیم حدس هایمان را بر پایه اطلاعات خود از جاهای دیگر متن استوار کنیم. به جای استفاده از واژه "حدس زدن" از واژه "استنتاج" استفاده می کنیم. در واقع متن نکاتی را بیان می کند، یا تذکر می دهد و بحث هایی را توضیح می دهد که شما به عنوان خواننده معنی واقعی آنچه خوانده اید را بازنویس یا بازگو می کنید که به این روش استنتاج می گویند.

استنتاج در ابتدا برای کلمات آشنا استفاده می شود که فرد با دیدن کلمات، اصطلاحات، ضرب المثل ها و غیره به سرعت به ذهنش می رسد اما این همیشه کارساز نبوده و ممکن است فرد با کلمات ناآشنا نیز مواجه شود.

استنتاج معنی کلمات ناآشنا: موفقیت در خواندن تا حدودی در اثر تسلط بر جوانب واژگان زبان تعیین می شود. در شرایط ایده آل باید دامنه وسیع واژگان یک زبان را داشته باشیم تا اینکه در درک یک پیام با مشکل مواجه نشویم. بندرت پیش می آید که همه کلمات موجود در یک متن را بدانیم، پس چگونه با کلمات ناآشنا برخورد کنیم؟ ما می توانیم معنی یک واژه را از متنی که در آن به کار رفته استنتاج کنیم. در واقع معنی یک واژه توسط مجموعه ای از شرایط که آن را در بر گرفته اند تعیین می شود و این در حالی است که معنی آن را از واژه دیگری متمایز می سازد. می توان در متن دو واژه پیدا کرد که از نظر املا یکسان بوده ولی دارای معنی متفاوتی هستند.

پیش بینی پیام ها: با خواندن ابتدای یک متن یا قسمت چکیده می توان فهمید که نویسنده در مورد چه چیزی می خواهد بحث کند بنابراین پیش بینی دور از انتظار نیست؛ پیش بینی همان حدس زدن نوشته های نویسنده است. با دو دلیل می توان گفته های نویسنده را پیش بینی کنیم:

۱. از طریق تجربیات گذشته یا نظریات بیان شده آشنا باشیم.
۲. نویسنده کلمات و عباراتی را به کار برده است که با کاربردهات آشنا هستیم.

صرف نظر از مطالب نا مرتبط: هنگام خواندن یک مطلب متوجه می شویم که حتی با صرف نظر از واژه های زیر هنوز می توانیم پیام را بفهمیم بنابراین همیشه دانستن معنی هر کلمه ضروری نیست. این نکته زمانی صدق می کند که به دنبال پاسخ به یک یا چند سوال هستیم و فرصت کافی برای پاسخ نداریم.

نکته مهم: توجه داشته باشید که اگر مجبور باشید واژه ای را به خاطر ناآشنا بودن از قلم بیاندازید باید اطمینان حاصل کنید که مفهوم پیام به آن واژه وابسته نیست

